

# لغة الإعلام

## في الصحافة العربية والفارسية

محمد خاقاني إصفهاني  
أستاذ في قسم اللغة العربية  
بجامعة اصفهان

### الأبحاث

السياسية - الاقتصادية - الثقافية - الأدبية - الإدارية - القانونية  
العلمية - الزراعية - الأمنية العسكرية - الطبية - الرياضية



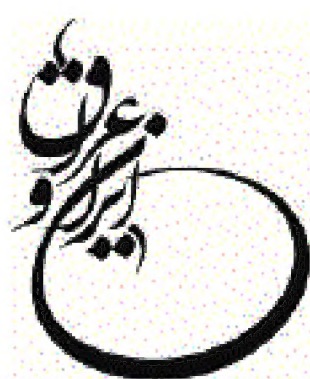
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



## لغة الإعلام

في الصحافة العربية والفارسية





سرشناسه	خاقانی، محمد، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	لغة الاعلام في الصحافة العربية والفارسية: الابحاث السياسية- الاقتصادية ... / محمد خاقانی اصفهانی.
مشخصات نشر	قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۲۹ ص.
فروست	علی هامش الموتر؛ ۶.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۲۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	زبان عربی -- واژه نامه ها -- فارسی
موضوع	زبان عربی -- اصطلاح ها و تعبیرها -- واژه نامه ها -- فارسی
رده بندی کنگره	:۶۶۳۶P ۱۳۹۳ خ۳ف/
رده بندی دیویی	:۷۳/۴۹۳ فا
شماره کتابشناسی ملی	:۳۷۱۵۰۶۱





في ظلال المؤتمر ٦/

# لغة الإعلام

## في الصحافة العربية والفارسية

محمد خاقاني إصفهاني  
أستاذ في قسم اللغة العربية  
بجامعة اصفهان

### الأبحاث

السياسية - الاقتصادية - الثقافية - الأدبية - الإدارية - القانونية  
العلمية - الزراعية - الأمنية العسكرية - الطبية - الرياضية



نشر مجمع الذخائر الإسلامية / ٢٠١٥ م  
بمساعدة جامعة اصفهان

بمناسبة المؤتمر الدولي الأول للتراث المشترك بين إيران و العراق  
٢٠١٥ م / ١٤٣٦ هـ

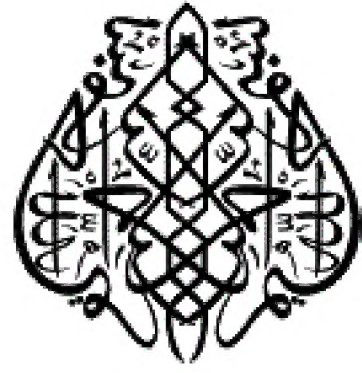




مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی







کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می‌باشد.

© MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH, 2015

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher



مجمع ذخائر اسلامی  
با همکاری دانشگاه اصفهان



صفحه آرا: روح الله علی زاده  
چاپ: ظهور / صحافی: نفیس  
نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ ش (۲۰۱۵ م)  
تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۲۸-۹

ارتباط با ناشر

قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی  
تلفن: ۰۹۸۲۵۳۷۷۱۳۷۴۰ + دورنگار: ۰۹۸۲۵۳۷۷۰ + همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۴۳۳۵

نشانی پایگاههای اینترنتی:

[www.zakhair.net](http://www.zakhair.net)

[www.mzi.ir](http://www.mzi.ir)

[info@zakhair.net](mailto:info@zakhair.net)

[info@mzi.ir](mailto:info@mzi.ir)

قیمت در سال انتشار: ۳۰.۰۰۰ تومان



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه همایش.....	۱۰
۱. المصطلحات السياسية.....	۱۲
۲. المصطلحات الاجتماعية.....	۳۴
۳. المصطلحات الاقتصادية.....	۵۲
۵. المصطلحات الأدبية.....	۷۸
۶. المصطلحات الإدارية.....	۹۲
۷. المصطلحات القانونية.....	۱۰۰
۸. المصطلحات العلمية.....	۱۰۸
۹. المصطلحات الطبية.....	۱۲۰
۱۲. المصطلحات الرياضية.....	۱۴۴
۱۳. الأخطاء الشائعة في الإعلام العربي.....	۱۵۰
۱۴. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية.....	۱۵۶
فهرس الأفاظ الفارسي.....	۱۶۸
فهرس الألفاظ العربية.....	۱۹۸
فهرس المصادر.....	۲۲۸





## مقدمه همایش







## ۱. المصطلحات السياسية

۱	أمر: المؤامرة	توطئه
	المؤامرات الاستكبارية تهدف إلى الحؤول دون تقدم بلدان العالم الثالث	توطئه های استکباری ، بمنظور جلوگیری از پیشرفت کشورهای جهان سوم اجرا می شود
۲	أول: الآيل	راجع ، مربوط
	بحث مع نظيره في السُّبُلِ الآيَلَةِ إلى تفعيل العلاقات الثنائية ، ولا سيما على الصعيدين الاقتصادي والسياسي	با همتای خود در مورد راههای مربوط به کارآمد کردن روابط دوجانبه بویژه در بخشهای اقتصادی و سیاسی گفتگو کرد
۳	بد (بدد) : التبدد	زایل شدن
	اعتبر أن هذه الأزمة رعدٌ ، تَبَدَّدَ بعده الغيومُ	گفت : این بحران مانند رعدی است که پس از آن ابرها مرتفع می شوند
۴	بدر: البادرة الودّية	اقدام دوستانه
	بادرة وُدِّيَّة من قِبَلِ الدُولِ المُجاوِرة	اقدامی دوستانه از سوی کشورهای همجوار
۵	بدر: المُبادرة	پیش قدم شدن
	أخذ بِزِمَامِ المُبادرة	زمام امور را در دست گرفت
۶	بَرَر: التبرير	توجیه کردن
	ثمة انطباع سائد منذ فترة ، بأن سياسة "الاحتواء المزدوج" أمام العراق وإيران، فقدت مبرراتها	مدتی است این فکر قوت گرفته است، که سیاست "محاصره دوگانه" در برابر عراق

المَوْضُوعِيَّةُ	وايران ، ديگر قابل توجه نیست
۷ برق : الإبراق النُّوَابُ أَبْرَقُوا لِرَئِيسِ الْجُمْهُورِيَّةِ ، مُهَنِّئِينَ فَوْزِهِ فِي الانتخاباتِ	ارسال تلگراف نمایندگان با ارسال تلگرافی (پیامی) ، پیروزی رئیس جمهوری در انتخابات را به او تبریک گفتند
۸ بَسَطَ : بِسَاطِ الْبَحْثِ طَرَحَ موضوعاً (مسألةً) على بِسَاطِ الْبَحْثِ	دامنه گفتگو موضوعی را به جریان بحث و بررسی گذاشت
۹ بَصَمَ : الْبَصْمَةُ وَضَعَ الْبَصْمَةَ على صَكِّ الاستِسْلَامِ ، بدون أيِّ شروطِ	اثر انگشت پای چک سازش بدون هیچ شرطی انگشت زد
۱۰ بَطَّوْ : التَّبَاطُؤُ أَبْدَى قَلْقَهُ بِشَأْنِ تَبَاطُؤِ عَمَلِيَّةِ السَّلَامِ	کندی (کند شدن) نگرانی خود را از کندی روند صلح ابراز داشت
۱۱ بَلَسَمَ : الْبَلَسَمُ من شَأْنِ هذه المُبَادَرَةِ ، أَنْ تَكُونَ بَلَسَمًا لِجِرَاحٍ ، يُعَانِي منها الجميعُ	مرهم زخم ، پماد این ابتکار می تواند مرهمی باشد برای جراحی که همه از آن می نالند (رنج می برند)
۱۲ بَلَوَ : الْمُبَالَاةُ تَدَدَ بِلَا مُبَالَاةٍ المجتمعِ الدوليَّ تَجَاهَ الْكَيْلِ بِمِكْيَالَيْنِ	اهتمام بی توجهی بین المللی نسبت به اعمال سیاست دوگانه (يك بام و دو هوا) را محکوم کرد
۱۳ بَنَى : التَّبْنِي تَبَّتَ دَوْلُ حَرَكَةٍ عَدَمِ الانْحِيَاذِ اِعلَانًا ، حَثَّوْا فِيهِ حُكُومَاتِهِمْ على جَمِيعِ الإِجْرَاءَاتِ الْمُتَاحَةِ الْكَفِيلَةَ بِالتِّزَامِ إِسْرَائِيلَ مُرْجِعِيَّةً مُؤْتَمَرِ مَدْرِيدَ	بنا کردن ، منصبدی کاری شدن کشورهای جنبش عدم تعهد ، با صدور اعلانیه ای ، دولتهای خویش را به اجرای کلیه اقدامات لازم ، برای ملزم ساختن اسرائیل به پذیرش مفاد کنفرانس مادرید ترغیب نمودند



۱۴	بوء : البوء بالفشل التخطيط الأمريكي باء بالفشل	به شکست منتهی شدن نقشه آمریکا به شکست منتهی شد
۱۵	ترك : التترك بغداد تحذر من حملة تترك الأكراد في الشمال	ترکی کردن بغداد نسبت به اقدامات ترکی نمودن کردها در شمال هشدار داد
۱۶	ترویکا : الترویکا زار وفد الترویکا الأوروبية إسرائيل وسوريا ، للمساهمة في بدء المفاوضات	مثلث هیأت سه جانبه اروپائی ، برای مشارکت در شروع گفتگوها (مذاکرات)، از اسرائیل وسوریه بازدید کرد
۱۷	تلفز : اللقاء المتلفز اشترك فخامة الرئيس في لقاء متلفز، لتسليط الأضواء على الأوضاع الراهنة	گفتگوی تلویزیونی جناب رئیس جمهور ، برای تشریح وضع موجود ، در یک گفتگوی تلویزیونی شرکت کرد
۱۸	توج : التتويج يتوج رئيس الوزراء السوري زيارته إلى موسكو ، بـلقائه ليوم مع نظيره الروسي	قراردادن کاری در سرلوحه اعمال در رأس برنامه های بازدید نخست وزیر سوریه از موسکو ، دیدار امروز او با همتای روسی اوست
۱۹	تير : التيار السياسة الخارجية الفرنسية تسير في الشرق الأوسط بعكس تيار أوروبي كبير	موج سیاست خارجی فرانسه در خاور میانه، در جهت مخالف یک جریان اروپائی قوی است
۲۰	تیه : المتاهات رئيس الحزب حذر مخالفيه من مغبة الغرق في المتاهات	بیراهه ها رئیس حزب ، مخالفان خود را از سر انجام غرق شدن (افتادن) در بیراهه ها بر حذر داشت
۲۱	ثغرة : الثغرة حاولوا لفتح ثغرة على الهيمنة الأمريكية	رنخه ، شکاف کوشیدند بر سلطه آمریکا رخنه ای وارد سازند



جَدَى گرفتن این هشدار را جدی نگرفت	جَدَّ : الجَدَّ لَمْ يَأْخُذْ هَذَا التَّحْذِيرَ عَلَى مَحْمَلِ الجَدِّ	۲۲
بی فایده سخنگوی وزارت خارجه ایران ، ابراز امید واری کرد ، که جامعه کشورهای اروپائی ، دست از موضعگیری های بیهوده سابق خود در برابر ایران بردارد	جَدَوُ : عَدِيمُ الجَدْوَى تَوَقَّعَ النَّاطِقُ بِلِسَانِ الْخَارِجِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ أَنْ تُنْهِيَ دَوْلُ الْإِتِّحَادِ الْأُورُوبِيِّ ، الْمَوَاقِفَ السَّابِقَةَ الْعَدِيمَةَ الْجَدْوَى تَجَاهُهَا	۲۳
کشیده شدن ملعبه دست شدن	جَرَّ : الْأَنْجِرَارُ الْأَنْجِرَارُ وَرَاءَ اللَّعْبَةِ	۲۴
پارلمان مجلس شورا آقای خودش است ، (تحت سلطه نهاد دیگری نیست)	جَلَسَ : الْمَجْلِسُ الْمَجْلِسُ النَّيَابِيُّ سَيُّدُ نَفْسِهِ	۲۵
تشریفات يك بازديد تشریفاتى انجام داد	جَمَلَ : الْمُجَامَلَةُ قَامَ بَزِيَارَةً مُجَامَلَةً	۲۶
اوضاع و احوال از زاویه حادثه اخیر ، وضعیت را مورد بررسی قرار دادند	جَوَّ : الْأَجْوَاءُ دَرَسُوا الْأَجْوَاءَ فِي ضَوْءِ الْحَدَثِ الْأَخِيرِ	۲۷
دیدار رفت و برگشت بازدید مکرر خود را برای جلوگیری از توسعه بحران آغاز کرد ( بازدید مکرر خود را به منظور جلوگیری از شدت گرفتن بحران آغاز کرد)	جَوَلَ : الْجَوْلَةُ الْمَكْوَكِيَّةُ بَدَأَ جَوْلَتَهُ الْمَكْوَكِيَّةَ ، لِلْحَدِّ مِنْ تَقَاظُمِ الْأَزْمَةِ	۲۸
موافقت مبدئی کلیات معاهده را امضا کرد	حَرْفَ : التَّوْقِيعُ بِالْأَحْرَفِ الْأُولَى وَقَعَ عَلَى الْإِتْفَاقِيَّةِ بِالْأَحْرَفِ الْأُولَى	۲۹
سهم این امر ، با اصل تقسیم سهمیه ها منافات دارد	حَصَّ : الْحِصَّةُ هَذَا يُنَافِي وَمَبْدَأُ تَقَاسُمِ الْحِصَصِ	۳۰
مصونیت	حَصَنَ : الْحِصَانَةُ	۳۱

وَأَفَقَ الطَّرْفَانِ عَلَى إعْطَاءِ الْحِصَانَةِ الدِّبْلُومَاسِيَّةِ	دو طرف , با اعطای مصونیت دیپلوماتیک به یکدیگر موافقت کردند
۳۲ حَظَرُ: الْحَظَرُ أَمَامَهُ فُرْصَةٌ ثَمِينَةٌ لِاسْتِعَادَةِ دَوْرٍ , كَانَ مَحْظُورًا عَلَيْهِ	ممنوعیت او فرصتی گرانبها (استثنایی) برای دستیابی مجدد به ایفای نقشی دارد , که قبلاً از آن محروم بود
۳۳ حَظَرُ: الْحَظَرُ الْحَظَرُ عَلَى السَّفَرِ بِدُونِ التَّأْشِيرَةِ	ممنوعیت ممنوعیت مسافرت بدون ویزا
۳۴ حَظَرُ: حَظَرُ الطَّيْرَانِ قَرَّرَ مَجْلِسُ الْأَمْنِ الدُّوْلِي إِبْقَاءَ الْحَظَرِ الدُّوْلِي عَلَى رَحَلَاتِ الطَّيْرَانِ مِنْ وَالى لِيِيا , لِمَنْعِهَا تَسْلِيمَ مَتَّهَمِينَ يَشْتَبَهُ بِتَوْرِيْطِهِمَا فِي تَفْجِيرِ طَائِرَةِ أَمِيرِكِيَّةِ	ممنوعیت پرواز شواری امنیت سازمان ملل متحد , بدلیل ممانعت لیبی از تسلیم دو نفر که متهم به دست داشتن در انفجار يك هواپیمای آمریکائی هستند, ممنوعیت پرواز های بین المللی از این کشور وبه سمت آن را مجدداً تمدید کرد
۳۵ حَظَرُ: الْحَظَرَةُ زِيَارَةُ رَئِيسِ الْجُمْهُورِيَّةِ حُظِيَتْ بِتَأْيِيدٍ لَافٍ	منزلت , شکوه بازدید رئیس جمهور مورد استقبال چشمگیری قرار گرفت
۳۶ حَظَرُ: التَّحْفُظُ أَبْدَى تَحْفَظَاتٍ إِزاءَ الْمَوْضُوعِ	احتیاط کاری واجتناب در این باره تحفظاتی از خود نشان داد (محتاطانه عمل کرد) (در قبال این مسئله جانب احتیاط را در پیش گرفت)
۳۷ حَظَرُ: الْحَفِظَةُ الْإِتِّفَاقِيَّةُ الْمُوقَّعَةُ أَخيراً أَثَارَتْ حَفِظَةً بَعْضُ الدُّوْلِ	خشم قراردادی که اخیراً امضا شد , خشم برخی از کشورها را برانگیخت
۳۸ حَاحِلُ: حَالِحَةُ الْأُمُورِ رَحَّبُوا بِدَوْرِ أَمْرِيكِي فِي حَلِّحَةِ الْأُمُورِ الَّتِي	رتق وفتق امور از ایفای نقش آمریکا در حلّ وفصل



ناهمواریهای موجود بر سر راه روند صلح ، استقبال کردند	تُعَرِّقُ عملية السلام	
عدم تعهد جنبش عدم تعهد انسجام درونی خود را از دست داده ، ولذا نقش قابل توجهی برای آن پس از پایان یافتن جنگ سرد باقی نمانده است	حوز: عدم الانحياز لم يَعدْ لِحَرَكَةِ عَدَمِ الانحيازِ أيُّ دَوْرٍ يُذَكِّرُ، بعدَ ائْتِهَاءِ الحربِ الباردةِ ، لَأَنَّهَا فَقدَتْ تَرابُطَهَا	۳۹
تلاش کوشیدند اختلافات خود را تسویه کنند	حول: المحاولة حاولوا التوصل إلى تسوية بينهم	۴۰
کنترل (کردن) باید برای کنترل پیامدهای بحران ، با سهل ترین روشهای ممکن فوراً اقدام کرد	حوی: الاحتواء يجب العمل فوراً على احتواء مُضَاعَفَاتِ الأزمَةِ ، بأَسْهَلِ طَرِيقَةٍ مُمْكِنَةٍ	۴۱
بن بست مذاکرات هنوز به بن بست نرسیده است	حیط: الحائط المسدود لم تصل المفاوضات بعد إلى الحائط المسدود	۴۲
رعایت احتیاط باید با هوشیاری ودقت با امور سیاسی برخورد کرد	حیط: الحیطة لا بدّ من أخذ الحیطة والحذر ، في التعاطي مع الأمور السياسية	۴۳
بیانیه ضعیف (خجالت زده) شواری امنیت ، بیانیه سستی در مورد تجاوزات صهیونیستها صادر کرد	خجل: البيان الخجول مجلس الأمن أصدر بيانا خجولا بشأن الاعتداءات الصهيونية	۴۴
ناکام ماندن در برطرف کردن اختلافات از طریق گفتگوهای مستقیم ناکام ماند	خفق: الإخفاق أخفق في تسوية الخلاف بالمفاوضات المباشرة	۴۵
مخفی ، پوشیده صدور این نوع بیانیه ها را نوعی حرکت‌های عادی قلمداد کرد ، که بر کسی پوشیده نیست	خفي: الخافية وصف إصدار هذه البيانات بأنها ممارسات معتادة ، لم تعد خافية	۴۶
ایجاد اختلال	خلخل: الخلخلة	۴۷



القول بأزمةٍ مُستعصيةٍ في البلد ، يُعطي الأمل لمن يريد خَلْخَلَةَ الاستقرارِ القائم	سخن گفتن از وجود بحرانی سخت در کشور، دل کسانی را که قصد دارند امنیت موجود را بر هم زنند امیدوار می کند
٤٨ خلی: التَّخْلِي تَخْلَى عَنِ اتِّخَاذِ تَدَايِيرِ الْقَمْعِ ضِدَّهِ	دست برداشتن از اتخاذ تدابیر سرکوبگرانه علیه او منصرف شد
٤٩ دحض: الدَّخْضُ لَدَيْنَا حِجَّةٌ دَاخِضَةٌ لِمَزَايِمِ الْعَدُوِّ	باطل کردن ما دلایلی داریم که توهمات دشمن را ابطال می کند
٥٠ درج: الإدراج إدراج بند خاص في جدول الأعمال	درج نمودن مندرج نمودن بند ویژه ای در دستور کار
٥١ دعا: الاستدعاء الحكومة السوريّة استدعت سفيرها من تركيا	فراخوانی رژیم سوریه ، سفیر خود در ترکیه را به کشور فرا خواند
٥٢ دلو: الإدلاء بالبيان البيان الذي أدلى به فخامة الرئيس ، كان كافيا لقطع دابر الشائعات	ایراد سخن ، اظهار نظر سخنانی که جناب رئیس جمهور ایراد کرد ، برای زدودن شایعات کافی بود
٥٣ دلو: الإدلاء بالرأي أدلى بتصريح بصفته الشخصية	اظهار نظر بعنوان رأی شخصی خود ، نظراتی را ابراز داشت
٥٤ دهور: التَّدْهُوْرُ نراقب بقلق عميق ، التدهور المتزايد في عملية السلام	دگرگونی ، وخامت با نگرانی عمیق ، وخامت روز افزون اوضاع در روند صلح را پیگیری می کنیم
٥٥ دول: التدويل الإدارة الأمريكية تحول دون تدويل عملية السلام في المنطقة ، لتبقى هي الراعية الوحيدة لهذه	بین المللی کردن رژیم آمریکا ، از بین المللی کردن روند صلح در منطقه جلوگیری می کند ، تا

العملية	خود را بعنوان تنها مشرف بر مسائل این روند تثبیت کند
۵۶ ذعر: الذُّعْر	وحشت در پی انفجار بمب گازی در يك مترو، خوف ووحشت بر مردم فرانسه سایه گسترد
۵۷ ذكو: الإذكاء	شعله ورساختن يك جریان(مجموعه) مشکوك بر آن است ، تا به اختلافات بين دو حزب دامن بزند
۵۸ ذل: تَذْلِيلُ الْعَقَبَاتِ	رفع ناهمواریها خواستار رفع موانع موجود بر سر راه تشکیل دولت شد
۵۹ ربّ: الرَّبِّيَّة	دست پرورده إسرائيل را بعنوان دست پرورده آمریکا توصیف کرد
۶۰ رجح: التَّارْجَح	نوسان ، تردد نقش کمیته بین مسائل سیاسی وامنیتی در نوسان است
۶۱ رسم: الرَّسْم	ترسیم کردن آینده حزب را زیر سؤال برد
۶۲ رشق: الرَّاشِقُ الطَّائِفِي	حملات طائفه ای کشور ، بار دیگر در دایره ای از تهاجمات طائفه ای بین ارکان رژیم قرار گرفت
۶۳ رض: الرِّض	محکم کردن کنفرانس ، رژیم مصر را به تقویت صفوف برای مقابله در برابر این تجاوز دعوت کرد
۶۴ رضخ: الرِّضُوخ	تسلیم شدن



الدولة السورية تقاوم الرضوخ للشروط الإسرائيلية	رژیم سوریه زیر بار شرایط (تسلیم شروط) اسرائیلیها نمی رود (نمیشود)
۶۵ رغب: غير مرغوب فيه اعتبروه عنصرا غير مرغوب فيه	نامطلوب او را عنصر نامطلوب اعلام کردند
۶۶ رهن: المَراهِنَة راهنّت إسرائيل على سوء الوضع العربي	شرط بندی (تلاش برای موفق کردن يك جریان) اسرائیل روی وخیم شدن اوضاع کشورهای عربی شرط بندی کرده است
۶۷ روح: التَراوَح المفاوضات تراوحت بين تفاول الإسرائيليين والتشاؤم الفلسطيني	نوسان مذاکرات بین خوشبینی اسرائیلیها و بدبینی فلسطینیها در نوسان بود
۶۸ روي: التَروِي تمنى أن تتروى اللجنة في إصدار بيانها الختامي	اندیشیدن، درنگ کردن آرزو کرد، که کمیته در صدور بیانیه پایانی بیندیشد، و مکث کند
۶۹ زخم: الزَّخْم شدّد على ضرورة الزخم إلى الحركة السياسية، بقصد استئناف المفاوضات	تاب و توان بر ضرورت تقویت تحرکات سیاسی جهت ازسرگیری گفتگوها، تأکید کرد
۷۰ زعزع: الزَّعْزَعَة أعرب عن قلقه المتزايد، حيال وضع يهدّد بزعزعة الاستقرار	تکان خوردن (تشنج) نگرانی فزاینده خود را، در مورد اوضاعی که به سلب آرامش تهدید می کند، اعلام کرد
۷۱ زلم: الزَّلمَة أزلام الحكومة	مرد (کلمه عامیانه) عوامل و مزدوران حکومت
۷۲ زوج: ازدواجیّة الضريبة اتفق الطرفان على درس تلافي ازدواجیّة الضريبة	عوارض گمرکی متقابل دو طرف به توافق رسیدند، موضوع معافیت (مالیاتی) گمرکی بین خود را بررسی کنند
۷۳ سجد: السَّجَاد فرش	

فرش سرخ انگلیس (در مراسم استقبال و تشریفات)، در انتظار رئیس جمهور اسرائیل است	سَجَادُ أَحْمَر بَرِيطَانِي بَانْتِظَارِ الرَّئِيسِ الْإِسْرَائِيلِي	
جاده صاف و هموار	سَكَّ : السَّكَّةُ	۷۴
تنها با این روش می توان ، کشور را در مسیر رهائی قرار داد	إِنْ هَذِهِ الطَّرِيقَةُ وَحْدَهَا قَادِرَةٌ عَلَى وَضْعِ الْبَلَدِ فِي سَكَّةِ الْخِلَاصِ	
نردبان	سَلَم : السُّلَّم	۷۵
نماینده مخالف ، دولت را به تجدید نظر در اولویتهای کاری خود دعوت کرد	دَعَى النَّائِبُ الْمَعَارِضُ الْحُكُومَةَ لِإِعَادَةِ النَّظَرِ فِي سُلَّمِ أَوَلَوِيَّاتِهَا	
سازش	سَوِي : التَّسْوِيَةُ	۷۶
هر خللی در روند صلح ، <u>عکس العمل</u> (تاثیر) منفی روی معاهدات آینده خواهد داشت	أَيُّ نَكْصَةٍ عَلَى مَسَارِ التَّسْوِيَةِ ، سَتَنْعَكِسُ سَلْباً عَلَى الْاتِّفَاقَاتِ الْآتِيَةِ	
سطح	سَوِي : الْمُسْتَوَى	۷۷
روابط بین طرفین ، به بدترین سطح خود در طول دهه جاری تنزل کرد	تَرَدَّى الْعِلَاقَاتُ بَيْنَ الطَّرَفَيْنِ إِلَى أَسْوَأِ مُسْتَوًى لَهَا فِي الْعَقْدِ الْحَالِي	
روند	سِير : الْمَسَارُ	۷۸
دولت اسرائیل قصد دارد ، دو طرف (جبهه) سوریه و لبنانی را در روند مذاکرات از یکدیگر تفکیک نماید	الْحُكُومَةُ الْإِسْرَائِيلِيَّةُ تَهْدَفُ إِلَى فَصْلِ مَسَارِ التَّفَاوُضِ السُّورِيِّ وَاللِّبْنَانِيِّ عَنْ بَعْضِهِمَا الْبَعْضَ	
يك وجب از خاک میهن	شَبْر : شَبْرٌ مِنَ الْأَرْضِ	۷۹
از وجبی از خاک خود دست نمی کشیم ، و در برابر هیچیک از حقوق خود مسامحه نمی کنیم	لَا نَفَرِّطُ بِشَبْرٍ مِنْ أَرْضِنَا ، وَلَا بِحَقٍّ مِنْ حَقُوقِنَا	
محکوم کردن	شَجَب : الشَّجَبُ	۸۰
حمله به آزادیها را محکوم کرد	شَجَبَ التَّعَرُّضَ لِلْحَرِّيَّاتِ	
شکاف	شَرْخ : الشَّرْخُ	۸۱
قرار گرفتن کلینتون در معرض آماج	السَّهَامُ الَّتِي تَنْهَمِرُ عَلَى كَلِينْتُونِ مِنْ دُونِ تَوَقُّفٍ ،	



أحدثت شرخا في دروعه	حملات پیایی مخالفین ، او را ضربه پذیر کرده است
۸۲ شرف : استشراف الوضع	ارزیابی اوضاع
كيف تستشرف الوضع في المنطقة ، على ضوء معطيات الواقع الراهن ؟	با توجه به فرایند وضع موجود ، اوضاع منطقه را چگونه ارزیابی می کنید ؟
۸۳ شرنق : الشَّرْنَقَة	پيله
آن الأوان ، لإخراج عدم الانحياز من شرقة التوصيات غير الملزمة	وقت آن رسیده است ، که جنبش کشور های غیر متعهد ، از پيله توصیه های بدون پشتوانه اجرائی والزامی خارج شود
۸۴ شعر : الإشعار	اطلاع
حتى إشعار آخر	تا اطلاع ثانوی
۸۵ صبع : إصبع التشكيك	انگشت اتهام
وجَّهوا أصابع التشكيك إلى رئيس الحكومة	انگشت اتهام را متوجه نخست وزیر کردند
۸۶ صدق : المصادقية	صداقت
مصادقية الحكم باتت على المحك	صداقت رژیم در معرض آزمایش قرار گرفت
۸۷ صرع : مصراع الباب	لنگه در
النائب المعارض فتح ملف الفساد الإداري على مصراعيه	نماینده جناح مخالف ، پرونده فساد اداری را با تمام تفصیلاتش گشود
۸۸ صفر : نقطة الصفر	نقطه صفر ، نقطه آغاز
عادت المفاوضات إلى نقطة الصفر	مذاکرات به نقطه آغاز خود برگشت
۸۹ صفع : الصَّفْعَة	سیلی ، ضربه
دول الاتحاد الأوروبي وجهت صفعة للمشروع الأمريكي	کشورهای اتحادیه اروپا ، ضربه محکمی به طرح آمریکا زدند
۹۰ صنف : التصنيف	گروه بندی
معظم تركمان العراق لا يصنفون في خانة الولاء لتركيا ، لأنهم يرفضون النظرية الطورانية	اکثر ترکهای عراق را نمی توان هوادار ومطیع ترکیه دانست ، چون آنان ایده

۹۱	ضبط : ضبط النفس دعا الجانبين إلى ضبط النفس	پان ترکیسم را قبول ندارند کنترل خود ، خویشتنداری طرفین را به خویشتنداری و حفظ آرامش دعوت کرد
۹۲	ضخّ : الضخّ إعادة ضَخّ الحياة إلى الدور الأوروبي في منطقة الشرق الأوسط	پمپاژ کردن تزریق حیات مجدد به ایفای نقش اروپا در خاور میانه
۹۳	ضغط : الضغط طالبوا بممارسة الضغط الدولي على الدبلوماسية الصهيونية	فشار خواستار اعمال فشار بین المللی بر سیاست خارجی صهیونیستها شدند
۹۴	ضفوف : الإضفاء إسرائيل تحاول إضفاء الصبغة المديّة لأي واحد من مشاريعها العسكرية	اعطاء اسرائیل می کوشد هر يك از طرحها و تأسیسات نظامی خود را با پوششی غیر نظامی اجرا کند
۹۵	ضوء : الأضواء الكاشفة رفض تمضية عطلة تحت الأضواء الكاشفة	پروژکتور رسانه های گروهی از گذراندن تعطیلی خود در برابر دید رسانه های تبلیغاتی خودداری کرد
۹۶	ضوء : الضوء الأخضر حصل على الضوء الأخضر لبدء العمل	چراغ سبز برای شروع کار ، چراغ سبز دریافت کرد
۹۷	طبّ : المَظَبّة مَظَبّات أمنية وسياسية ، تفوق كلّ إيجابيات المؤتمر	ناهمواری ، دست انداز دست اندازهای امنیتی و سیاسی ، بر جنبه های مثبت کنفرانس پیشی می گیرد
۹۸	طراً : حالة الطوارئ عاشت المدينة في الأسبوع المنصرم شبه حالة طوارئ	وضعیت اضطراری شهر در هفته گذشته در يك حالت نیمه فوق العاده بسر برد
۹۹	طلع : استطلاع الرأي النتائج التي برزت في عملية استطلاع الرأي ، كشفت النقاب عن الأزمة السياسية الأخيرة	نظر سنجی نتایجی که از نظر سنجی اخیر بدست آمد ، پرده از روی بحران سیاسی برداشت



<p>جلب اطمینان</p> <p>پیامی برای جلب اطمینان به همتای روسی خود فرستاد</p>	<p>طَمَنَ: التطمین</p> <p>أرسل رسالة تطمين إلى نظيره الروسي</p>	۱۰۰
<p>اطمینان دادن</p> <p>در مورد تضمین تعهدات به او اطمینان داد</p>	<p>طمن: الطمَّانة</p> <p>طَمَّانَه بضممان الالتزامات</p>	۱۰۱
<p>بستن ، در هم پیچیدن</p> <p>آنچه اخیرا اتفاق افتاد ، صفحه ای بود که بسته شد</p>	<p>طوي: الطي</p> <p>ما حصل مؤخرًا ، صفحة وطويت</p>	۱۰۲
<p>بدون هدف و برنامه ریزی قبلی</p> <p>اقدامات وزارت مهاجرین را کارهای حساب نشده ، وبدون برنامه ریزی توصیف کرد</p>	<p>عبط: الاعتباطي</p> <p>وصف إجراءات وزارة المهاجرين ، بأنها اعتباطية</p>	۱۰۳
<p>فوری</p> <p>خواست که موضوع را فوری تلقی کنند (خواستار بررسی فوری مسئله شد)</p>	<p>عجل: المُسْتَعَجِل</p> <p>طلب النظر في القضية بصفة مستعجلة</p>	۱۰۴
<p>بازنگری</p> <p>رئیس جمهور ، پیشنهادی (را) برای (به) منظور اصلاح قانون) بازنگری در قانون اساسی ارائه داد ، که هدف آن رفع موارد خلل در بافت (چارچوب) سیاسی کشور است)</p>	<p>عدل: التعديل</p> <p>قدّم رئيس الجمهورية اقتراحا لتعديل الدستور ، يرمي إلى معالجة مكامن الخلل في النظام السياسي</p>	۱۰۵
<p>صعوبات، موانع</p> <p>علی رغم (با وجود) موانعی که پس از آن آشکار شد بر موضعگیری خویش باقی ماند</p>	<p>عرقل: العراقيل</p> <p>تمسّك بموقفه على الرغم من العراقيل التي بدأت بالظهور تباعا</p>	۱۰۶
<p>انگشت بدهان گرفتن</p> <p>بحث وجدلهایی که بر سر لایحه بودجه بعمل آمد ، معركة دردناك (انگشت</p>	<p>عَضَ: عَضُ الأصابع</p> <p>السجلات التي تمحورت حول مشروع الموازنة ، أخفت معركة (عَضُ أصابع)، مرجعه بين</p>	۱۰۷

الحكومة والمعارضة النيابية	بدهان گرفتن) وابرار ندامت بین دولت وجناح مخالف در مجلس را ، تحت الشعاع قرار داد
۱۰۸ عطفي: التعاطي	برخورد
نجحت الحكومة في التعاطي مع هذه المشكلة الاجتماعية	دولت ، در برخورد با این معضل اجتماعی موفق شد
۱۰۹ عقف: المعقوف	منحنی
كان يحمل معه الصليب المعقوف النازي	صليب منحنی (آرم نازیها) را با خود حمل می کرد
۱۱۰ عكر: التعكير	گل آلود کردن
اتهمه بتعكير صلات البلد الخارجية	او را به برهم زدن روابط خارجی کشور متهم کرد
۱۱۱ عكف: المعكوف	مجمّده ، پیچ خورده
الصليب المعكوف	آرم دولت هیتلر
۱۱۲ علق: التعليق	تفسیر
رفض التعليق على الموضوع	از اظهار نظر پیرامون این مطلب خودداری کرد
۱۱۳ عمد: كتاب الاعتماد	استوار نامه
سلم كتاب اعتماده إلى فخامة الرئيس	استوار نامه خویش را به جناب رئیس جمهور تقدیم کرد
۱۱۴ عملاق: العملاق	غول ، عظیم الجثّه
سياسة الدول العملاقة التّعسُفِيّة	سیاست زورگویانه ابر قدرتها
۱۱۵ عنت: التّعنت	آزار دادن
قرارات مجلس الجامعة العربية ، جاءت كرد فعل طبيعي تجاه التّعنت الإسرائيلي	تصمیمات شورای کشورهای عرب ، پاسخ طبیعی حرکات ایذائی اسرائیل بود
۱۱۶ عنى: العناء	زحمت
وفر علينا عناء التعليق	زحمت تأویل و تفسیر را از دوش ما برداشت



۱۱۷	غَبّ: الْمَغَبَّة	سرانجام، عاقبت
	تلقت إسرائيل تحذيرا جديدا من مغبة مواصلة إعاقة أي تقدم في عملية السلام	اسرائیل، هشدار تازه ای در مورد سرانجام مانع تراشی در هر نوع پیشرفت نسبت به روند صلح، دریافت کرد
۱۱۸	غَبَر: الْغُبَار	گرد و غبار
	هذه محاولة لإثارة الغبار السياسي	این، تلاشی برای مشوش کردن اوضاع سیاسی است
۱۱۹	غَطْرَس: الْغَطْرَسَة	استکبار
	قوى الغطرس العالمية تعترف بنجاح إيران في إعادة الأعمار	نیروهای استکبار جهانی، به موفقیت ایران در صحنه سازندگی اعتراف کردند
۱۲۰	غَيْب: التَّغْيِب	دور ماندن
	تغيب قسري للشريحة الكبرى في الوطن	از صحنه دور ماندن عمدی طبقه عمده مردم کشور
۱۲۱	فَتّ: التَّفْتِيت	گسستگی
	وصف الندوة المحاولات، بأنها مستميتة، تجري لتفتيت الوضع الداخلي	کنفرانس، این تلاشها را مرگبار، وهدف از هم پاشیدگی وضع داخلی توصیف کرد
۱۲۲	فَحْل: الاستفحال	اجرای جفت گیری برای تکثیر نسل
	جدّد الرئيس المصري تحذيره من مغبة السياسات الإسرائيلية الرامية إلى استفحال العنف والإرهاب	حیوان، دامن زدن، سوء استفاده رئیس جمهور مصر، مجددا نسبت به سرانجام سیاستهای اسرائیلی مبتنی بر سوء استفاده از خشونت و تروریسم، هشدار داد
۱۲۳	فَرِغ: التَّفْرِيع	تهی کردن
	تحاول حكومة اليمين الإسرائيلي الجديد، تفريغ الاتفاقيات السابقة من مضمونها	دولت جدید راستگرای اسرائیل می کوشد ، قراردادهای سابق را از محتوای خویش تهی سازد
۱۲۴	فَصْل: جملة وتفصيلا	جزئی و کلی

الناطق الحكومي نفى هذه الاحتمالات جملة وتفصيلا	سخنگوی دولت ، این احتمالات را سراسر نفی کرد
۱۲۵ فعل : ساري المفعول اتفاق الطائف لا يزال ساري المفعول في هيكليّة الحكومة اللبنانية	معتبر ، قابل اجرا معاهده طائف ، همچنان در بافت (چارچوب) رژیم لبنان قابل اجرا ومعتبر است
۱۲۶ فاك : التفكيك هناك مؤامرة لتفكيك الاتحاد العمّالي العام	متلاشی کردن توطئه ای برای متلاشی کردن اتحادیه عمومی کارگران در دست انجام است
۱۲۷ فوض : الفوضى انزلقت ألبانيا إلى حالة فوضى شاملة	شورش ، هرج و مرج کشور آلبانی به ورطه يك هرج و مرج گسترده غلتیده است
۱۲۸ فیتو : الفیتو بقي سيف الفيتو الأمريكي معلقا فوق مجلس الأمن	وتو شمشیر وتوی آمریکا بر فراز شورای امنیت آویزان مانده است
۱۲۹ قذف : التقاذف تبادل المعنيون تقاذف الكرات	پرتاب متبادل افراد ذیربط ، توپهای تهاجم را به یکدیگر شلیک کردند
۱۳۰ قلص : التّقصص الهوة بين الرئيس ومساعدته تقلّصت على حساب الرئيس	کاسته شدن فاصله واختلاف بين رئيس ومعاونش ، به ضرر رئیس کاهش یافت
۱۳۱ قوقع : التّقوقع تقوقع في مُستَقع الأفكار الفاشية	در لاک فرورفتن در باتلاق افکار فاشیستی غوطه ور شد
۱۳۲ قوي : الاستقواء استقواء الدولة على المجتمع ، واستقواء المجتمع على الدولة خطيران	ابراز قدرت قدر قدرتی (عرض اندام) دولت در برابر ملت ، وملت در برابر دولت، هر دو خطرناک است
۱۳۳ كتف : مكتوف اليدين	دست بسته



دست روی دست نخواهم گذاشت	لن أقف مكتوف اليدين	
بی پرده ، با صراحت	كشَف: على المكشوف	۱۳۴
نظر خود را بی پرده اظهار داشت	قال رأيَه على المكشوف	
پشت صحنه	كلس: الكالوس	۱۳۵
مسائل پشت پرده در سیاست	الكواليس السياسية	
تاج	كَل: الإكليل	۱۳۶
تاج گلی را بر بنای یاد بود سرباز گمنام	وضع إكليلًا من الزهر عند نُصبِ الجندی	
تقدیم کرد	المجهول	
دوربین عکاسی	كمر: الكاميرا	۱۳۷
مذاکره کنندگان برای يك مصافحه تازه زیر	كان المتفاوضون على مَوْعِدٍ لِمُصَافَحةٍ جديدةٍ ،	
نور فلاش دوربینها ، با هم قرار گذاشته اند	تَلَمَّعُ في خلالها فلاشات الكاميرات	
پیمانه	کیل: المكيال	۱۳۸
سیاست يك بام و دو هوا (برخوردهای	سياسة الكيل بمكيالين	
دوگانه)		
متراکم ، آکنده از حوادث	لبد: الملبد	۱۳۹
اوضاع بحرانی و مشوش منطقه	الأجواء الملبدة إقليميا	
پناهندگان	لجأ: اللاجئين	۱۴۰
کمیساریای عالی پناهندگان	المَفْوَضيةُ العُليا للاجئين	
دیدار	لقي: اللقاء	۱۴۱
بازدید تشریفاتی	لقاء بروتوكولي	
تعديلهای ، دستکاری ها	لمس: اللّمسات	۱۴۲
آخرین اصلاحات را روی قرارداد همکاری	وضعوا اللّمسات الأخيرة على اتفاقية التعاون	
انجام دادند		
استحکام	متن: التمتين	۱۴۳
همه جناحها را به تلاش برای استحکام	دعا جميع الأطراف ، للعمل على تمتين الساحة	
وضع داخلی ، وگذاشتن از حساسيتها	الداخلية ، والقفز فوق الحساسيات	
دعوت کرد		
نمایندگی	مثل: التمثيل	۱۴۴



سطح نمایندگی سیاسی	مستوى التمثيل الدبلوماسي	
اقدام ، اعمال اعمال فشار	مرس : الممارسة ممارسة الضغوط	۱۴۵
تعويق کار در انتظار بهبود شرایط ، دست نگه داشته ام	مطل : المطل أنا ماطل بانتظار تحسن الظروف	۱۴۶
دقت نظر مواضع جناب رئیس ، شایسته دقت نظر است	معن : التمعن مواقف السيد الرئيس تستحق التمعن	۱۴۷
دوك نخ ريسى ( واستعاره برای هرچه مثل آن در حال رفت و برگشت باشد ) وزیر خارجه فرانسه ، بازدید رفت و برگشت بین اسرائیل و کشورهای عربی انجام داد	مكك : المَكوك قام وزير الخارجية الفرنسي بزيارة مَكوكية بين إسرائيل والدول العربية	۱۴۸
مشروطه سلطنتی بازگشت مشروطه سلطنتی ، مورد علاقه هیچیک از کشورهای سابقاً کمونیستی اروپای شرقی نیست	ملك : المَلَكِيَّة الدَّسْتُورِيَّة لا تستهوي عودة الملكية الدستورية أياً من الدول الشيوعية السابقة في أوروبا الشرقية	۱۴۹
ممتاز دور اول گفتگوها سازنده و ممتاز بود	ميز : المُمَيِّز الجولة الأولى من المحادثات كانت بناءً مميزة	۱۵۰
انداختن ، طرد کردن موضعگیری رئیس جمهور مصر در ازای حوادث سودان را می توان اینچنین تفسیر کرد ، که نه به هدف طرد جناح مخالف است ، و نه به هدف حمایت از آن	نَبذ : النَّبْذ يمكن تفسير موقف الرئيس المصري تجاه الأحداث السودانية ، بأنه لا نَبْذ للمعارضة ، ولا تَبَنُّ لها في آن	۱۵۱
سرزنش را متوجه کسی دانستن عراق ، در مورد تاخیر وصول کمکهای غذایی به مردم آن کشور ، سرزنش را	نحو : الإنحاء باللائمة أنحى العراق باللائمة على الأمم المتحدة في تأخير وصول المساعدات الغذائية إلى الشعب	۱۵۲

العراقي	متوجه سازمان ملل متحد دانست
۱۵۳ نصت: التَّصَّتْ	شنود, استراق سمع دولت آلمان, به برخی از شرکتها اجازه داد , وسایل شنود واستراق سمع پیشرفته به ادارات دولتی مجاز بفروشد
۱۵۴ نعش: الإِنْعَاشْ	احیاء رژیم آمریکا, می کوشد روند صلح را احیاء کند
۱۵۵ نقش: المُنَاقِشَة	بحث و بررسی بررسی بند هفت در دستور کار قرار دارد
۱۵۶ نقط: النِّقْطَة	گل (دربازی فوتبال) معرکه گل کاشتن و امتیاز گرفتن از حریف
۱۵۷ نکس: الانتكاس	شکست سیاست اسکان وشهرک سازی اسرائیل, می تواند به شکست وفروپاشی روند صلح بیانجامد
۱۵۸ نکس: الْعَلَمُ الْمُنْكَسُ	پرچم نیمه افراشته بدنبال فوت رئیس جمهور چین, سفارت چین پرچم این کشور را بحال نیمه افراشته درآورد
۱۵۹ نکس: النَّكْصَة	هزیمت, شکست حزب این اواخر متحمل شکستهای سختی شده است
۱۶۰ نوخ: مَنَاحُ الْإِنْفِتَاحِ	فضای باز جناح مخالف, بر ضرورت فضای باز سیاسی تأکید کرد
۱۶۱ نوه: التَّنْوِيْه	با صدای بلند اعلام کردن



اسرائیل ، از نقشی که واشنگتن در روند صلح بازی می کند ، استقبال کرد	تَوَهَّتْ إِسْرَائِيلُ بالدور الذي تلعبه واشنطن في عملية السلام	
سست ، توخالی شیطان بزرگ سست وتوخالی است (بیر کاغذی است)	هَشَّ: الهَشَّ الشیطان الأكبر هَشَّ للغاية	۱۶۲
تپه ، بلندی فعالیت‌های اسکان وشهرک سازی اسرائیل ، بلندیهای جولان را فرا گرفت	هَضَب: الهَضَبَة النشاطات الاستيطانية الإسرائيلية شملت هضبة الجولان	۱۶۳
عصبی این تصرفات (رفتارهای) جنون آمیز وعصبی ، هدف سیاست کوتاه فکرانه آمریکا در منطقه را روشن می سازد	هیس : الهیستیریه (الهیستیریه معرب واژه histrionic انگلیسی و به معنای جنون آمیز و عصبی است. چون اصل کلمه عربی نیست، شاید بهتر باشد بدون ریشه ثبت شود) هذه التصرفات الهیستیریه ، تبین مغزای السیاسة الأمريكية القصيرة النظر في المنطقة	۱۶۴
سند سند را امضا کرد	وُثِقَ: الوثيقة وضع تَوَقِيعَه على الوثيقة	۱۶۵
آبرو دو طرف می کوشند به صیغه ای دسترسی پیدا کنند ، که آبروی هر دو را حفظ کند	وجه: ماء الوجه الطرفان يحاولان التخلص إلى صیغة، تحفظ لهما ماء الوجه	۱۶۶
برگها برگهای برنده را برای خود باقی نگه می دارد	ورق: الأوراق يحافظ على أوراقه	۱۶۷
تعادل موازنه قوا بحالت طبیعی خود برگشت	وزن: التوازن أعيدت سكة التوازنات إلى طبيعتها	۱۶۸
تقویت وترسیخ روابط در اثنای دیدار ، نسبت به (در خصوص) تقویت روابط دو کشور ، بویژه در بعد	وطد: توطيد العلاقات تمّ البحث خلال اللقاء في توطيد العلاقات بين البلدين ، خصوصا على الصعيد السياسي	۱۶۹



سیاسی مذاکره شد		
اسکان یافتن	۱۷۰	وطن: الاستيطان
رئيس جمهور مصر ، رژیم صهیونیستی را از عاقبت فعالیتهاى شهرک سازى جدید برحذر داشت		حذر الرئيس المصري كيان العدو من مغبة النشاط الاستيطاني الجديد
موضع	۱۷۱	وقف: الموقف
موضعی اتخاذ کرد که با قرارداد منافات دارد		اتخذ موقفا يتعارض مع الاتفاقية





## ۲. المصطلحات الاجتماعية

آپول راه حل‌های پیشنهادی آپولهای مسکن است	أبر: الإبرة الحلول المطروحة إبر مُخَدَّرَة	۱۷۲
سوگواری اجتماع در مراسم سوگواری	أبن: التآبين لقاء تأبيني	۱۷۳
بحران این مشکل مثل ابری است که می‌گذرد	أزم: الأزمة إنّ هذه الأزمة مجرد غيمة وتعبر	۱۷۴
ماشینی زندگی ماشینی انسان	ألي: الآلي حركة الإنسان الآليّة	۱۷۵
وسيله نقلیه کمیتة حوادث ترافیک، عبور و مرور دوطرفه بین میدان انقلاب و چهارراه آزادی را برای وسایل نقلیه مجاز اعلام کرد	ألي: الآليّة قضت لجنة طوارئ شؤون السير بالسماح بسير الآليات في الاتجاهين، بين دُوار الثورة ومُفَرَّق الحريّة	۱۷۶
توطئه توطئه بر علیه جامعه	أمر: التآمر التآمر على المجتمع	۱۷۷
قطع کردن خانم رئیس کمیتة حقوق کودک در لبنان، حادثه ای را که به قطع دست بچه ای با تیغه یکی از دستگاهها در کارخانه شکر انجامید یک افتضاح اجتماعی قلمداد کرد	بتر: البثر اعتبرت رئيسة لجنة حقوق الطفل في لبنان الحادث الذي أدى إلى بثر يد طفل بشفرات إحدى الآلات في مَعْمَل للسكاكر، فضيحة اجتماعية	۱۷۸
سرد کردن	برد: التبريد	۱۷۹



بذل جهده لتبريد الأزمة	برای فرونشاندن بحران، سعی خویش را مهذول داشت
۱۸۰ برع: التبرّع عشرات حواجز المحبة انتشرت من قبل هيئة دعم المقاومة لجمع التبرّعات على مختلف طرقات المدن	کمک مالی، خیرات برای جمع آوری کمکهای مالی مردم، دهها " ایستگاه محبت " (ایستگاه صلواتی) در جاده های شهرها از طرف انجمن کمک به مقاومت برپا شد
۱۸۱ برق: البرقيّة تلّقى برقيّة تعزية بوفاة عمه	تلگرام بخاطر درگذشت عمویش، تلگرام تسلیتی دریافت کرد
۱۸۲ بطل: البطالة معدّل البطالة استقر على ۰.۵ %	بیکاری میانگین بیکاری روی ۰.۵ % قرار گرفته است
۱۸۳ بهو: البهو بهو المؤتمرات	سالن سالن کنفرانسها
۱۸۴ تلفز: التلفاز اشترك في حوار متلفز	تلویزیون در یک گفتگوی تلویزیونی شرکت کرد
۱۸۵ ثاب: الثَّابُّوب كان يثَّابُّ على الطُّولِ أثناء الجلسة	خمیازه بین جلسه مرتباً خمیازه می کشید
۱۸۶ جثم: الجُثْمَان ووري جثمانه الثرى ، وأهله يتقبّلون التعازي في بيت الفقيد	جنازه جنازه او به خاک سپرده شد، و خانواده اش در منزل او برای پذیرش تسلیت دوستان آماده اند
۱۸۷ جرّ: المجارير تسلّلت الجرذان الى البيت عن طريق المجارير وقساطل المياه ، ومزّقت بأسنانها المرفهة نبريش الماء	راههای فاضلاب موشها از طریق راههای فاضلاب ولوله های آب به خانه نفوذ کرده، و شلنگ آب را با دندانهای (تیز) خود جویدند
۱۸۸ حدث: التحديث	نوگرانی، مدرنیسم

برخی از رهبران جوامع غیر غربی در جهت نوگرایی تلاش کرده، و در عین حال غرب گرایی را رد کردند	بعض زعماء المجتمعات غیر الغربية سعوا إلى التحديث، وفي نفس الوقت رفضوا التغريب	
نشأت گرفتن آمریکائیان لبنانی تبار	۱۸۹ حذر: التَّحَدُّر الأمريكيون المتحدِّرون من أصل لبناني	
غلټک این غلټک با گاز مایع کار می کند	۱۹۰ حدل: المِحدَلَة هذه المِحدَلَة تَشْتَغِل بِغَاز البِثْرول المَسَال	
موازات خانه های اطراف جاده اصلی تخریب شد	۱۹۱ حذو: المَحَاذَاة البيوت المحاذية للطريق العام تعرّضت للهدم	
کوره زیر نظر شهرداری، دو کوره برای سوزاندن زباله ها آماده شد	۱۹۲ حرق: المَحْرَقَة تم تجهيز مَحْرَقَتَيْنِ لِلنَّفَايَاتِ بِإِشراف من البلدية	
حرکت دادن امر ساکن برای خروج از این تنگنا هیچ کاری انجام نداد	۱۹۳ حرك: تحريك الساكن لم يحرك ساكنا للخروج من هذا المَآزِق	
پارتی بازی بخشنامه جدید با هدف از بین بردن رابطه گرایی در ادارات دولتی تنظیم شده است	۱۹۴ حسب: المحسوبيّة من شأن المرسوم الجديد أن يَفْكَكَ المحسوبيّات من الدوائر الحكوميّة	
ساک، چمدان ساکهای خود را بست و راهی اتریش شد	۱۹۵ حقب: الحقيبة حزم حقائبه وسافر إلى النمسا	
احتکار مقاومت در برابر اشغالگران، در احتکار(انحصار) هیچ گروهی نیست	۱۹۶ حکر: الحکر ليست مقاومة الاحتلال حكرا على فئة دون أخرى	
شیرینی برخی از کسانی که تصمیم به خودکشی دارند، خوش دارند با بزییر افکندن خود از فراز برج ایفل، شاهد مرگ داوطلبانه خود باشند	۱۹۷ حلو: الحلاوة يحلّو لبعض من ينوي الانتحار في فرنسا أن يرمي بنفسه عن برج إيفل العظيم شاهدا على موته الطَّوْعِي	



محله	حور: الحارة	۱۹۸
در کوچه های محله گشتی زدیم	برمنا برمة في زوارب الحارة	
ارجاع دادن	حول: الإحالة	۱۹۹
جنایت را بگردن دیگری انداخت	أحال الجريمة على غيره	
فريب خوردن	حیل: الاحتيال	۲۰۰
توسط کلاهبرداری که به او باورانده بود، می تواند مخفیانه وارد یونان شود، فريب خورد	تعرض لعملية احتيال من قبل شخص أوهمه بإمكانية الدخول خلسة إلى اليونان	
بتون	خرس: الخرسانة	۲۰۱
دراین پروژه پس از تکمیل مراحل پی ریزی دیوارهای حمال وبتون مسلح کار، اتصالات کامل وبشنه زنی (سیمان پاشی) دیوارها شروع شد	ابتدأت في ورشة العمل هذه عمليات التمديدات الكاملة ورش الجدران، بعد ما اكتملت عمليات حفریات حيطان الدعم والخرسانة المسلحة	
راوی	خطب: الخطابة	۲۰۲
از طریق راوی (واسطه ازدواج) با نامزدش آشنا شد	تعرف على خطيبته من خلال الخطابة	
خواستگاری	خطب: الخطوبة	۲۰۳
هفته گذشته، در جشنی متشکل از جمع خانواده وخویشان ویاران، مراسم ازدواج او با یک دختر دانشجو انجام شد	تمت الأسبوع الفائت خطوبته على فتاة جامعية في حفل ضمّ لفيفا من الأهل والأقارب والأصحاب	
ایجاد اختلال	خلخل: الخلخلة	۲۰۴
عوامل مختلفی در روند ایجاد اختلال در وضع شوراهای شهرداری وممانعت از ایفای نقش آنها مؤثر بوده است	لقد ساعد عوامل شتى على خلخلة وضعية المجالس البلدية وعرقلة دورها في لبنان	
نقش بر باد	درج: أدراج الرياح	۲۰۵
عاقبت این بحث به باد رفت	مصير هذا النقاش ذهب أدراج الرياح	
گپ زدن	دردش: الدردشة	۲۰۶
در گپی با خبرنگار روزنامه شرکت کرد	شارك في دردشة مع مراسل الجريدة	



چرک	درن : الدرن	۲۰۷
این امر چرکهای متعفن را که پیکر لبنان را آلوده کرده است، می زداید	هذا ينكأ الدرن الخبيثة التي تنخر الجسم اللبناني	
عروسک	دمي : الدمية	۲۰۸
در ساخت یک خرس عروسکی عظیم، ۷۰ متر موهر (نوعی پارچه حریری از پشم دراز بز محصول آنکارا) بکار رفت	تطلب صناعة دمية دب عملاقة، ۷۰ مترا مربعا من الموهر (نسيج من وبر معزة أنقرة الحريري الطويل)	
دیدگاه غیر محترمانه و تحقیر آمیز وی گفت : سخن از لطافت زن، سرپوشی برای مخفی نگهداشتن بینش تحقیر آمیز نسبت به اوست	دون : النظرة الدونية قال : إن القول برقة المرأة، هو غطاء لإخفاء النظرة الدونية إليها	۲۰۹
مرثیه	رثي : الرثاء	۲۱۰
ملت در وضع اسفناکی بسر می برد	الشعب في حالة يرثى لها	
فساد	ردء : التردي	۲۱۱
نمایندگان نسبت به مشکل انحطاط وضعیت اجتماعی هشدار دادند	حذر النواب من مشكلة تردي الوضع الاجتماعي	
استنباط موضعگیریها	رصد : رصد المواقف	۲۱۲
این معضل اجتماعی موضع گیری هایی را بدنبال داشت، که میتوان آنها را بشرح زیر استنباط کرد:	هذه الأزمة الاجتماعية استدعت مواقف جرى رصدها على الشكل التالي:	
طبقه ها، کشوها	رفّ : الرفوف	۲۱۳
مسأله به بایگانی ذهنها سپرده شد	أحيلت القضية على رفوف الذاكرة	
خاکستر، سوزاندن مردگان	رمد : الرماد، الترميد	۲۱۴
چین جسد رئیس جمهور فقید خود را پس از سوزاندن تشییع کرد	شيعت الصين جثمان رئيسه الراحل بعد ترميده	
جاری	رهن : الرهن	۲۱۵
سازگاری با وضع جدید	التكيف مع الوضع الرهن	
شرط بندی	رهن : المراهنة	۲۱۶

المراهنة على معطيات الأمور، تبدو معقدة	شرط بندی وحساب کردن روی روند حوادث، پیچیده بنظر می رسد
۲۱۷	روغ : المراوغة المراوغون والمحتالون
۲۱۸	زلب : الزلّابية على كلّ ناصية طريق في العاصمة، تعرض محالّ الحلوى أطباقا كبيرة من البقلاوة والزلابية وسائر الحلويات الرمضانية
۲۱۹	زمر : الزمور رجال مفرزة السير حدّروا السّواق من التزمير
۲۲۰	زي : الأزياء قتلت عارضة أزياء بعد خروجها من عرض الأزياء الجديدة الفرنسية
۲۲۱	سحق : الانسحاق انسحق تحت وطأة المشاكل المتفاقمة
۲۲۲	سخن : الساخن الأجواء مثيرة لجدل ساخن
۲۲۳	سرح : إطلاق السراح سرح الأطفال في الشوارع
۲۲۴	سلسل : السلسلة المعدنية برغم سماكة الثلوج في الطريق، تمكّنت بعض السيارات المجهزة بسلاسل معدنيّة من سلوك الطريق بصعوبة وظلّت طوال اليوم سالكة على خطّ واحد
۲۲۵	سوء : الاستياء
	انزجار



اشتدت حدة الاستياء الشعبي بسبب ظاهرة الفساد الإداري	تفر مردم از پدیده فساد اداری به اوج خود رسیده است
سیب : الانسیاب عندما يفيض المجرور ، يتحوّل الطريق أطراف المسلخ إلى مستنقع من الدماء التي تساب على الارض بعد ذبح المواشي	جاری شدن وقتی راه فاضلاب پر می شود ، جاده اطراف کشتارگاه مثل يك باتلاق خونین می شود، که پس از ذبح چارپایان بر زمین جاری می گردد
شجب : الشجب شجب هذا الاستهتار المستشري بحق الصناعة والصناعيين	محکوم کردن این هتک حرمت شرم آور در حق صنعت و صنعتگران را محکوم کرد
شحن : الشاحنة قتل ١٠ أشخاص ، وأصيب ٣٥ آخرون بجروح ، في حادث اصطدام بين شاحنة وباص ، كان يحاول تفادي بقرة	کامیون در یک حادثه رانندگی بین یک کامیون و یک اتوبوس که قصد داشت از برخورد با يك گاو اجتناب کند، ١٠ نفر کشته و ٣٥ نفر مجروح شدند
شرح : الشريحة هم الشريحة الكبيرة من المجتمع	يك قسمت آنان، بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می دهند
شره : الشراة تزداد شراة المدّخّنين بالسجائر يوما بعد يوم	حرص وولع ولع معتادان به سیگار (سیگاری ها) ، روز بروز بیشتر می شود
شعث : أشعث الشعر هذا الطابع البريدي يحمل صورة لشاعر أشعث الشعر	ژولیده موی این تمبر پستی تصویر یک شاعر ژولیده موی را با خود دارد
شغب : المشاغب دعا إلى مواجهة المشاغبين الإرهابيين	خرابکار خواستار برخورد با خرابکاران تروریست شد
شکل : الفنّان التشكيلي	هنرمند تجسمی



احتفاء بعيد الأضحى، قام فرع الفنانين التشكيليين بافتتاح معرض يضم تقنيات التشكيل للنحت والتصوير والغرافيك	در گرامیداشت عید قربان، شاخه اتحادیه هنرمندان تجسمی نمایشگاهی برپا کرد که دربرگیرنده تکنیکهای تجسمی از قبیل پیکر تراشی و عکاسی و گرافیک است
شور: اشارات السير إشارات السير الحديثة مصنوعة من مادة فسفورية عاكسة للنور، تتيح رؤيتها في الليل والنهار، ومكفولة ضد الصدا	علائم راهنمائی و رانندگی تابلو های جدید راهنمائی و رانندگی از يك ماده فسفوری منعكس كننده نور ساخته شده است، كه شب و روز قابل رؤیت است و ضد زنگ بودن آن تضمین شده است
صب: الصب صبوا جام غضبهم على البلاد والعباد، عندما لم ترضهم نتائج الانتخابات	ریختن وقتی نتایج انتخابات، آنان را ارضاء نکرد، خشم خود را ثار مردم و میهن کردند
صرع: مصراع الباب فتحوا لهذه القضية الأبواب الإعلامية على مصراعيها	لنگه در بر سر این موضوع، بوق و کرنا ی تبلیغاتی براه انداختند
صف: التصفيف يدير مركزا لتصفيف الشعر مع أحدث القصات الأوروبية	آرایش يك مركز آرایشگاهی را با جدیدترین مدلهای اروپایی کوتاه کردن مو اداره می کند
صف: الصف طلب شرطيّ المرور من السوّاق عدم الوقوف صفًا ثانيا	صف کشیدن مأمور پلیس راهنمائی، رانندگان را از توقف دوبله بر حذر داشت
صلح: المصلحة مصلحة تسجيل السيارات	سازمان، اداره اداره شماره گذاری اتومبیل ها
صمت: الصمت أعلن رئيس المجلس النيابي الوقوف دقيقة صمت عن روح النائب السابق	سکوت رئیس مجلس شورا در تجلیل از روح نماینده فقید، یک دقیقه سکوت اعلام کرد

طراحی مد لباس	صمم : تصميم الأزياء	۲۴۱
طراح مد لباس ایتالیایی دیروز مجموعه مدهای پاییزش را به نمایش گذاشت	أسدل مصمم الأزياء الإيطالي الستار أمس على عروض مجموعة من أزياء الخريف	
حصار دیواری	صون : التصوينة	۲۴۲
ویلا را حصارکشی کردند و بالکن ها و راه پله هایش را به نرده مجهز کردند	ركبوا التصوينة في الفيلا ، وزودوا شرفاتها وأدراجها بالدرابزين	
قربانیان	ضحی : الضحايا	۲۴۳
آمار قربانیان ناشی از حوادث رانندگی اخیراً فزونی یافته است	تكاثرت الضحايا الناجمة عن حوادث السير في الآونة الاخيرة	
اعتصاب	ضرب : الإضراب	۲۴۴
سندیکای روزنامه نگاران ، اعتصاب هشدار دهنده خود را به وقت دیگری موکول کرد	أرجأت نقابة الصحافة الإضراب التحذيري إلى وقت لاحق	
مشابهت	ضهي : المضاهاة	۲۴۵
این موضوع اهمیتی بی نظیر بدست آورد	اكتسب الأمر أهمية لا تضاهي	
سرافکنده	طأطأ : مطأطأ الرأس	۲۴۶
باید سرافکنده و سربزیر در برابر او حاضر شوی	عليك أن تمثل أمامه مطأطأ الرأس	
اورژانس ، وضع اضطراری	طراً : الطوارئ	۲۴۷
اعلام وضع اضطراری فوق العاده اجتماعی ، اجتناب ناپذیر است(باید وضعيت اضطراری اجتماعی اعلام شود)	لا بدّ من إعلان حالة طوارئ اجتماعية	
نظم وانتظام	طرد : الأطراد	۲۴۸
این مشکل بطور منظم در حال گسترش است(این مشکل مرتباً وخیم تر می شود)	هذه مشكلة تتفاقم باطراد	
محموله پستی	طرد : الطرد البريدي	۲۴۹
با یک بسته پستی ، هدیه ای برای خویشاوندانش فرستاد	أرسل هدية إلى ذويه في طرد بريدي	



ضربه	طعن : الطعن	۲۵۰
فرد جوان ، بیست ضربه چاقو به همکار خود زد ، که در نتیجه قسمتی از بدن او فلج شد	أسدى الشاب ۲۰ طعنة سكين إلى زميله، مما أدى إلى إصابته بشلل جزئي	
اقدام نسنجیده	عبط : الاعتبار	۲۵۱
دستگیریهای حساب نشده ، وزندانی کردن مخالفین سیاست دولت ، از جمله هتك حرمتهای روزمره در این کشور است	التوقيف الاعتباري والسجن لمعارضتي سياسة الحكومة، من الانتهاكات الروتينية في هذا البلد	
تراکم ترافیک	عجق : عجة السير	۲۵۲
حومه جنوبی گرفتار ترافیک سنگینی است	الضاحية الجنوبية تعاني من عجة سير خانقة	
وسيله نقلیه ، گاری	عرب : العرب	۲۵۳
راننده اتومبیل حمل جنازه در تصادف کشته شد	سائق عربة نقل الموتى قتل في الحادث	
واگن قطار	عرب : العرب	۲۵۴
قطاری مسافری مرکب از ۱۷ واگن با هزار مسافر ، بعثت خرابی ترمزهایش از خط آهن خارج شد	قطار محمل بالمسافرين مؤلف من ۱۷ عربة يستقلها ۱۰۰۰ مسافر ، خرج من سكة بسبب عطل في الفرامل	
عسلی ، لذیذ	عسل : المعسول	۲۵۵
مشکلات موجود زندگی را نمی توان با وعده های فریبنده حل کرد	لا يمكن معالجة الأزمة المعيشية القائمة بالوعود المعسولة	
مبتنی بر تعصب	عصب : العصبية	۲۵۶
تمایلات تعصب آلود	انتماءات عصبوية	
تعصب	عصب : العصبية	۲۵۷
در دام تمایلات تعصب آمیز خویش گرفتار شدند	سقطوا في فخ نزواتهم العصبية	
دست کشیدن از کار	عصم : الاعتصام	۲۵۸
تا اطلاع ثانوی، دعوت به اعتصاب کرد	دعا إلى الاعتصام حتى إشعار آخر	



۲۵۹	عطل : العاقل ارتفاع عدد العاطلين عن العمل , سجل مستوى قياسيًا في ألمانيا	بیکار افزایش آمار بیکاران , رکورد جدیدی را در آلمان به ثبت رساند
۲۶۰	عمل : العملاني لا بدّ من القيام بخطوات عمليّة	مرد کار باید گامهای عملی برداشت
۲۶۱	عمل : العمولة يتقاضا مرتبوا الزيجات من الراغبين في زواج أمريكيّة للحصول على الجنسية الأمريكيّة , ألف دولار كعمولة	دلالي , حق العمل کاری دلالتان ازدواج , از کسانی که برای دستیابی به تابعیت آمریکا مایل به ازدواج با يك زن آمریکائی هستند , هزار دلار بعنوان دلالي تقاضا می کنند
۲۶۲	عني : العناية أولاه عناية كافية	اهتمام آنرا مورد عنایت کافی قرار داد
۲۶۳	عيش : التعايش التعايش السلمي	همزیستی همزیستی مسالمت آمیز
۲۶۴	غاب : الغاب العالم يعيش شريعة الغاب	جنگل دنيا طبق قانون جنگل اداره می شود(قانون جنگل در دنیا حاکم است)
۲۶۵	غَبّ : المغبّة حذرهم من مغبّة دفن الرؤوس في الرمال	عاقبت آنانرا , از سرانجام فرو بردن سر در خاک (وتجاهل نسبت به موضوع) برحذر داشت
۲۶۶	غلو : الغالي يقام مجلس عزاء واحتفال تأبيني عن روح فقيدنا الغالي	گرانقدر مجلس سوگواری و مراسم گرامیداشت برای روح فقید گرانقدرمان , برپا می شود
۲۶۷	فرغ : التفرغ تفرغ الأمر من محتواه	تهی کردن خالی کردن موضوع از مضمون ومحتوایش
۲۶۸	فطر : الفطر ظهر كالفطر	قارچ مثل قارچ سبز شد

عمل کنش وواکنش	۲۶۹ فعل : الفعل الفعل وردة الفعل
شخصیتهای بانفوذ گروهی از متنفذین ورجال منطقه	۲۷۰ فعل : الفعاليات جمع من الفعاليات المحليّة
از حد اعتدال خارج شدن با نزدیکی آغاز سال میلادی ، مشکلات اقتصادی مردم اوج گرفت	۲۷۱ فقم : التفاقم تفاقمت الأزمة المعيشية مع اقتراب السنة الميلادية
تکذیب وتضعیف کوششی باید ، که این اتهامات را <u>نقش بر</u> <u>آب کند</u> (تکذیب یا رد کند)	۲۷۲ فند : التفنيد لا بدّ من جهد يفنّد هذه المزاعم
تعیین سرنوشت بر حقّ ملتها در تعیین سرنوشت خویش تأکید کردند	۲۷۳ قرر : تقرير المصير أكدوا على حقّ الشعوب في تقرير مصيرها
ارتکاب گناه بنظر میرسد دیدارم از او ، بزرگترین گناهی بود، که در عمرم مرتکب شده ام	۲۷۴ قرف : اقتراف الذنب يبدو أنّي اقترفت غلطة العمر بزيارتي له
پیوند ازدواج عروس و داماد ، عقد ازدواج خود را در <u>جشن عظیمی برگزار کردند ، که زبانزد</u> <u>خاص وعام شده است</u> (عروس و داماد طی مراسمی باشکوه ، عقد ازدواج خود را برگزار کردند که...)	۲۷۵ قرن : عقد القران العروسان عقدا قرانهما في احتفال مهيب، أصبح الشغل الشاغل لأبناء البلد
لوله این شرکت ، در امر تولید لوله های پولیکا (پی ، وی ، سی)، ویژه همه کاربردهای ساختمانی و زیرسازی ساختمان ، اتصالات بهداشتی ، بازیافت آب فاضلاب ، و تولید روپوشهای کابلهای برقی پیشتاز	۲۷۶ قسطل : القسطل هذه الشركة رائدة في صناعة القساطل البلاستيكية (pvc) ، ومخصصة لكافة استعمالات البناء والبنية التحتيّة ، التمديدات الصحيّة ، تصريف المياه المبتدلة وغلافات التمديدات الكهربائيّة



است		
قلب شیرینی در طی مراسم جشن ، کیک مخصوص بریده شد ، و سرود ملی پخش شد	قلب : قالب حلوی تخلّل الحفل قطع قالب حلوی والنشيد الوطني	۲۷۷
دگرگونی در عرض یک شبانه روز ، اوضاع زیر و رو شد	قلب : الانقلاب انقلبت الأمور بين ليلة وضحاها	۲۷۸
حمل کردن در انتظار مینی بوسی که او را به مدرسه راهنمایی می برد ، دم در ایستاد	قلّ : الإقلال وقف على عتبة الباب ، ينتظر الباص الصغير الذي يقلّه إلى المدرسة التمهيدية	۲۷۹
چنگ زدن به فرصت برای حفظ آبرویش ، مترصد فرصت است (در کمین فرصت نشست)	قنص : اقتناص الفرصة يحاول اقتناص الفرص من أجل حفظ ماء وجهه	۲۸۰
تعدیل ، اصلاح تعدیل (اصلاح) کژی ها و خطاهای گذشته	قوم : التقويم تقويم الاعوجاجات الماضية	۲۸۱
ارزیابی ارزشیابی (ارزیابی) وضع کنونی	قیم : التقييم تقييم الوضع الراهن	۲۸۲
کت بسته ، مقید ملت غرق در بحرانه‌ها ، و در محاصره فساد وقرض است	کبل : المكبل بات الشعب مكبلا في الأزمات ، مطوّقا بالفساد والديون	۲۸۳
تراکم ، فزونی اجرای تمرکز زدائی اداری ، باعث جلوگیری از تراکم جمعیت خواهد شد	کظّ : الاكتظاظ تفّيد اللامركزية يضع حدّا على الاكتظاظ السكاني	۲۸۴
رفع بیکاری بر آزادی اتحادیه ها و بیمه درمانی و مبارزه با بیکاری و ضرورت پیوند دادن روستا به قطار پیشرفت ، تاکید کرد	کفح : مكافحة البطالة رکّز على الحرّيات النقابية والضمان الصحي ومكافحة البطالة وضرورة ربط الريف بقطار التقدّم	۲۸۵



پشت صحنه در پشت صحنه مخفی ماند	کلس : الكالوس بقي وراء الكواليس	۲۸۶
دوش ، پشت باری از دوش خود برداشت	کهل : الكاهل أزاح همّا عن كاهله	۲۸۷
بازی کردن با سرنوشت ملت بازی می کنند	لعب : التلاعب يتلاعبون بمصير الشعب	۲۸۸
دور زدن وزیر راه و ترابری ، جاده کمر بندی را افتتاح کرد	لفّ : الالتفاف وزير الطرق والمواصلات دشّن الشارع الالتفافي	۲۸۹
در برگرفتن ، دور زدن آینده کشور در هاله ای از ابهام است	لفّ : اللف هناك غموض يلفّ مستقبل البلاد	۲۹۰
موضوع را جمع وجور کردن ، وفیصله دادن افتضاح را ، قبل از اینکه گریبانگیر سران زیادی شود ، فیصله دادند	لفلف : اللفلفة تمّت لفلفة الفضيحة ، قبل أن تطال رؤساء كبيرة	۲۹۱
تابلورنگ روغن کارهای هنری عرضه شده ، شامل تابلوهای رنگ روغن و نقاشی روی کوزه و آینه و شیشه است	لوح : اللوحة الزيتية الأعمال الفنية المعروضة ، تشمل لوحات زيتية ورسوم على الفخار والرسم على المرايا والزجاج	۲۹۲
سرزنش اهالی ، شهرداری محله را مستحقّ سرزنش دانستند	لوم : اللائمة وضع الأهالي اللائمة على بلدية الحارة	۲۹۳
ملامت در خواست کرد که وزیر تولید مورد سرزنش قرار گیرد	لوم : اللوم طالب بتوجيه اللوم على وزير الإنتاج	۲۹۴
شوخی این يك شوخی سرگرم کننده است	مزح : المزحة هذه مزحة مسلية	۲۹۵
پر کردن خلأ	ملء : ملء الفراغ	۲۹۶

پشتکار مداوم برای پرکردن خلأ موجود	العمل الدؤوب على ملء فراغ الساحة	
اعطای فرصت برای اندیشیدن در اطراف موضوع ، به او فرصت داد	منح : منح الفرصة منحه وقتاً للتفكير بالأمر	۲۹۷
مشروب (شراب) آشپز های کاخ امپراطوری، يك انبار ذخيره دائم شراب دارند که حدود ۴۰۰۰ بطری تخمین زده می شود ، ودر انبار های خنک شونده زیر زمینی نگهداری می شوند	نبذ : النبذ يحتفظ طبّاخوا القصر الإمبراطوري باحتياطي دائم من النبذ ، يقدر بحوالي أربعة آلاف زجاجة ، يجري حفظها في مستودعات مبرّدة تحت الأرض	۲۹۸
خودکشی هنرپیشه زن آمریکایی ، پس از سرخوردگی از اختلافات والدین خود ، که در شرف طلاق بودند خودکشی کرد	نحر : الانتحار انتحرت الفنانة الأميركية ، بعد ما ضاقت ذرعا بخلافات والديها المشرفين على الطلاق	۲۹۹
نادر وکم نظیر بودن کشور در این ویژگی کم نظیر است	ندر : التندر يتندر البلد بهذه الميزة	۳۰۰
تهدید مشکلات زندگی بحدی رسیده است ، که تهدید به انفجار می کند	نذر : الإنذار الأزمة المعيشية وصلت إلى مستوى ، ينذر بالانفجار	۳۰۱
مطالبه خواستار برخورد یکسان با همه طبقات مردم شد	نشد : المناشدة ناشد بالوقوف على مسافة واحدة من جميع فئات الشعب	۳۰۲
اعلان خبر مرگ اهالی روستا با نهایت تأسف درگذشت جوان مرحوم آقای .... را اعلام می دارند	نعي : النعي أهالي القرية ينعون بمزيد الأسى المأسوف على شبابه السيد ....	۳۰۳
پس مانده ها ، زباله ها نیروهای شهربانی مکلف شدند ، از تخلیه زباله توسط کامیونها در مزبله داخل شهر	نفي : النفايات تمّ تكليف قوى الأمن الداخلي بمنع أيّ شاحنة من رمي نفاياتها في مكب المدينة لأنه أقلل	۳۰۴



نهایی	جلوگیری کنند ، چون این مزبله برای همیشه بسته شده است
٣٠٥ نقب : النقابة قضية نقابة العمال مازالت مفتوحة	سندیکا مسأله اتحادیه کارگران همچنان باز ولا ینحل مانده است
٣٠٦ نقط : نقطة الصفر الأمر عادت إلى نقطة الصفر	اول خط کارها دوباره به اول خط باز گشت
٣٠٧ نکت : النکة تداول النکة يتخذ أحيانا طابعا دعائيا، يهدف إلى توجيه النقد والسخرية . والأساليب البوليسية قد تبدو عاجزة عن الحدّ من النکة السياسية التي تفضحها	لطیفه ذکر لطیفه وجوک ، گاهی در قالب تبلیغات ، وبهدف انتقاد ومسخره کردن دیگران بکار می رود. وشگردهای پلیسی نیز، گاهی از منع شیوع لطیفه های سیاسی که برای آنها رسوائی ببار می آورد ، عاجز است
٣٠٨ نکر : التکرر تکرر للمبادئ التي انطلق منها	تجاهل ارزشهای اولیه را بیاد فراموشی سپرد
٣٠٩ نما : النمو تخفيض معدل النمو السكاني	رشد کاستن نرخ رشد جمعیت
٣١٠ نهز : المناهزة توفي عن عمر يناهز الثمانين عاما	نزدیک شدن در سنّ نزدیک به هشتاد سالگی جان سپرد
٣١١ نهض : الاستنهاض دعا إلى استنهاض الوطن من أوضاعه المتردية	پا خیزی مردم را به بیرون کشیدن کشور از وضع فاسد کنونی دعوت کرد
٣١٢ نور : الانارة مشروع الانارة يشمل الشوارع الرئيسية ذات اتجاهين	لامپ کشی وروشنائی طرح لامپ کشی وچراغانی ، خیابانهای اصلی دو طرفه را در بر می گیرد
٣١٣ هبط : الهبوط سجلت القضايا الراهنة هبوطا فعليًا في شعبيته	انحطاط اوضاع کنونی میزان محبوبیت مردمی او را



کاهش داد		
تلفنهای ضروری	هتف : الهواتف الضرورية	۳۱۴
باید لیستی از تلفن های ضروری را همراه داشت ، از قبیل : اداره امداد، پلیس امداد وکمک رسانی ، ساعت ناطق، امور اضطراری برق، هلال احمر ودفتر شکایات خواربار	يجب الاحتفاظ بقائمة الهواتف الضرورية نحو: الإسعاف وشرطة النجدة والساعة الناطقة وطوارئ الكهرباء والهلال الأحمر وشكاوى التموين	
رعب ووحشت	هلع : الهلع	۳۱۵
زمین لرزه ، حالت رعب ووحشت عمومی ، ترك خوردگی منازل ، ریزش بالکنها وخسارت به اتوموبیلها را بدنبال داشت	الهزة الأرضية سببت حالة هلع عامة، وتصدع منازل وانهار شرفات وتضرر سيارات	
شکاف	هو : الهوة	۳۱۶
حوادث گذشته بین دو طایفه شکاف عمیقی بوجود آورده است ، که باید برای پرکردن آن تلاش کرد	ان الأحداث الماضية حفرت هوة عميقة بين الطائفتين يجب السعي إلى ردمها	
ترسو	هیب : الهیاب	۳۱۷
بی هیچ ترس وهراسی در برابر مشکلات زمان خویش قد علم کرد	تصدى لمشكلات زمانه غير هیاب أو وجل	
نما ، قسمت بیرونی	وجه : الواجهة	۳۱۸
موضوع مجدداً در سرلوحه اخبار قرار گرفت	عادت القضية إلى واجهة الحدث الإخباري	
غوطه ور شدن	ورط : التورط	۳۱۹
درگیر شدن در يك ريسك گران وپرهزینه ، صحيح نیست	لا يصح التورط في مغامرة باهظة الأكلاف	
نشان	وسم : الوسام	۳۲۰
مدال (درخت) ارز را به سینه او آویخت	قلده وسام الأرز	
استخدام ، بکار گیری	وظف : التوظيف	۳۲۱
خواستار نفی رابطه گرائی، واستخدام بر	طالب بإلغاء المحسوبة ، والتوظيف على	

أساس الكفاءة والتراتبية العلامية	پایه کفایت , وترتیب میانگین نمرات شد
۳۲۲ وفّر: التوفیر لن نألوا جهدا في توفیر المناخ المناسب	آماده سازی در ایجاد فضای مناسب ازهیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد
۳۲۳ وقع: التوقيع نحن الموقعین أدناه ....	امضا اینجانبان ، امضاکنندگان زیر ....



### ۳. المصطلحات الاقتصادية

بحران	أزم: الأزمة	۳۲۴
معضلات موجود زندگی را به یک بمب ساعتی تشبیه کرد	شبه الأزمة المعيشية الراهنة بقبلة موقوتة	
شاخص	أشر: المؤشر	۳۲۵
شاخص سهام ها	مؤشرات الأسهم	
تأييد ومعرفی	أمن: الائتمان	۳۲۶
اتهاماتی از قبیل ایراد خسارت عمدی به اموال بانکها و ارائه معرفی نامه بدون اخذ ضمانت به بازداشت شدگان وارد شد	تراوحت التهم الموجهة إلى المعتقلين، بين الإضرار بالعمد بأموال المصارف وتقديم تسهيلات ائتمان من دون ضمانات	
مبادله	بدل: التبادل	۳۲۷
از سرگیری مبادلات بازرگانی چند جانبه	إعادة التبادل التجاري المتعدد الأطراف	
بورس	بورص: البورصة	۳۲۸
میزان معاملات انجام شده در بورس سهام و اوراق بهادار بیروت از نظر ارزش مبادلات کاهش یافت	حقق حجم التعامل في سوق الأسهم والصكوك في بورصة بيروت، تراجعاً في قيمة المبادلات	
بورس	بورص: البورصة	۳۲۹
پس از کاهش سهام بورس " وول استریت " بسیاری از سرمایه گذاران در انتظار اعلان بیانیه های اقتصادی مهمی که حاوی ارائه اطلاعاتی در مورد نرخ سود سرمایه ها باشد، از انجام معاملات خودداری کردند	بعد انخفاض بورصة "وول استریت" أحجم كثير من المستثمرين عن التعامل في انتظار بيانات اقتصادية مهمة تعطي معلومات عن أسعار الفائدة	



فروشنده دوره گرد	بيع: البائع المتجول	۳۳۰
فروشنده‌گان دوره گرد سود زیادی کسب نکردند	الباعة المتجولون لم يجنوا أرباحا كثيرة	
انجام عملیات گمرکی (فارسی)	جمرك: الجمركة	۳۳۱
اتومبیل ترخیص شده از گمرک	سيارة مجركة	
سنگ بنا	حجر: حجر الأساس	۳۳۲
استانداری شمال در مراسم کلنگ زنی (و گذاشتن سنگ بنای) طرح تأمین آب آشامیدنی و طرح روشنایی جاده کمربندی شهر طرابلس شرکت کرد	شاركت محافظة الشمال في وضع حجر الأساس لمشروع تأمين مياه الشرب ومشروع إنارة الشارع الالتفافي لمدينة طرابلس	
کشیدن چک	حرر: تحرير الشيك	۳۳۳
بخاطر کشیدن یک چک بی محل (بعنوان حامل)، به زندان افتاد	حرر شيكا (لحامله) من دون مئونة، مما أدى إلى سجنه	
انواع سوخت	حرق: المحروقات	۳۳۴
صاحبان پمپ بنزینها شلنگ پمپها را (به نشانه اعتصاب) برافراشتند	أصحاب محطات المحروقات رفعوا خراطيم المضخات	
سهامیه	حصص: الحصص	۳۳۵
بخاطر کمبود کالا، سهامیه بندی اجرا شد	تم تطبيق الحصص لندرة السلع	
مدیر عامل بانک	حكم: حاكم المصرف	۳۳۶
مدیر عامل بانک مرکزی لبنان با صدور بخشنامه ای از همه بانکها خواست، تراز ماهیانه معاملات روزانه خود را برای بانک مرکزی ارسال دارند	أصدر حاكم مصرف لبنان تعميما، يقضي بتزويد مصرف لبنان ببيان شهري للصفقات اليومية في جميع المصارف	
ذخیره	حيط: الاحتياطي	۳۳۷
ذخیره استراتژیک	الاحتياطي الاستراتيجي	
کاسته شدن تابش ماه	خسف: الخسوف	۳۳۸
تخفیف سالیانه قیمتها (کنایه تبلیغاتی)	الخسوف السنوي للأسعار	
برنامه	خط: الخطة	۳۳۹

لجنة الاقتصاد والموازنة أقرت قانون الخطة الخمسية	کمیسیون اقتصاد و بودجه، قانون برنامه پنجساله را تصویب کرد
۳۴۰ خفض: الانخفاض انخفض مؤشر بعض الشركات المساهمة في سوق أسهم بيروت مطلع الأسبوع الحالي	کاهش در آغاز هفته جاری ارزش سهام برخی شرکتهای سهامی، در بورس سهام بیروت کاهش یافت
۳۴۱ دخل: المدخول عليكم أن تأخذوا مدخول الشعب في الحسبان، عند تحديد الضرائب	درآمد باید هنگام تعیین مالیاتها، میزان درآمد مردم را در نظر بگیرید
۳۴۲ دَر: إدار المدخول هذه الحرفة تدرّ لي مدخولا إضافيا	کسب درآمد این پیشه برای من باعث کسب درآمد اضافی می شود
۳۴۳ دعم: الدعم رفعت الحكومة الدعم عن الكهرباء	یارانه دولت پرداخت سوبسید برای برق را قطع کرد
۳۴۴ دئو: الراتب المتمدني رواتب موظفي الدولة باتت متمدّية بالنسبة لمتطلبات الحياة	دستمزد پائین حقوق کارمندان دولت، نسبت به نیازمندیهای زندگی در سطح پائینی قرار گرفته است
۳۴۵ دول: التداول ملخص عمليات التداول الشهري	گردش کار خلاصه عملیات گردش کار ماهانه
۳۴۶ دين: الاستدانة استدانت إدارة الشركة مليون دولار، لإعادة إطلاقها بالمستوى اللائق	وام گرفتن مدیریت شرکت برای تحوّل کیفی آن به سطحی مطلوب، یک میلیون دلار وام گرفت
۳۴۷ دين: المديونية المديونية العالمية تجاوزت ۱۳۰ في المائة من الناتج الداخلي الخام، وتزداد بنسبة تتراوح بين ۶ و ۸ في المائة سنويا وتترتب عليها نتائج كارثية	بدهی بدهی جهانی از میزان ۱۳۰٪ تولید ناخالص ملی فراتر رفته و سالانه بین ۶ و ۸ درصد افزایش می یابد. این افزایش نتایج وحشتناکی (ناگواری) بدنبال خواهد داشت
۳۴۸ دين: المديونية بدهی	بدهی



ارتفعت مديونية الحكومة الفيدرالية الأمريكية (أي ما تستدينه الحكومة لتمويل مصروفاتها) بنسبة عشرة بالمائة في السنة	بدهی دولت فدرال آمریکا (یعنی استقراض دولت برای تأمین هزینه های آن) در یک سال ۱۰٪ افزایش یافت
۳۴۹ ذخیر: المدخر	پس انداز
إعطاء هذه الحوافز يشجع المواطنين الراغبين بتوظيف مدّخراتهم الصغيرة	دادن این جوایز شهروندان را برای بکار گیری اندوخته های اندک خود تشویق می کند
۳۵۰ رأس: الرأسمال	سرمایه
بدأ مسؤولوا الحكومة اللبنانية حديثهم الشّيق عن دخول رساميل هائلة للاستثمار بعد الإعفاءات الضريبية والتسهيلات التي وفّرها القانون الجديد	مسئولان رژیم لبنان با آب و تاب از ورود سرمایه های هنگفت به کشور در پی معافیت های مالیاتی و تسهیلات اعطایی توسط قانون جدید، سخن گفتند
۳۵۱ ربع: التربع	چهار زانو نشستن، تکیه زدن
السياسيون وكبار أصحاب الرتب العسكرية في ذلك البلد هم أصحاب أسهم كبار، يتربعون في مجالس إدارة الشركات الكبرى	سیاستمداران و رده های بالای ارتشی (درجه داران ارتشی) در آن کشور بیشترین سهام را در تملّک خود داشته، بر تخت مدیریت شرکتهای بزرگ تکیه زده اند
۳۵۲ رجأ: الإرجاء	به تأخیر انداختن
أرجأت البلدان الأوروبية قرار الوحدة النقدية	کشور های اروپایی تصمیم آغاز پول واحد را به تعویق انداختند
۳۵۳ رسم: الرسوم	مالیاتها
طالب بتعديل لائحة البضائع المعفاة من الرسوم الجمركية	خواستار اجرای <u>تعدیل (اصلاحیه)</u> در لیست کالاهای معاف از پرداخت مالیاتهای گمرکی شد
۳۵۴ رغف: رغيف الخبز	قرص نان
أكثر شعوب العالم الثالث تحتاج في تأمين رغيف الخبز وضمان هناء العيش أن تمدّ يدها للغرب	اکثر ملت های جهان سوم، برای تأمین قرص نان (قوت لا يموت)، و تضمین آرامش زندگی، چاره ای جز دراز کردن دست کمک به غرب ندارند
۳۵۵ زفت: تزفيت الشوارع	اسفالت کردن خیابانها



شورای شهرداری یک مناقصه عمومی برای اجرای طرح آماده سازی (زیر سازی) و آسفالت کوچه های محله قدیمی اعلام کرد	أعلن مجلس البلدية مناقصة عمومية لمشروع تعبيد وتزفيت زوارب الحي القديم	
ثقلب	زور: التزوير	۳۵۶
بانك مركزى لبنان به بانکهای تجارتي وبنگاههای صرّافی اعلام کرد: اسکناسهای تقلبی از رده ۱۰۰ دلار آمریکا و ۵۰۰ ریال سعودی، وارد بازار شده است	أعلم مصرف لبنان المصارف التجارية ومؤسسات الصرافة، عن وجود أوراق مزورة من فئات المئة دولار أمريكي والخمسمئة ريال سعودي في الأسواق	
مزایده	زید: المزاد	۳۵۷
مؤسسه، مزایده ای را به اجرا گذاشت	أجرت المؤسسة مزادا علنيا	
تسویه حساب	سّد: التسديد	۳۵۸
مجلس شورا در خلال بررسی لایحه بودجه، تسویه بخشی از بدهیهای خارجی را منظور نمود	لحظ مجلس الشورى خلال درسه مشروع الموازنة، تسديد قسم من الديون الخارجيّة	
قاچاق کردن	سرب: التسريب	۳۵۹
نیروهای شهربانی (نیروهای انتظامی) موفق شدند از قاچاق طلا به خارج از کشور جلوگیری کنند	تمكنت قوات الأمن العام من إيقاف تسريب الذهب إلى خارج البلاد	
نرخ گذاری	سعر: التسعير	۳۶۰
کمیته نرخ گذاری کالاها	لجنة تسعير السلع	
کالا	ساع: السلعة	۳۶۱
نوسان در ارزش پول ملی، روی نرخ مواد غذایی اثر منفی گذاشت	انعكست البلبلة في سعر العملة الوطنية سلبا على أسعار السلع الغذائية	
پیش پرداختها	سلف: التسليفات	۳۶۲
حجم پیش پرداختها با تصمیم وزارت اقتصاد افزایش یافت، و بین بخشهای اقتصادی توزیع شد	تطور حجم التسليفات بقرار من وزارة الاقتصاد، وتوزعت على القطاعات الاقتصادية	
پیش پرداخت	سلف: السلفة	۳۶۳

مجلس الوزراء أقرّ سلفة لتغطية سلسلة رواتب المعلمين	هیأت وزیران، با اعطای پیش پرداخت برای تأمین حقوق معلمان موافقت کرد
۳۶۴ سوی: المستوى سياسة الاحتفاظ بمستوى الاستهلاك المحلي	سطح سیاست حفظ سطح مصرف داخلی
۳۶۵ شبه: المشبوه الصفقات المشبوهة	مشکوک معاملات مشکوک
۳۶۶ شحن: الشحنة نعطي ضمانات تامة لوصول الشحنة سالمة لوجهتها في أي مكان من العالم	محموله وصول سالم محموله ها را به مقصد خود، در هر جای جهان کاملاً تضمین می کنیم
۳۶۷ شرح: الشرح فرض ضرائب باهظة على المواطن، يوسع الشرح بينه وبين الدولة	شکاف، فاصله تحمیل مالیتهای سنگین به شهروندان، شکاف بین آنان و دولت را فزونی می بخشد
۳۶۸ شرع: المشروع احتجت الصحف أمس في فرنسا احتجاجاً على المشروع القاضي بإلغاء الامتيازات الضريبية الخاصة بالصحافيين	لایحه دیروز جراید فرانسه با لایحه ناظر بر لغو امتیازات مالیاتی ویژه روزنامه نگاران، مخالفت کردند و دست به اعتصاب زدند
۳۶۹ شكل: التشكيلة لقد لاقت هذه التشكيلة النجاح الباهر لدى الحضور الذين أقبلوا على شرائها	مجموعه، کلکسیون این کلکسیون بین حضاری که به خرید از آن اقدام کردند، بموفقیت چشم گیری دست یافت
۳۷۰ شل: الشلل الحركة الاقتصادية مشلولة في المتن الشمالي	فلج شدن حرکت اقتصادی در منطقه شمالی کشور فلج شده است
۳۷۱ شيك: الشيك ممنوع إصدار الشيكات بلا رصيد	چک کشیدن چک بلا محل ممنوع است
۳۷۲ صدع: الصدع لا يمكن التنبؤ بالنقطة التي سيتوقف عندها التمرکز الرأسمالي، لكن الأكيد أن الأضرار التي تسبب بها عمليات الدمج المتلاحق للشركات	شکاف آخرین لحظه عمر نظام سرمایه داری را نمی توان حدس زد، اما بدون شک ضررهای ناشی از عملیات ادغام پیایی شرکتها، و خرید آنها



وشرائها من قبل شركات أخرى، قد بدأت تحدث صدوعاً في جسم الهنيان	توسط شرکتهای دیگر، بتدریج شکافهای خود را بر پیکر این نظام وارد می کند
۳۷۳ صرف: المصرف حاکم المصرف المركزي	بانک مدیر عامل بانک مرکزی
۳۷۴ صفق: الصفقة دول المنطقة لا تنوي إبرام صفقات مع إسرائيل	معامله دولتهای منطقه در نظر ندارند با اسرائیل معاملاتى منعقد نمایند
۳۷۵ صك: الصك صك موثق	چک چك تضمين شده
۳۷۶ صيد: الاصطياد اعتبر الصياد اصطياد سمكة القرش رزقة صباحية ثمينة	صید کردن صیاد بدام انداختن یک کوسه ماهی را، چاشت صبحگاهی با ارزشی به حساب آورد
۳۷۷ ضخم: التضخم التضخم الاقتصادي	تورم تورم اقتصادی
۳۷۸ ضرب: الضريبة نشرت اللجنة الاقتصادية لائحة بالمواد الخاضعة للضرائب الجديدة	مالیات کمیسیون اقتصاد، لیستی از کالاهای مشمول مالیاتهای جدید را منتشر ساخت
۳۷۹ ضيع: الضياع أسعار الخضار تضيع بين تاجر الجملة وبائع المفرق	بهدر رفتن نرخ سبزیجات، بین تاجر عمده فروش و بقال خرده فروش هدر می رود
۳۸۰ طبع: الطابع الاقتصادي أعطى وزير خارجية أرمينيا طابعا اقتصاديا لمحادثاته في بيروت	وجهه اقتصادی وزیر خارجه ارمنستان به مذكرات خود در بیروت وجهه اقتصادی داد
۳۸۱ طحن: الطحن الشريحة الاجتماعية الكبرى مطحونة بالركود الاقتصادي	کوبیدن، آرد کردن بزرگترین قشر ملت، زیر بار رکود اقتصادی در حال خرد شدن است
۳۸۲ طرح: المطروح للبيع المنقولات المطروحة للبيع هي:	قابل فروش وسایل منقول آماده فروش عبارتست از: یک



<p>دست کاناپه هشت نفره، میز سیگار متوسط، میز ناهار خوری، هشت عدد صندلی کمد چهارکشویی، ۴ عدد لوستر، یک قالیچه تخت دو نفره با دو جالباسی، تخت بچگانه یخچال سفید دو در ۲۱ فوت مارک سامسونگ، واحاق گاز ثابت ۴ شعله</p>	<p>طقم کنبايات من ثمانی قطع وطاولة وسط للسجائر وطاولة طعام وثمانية كراسي وخزانة أربع جوارير وثریّا عدد أربع وسجادة صغيرة وسرير مزدوج مع كومودينة عدد ۲ وسرير للطفل وبراد لون أبيض بطبقتين ۲۱ قدما ماركة سامسونج وفرن غاز ثابت أربع عیون</p>	
<p><b>صدر</b> شرکت (دیوو) در صدر شرکتهای کره است. وبعنوان پنجه آهنین امپریالیسم کره محسوب می شود</p>	<p><b>طلع: الطليعة</b> تأتي شركة (دايوو) في طليعة الشركات الكورية وتشكل القبضة الحديدية للإمبريالية الكورية</p>	۳۸۳
<p><b>جلب اطمینان</b> وزیر اقتصاد برای جلب اطمینان مردم نسبت به عدم تزلزل در ارزش پول، پیامی صادر کرد</p>	<p><b>طمن: التطمين</b> وجه وزير الاقتصاد رسالة تطمين إلى الشعب، حول عدم تدهور سعر العملة</p>	۳۸۴
<p><b>تحول</b> کشور نیازمند رشد نیروی انسانی است</p>	<p><b>طور: التطوير</b> البلد بحاجة الى تطوير الموارد البشرية</p>	۳۸۵
<p><b>مشکل، مصیبت</b> آمار اسرائیلیان زیر خط فقر افزایش یافت</p>	<p><b>عتب: العتبة</b> تزايد عدد الإسرائيليين تحت عتبة الفقر</p>	۳۸۶
<p><b>کسر بودجه</b> پرداخت حقوقهای جدید، باعث افزایش کسر بودجه واستقراض از پشتوانه خزانه شد</p>	<p><b>عجز: العجز في الموازنة</b> دفع الرواتب الجديدة أدى إلى عجز إضافي في الموازنة، وإلى الاستدانة بواسطة سندات الخزينة</p>	۳۸۷
<p><b>کنتور آب</b> سازمان آب صیدا هزار لیتره بعنوان عوارض نگهداری کنتور به عوارض آب اضافه کرد</p>	<p><b>عدد: عداد المياه</b> أضافت مصلحة مياه صيدا ألف ليرة إلى رسوم المياه كرسوم صيانة للعداد</p>	۳۸۸

عرضه و تقاضا اوضاع اقتصادی تابع قانون عرضه و تقاضاست	عرض: العرض والطلب الأوضاع الاقتصادية خاضعة لنظام العرض والطلب	۳۸۹
معاف کردن معافیت از مالیاتهای گمرکی	عفو: الإعفاء الإعفاء من الرسوم الجمركية	۳۹۰
مارک مارکهای صنعتی	علم: العلامة العلامات الصناعية	۳۹۱
جهان گرایی کاهش مالیاتها، تشجيع بخش خصوصی، انعطاف در بازار کار و قدرت خرید، از تبعات (ضروریات) سیاست "جهان گرایی" (جهانی شدن) است	علم: العولمة إن تخفيض الضرائب وتشجيع القطاع الخاص والمرونة في سوق العمل والقدرة الشرائية، كلها من متطلبات "العولمة"	۳۹۲
سازندگی نماینده مخالف، سازمان توسعه و عمران را به فساد و پارتی بازی متهم کرد	عمر: الإعمار اتهم النائب المعارض مجلس الإنماء والإعمار بالفساد والمحسوبية	۳۹۳
عمران همچنانکه کینه توزترین دشمنانش می گویند، برنامه خود برای عمران را بدون ملاحظه جنبه انسانی آن، صرفاً روی اقتصاد مادی تنظیم کرد	عمر: الإعمار حوّل مشروعه في الإعمار إلى مجرد بناء للحجر دون البشر، كما دأب على القول ألدّ خصامه	۳۹۴
برخورد نسبت به لزوم برخورد جدی با فرایند (دستاوردها) سیستم بازرگانی جدید جهانی تأکید کرد	عمل: التعامل نوّه بضرورة التعامل الجادّ مع معطيات النظام التجاريّ الدوليّ الجديد	۳۹۵
پول، ارز کشورهای اتحادیه اروپا، موافقت خود را با اجرای نظام پول واحد اعلام کردند (کشورهای اتحادیه اروپا، با اجرای نظام پول واحد موافقت کردند)	عمل: العملة اتّفقت دول الاتحاد الأوروبي على تطبيق نظام العملة الموحّدة	۳۹۶



<p><b>عوض: التعويض</b></p> <p>بأشرك مكتب المحافظ دفع شيكات القسط الأخير عن تعويضات المواطنين الذين تضررت منازلهم ومحالهم التجارية خلال العدوان الإسرائيلي على الجنوب</p>	<p>٣٩٧</p>
<p><b>عيل: راتب الإعالة</b></p> <p>تم ضبط أحد الأثرياء، بعد ما اعتاد لسنين طويلة على تسلّم راتب الإعالة من صندوق التنمية الاجتماعية</p>	<p>٣٩٨</p>
<p><b>فتر: الفاتورة</b></p> <p>يرجى من الزبائن الكرام تسديد الفواتير، مطلع كل شهر</p>	<p>٣٩٩</p>
<p><b>فدح: الضرر الفادح</b></p> <p>السييل الجارف ألحق أضرارا فادحة بمزارع الشمندر السّكرّي</p>	<p>٤٠٠</p>
<p><b>فرد: المفترق</b></p> <p>البيع بالجملة والمفترق</p>	<p>٤٠١</p>
<p><b>فقر: خط الفقر</b></p> <p>حدّدت لجنة المال و الموازنة خطّ الفقر المدقع (الخطّ الأدنى للفقر)، وخطّ الفقر المطلق (الخطّ الأعلى للفقر)</p>	<p>٤٠٢</p>
<p><b>فلاس: الإفلاس</b></p> <p>أعلنوا إفلاس الشركة المساهمة في بورصة الأوراق الماليّة</p>	<p>٤٠٣</p>
<p><b>فيض: الفائض</b></p> <p>سجل ميزان المدفوعات في شبكة كهرباء لبنان من الشهر الفائت، فائضا ملحوظا يساوي ٠٩</p>	<p>٤٠٤</p>
<p><b>جبران خسارت</b></p> <p>دفتر استاندار صدور چک برای پرداخت آخرین قسط بعنوان جبران خسارتهای وارده به منازل و محلهای تجاری شهروندان، که در اثر حملات اسرائیل به جنوب متحمل شده اند، آغاز کرد</p>	
<p><b>مستمری بازنشستگی</b></p> <p>یک فرد ثروتمند، پس از چندین سال دریافت مستمری بازنشستگی از صندوق توسعه اجتماعی، بازداشت شد</p>	
<p><b>فاکتور</b></p> <p>از مشتریان گرامی انتظار می رود در آغاز هر ماه، فاکتور های خویش را تسویه کنند</p>	
<p><b>خسارت سنگین</b></p> <p>جاری شدن سیل، خسارتهای سنگینی به مزارع چغندر قند وارد کرد</p>	
<p><b>خرده (فروشی)</b></p> <p>فروش جزئی و کلی (خرده و عمده)</p>	
<p><b>شاخص فقر</b></p> <p>کمیسیون دارایی و بودجه، شاخص فقر کامل (پائین ترین میانگین فقر) و فقر مطلق (بالا ترین میانگین فقر) را تعیین کرد</p>	
<p><b>ورشکستگی</b></p> <p>ورشکستگی آن شرکت سهامی را در بورس اوراق بها دار، اعلام کردند</p>	
<p><b>افزایش</b></p> <p>حجم پرداختها در شبکه برق لبنان در ماه گذشته، تفاوتی آشکار معادل ٠٩٪ نسبت به</p>	

ماه قبل از آن را نشان داد	% بالنسبة إلى الشهر الأسبق	
بخش یک کمیته مشترک بین بخش دولتی و بخش خصوصی برپا کردند	قطع: القطاع أقاموا لجنة مشتركة بين القطاع العام والخاص	۴۰۵
بریدن دلار به بالاترین ارزش خود در برابرین ژاپن در طول چهار سال گذشته صعود کرد	قفز: القفز قفز الدولار إلى أعلى مستوياته أمام الين، منذ أكثر من أربع سنوات	۴۰۶
مهارتورم دولت را بخاطر عدم پرداخت حقوق ها به بهانه مهارتورم بشدت مورد انتقاد قرار داد	کبح: کبح التضخم انتقد الحكومة بشدة لعدم دفعها الرواتب بغرض كبح التضخم	۴۰۷
اشياء لوکس بخشنامه عوارض اشياء لوکس همچنان معتبر است	کمل: الكماليات مرسوم ضرائب الكماليات لا يزال ساري المفعول	۴۰۸
پاسخگوئی شرکت توانست پاسخگوی میزان نیاز داخلی باشد	لبي: التلبية تمكنت الشركة من تلبية الطلب المحلي	۴۰۹
اهمال چرا سازمان برق نسبت به تهیه کنتور برای مشترکین این روستا اهمال می کند؟	لکأ: التلكؤ لماذا تتلکأ مؤسسة الكهرباء في إعداد ساعات للمشاركين في هذه القرية؟	۴۱۰
الماس کلکسیون الماسهای تابناکی که جمهوری اسلامی ایران به معرض آزمایش (نمایش) گذارد، از نظر حجم، حاوی بیش از نیمی از الماسهای دنیاست و از نظر درخشش از هر مجموعه دیگری در دنیا زیباتر است	موس: الماس تضم مجموعة الماسات المبهرة التي عرضتها جمهورية إيران الإسلامية أكثر من نصف الماسات العالم الأكبر حجما وتفوق مجموعة الزمردات تالفا أي مجموعة في أي مكان آخر	۴۱۱
سرمایه گذاری مجلس شورا به دولت اجازه داد که برای طرحهای توسعه، از سرمایه گذاری خارجی	مول: التمويل أجاز مجلس الشورى للحكومة إلى تمويل خارجي لمشاريعها التنموية	۴۱۲



استفاده کند		
<b>تولید</b> کارگران تولیدی های لباس مجبور به ترک پیشه خود هستند، و تولید آنها پائین است (به دلیل پایین بودن تولید آنها مجبور به ترک پیشه خود هستند)	<b>نتج: الإنتاج</b> عمال مصانع الألبسة مهّدون بالصرف، والإنتاج كاسد	٤١٣
<b>بخت آزمایی</b> دو نوع بخت آزمایی	<b>نصب: اليانصيب</b> اليانصيب - اللوتو	٤١٤
<b>اجرا کردن</b> کمیتة نرخ گذاری بین المللی، موانع موجود بر سر راه اجرای معاهده را هموار کرد	<b>نقد: التنفيذ</b> لجنة التسعير الدولية، ذللت العقبات أمام تنفيذ الاتفاق	٤١٥
<b>تقدینگی</b> در نتیجه ازدیاد (افزایش) حجم نقدینگی پول در گردش در طول هفته گذشته شاهد افزایش ملموسی بود	<b>نقد: النقد المتداول</b> عرفت السيولة الجاهزة خلال الأسبوع المنصرم ارتفاعا، نتيجة ازدياد حجم النقد المتداول	٤١٦
<b>مناقصه</b> سازمان آب یک مناقصه عمومی از طریق پاکتهای لاک و مهر شده برای تحویل ماده کلرور آهن برگزار می کند	<b>نقص: المناقصة</b> تجري مصلحة المياه مناقصة عموميّة بطريقة الظرف المختوم لتقديم مادّة كلرور الحديد	٤١٧
<b>مناقصه</b> اداره کل شهربانی تمایل خود را به انجام یک مناقصه عمومی برای اجرای فعالیتهای مربوط به ساختمان جدید پادگان استقلال اعلام می نماید	<b>نقص: المناقصة</b> إن المديرية العامة لقوى الأمن الداخلي تعلن رغبتها عن إجراء مناقصة عمومية لتنفيذ الأشغال العائدة لاستحداث بناء جديد في ثكنة الاستقلال	٤١٨
<b>رشد، گسترش</b> فقر در حال رشد	<b>نمو: التنامي</b> البؤس المتنامي	٤١٩
<b>توسعه</b> شرکت کنندگان، بر ضرورت ایجاد فضای	<b>نمو: التنمية</b> رکّز المشاركون على ضرورة توفير المناخ للتنمية	٤٢٠

الاقتصادية	مناسب برای توسعه اقتصادی تأکید کردند
۴۲۱ هتف : الهاتف	تلفن
تعرضت كابلات هاتف الحي الجنوبي إلى تخريب مقصود (أي النشر بمنشار)	کابل‌های تلفن محله جنوبی مورد تخریب عمدی قرار گرفت (با اژه قطع شده بود)
۴۲۲ هلك : الاستهلاك	مصرف
السلع الأخرى (غير البنزين) مهددة بتراجع استهلاكي، إذا زيدت الرسوم عليها	در صورت افزایش مالیات بر کالاهای دیگر (غیر از بنزین)، میزان مصرف آنها کاهش پیدا می کند
۴۲۳ هلك : التعاونية الاستهلاكية	شرکت تعاونی مصرف
صولد (solds) وحسم، يتراوح بين عشرة وعشرين بالمائة على السلع الغذائية في التعاونية الاستهلاكية	حراج و تخفیف بین ۱۰ تا ۲۰ درصد روی مواد غذایی در شرکت تعاونی مصرف
۴۲۴ هود : حرب بلا هوادة	نبرد بی امان
تشق شركات الكمبيوتر اليابانية حرب أسعار لا هوادة فيها، على الشركات المنافسة الغربية	شرکت‌های کامپیوتری ژاپنی، نبردی بی امان را علیه شرکت‌های اروپایی رقیب خود شروع کرده اند
۴۲۵ ودع : الإيداع	واریز پول
على الراغبين في الشراء أن يودعوا باسم رئيس دائرة تنفيذ المصلحة قبل المباشرة بالمزايدة لدى صندوق الخزينة أو أحد المصارف المقبولة مبلغا وقدره ١٠٠٠ دولار أمريكي	علاقتمندان خرید باید قبل از شرکت در مزایده، مبلغی معادل ۱۰۰۰ دلار آمریکا به حساب رئیس هیأت اجرائی سازمان، نزد صندوق یا یکی از بانک‌های مورد قبول واریز نمایند
۴۲۶ ورد : الاستيراد	وارد کردن
منعت وزارة الزراعة السورية استيراد لحوم الأبقار من هولندا، حيث سجلت إصابة شخصين بمرض البقرة المجنونة	پس از ثبت ابتلای دو نفر به بیماری جنون گاوی در هلند، وزارت کشاورزی سوریه واردات گوشت از این کشور را ممنوع ساخت
۴۲۷ ورد : التوريد	وارد کردن
تعلن الشركة عن حاجتها لتوريد وتركيب تجهيزات معمل لقوالب الجليد في وحدة تبريد	شرکت نیاز خود را به وارد کردن و ترکیب تجهیزات کارخانه یخ، در واحد یخ سازی



العاصمة	پایتخت اعلام می کند
٤٢٨ ورد: الواردات	دریافتهها دولت مجبور شد برای تأمین هزینه ها، عوارض و مالیاتهای جدیدی را برای اخذ دریافتهای جدید وضع کند
٤٢٩ ورش: الورشة	پروژه شرکت پروژه کاری را تحویل گرفت، و ماکت آنرا به متخصصین عرضه کرد
٤٣٠ وزن: الموازنة العامة	بودجه عمومی کم کردن سهم وزارت از بودجه عمومی
٤٣١ وضع: وضع اليد	مصادره، تصرف قانون جدید به مدیر عامل بانک مرکزی لبنان اجازه میدهد، هر بانکی را که روشن شود، در وضعیتی نیست که بتواند بکار خود ادامه دهد، تحت کنترل خود قرار دهد
٤٣٢ وضع: الوضع المعيشي	وضعیت زندگی از جایگاه وضعیت زندگی (وضع اقتصادی مردم) در چارچوب اولویتهای دولت سؤال کرد

٤٣٢ أجاج: تأجيج النار	برافروختن آتش آشفتهگی تبلیغاتی که برخی سیاسیون کشور به آن دامن زده بودند، فروکش کرد
٤٣٣ أصل: الأصولية	بنیادگرایی بینش گذشته گراء به بنیاد گرایی <u>سوق می</u> یابد (نشأت میگیرد)
٤٣٤ أقلم: التأقلم	سازگاری با محیط بر این عقیده بود که : وضع انسان در جهان کنونی، همچون قورباغه است که میتواند خود

را با درجات حرارت مختلف سازگار نمایند		
<b>اثر انگشت</b> او از جمله مردانی است که آثار خود را روی سیر حوادث در اواخر قرن بیستم برجای گذاشته اند	<b>بصم: بصمة الإصبع</b> هو من الرجال الذين تركوا بصماتهم على مسيرة الأحداث، في نهايات القرن العشرين	۴۳۵
<b>موج</b> چین، قلب خود را در برابر موج فرهنگی سیل آسیای آمریکائی گشوده است	<b>تیر: التيار</b> فتحت الصين قلبها أمام تيار ثقافي أمريكي جارف	۴۳۶
<b>فرهینختن، تربیت کردن</b> تلویزیون به فعالترین ابزار رشد فرهنگی کودک تبدیل شده است	<b>ثقف: الثقیف</b> بات التلفزيون الوسيلة الأفضل لتثقیف الطفل	۴۳۷
<b>پل زدن برای رفع شکاف</b> دبیر انجمن فرهنگی، خواستار پرکردن چالشها بین قشر فرهنگی و قشر حاکم شد	<b>جسر: تجسير الفجوة</b> دعا أمين المنتدى الثقافي إلى تجسير الفجوة بين المثقف والأمير	۴۳۸
<b>گرفتن نبض (بیمار)</b> برهه احتیاط (توأم با لحظه شماری)، وتوجه به اوضاع	<b>جس: جس النبض</b> فترة الحذر وجس النبض	۴۳۹
<b>سقط جنین</b> کورتاژ فرهنگی	<b>جهض: الإجهاض</b> الإجهاض الحضاري	۴۴۰
<b>گروه</b> اولین ظهور این گروه موزیک، جالب بود	<b>جوق: الجوقة</b> الإطالة الأولى لهذه الجوقة الموسيقية، كانت ممتازة	۴۴۱
<b>جوهر، مرکب</b> از تمام این طرحها، فقط جوهری بر روی کاغذ باقی خواهد ماند	<b>حبر: الحبر</b> كل هذه المشاريع، ستظل حبرا على ورق	۴۴۲
<b>آبستن</b> ایران اسلامی در زمان حاکمیت شاه آبستن بود، وبا سقوط او دولتش را بدنیا آورد	<b>حبل: الحبلی</b> إيران الإسلامية كانت حبلی في زمن الشاه، وولدت دولتها بسقوط الشاه	۴۴۳



٤٤٤	حجب : الاحتجاب الجريدة تحتجب شهرين لأسباب تقنية	منخفي شدن مجله بدلائل فنی مدت دو ماه منتشر نمی شود
٤٤٥	حول : المستحيل عدّه من سبع المستحيلات	محال آنرا هفتمین مورد از عجائب هفتگانه قلمداد کرد
٤٤٦	خطر : الخطورة هذه القضية على مستوى من الخطورة	اهمیت این موضوع در حدّ زیادی (بی نهایت) خطرناک (و مهم) است
٤٤٧	خفي : الخافية شاعت هذه الفكرة لأسباب، ليست بالخافية	منخفي، نهان این اندیشه به دلیلی رواج یافت، که بر کسی پوشیده نیست
٤٤٨	خلید : التخلید قرّر مجلس الوزراء إصدار طابع بريدي تذكاري، تخليدا لذكرى الشاعر "إلياس أبو شبكة"	استمرار، جاودانگی هیأت وزیران صدور يك تمبر یادبود برای گرامیداشت یاد شاعر "الیاس ابو شبکه" را تصویب کرد
٤٤٩	خلد : التخلید نتشرّف بدعوتكم إلى حضور الاحتفال التكريمي الذي يقام تخليدا لذكراهم العطرة	ماندگار کردن، جاودان کردن مفتخریم شما را به مراسم بزرگداشت خاطره عطر آگین آنان دعوت کنیم
٤٥٠	درس : الجمهور المدرسي نزف سنويّ متصاعد للجمهور المدرسي الرسمي في لبنان، قد يصل إلى حد تولّي القطاع الخاص أمور التعليم بالكامل	توده (جمعیت) دانش آموزی کاهش فزاینده سالانه مجموعه دانش آموزی در مدارس رسمی لبنان، ممکنست به حاکمیت کامل مدارس خصوصی بر امر آموزش وپرورش بیانجامد
٤٥١	دمغ : الدماغ الإلكتروني رأى أن العالم لم تعد تصنعه الأفكار والكتب، بل يتشكل ويزداد توحدًا عبر الأقمار الصناعية والأدمغة الإلكترونية	مغز الکترونیکی بر این اعتقاد بود که : دنیای امروز را اندیشه ها و کتابها نمی سازند، بلکه این جهان میرود تا زیر لوای ماهواره ها و مغزهای الکترونیکی شکل بگیرد و متحد شود

گرداندن	دور: الإدارة	۴۵۲
گونه چپت را بسمت کسی برگردان، که بر گونه راستت نواخته است	أدر خذك الأيسر لمن يضربك على الأيمن	
چهارزانو نشستن	ربع: التربع	۴۵۳
بدون رقیب، بر عرش ستاره گری (ستاره شدن) تکیه زده است	تربع على عرش النجومية، من دون منافس	
خوش آمدگویی	رحب: الترحيب	۴۵۴
از قراری که ملاحظه شد، استقبال از حجاج شهر بعلبك با عملیات آتش بازی و راه پیمائی هایی همراه بود که پیشاپیش آنها بازیگران شمشیر بدست و سوارکاران قرار داشتند، و برای ابراز شادمانی گوسفندها را ذبح کردند	لوحظ أن الترحيب بالحجاج في مدينة بعلبك، شمل إطلاق العيارات النارية ومسيرات استقبال تقدمها لاعبوا السيف والترس والخيول ونحرت الخراف ابتهاجا	
قافله جهانی	ركب: الركب العالمي	۴۵۵
اگر بخواهیم نقشی پیشتازانه در منطقه ایفا کنیم، باید به قافله جهانی ملحق شویم	لا بدّ من اللحاق بالركب العالمي، إذا أردنا لعب الدور الريادي في المنطقة	
وحشتناك	روع: المريع	۴۵۶
سخنران بحران فرهنگی در کشورهای عربی را به انحطاط وحشتناك سطح دانشگاهها و برنامه های آموزشی آنها مرتبط دانست	عزا المحاضر أزمة الثقافة في البلدان العربية إلى التفهقر المريع لمستوى الجامعات ومناهج التعليم فيها	
رومانتیزم	روم: الرومنسية	۴۵۷
موج کامپیوتر در تدارک نابودی نفس سحر انگیز رومانتیزم، با تمام زیباییهای حسی و احساسی آن است	كادت موجة الكمبيوتر تقضي على النفس الساحر للرومنسية، بمختلف جمالياتها الحسية والانفعالية	
کبر و غرور	زهو: الزهو	۴۵۸
در جشن معرفی رئیس جدید، تکبر و غرور به اوج خود رسید	بلغ الزهو مداه في احتفالات تنصيب الرئيس الجديد	
اختلاط، دوگانگی	زوج: الأزواج	۴۵۹
نمایندگانی از مجلس شورای کویت،	دعا نواب من مجلس الأمة الكويتي، إلى حضر	



التربية المزدوجة في المدارس	خواستار ممنوعیت اختلاط دختران و پسران در مدارس شدند
٤٦٠ سحر: التسحیر المسحراتي، يجوب الشوارع طيلة ليالي رمضان يدعو فيها إلى تناول السحور	بیدار کردن مردم در سحر سحر باشی در طول شبهای ماه رمضان در خیابانها می تابد، و مردم را به بیدار شدن و خوردن سحری دعوت می کند
٤٦١ سرب: التسرب التسرب المبكر من المدرسة	فرار ترک تحصیل در سنین پایین
٤٦٢ سرح: المسرح عرضت مسرحية جديدة على خشبة مسرح بيروت	تئاتر نمایش جدیدی روی سن تئاتر بیروت اجرا شد
٤٦٣ سن: التسنين قال: إن الوصول إلى تسنين الشيعة أو تشيع السنة، خطأ لا نقبل به	سنّی کردن گفت: کوشش برای سنّی کردن شیعیان، یا شیعه کردن سنیان، اشتباهی است که آنرا نمی پذیریم (اشتباهی غیر قابل قبول)
٤٦٤ شرس: الشراسة وقع في شرك هذه الحملة الشرسة	درنده خوئی در دام این حمله وحشیانه گرفتار شد
٤٦٥ شظي: الشظية هي كارثة وطنية لن ينجو أحد من شظايا تفجيرها	ترکش (برای خمپاره) این يك مصیبت ملی است، که هیچکس از ترکشهای انفجار (وعواقب وخیم آن) مصون نخواهد ماند
٤٦٦ شمر: التشمير عن الساعد شمر عن ساعد البحث، لتقصي أسباب التخلف والتردي	آستین بالا زدن، عزم را جزم کردن آستین پژوهش را بالا زد، تا در علل عقب ماندگی و اسباب فساد کنکاش کند
٤٦٧ شوش: الشاشة الصغيرة الشاشة الكبيرة والشاشة الصغيرة أظهرتا أنماطا متنوعة من لغة التعاطي مع الشاعر (المشاعر)	تلویزیون سینما و تلویزیون اشکال مختلفی از زبان برخورد با احساسات را به نمایش گذاردند (گذاشتند)

<p>صمت : دقیقه صمت</p> <p>بدأ الاحتفال بالوقوف دقيقة صمت إجلالا وإكراما لأرواح الشهداء، ثم ردد الحضور النشيد الوطني</p>	<p>يك دقیقه سکوت</p> <p>مراسم جشن با یک دقیقه قیام برای سکوت جهت بزرگداشت ارواح شهداء آغاز شد، سپس حضار سرود ملی را با هم سردادند</p>
<p>صمم : صمام الأمان</p> <p>أكد مفتي الجمهورية، أن المراجع الروحية صمام الأمان وليست بديلة للطبقة السياسية</p>	<p>سوپاپ اطمینان</p> <p>مفتی جمهوری اعلام کرد که مراجع مذهبی سوپاپ اطمینان هستند، نه جانشین دولتمردان و طبقه سیاسی</p>
<p>ضوي : الانضواء</p> <p>نأمل أن تضوي الشعوب تحت راية الإسلام</p>	<p>انضمام</p> <p>امیدواریم ملتها زیر پرچم اسلام متحد شوند</p>
<p>طرف : أطراف الحديث</p> <p>الجانبان تجاذبا أطراف الحديث</p>	<p>جوانب سخن</p> <p>طرفین از هر دری سخن گفتند</p>
<p>طول : تطاول السنين</p> <p>لا وجود الدهر بأمثاله إلا بعد تطاول السنين</p>	<p>گذشت سالیان</p> <p>تنها پس از گذشت سالیان دراز، روزگار مانند او را می پروراند</p>
<p>عرف : العرّافة</p> <p>توفيت العرّافة الأمريكية الشهيرة التي كانت تبأت بمقتل الرئيس الأمريكي "جون كيندي"</p>	<p>زن دانا (پیشگو)</p> <p>زن پیشگوی مشهور آمریکایی، که قتل رئیس جمهور آمریکا "جان کندی" را پیش بینی کرده بود، درگذشت</p>
<p>عسكر : العسکريتاريا</p> <p>إن عددا من دعاة العالمية يدعم الإكراه الوحشي والعسکريتاري الذي قد يكون ضرورياً لتحقيق أهدافهم</p>	<p>سلطه نظامی (ترکیبی از واژه های : عسکر و پرولتاریا)</p> <p>برخی از مبلغان نظم جهانی، از اجبار وحشیانه مردم و حکومت نظامی (نظامی گری)، که ممکنست برای تحقق اهدافشان لازم شود، حمایت می کنند</p>
<p>عَضّ : عَضّ الأصابع</p> <p>يمضني في نهاية عمره أيام عَضّ الأصابع</p>	<p>انگشت به دندان گزیدن</p> <p>در آخر عمرش روزگار حسرت و ندامت را سپری می کند</p>



سرانجام این کار عاقبت خوشی ندارد	عقب : العقبی هذا أمر لا یحمد عقباه	۴۷۶
مکتب اصالت عقل در جهان بینی پیرو مکتب عقل گرایی است	عقل : العقلانویة هو من أتباع العقلانویة فی الرؤية الکونیة	۴۷۷
رسانه های گروهی نمایندگان جناح مخالف، بر لزوم معالجه معضل رسانه های صوتی و تصویری تأکید کردند	علم : الإعلام نواب المعارضة رکزوا علی معالجة أزمة الإعلام المرئي والمسموع	۴۷۸
بازگشت مجدد عید این عید با خیر و برکت برای شما تجدید گردد	عود : الانعیاد ینعاد علیکم العید بالخير والبركة	۴۷۹
تجاوز به زنان موارد تجاوز و تعرض جنسی به زنان، در برخی کشورهای غربی گسترش یافته است	غصب : الاغتصاب ازدادت حالات الاغتصاب والتحرش الجنسي فی بعض الدول الغربية	۴۸۰
پیش بسته و محدود می کوشد از لاک استشراف بسته و تنگ بیرون رود	غلق : الانغلاق یحاول الخروج من قوقعة الاستشراف المغلاق	۴۸۱
عشوه گری آن زن هنرپیشه را به یک بلوند عشوه گر، توصیف کرد	غنج : الغنج وصف الممثلة بأنها الشقراء المغنجان	۴۸۲
دورنگهداشتن افکار عمومی نماینده مجلس تلاش برای کنار زدن افکار عمومی را محکوم کرد	غیب : التغییب شجب النائب المحاولات التي ترمي إلى تغیب الرأي العام	۴۸۳
پنهان کردن فرشته مرگ یکی از بزرگان عالم روزنامه نگاری را در کام کشید	غیب : تغیب الرأي العام غیب الموت واحدا من كبار رجال الصحافة	۴۸۴
ازهم گسستگی جوامع در شرف فروپاشی و نابودی	فك : التفكك المجتمعات الآخذة بالتفكك والانھیار	۴۸۵
مراسم مذهبی	قدس : القداس	۴۸۶

توزعت مواضيع المؤتمر على محاور عدة وانتهى بقُداس	مسائل کنفرانس به چند محور تقسیم شد و با انجام مراسم مذهبی پایان یافت
۴۸۷ قدس: قدّاس الأحد أحد القساوسة أبلغ المشاركين في قدّاس الأحد في كنيسة القديس حنا، أن راعي الأبرشية سيستحي عن منصبه	مراسم مذهبی روز یکشنبه یکی از کشیشان در مراسم مذهبی روز یکشنبه در کلیسای حنای مقدس اعلام کرد، که سرپرست حوزه مسیحی از سمت خود کناره گیری می کند
۴۸۸ قدم: على قدم وساق الاستعدادات جارية على قدم وساق للاحتفال بالعام ألفين	در دست اجرا، در حال انجام تدارکات مربوط به برگزاری جشن حلول سال ۲۰۰۰ در حال انجام است
۴۸۹ قرصن: القرصنة هناك قرصنة ثقافية تقدم على السطو، على حقوق نسخ الأشرطة المسجلة وأقراص الكمبيوتر المدمجة	دزدی دریائی یک عملیات دزدی فرهنگی، به قصد سيطره بر حقوق تکثیر نوارهای کاست و دیسکهای مونتاز کامپیوتری، در شرف انجام است
۴۹۰ قرط: القرط حذر رئيس أركان الجيش في جزر القمر النساء والفتيات من ارتداء الثّورات القصيرة والرجال من تظفير شعورهم وارتداء القلادات أو الأقراط	گوشواره رئیس ستاد ارتش جزایر کومور، زنان و دختران را از پوشیدن دامنهای تنگ و مردان را از بافتن مو واستعمال گردنبند یا گوشواره بر حذر داشت
۴۹۱ قرف: اقتراف الجريمة وصف بيان عاصمة الكتلكة (الفاتيكان) تجربة الاستنساخ البشري، بأنها تكرار لاقتراف الخطيئة الأولى: الحلول محلّ الله	ارتکاب جنایت بیانیه واتیکان (پاتیخت کاتولیکها) تجربه مشابه سازی بشری (شبه سازی انسان) را تکرار ارتکاب اولین خطای بشر یعنی: نشستن بجای (در جایگاه) خدا قلمداد کرد
۴۹۲ قزم: القزم هاجمه بعنف، ووصفه بالقزم السياسي	مرد یا زن پست، کوتوله بشدت به او حمله کرد، و او را یک کوتوله سیاسی خواند
۴۹۳ کل: إكليل الزهر وضع إكليلا من الزهر على أضرحة الشهداء	تاج گل تاجی از گل بر فراز مزار شهیدان گذارد



<p>تبدیل شدن به آهک، جمود و گج گرفتگی</p> <p>نگرانی خویش را از جمودی که اسلام را از بازنگری در ساختار زندگی مردم باز می دارد، بیان داشت</p>	<p>کلس: التکلس</p> <p>عبر عن خوفه إزاء التکلس الذي يحول بين الإسلام وبين إعادة صياغة حياة الناس</p>	<p>۴۹۴</p>
<p>آهک زده</p> <p>افکار منجمد آهک زده، آن کشور را روی گردونه تجاوزز (گرداب خشونت) قرار داده است</p>	<p>کلس: المتکلس</p> <p>الصيغ الفكرية المتکلسة جعلت ذلك البلد في دوامة العنف</p>	<p>۴۹۵</p>
<p>اشياء لوکس</p> <p>نماینده توجه حضار را به لزوم محدود کردن حجم واردات اشياء لوکس و اخذ مالیات و عوارض از آن جلب کرد</p>	<p>کمل: الکمالیات</p> <p>لفت النائب الأنظار إلى ضرورة وضع حدّ لحجم استيراد الکمالیات وفرض الرسوم والضرائب عليها</p>	<p>۴۹۶</p>
<p>همبستگی</p> <p>آرزو می کنیم همبستگی واتحاد، امت را فرا گیرد</p>	<p>لحم: اللحمة:</p> <p>نأمل أن تعود اللحمة الى داخل الأمة</p>	<p>۴۹۷</p>
<p>ریش</p> <p>دولت افغانستان، گذاشتن ریش برای مردان را الزامی اعلام کرد</p>	<p>لحي: اللحية</p> <p>الدولة الأفغانية فرضت إطلاق اللحي على الرجال</p>	<p>۴۹۸</p>
<p>تصاویر</p> <p>بخشهای مختلف این سریال تلویزیونی مملو از تصاویر مبتذل غیر اخلاقی است</p>	<p>لقط: اللقطات</p> <p>تعجّ مشاهد هذا المسلسل التلفزيوني باللقطات اللاأخلاقية المبتذلة</p>	<p>۴۹۹</p>
<p>مکیدن، ارتزاق</p> <p>چینی ها شیره بودیسم هندی را مکیدند، اما این مسأله نتوانست چین را هندی کند، بلکه بجای آن بودائیسیم را چینی کرد</p>	<p>مص: الامتصاص</p> <p>امتصاص الصين للبوذية من الهند عجز عن انتاج (هندنة) الصين، وسبب بدل ذلك (تصيين) البوذية</p>	<p>۵۰۰</p>
<p>اسقف</p> <p>شورای عالی طایفه ارامنه ارتدوکس، قائم مقام سراسقفی این طایفه را بعنوان سراسقف</p>	<p>مطر: المطران</p> <p>انتخب المجلس الأعلى للطائفة الأرمنية الأرثوذكسية، القائم بمقام مطران الطائفة مطراناً</p>	<p>۵۰۱</p>

انتخاب کرد	أصيلاً لها	
مشعل	نبرس: النبراس	۵۰۲
شهدا را مشعلهای وطن نامید	اعتبر الشهداء نبراس الوطن	
ستاره شدن، کسب شهرت	نجم: النجومية	۵۰۳
از طریق تئوری (مخالفت کن تا مشهور شوی)	يبحث عن النجومية عن طريق: خالف تعرف	
بدنبال شهرت می گردد		
ناله	نحب: النحب	۵۰۴
ناله ما گوش شنوایی نخواهد یافت	نحنينا لن يجد آذاناً صاغية	
نخوت و تکبر	نرجس: النرجسية	۵۰۵
برخی از روشنفکران سنگ رژیم را به سینه می زنند، و برخی دیگر تاجی از تکبر و غرور بر سر خود نهاده اند	بعض المثقفين يطلبون للسلطة، وبعضهم يضعون على رؤوسهم هالة النرجسية	
ستون یاد بود مقام مادر	نصب: نصب الأمومة	۵۰۶
وزیر فرهنگ و ارشاد برای گرامیداشت روز مادر و پرده برداری از ستون یادبود مقام مادر جشنی برپا کرد	أقام وزير الثقافة والإعلام احتفالاً بعيد الأم وإزاحة الستار عن نصب الأمومة	
بند انگشت	نمل: الأنملة	۵۰۷
این مدرسه دینی مردانی را پرورانده است، که اندازه یک بند انگشت از مسیر احکام شرعی فاصله نمی گیرند	هذه المدرسة الدينية تخرّجت رجالا، لا يملون قيد أنملة عن منهاج الأحكام الشرعية	
قانونمند کردن	نهج: المنهجية	۵۰۸
ما خطا می کنیم و غرب خطای ما را کانالیزه و قانونمند می کند، و از آن بهره برداری می کند	نحن نخطئ والغرب يمنهج خطانا، ويستثمره	
برنامه های آموزشی	نهج: مناهج التعليم	۵۰۹
هیأت وزیران بخشنامه تعیین شیوه های آموزش همگانی پیش دانشگاهی را تصویب کرد	مجلس الوزراء أقرّ مرسوم تحديد مناهج التعليم العام ما قبل الجامعي	
اهداف، ایده ها	نوي: النوايا	۵۱۰



الفرصة متاحة له ليحقق نواياه	برای تحقق اهدافش فرصت کافی دارد
۵۱۱ همش: التهميش منظمات طالبيّة دعت المسؤولين للإقلاع عن سياسة تهميشها	در حاشیه قرار دادن، بیرون کردن از صحنه تعدادی انجمن دانشجویی، از مسئولین خواستند که از سیاست منزوی کردن این انجمنها دست بردارند
۵۱۲ هود: التهويد إسرائيل تصرّ على عمليّة تهويد القدس	یهودی کردن اسرائیل بر عملیات یهودی سازی قدس اصرار می ورزد
۵۱۳ هور: الانهيار انهارت قيمهم تحت مطرقة الوقائع	انهدام ارزشهایشان، زیر پتک حوادث له شد
۵۱۴ وجه: واجهة الصحف عادت تلك الكاتبة الفرنسية لتحتلّ واجهة الصحف والاحداث الثقافية الفرنسية مرة أخرى	تیتروژنامه ها آن خانم نویسنده فرانسوی برگشت تا بار دیگر تیتروژنامه ها ورخدادهای فرهنگی فرانسه را به خود اختصاص دهد
۵۱۵ وسم: الأتسام يبدو أن جوهر النظرة إلى الديمقراطية تُسم بالسلبية إلى حدّ كبير	متّصف شدن بنظر میرسد دیدگاه کلی نسبت به دموکراسی در حدّ بالایی منفی است
۵۱۶ وشك: الموشك هذه الأطروحات تنتمي إلى قرن موشك على الانعدام	در آستانه این فرضیه ها و تئوریها وابسته به قرن است، که در شرف پایان است
۵۱۷ وشم: الوشم فنّ الوشم	خالکوبی هنر خالکوبی
۵۱۸ وطد: التوطيد المرجعيات الروحية دعت إلى توطيد العلاقات بين المسلمين والمسيحيين	استحکام بخشیدن مراجع مذهبی، خواستار تقویت روابط بین مسلمانان و مسیحیان شدند
۵۱۹ وفي: الموافاة ابقوا معنا نوافيكم بكلّ جديد	تکمیل کردن، اعطای کامل حق با ما باشید، تا شما را در جریان اخبار جدید قرار دهیم

۵۲۰	وقع: التوقيع	امضا کردن
	تمّ التوقيع على اتفاقية للتعاون العلمي والإشراف العلمي المشترك على رسائل الماجستير والدكتوراة بين الجامعتين	یک قرارداد همکاری و راهنمایی علمی مشترک پایان نامه های فوق لیسانس و دکترا بین دو دانشگاه منعقد شد







## ۵. المصطلحات الأدبية

۵۲۲	أسف : الإسفين عملوا على دقّ إسفين في العلاقات بين الطوائف	گوه , (قطعه ای که برای ایجاد شکاف در تخته بر آن می کوبند) برای ایجاد رخنه در روابط بین طوایف تلاش کردند
۵۲۳	أكل : أكل الوقت هذا الشغل يأكل مني ثلاثة أيام	وقت گرفتن این کار از من سه روز وقت می گیرد
۵۲۴	باس : التبويس ليس المطلوب لقاء (تبويس لحي) للرؤساء، بقدر ما هو مطلوب التعاون الفعلي بينهم	بوسیدن آنقدر که از مسئولین انتظار می رود عملاً با یکدیگر همکاری کنند، انتظار نمی رود به بوسیدن ریش یکدیگر پردازند (مسئولین بهتر است که عملاً با هم همکاری داشته باشند، تا اینکه ریش یکدیگر را ببوسند.)
۵۲۵	برعم : البرعم الناقد مقصّ يشذب النصّ ليتبرعم	جوانه ناقد مثل یک قیچی متن را می پیراید، تا جوانه زند
۵۲۶	بصم : بصمة الإصبع تركت هذه الظاهرة بصماتها على أوضاع البلد	اثر انگشت این پدیده، آثار خود را روی اوضاع کشور برجای گذاشت
۵۲۷	بعث : البعث هذا الأمر لا يبعث على الارتياح	انگیختن این امر، آرامش و اطمینانی بر نمی انگیزد



۵۲۸	بلع: البلع بلع ريقه، وقال: ...	فرو دادن آب دهانش را قورت داد، وگفت: ....
۵۲۹	بيض: البيض بيضة بصفارين	تخم (مرغ) تخم دو زرده
۵۳۰	ترع: الإترع إنها ترع كأسها الأخير	پر کردن جام آخرش را پر می کند
۵۳۱	ثأب: الثأوب تطائر النصاب ما بين مستمع ونائم ومثائب، خلال جلسة المجلس	خمیازه کشیدن در خلال جلسه مجلس، پاره ای از حضار گوش می دادند، و برخی دیگر یا خواب بودند یا خمیازه می کشیدند
۵۳۲	ثغر: الثغرة القانونية الأثرياء الجدد رسموا جداول أعمالهم بعناية فائقة، لاستغلال الثغرات القانونية التي ستحوّل بعد قليل إلى دجاجات تبيض ذهباً	نارسانی قانونی ثروتمندان تازه بدوران رسیده، برای بهره گیری از نارساییهای قانونی، که می رود تا همچون مرغ افسانه ای تخم طلایی بگذارد، با دقت فراوان برای خود برنامه ریزی کرده اند
۵۳۳	جسّ: جسّ النبض يحاولون جسّ نبض الطرف المقابل، على طاولة المفاوضات	گرفتن نبض بیمار می کوشند بر سر میز مذاکره، نبض طرف مقابل را کنترل کرده، به وضعیت ومنویات او پی ببرند
۵۳۴	جلد: كسر الجليد كسر الجليد بينهما، في ظلّ التوتر الراهن	شکسته شدن یخ ها در گيرودار وضع آشفته فعلی، دامنه اختلافات بین آندو بالا گرفت
۵۳۵	جنی: الجنی جنی مبالغ، یسیل لها اللعاب	برداشت سودی بهم زد، که دهان را آب می اندازد
۵۳۶	حبّ: الحبيبة من جبينه تتقاطر حبيبات الضوء	دانه کوچک پیشانیش دانه های نور می افشاند
۵۳۷	حدث: الحادثة	نوگرایی

نواوری وجهانی کردن اندیشه	الحدثة والعولمة في الفكر	
سرازیر شدن	حذر: الانحدار	۵۳۸
بسمت کلوپ گدایان سقوط می کند	ينحدر نحو نادي الشحاذين	
سهم شیر (اولویت اول)	حصص: حصّة الأسد	۵۳۹
موضوع روابط خارجی، در سرلوحه بیانیّه	خصّصت لموضوع العلاقات الخارجية حصّة	
هیأت وزیران قرار گرفت	الأسد في البيان الوزاري	
آلت دست	حصن: حصان طروادة	۵۴۰
ترکهای عراقی آلت دست حکومت ترکیه	ترکمان العراق أصبحوا حصان طروادة لتركيا	
شده اند		
قرار دادن (افکندن)	حطّ: الحطّ	۵۴۱
سربنجه های فتنه، در آنجا رحل اقامت	أصابع الفتنة حطّت رحالها هناك	
افکنده است (مستقر شده است)		
رتق وفتق امور	حلحل: حلحلة الأمور	۵۴۲
تلاشهای انجام شده برای حل وفصل امور	إنّ محاولات الحلحلة في المفاوضات، لم تكن	
در مذاکرات، به شکرانه چشم زیبای آنان	لسواد عيونهم	
نبوده است (عاشق چشم واپروی آنان		
نبوده اند)		
مکالمه	حور: الحوار	۵۴۳
گفتگوی ناشنوایان	حوار الطرشان	
سلام صبحگاهی	حیی: تحية الصباح	۵۴۴
حمله به فساد اداری، مثل سلام	بات الهجوم على الفساد الإداري تحية الصباح	
صبحگاهی بین مردم شایع شده است	في البلد	
درود	حیی: التحية	۵۴۵
بهترین درودها نثار جناب رئیس جمهور	تحية إجلال وإكبار لفخامة الرئيس!	
باد!		
خبر "کان"	خبر: خبر کان	۵۴۶
به گذشته پیوست، ودر حکم (خبر کان)	اعتبر الأمر بحکم خبر کان	
قرار گرفت		



<p>گوسفند</p> <p>برگردیم به موضوع گوسفندهایمان (آنطور که لاتینها میگویند) یا: برگردیم به داستان گوساله (طبق مثل کشاورزان لبنانی) برویم سر اصل مطلب</p>	<p>۵۴۷</p> <p>خرف: الخروف</p> <p>فلنعد إلى خرافنا كما يقول اللاتين، أو فلنرجع إلى قصة العجل، كما يقول الفلاح اللبناني</p>
<p>گروه انبوه</p> <p>در بحبوحه بحرانهای ملّی، او در خواب اصحاب كهف بسر می برد</p>	<p>۵۴۸</p> <p>خضم: الخضم (بهتر است <u>فی خضم</u> که به معنای "در بحبوحه یا درگیرودار" می باشد واژه کلیدی این جمله در نظر گرفته شود) کان نائما نومة أهل الكهف، في خضم ما يعصف بالوطن</p>
<p>گردن</p> <p>اوهامی که گریبانگیر روشنفکران است</p>	<p>۵۴۹</p> <p>خنق: الخناق</p> <p>الأوهام التي تمسك بخناق المثقفين</p>
<p>خصوصی سازی</p> <p>خاص کردن کلّی ها</p>	<p>۵۵۰</p> <p>خوصن: الخوصنة</p> <p>خوصنة الكلّي</p>
<p>عشوه گری</p> <p>یار به منزلت خود پی برد، وبه عشوه گری پرداخت</p>	<p>۵۵۱</p> <p>دلّ: التدلل</p> <p>عرف الحبيب مكانه فتدّلا</p>
<p>چهار زانو نشستن</p> <p>چهار زانو بر تخت خود نشست</p>	<p>۵۵۲</p> <p>ربع: التربع</p> <p>تربع على عرشه</p>
<p>کوچ کردن</p> <p>بین بیلاق وقشلاق در تردد بودند</p>	<p>۵۵۳</p> <p>رحل: الارتحال</p> <p>كانوا یرتحلون تارة إلى المصيف وتارة إلى المشتی</p>
<p>پرتاب سنگ</p> <p>روسای جمهور ومجلس ودولت، در انتظار اعلام رمز عملیات تهاجم، از پشت سنگرهای خود، حملات اتهامی به یکدیگر را شروع کردند</p>	<p>۵۵۴</p> <p>رشق: تراشق الحجارة</p> <p>الرؤساء الثلاثة واصلت تراشقها من وراء المتاريس، في انتظار الإشارة إلى الهجوم</p>
<p>پرتاب سنگ</p>	<p>۵۵۵</p> <p>رشق: رشق الحجارة</p>

الذي منزله من زجاج، لا يرشق الناس بالحجارة	کسی که خانه شیشه ای دارد، به مردم سنگ پرتاب نمی کند
۵۵۶ رمل: الرمال المتحركة العدو يحاول إغراقنا في رمال متحركة	شنزار روان دشمن می کوشد، ما را در ورطه ای از شنزار روان غرق نماید
۵۵۷ ريث: التريث ارتأينا التريث	مکث ودرنگ تصميم به درنگ گرفتیم
۵۵۸ زبع: الزوبعة يمكن اليوم، الجزم بأن ما قيل في هذا الحدث، كان زوبعة في فنجان	گردباد امروز میتوان قاطعانه گفت: که آنچه پیرامون این حادثه گفته شده است، بمثابة گردبادی در يك فنجان بوده است
۵۵۹ زفر: الزفرة عواطف الحب حامت حوله في جو كئيب مشبع بذرات الحزن وذكريات الماضي	نفس داغ (آه) در فضائی حزن انگیز، وآکنده از آه های گرم حسرت بار وخطرات گذشته احساسات عاشقانه، او را در خود غوطه ور ساخت
۵۶۰ زكزك: الزكزكة يحبّ الزكزكة في نشاطاته السياسية	ویراژ دادن، حرکت زیکزاک در فعالیت های سیاسی خود، از اسلوب زیکزاک استفاده می کند
۵۶۱ زنبير: الزنبيرك وصف اللغة بأنها زنبيرك العمران الحضريّ	فنر زبان را بعنوان فنر محرک بنای تمدن توصیف کرد
۵۶۲ زيح: الإزاحة أزيع الستار عنها	کنار زدن پرده از رویش کنار رفت
۵۶۳ سأم: السامة سامة تعكب في صميم الروح، وتفسد صفها	رنجش رنجشی که چون عنکبوت در عمق جان می تند، و صفای باطن را می آلود
۵۶۴ ساق: سوق المثل	مثال زدن



ساق له مثلاً، ليقنعه	برای او مثلی زد، تا قانعش کند
۵۶۵ سبق : السبق	پیشی گرفتن
اللغة التي حازت قصبة السبق في إعارتها اللغة العربية ألفاظاً كثيرة، هي الفارسية	این زبان فارسی است که در أخذ واژگان فراوان از زبان عربی، گوی سبقت را از زبانهای دیگر ربوده است
۵۶۶ سجل : السجل	جدال و مناقشه
السجل الثقافي	بگو مگوی فرهنگی
۵۶۷ سربل : التسربل	پوشیدن شلوار
مشاعر الخجل تسربلني	احساس خجالت، وجود مرا فرا می گیرد
۵۶۸ سلّ : السلة	سبد
قال : إن بلده لا يريد وضع كل بيضة في السلة الأمريكية	گفت : کشورش قصد ندارد تمام تخم مرغهایش را در سبد امریکا بگذارد، (و در بست تسلیم امریکا شود)
۵۶۹ سمن : السمن	چربی، چاقی
يحاولون أن يشغلوا الشعب بأمور، لا تسمن ولا تغني من جوع	می کوشند مردم را سرگرم کار هایی کنند، که هیچ نان و آبی برای آنان ندارد
۵۷۰ سود : الست	خانم (مخفف ستیده)
يتبعون سياسة أبناء الست وأبناء الجارية	از سیاست > بچه های خانم و بچه های کُلفت < استفاده می کنند (تبعیض قائل می شوند)
۵۷۱ شبه : التشبيه	مانند کردن
هذا الفتى يشبه أخاه شبه النقطة بالنقطة	این جوان به برادرش می ماند، آنچنانکه نقطه ای به نقطه ای دیگر
۵۷۲ شطن : الشيطان	شیطان
رحّب الصينيون بإعادة انتخاب الرئيس الأمريكي، من منطلق : (شيطان تعرفه أفضل من شيطان لا تعرفه)	چینیها از این دیدگاه به رئیس جمهور آمریکا تبریک گفتند که: (شیطانی که می شناسی بهتر از شیطانی است که نمی شناسی)

۵۷۳	شعر: الشعرة	مو
	الاختلاف لم يصل إلى قطع شعرة معاوية، و بالتالي إلى الافتراق	دامنه اختلافات به چیدن موی معاویه نرسید، وبه جدائی منجر نشد ( معاویه به اندازه يك موی باریك ارتباط خودش را با مخالفانش حفظ میکرد تا در موقع لزوم از آن استفاده کند. همه پلها را پشت سرش خراب نمی کرد)
۵۷۴	شكل: التشكيلة	ساختار، ترکیب
	التشكيلة الحكومية الجديدة سترى النور في نهاية الأسبوع	ترکیب کابینه جدید در پایان هفته متولد می شود
۵۷۵	صبع: إصبع الفتنة	انگشت فتنه
	تشط الدوائر التي تدير أصابع الفتنة إلى إنضاج ما تطبخ على حجر من بشر	مؤسساتی که در کار فتنه گری هستند، در تلاشند تا در تنوری با هیزم بشر غذای خود را بپزند
۵۷۶	صَحّ: المصحّ	درمانگاه
	طلب من معارضه أن يعرض على مصحّ للعلاج	از فرد مخالف خود خواست، به درمانگاه مراجعه کند. (او را به مرض متهم کرد)
۵۷۷	صقر: الصقر	کرکس، لاشخور
	بدأت ملامح الصقور تظهر عليها	لاشخورها در اطراف او ظاهر شدند. (کارش به آخر رسیده است)
۵۷۸	صوب: التصويب	هدفگیری
	الفرق كبير بين حسن التصويب والرمية الطائشة	بین هدفگیری صحیح و تیر اندازی کور (بی هدف)، فاصله زیادی هست
۵۷۹	ضَبّ: الضباب	مه
	انحصرت المناقشات في وجهات نظر ضبابية	بحث وجدلها (تنها) در ارائه نقطه نظرهایی مبهم و مه آلود منحصر بود
۵۸۰	ضيّر: قسمة ضيّر	بهره اندك و بی ارزش
	إنّها لقسمة ضيّر أن نخسر البلد، لكي نربح	از دست دادن کشور به بهای چند دلار



پول، بهره بی ارزشی است	حفنة من الدولارات	
تنگی زندگی بر او سخت شد	۵۸۱ ضيق: الضيق ضاقت به سبل العیش	
آسیاب این برخورد ها، آب به آسیاب جناحهای می ریزد، که در خفا به کمین ما نشسته اند	۵۸۲ طحن: الطاحونة هذه الصدمات تصبّ الماء في طاحونة القوى التي تتربّص بنا سرًا	
تندروی توپ به میدان افراط گرایان (راستگرا) منتقل شد. (دور بدست آنان افتاد)	۵۸۳ طرف: المتطرف أصبحت الكرة في ملعب اليمين المتطرف	
جوانب سخن از هر دری سخن گفتند	۵۸۴ طرف: أطراف الحديث تجادبا أطراف الحديث	
تجاوز عیبهای نهانش برملا شد (رو شد)	۵۸۵ طغي: الطغیان عيوبها الخفية طغت على السطح	
نابودی آثارش نابود شد	۵۸۶ طمس: الطمس طمست معالمها	
انعطاف پذیر عربی زبانی انعطاف پذیر، وقادر بر همگامی با شرایط جدید است	۵۸۷ طوع: الطبع العربية لغة طيعة، قادرة على مسابقة كل ظرف جديد	
جلوه گری جلوه های آشکار و نهان	۵۸۸ ظهر: التظاهر مشاهد تَظهر وتختفي	
لشکرکشی از این می ترسیم که روشنفکران ما به نیروهای پلیس تبدیل شده، و در پشت افکار خود سنگر بگیرند	۵۸۹ عسكر: العسكرة نخاف أن يتحول مثقفونا إلى شرطة، فيعسكروا وراء أفكارهم	
لانه گزیدن فساد در حیات سیاسی لانه گزیده است	۵۹۰ عش: التعشش الفساد معشش في الحياة السياسية	
لانه	۵۹۱ عش: العشش	

عش الجهل في نخاعهم، حتى باتوا هم والجهلوت إخوة أشقاء	نادانی در مخ آنها مسکن گزیده است، آنچنانکه گوئی با دیو جهل پیمان برادری بسته اند
۵۹۲ عضّ: العضّ	گازگرفتن
عضّ علی النواجذ ندما بعد فوات الأوان	پس از زوال فرصت، با پشیمانی دندانها را بهم سایید
۵۹۳ علم: التعلیب	کنسرو کردن
الأفكار المعلّبة والكلیشهات	افکار کنسرو شده و کلیشه ای
۵۹۴ علم: العالمثالّتیة	جهان سومی
فی المنظور الأمريكي، يجب أن لا تكون للأمين العام للأمم المتحدة صلة بأیة حساسية عالمثالّتیة	از نظر آمریکا، دبیر کل سازمان ملل متحد نباید هیچ حساسیتی روی مسائل جهان سوم داشته باشد
۵۹۵ علم: العولمة	جهانگرایی
تعولمت المعارف بفضل ثورة المعلومات	در پرتو انفجار اطلاعات، دانش ها جهانی شده است
۵۹۶ عمل: العملة	سگه، ارز، پول
كلاهما وجهان لعملة واحدة	اینها دو روی يك سگه اند
۵۹۷ عمل: العملیة القیصریة	عمل سزارین
ولدت الحكومة بعد مخاض عسير، واحتاجت فی ولادتها إلى عملیة قیصریة	کابینه پس از تحمل زایمانی سخت متولد شد، و این کار با عمل سزارین انجام گرفت
۵۹۸ عود: الإعادة	بازگرداندن
تبرز الحاجة ملحة لإعادة المياه إلى مجاريها	حتما باید آبها را به آسیاب برگرداند
۵۹۹ عیر: إعارة الأهمیة	اهتمام ورزیدن
قلما یعیرون أهمیة للفكر	برای فکر و اندیشه کمتر ارزشی قائلند
۶۰۰ غرب: الغربنة	غربگرایی
الغربنة بصیغة الأمركة	غربی کردن از نوع آمریکائیش
۶۰۱ فحل: الاستفحال	اجرای جفت گیری برای تکثیر نسل حیوان
یعمل العدو بمختلف الحیل لاستفحال الأزمة	



دشمن با لطایف الحیل می کوشد از بحران سوء استفاده کند		
جمع بندی (مشتق از فذلک) نمایندگان امروز سرجمع، بودجه سال آینده را مورد بررسی قرار می دهند	۶۰۲	فذلک: الفذلکة النّوَاب یدرسون الیوم فذلکة موازنة السنة التالیة
فراری دادن مقاله با مقدّمه ای شروع می شود، که خوانندگان را فراری می دهد	۶۰۳	فتر: الفترفة المقالة تبتدی بدياجة تفرفر بعض النفوس
گرایش به فرانسه فرانسوی کردن زبان در الجزایر، و ترکی کردن آن در شام	۶۰۴	فرنس: الفرنسة فرنسة اللغة في الجزائر، وتتركها في الشام
فاسد کردن می خواهند زمین و زمان را به تباهی بکشانند	۶۰۵	فسد: الإفساد یریدون إفساد الحجر والبشر
تصنع، ساختگی لبخند های ساختگی از چهره طرفین محو، وجلوه های تهاجم جایگزین آن شد	۶۰۶	فعل: الافتعال ابتسامات مفتعلة غابت عن وجوه الطرفين، لتحل محلّها مظاهر التهجم
هرج و مرج ما امروز در اوج یک بی نظمی عظیم در تکنولوژی به اشکال مختلف آن هستیم	۶۰۷	فالش: الانفلاش نحن الیوم نعیش في معمعان الانفلاش الهائل في التّقانة بكلّ أشكالها
فیلمهای سحرانگیز با فیلمهای جادویی اش، عشق در چشم ما لانه می کند، وما را از کوران خشونت وخون، به دیار زیبایی می برد	۶۰۸	فلم: الأفلام الساحرة بأفلامه الساحرة يحتلّ الحب عیوننا، ویأخذنا من وسط العنف والدم إلى تخوم الجمال
جست و خیز اینچنین قصه ها در خیال انسان به جست و خیز می پردازند	۶۰۹	قفز: التّفافز هكذا تتفافز الحکایات في الذاكرة

دگرگونی	قلب: الانقلاب	۶۱۰
در طول يك شبانه روز اوضاع زیر و رو شد	انقلبت الأمور بين عشية وضحاها	
بحرکت درآمدن ، از جا کنده شدن	قلع: الإقلاع	۶۱۱
شروع سال تحصیلی	إقلاع العام الدراسي	
کوزه	قمقم: القمقم	۶۱۲
از لاک خود بیرون آمد	خرج من قمقمه	
پرانتر	قوس: القوس	۶۱۳
بین پرانتر می گویم ....	أفتح قوسين لأشير: ...	
طائفه	قوم: القومية	۶۱۴
کشور مثل یک موزائیک (معجونی) از بیست طایفه شده است	البلد اصبح موزائيك من عشرين قومية	
سزار	قیصر: القيصر	۶۱۵
کابینه جدید با عمل سزارین تشکیل شد	الحكومة الجديدة ولدت بعملية قيصرية	
گوسفند	کبش: الكبش	۶۱۶
به گوسفند قربانی تبدیل شد	أصبح كبش الفداء	
جلوگیری کردن	کفکف: الكفكفة	۶۱۷
دنبال دارویی می گردند، تا با آن جراحات خویش را مداوا کنند	يريدون داء يكفكفوا به جراحهم	
براق کردن	لمع: التلميع	۶۱۸
سر کچل است، وآنان به تزیین کلاه می پردازند!	يهمّهم تلميع الطربوش، ولو على رأس أقرع!	
بی رنگ و بو	لون: بلا لون ولا طعم	۶۱۹
قطعه نامه اخیر را بی بو و بی خاصیت ارزیابی کرد	وصف القرار الأخير بأنه لا لون له ولا طعم	
محفّل شبانه	مسی: الأمسية	۶۲۰
رایزن فرهنگی، شب شعری برای جوانان شهر برپا کرد	المستشارية الثقافية نظمت أمسية شعرية لشبية المدينة	
ربایش	مغنط: التمغنط	۶۲۱



هر وقت تو را می بینم، احساس می کنم جذب یک مغناطیس شده ام	كلما أراك أشعر بأني أتمغنت	
مملو کشکول او پر از این جور قصه هاست	ملأ: المليان جعبته مليانة بهكذا قصص	۶۲۲
کامل کاملا روشن شد که...	ملأ: المملئ ظهر مليا أن...	۶۲۳
نگهبان میخواهیم از باغ انگور بخوریم، نه اینکه نگهبان آن را بکشیم (نمک را می خوریم، ولی نمکدان را نمی شکنیم)	نظر: الناطور نريد أكل العنب، لا قتل الناطور	۶۲۴
آری حزب بله بله چی ها	نعم حزب النعميين	۶۲۵
نرمی ناخنها (کنایه از سن طفولیت) از عنفوان کودکی به سمت آموزشهای اسلامی روی آورد	نعم: نعومة الأظافر انحاز منذ نعومة أظافره إلى التعاليم الإسلامية	۶۲۶
بحث وجدل دائما در حال بحث وجدل بر سر مطالبی است، که مورد ابتلای غربیان است	نقش: النقاش يناقش دائما مشاكل أكل عليها الدهر وشرب في الغرب	۶۲۷
گشتن بدنبال فرصت سرتا پا دنبال فرصت می گشت	نهز: انتهاز الفرصة كان غارقا إلى أذنيه في انتهاز الفرص	۶۲۸
چه رسد به....	نهی: نهی ناهيك عن....	۶۲۹
در معرض وزش باد از دولت خواست این موضوع را به باد فراموشی نسپارد	هت: في مهبّ الريح أراد من الدولة أن لا يجعل هذا الموضوع ورقة في مهبّ الريح	۶۳۰
خبرچینی ، وجمع آوری و ارائه اطلاعات ( مقتبس از داستان هدهد سلیمان)	هدهد: الهددة الغيوم الملبدة تهدد الفلاحين بموسم يحفل بالخير والجني	۶۳۱

ابرهای فشرده در آسمان، کشاورزان را به فرا رسیدن فصلی پر برکت و پر محصول نوید میدهد		
ریزش	همر: الانهمار	۶۳۲
بیشتر از ریزش باران، از او حرف می بارد	ينهمر الحكي أغزر من المطر	
زنده بگور کردن	وَاد: الوَاد	۶۳۳
این اقدام می تواند شایعات را در نطفه خفه کند	هذه المبادرة تكفي لوَاد الشائعات في مهدها	
سیمهای تار	وتر: الأوتار	۶۳۴
کتاب نویسنده چینی، رشته های خشم و غضب چینیها از ایالات متحده را به صدا در آورد (آنانرا علیه آمریکا تحریک کرد)	لعب كتاب الكاتب الصيني على أوتار غضب الصينيين من الولايات المتحدة	
گل	ورد: الوردة	۶۳۵
عادت کرده اند با خیال پردازی، وضع خویش را چون يك گل ترسیم کرده و هر چه عشقشان می کشد بگویند	عادتهم أن يرسموا صورة وردية لأحوالهم، ويتحدثوا بما يشتهون	
صدای آب	وشوش: الوشوشة	۶۳۶
سر و صدای منظم آب (در قلیان)	وشوشة الماء الرتيبة	
وعده ها	وعد: الوعود	۶۳۷
وعده های روی تاقچه (وعده های سر خرمن)	وعود على الرف	
جعبه ، چننه	وفض: الوفضة	۶۳۸
از جلسه دست خالی برگشت	عاد من الجلسة خالي الوفاض	
هیجان	وهج: الوهج	۶۳۹
وقتی هیجانش فرو نشست	عندما انطفأ وهجه	





## ۶. المصطلحات الإدارية

۶۴۰	أطر: التأطير	کادر سازی، احاطه
	وضعوا دستورا جدیدا لتأطير التغيرات التي يشهدها البلد	برای کنترل تحولاتی که کشور در معرض آن است، قانون جدیدی وضع کردند
۶۴۱	بغت: المِباغِنة	غافلگیر کردن
	قانون العمل، يوجب على صاحب العمل وعلى الأجير لتحاشي المِباغِنة بالصرف، أن يعلم كلّ منهما الآخر برغبته في فسخ العقد، قبل مدّة محدّدة تتراوح بين شهر وأربعة أشهر، حسب سنوات خدمة الأجير	برای اجتناب از غافلگیر شدن، قانون کار صاحب کار و کارگر را ملزم می سازد، در مدت معینی که بر حسب میزان سنوات کار کارگر، بین يك تا چهار ماه در نوسان است، هر يك از طرفین طرف مقابل را از تصمیم به فسخ قرارداد آگاه سازد
۶۴۲	بنی: البنى التحتيّة	امور زیر بنائی (تأسیسات زیر زمینی شهری)
	وافق مجلس الوزراء على إنشاء وزارة جديدة للبنى التحتيّة	هیأت وزیران با ایجاد وزارتخانه جدیدی برای تأسیسات زیر زمینی (زیرساختی) موافقت کرد
۶۴۳	تبغ: التَّبغ	توتون
	إدارة حصر التَّبغ والتبّاك	اداره انحصار توتون و تنباکو
۶۴۴	تقن: التَّقْنِيّ	تکنولوژیك
	الموظفين التقنيّين	کارمندان تکنسین



۶۴۵	جمل : المجاملة قام بزيارة مجاملة	کار تشریفات یک بازدید تشریفاتى انجام داد
۶۴۶	حسب : ديوان المحاسبة إدارات المستشفيات والمستوصفات الحكومية تخضع لمراقبة ديوان المحاسبة	ديوان محاسبات مدیریت‌های بیمارستانها و درمانگاههای دولتی، تحت نظارت ديوان محاسبات قرار می گیرد
۶۴۷	حضر : التحضير اللجنة التحضيرية للجمعية العامة	آماده سازی کمیته مقدماتی مجمع عمومی
۶۴۸	حقب : الحقية وزير بلا حقية	ساك ، چمدان وزير مشاور (وزير بدون وزارتخانه)
۶۴۹	خبر : المختبر يعلن مستشفى الساحل عن حاجته لتقني مختبر حائز على شهادة في العلوم المخبرية	آزمایشگاه بیمارستان ساحل، نیاز خود را به یک تکنسین آزمایشگاهی دارای مدرک علوم آزمایشگاهی اعلام می کند
۶۵۰	خزل : الاختزال يختزل المؤسسة لصالحه	خلاصه کردن مؤسسه را ملك انحصاری خود می داند
۶۵۱	خط : التخطيط أعيدت صياغة إدارة التخطيط والبرمجة لمجلس الإنماء والإعمار، لتشمل دائرتي التخطيط المالي والبنية التحتية	برنامه ریزی سازماندهی اداره طرح و برنامه شورای توسعه و عمران بازسازی شد، تا دو اداره برنامه ریزی مالی و تأسیسات زیر <u>زمینی</u> (زیرساختی) را تحت پوشش قرار دهد
۶۵۲	خط : الخطّة لا بدّ من تنفيذ خطّة مرحليّة في البداية	برنامه ، نقشه در آغاز لازم است يك برنامه انتقالی اجرا شود
۶۵۳	خلل : الخلل الخلل يطل مؤسسات الدولة	اختلال دوایر دولتی دچار اختلال است
۶۵۴	خلو : الإخلاء خلو	تخلیه

تضمّن بيان مجلس الإنماء والإعمار إنذاراً، بإخلاء العقارات المصابة بتخطيط الأتوستراد الدولي	در بیانیه شورای توسعه و عمران، نسبت به تخلیه پلاکهای واقع شده در معرض بزرگراه بین المللی هشدار داده شده است
۶۵۵ خير: المختار وزارة الداخلية تعتمد في الانتخابات الاختيارية على البطاقات الممغنطة	رئيس شورای محل (کدخدا) وزارت کشور برای اجرای انتخابات رؤسای شوراهای محله، از کارتهای الکترونیک استفاده می کند
۶۵۶ درج: الإدراج طلب إدراج الموضوع في جدول الأعمال	درج کردن درخواست کرد که موضوع در دستور کار قرار گیرد
۶۵۷ رتب: الراتب أصبحت سلاسل الرواتب الجديدة للطاقم التعليمي سارية المفعول منذ اليوم	حقوق و دستمزد نظام جدید پرداخت حقوق و دستمزد کادر آموزشی، از امروز به معرض اجرا گذاشته می شود
۶۵۸ رتب: الرتب والرواتب أساتذة اللبنانية نفّذوا اعتصاماً، احتجاجاً على قانون الرتب والرواتب	گروههای شغلی و دستمزدها اساتید دانشگاه لبنان، در اعتراض به قانون گروه و پایه ها و حقوقها اعتصاب کردند
۶۵۹ رخص: الترخيص بناء على موافقة مديرية التموين والتجارة الداخلية، يرخص الى السيد... من التبعية العربية السورية المولود في دمشق، باستثمار المحلّ المشاد على العقار رقم... من المنطقة العقارية... الكائن في الحيّ الشمالي لمهنة مطعم لحام وشوا و فروج	صدور پروانه کار بر اساس موافقت مدیریت امور خواربار و بازرگانی داخلی، به آقای ... دارای تابعیت عربی سوری متولد دمشق اجازه داده می شود، از مغازه ساخته شده روی پلاک شماره .... در منطقه ثبتی شماره ... واقع در محله شمالی، بعنوان رستوران دارای، فروشگاه گوشت و کباب و مرغ استفاده کند
۶۶۰ رخص: ترخيص مزاولة المهنة الرجاء إرسال الطلب مع صورتين شمسيّتين حديثتين، وصورة عن الشهادة الطّبية وترخيص	پروانه کسب لطفاً با تقاضانامه خود، دو قطعه عکس جدید و رونوشت گواهینامه پزشکی و



مزاولة المهنة، وشهادات الخبرة	پروانه کار و گواهی سابقه سنوات خدمت را بفرستید
<p>۶۶۱ رسم: الرسوم البلدية تعلن البلدية أنها وضعت قيد التحصيل تنظيم صفوف جداول التكليف الأساسية بالرسوم البلدية لعام ۱۹۹۶ وما قبل.</p> <p>فعلى المكلفين المبادرة إلى تسديد الرسوم المتوجبة عليهم خلال المدة المحددة، وإلا تعرضوا لدفع غرامة تأخير قدرها ۲% من قيمة الرسم عن كل شهر تأخير، ويعتبر كسر الشهر شهرا</p>	<p>عوارض شهرداری</p> <p>شهرداری اعلام می کند که اعمال جداول عمومی عوارض شهرداری سال ۹۶ وما قبل آنرا در دستور کار خود قرار داده است. مکلفین باید در خلال مدت تعیین شده با پرداخت عوارض، تسویه حساب کنند. وگرنه به عنوان جریمه دیرکرد ۲% ارزش عوارض بابت هر ماه تأخیر به عوارض افزوده می شود. وکسری از ماه بعنوان يك ماه کامل محسوب می شود</p>
<p>۶۶۲ رسم: المرسوم انتهى المرسوم الوزاري المرقم... الصادر...</p>	<p>بخشنامه</p> <p>مدت اعتبار بخشنامه وزارتي شماره ... مورخ... به پایان رسید</p>
<p>۶۶۳ رفق: الإرفاق يجب أن ترفق بالطلبات المقدمة المعلومات التالية:</p> <p>اسم الشاري واسم البائع وإرفاق صورة عن تذكرة هوية الشاري</p>	<p>ضمیمه کردن</p> <p>باید اطلاعات زیر ضمیمه درخواستهای ارسالی شود:</p> <p>نام خریدار و نام فروشنده و ارسال رونوشت شناسنامه خریدار به پیوست درخواست</p>
<p>۶۶۴ رقب: الرقابة لجنة الرقابة أصدرت بيانها الختامي</p>	<p>نظارت</p> <p>کمیته نظارت بیانیته نهائی خود را صادر کرد</p>
<p>۶۶۵ ركز: اللامركزية ركز على اللامركزية الإدارية والخصخصة</p>	<p>تمرکز زدائی</p> <p>بر تمرکز زدائی اداری وخصوصی سازی تأکید کرد</p>
<p>۶۶۶ سلم: التسلم</p>	<p>دریافت کردن</p>

المجلس الدستوري تسلّم مستندات الطعون النيائية	شواری قانون اساسی، مدارک شکایات نمایندگان را تحویل گرفت
۶۶۷ سند: المستندات المطلوبة يرفض كل عرض غير مرفق بالأوراق الثبوتية والمستندات المطلوبة أو لم يسبق له تقديم هذه الأوراق المحددة في لوحة إعلانات الشركة	مدارک مورد نیاز درخواستهای فاقد اوراق شناسائی و مدارک مورد نیاز، یا درخواستهای که قبلا مدارک اعلام شده در تابلو اعلانات شرکت را ارسال نکرده باشند، از <u>اعتبار</u> <u>ساقطند</u> (پذیرفته نمی شود)
۶۶۸ شحن: الشحن أخضعوا الشحنة للفحص	بارگیری محموله را مورد بازرسی قرار دادند
۶۶۹ شغور: الشغور تمّ تعيينه مفتيا للديار المصرية بعد مضي شهر من شغور هذا المنصب	خالی ماندن پس از گذشت ماهها از خالی ماندن پست إفتاء، او بعنوان مفتی کشور مصر تعیین شد
۶۷۰ صدق: تصديق الشهادة مطلوب إرفاق صورة عن الشهادة الجامعية مصوّرة ومصدّقة عنها وفق الأصول	تأیید گواهی لازمست نسخه ای برابر اصل و تصدیق شده از مدرک دانشگاهی بر طبق ضوابط ضمیمه شود
۶۷۱ صلاح: الإصلاح الإصلاح الهيكلي	بازسازی اصلاحات سازمانی
۶۷۲ صلاح: مصلحة المياه قرار إعفاء بعض المشتركين من دفع بدلات المياه ، أدّى الى إفلاس مصلحة المياه	سازمان آب تصمیم به معاف کردن برخی از مشترکین از پرداخت عوارض آب، باعث ورشکستگی سازمان آب شد
۶۷۳ صوت: التصويت التصويت لقائمة المرشحين	رأی دادن رأی دادن به لیست نامزدها
۶۷۴ صور: الصورة صورة طبق الأصل	تصویر، رونوشت رونوشت برابر اصل



تبعیت از تصمیم رئیس تبعیت کرد	صوع: الانصیاع خضع وانصاع لقرار الرئيس	۶۷۵
ماشین نویسی شرکت کنندگان، دوره آموزشی ماشین نویسی را به اتمام رساندند	ضرب: الضرب على الآلة الكاتبة أنهى المشاركون دورة تدريبية في الضرب على الدكتيلو (الآلة الكاتبة)	۶۷۶
تأمین اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی	ضمن: الضمان الاجتماعي منظمة الضمان الاجتماعي	۶۷۷
بیمه شده شرکت اعلام می دارد، که در صورت عدم تماس بیمه شدگان با شرکت، متأسفانه ناگزیر به لغو کارتهای بیمه افراد متخلف خواهد بود	ضمن: المضمون تعلن الشركة أنه في حال عدم اتصال المضمونين بها، ستعتمد آسفة الى إلغاء بوالص الضمان الخاصة بالمتخلفين	۶۷۸
وضع روند کلی مذاکرات	طبع: الطابع الطابع العام الذي تتصف به المناقشة	۶۷۹
تمبر وزیر مشاور در امور دارائی، بخشنامه ای در مورد تبدیل تمبرهای مالی خارج از گردش، وجایگزین کردن تمبرهای جدید صادر کرد	طبع: الطابع أصدر وزير الدولة للشؤون المالية قراراً يتعلق باستبدال الطوابع المالية المسحوبة من التداول، بالطوابع الجديدة	۶۸۰
شکایت مهلت تحویل شکایتهای مربوط به انتخابات	طعن: الطعن مهلة تقديم الطعون في الانتخابات	۶۸۱
نسبت دادن بروز این مشکل را به ضعف مهارت کارمندان نسبت داد	عزو: العزو عزا هذه المشكلة إلى ضعف مهارات الموظفين	۶۸۲
خرابیها اصلاح خرابیها در شبکه فاضلاب ومجاری زیرزمینی	عطل: الأعطال إصلاح الأعطال في شبكة مجاري المياه والبنى التحتية	۶۸۳

۶۸۴	عمم: التعميم وزير الاقتصاد يعمم على جميع الدوائر التابعة لوزارته.....	ابلاغ، ابلاغیه وزیر اقتصاد به همه ادارات تابعه این وزارتخانه ابلاغ می کند : .....
۶۸۵	عوض: التعويض طالب بإعطاء الموظفين الإداريين من الفئة الثالثة فما فوق، تعويضاً خاصاً بنسبة ۲۵% من الراتب	فوق العاده (حقوق) خواستار پرداخت فوق العاده مخصوص به میزان ۲۵% حقوق پایه، به کارمندان اداری رده شغلی سوم به بالا شد
۶۸۶	عیش: المعاش التقاعدي اقترح النائب الإبقاء على ما هو معمول به حالياً في كيفية احتساب المعاش التقاعدي أو تعويض نهاية الخدمة	مستمرى بازنشستگی نماینده پیشنهاد کرد، میزان پرداختهای فعلی در مورد ونحوه محاسبه مستمری بازنشستگی یا خرید خدمت، همچنان پابرجا بماند
۶۸۷	فرغ: التفرغ التفرغ بالملاك	استخدام تمام وقت استخدام رسمی قطعی
۶۸۸	فیض: الفائض عن الحاجة سأل نائب معارض رئيس الحكومة عن العدد الإجمالي للموظفين الفائضين عن الحاجة في القطاع العام	افزون بر نیاز یکی از نمایندگان مخالف، از نخست وزیر در مورد آمار کلی کارمندان افزون بر نیاز در بخش عمومی سؤال کرد
۶۸۹	قرع: الاقتراع أعيد الاقتراع مرة ثانية	قرعه کشی قرعه کشی برای بار دوم انجام شد
۶۹۰	قعد: التقاعد طالبت رابطة المعلمين بتعويض نهاية الخدمة والتقاعد على أساس كامل الراتب (۱۰۰%)، ورفع الحد الأدنى للأجور وزيادة غلاء المعيشة	بازنشستگی انجمن معلمان خواستار اعطای بازخرید خدمت وبازنشستگی، بر اساس حقوق ومزایای کامل (۱۰۰%)، افزایش حداقل دستمزد، وافزایش فوق العاده تورّم شد
۶۹۱	قلد: المقلد سلم مقاليد الرئاسة الى نائب الرئيس	کلید کلید های پست ریاست را به نایب رئیس تحویل داد



۶۹۲	قول: الاستقالة	استعفا بطور دستجمعی استعفا کردند
۶۹۳	قید: إخراج قید إخراج قید إفرادي	برگه شناسائی شناسنامه (در لبنان)
۶۹۴	لجن: اللجنة أجروا تغييراً طفيفاً على مرسوم اللجان النيابية	کمیسیون تغییرات اندکی در بخشنامه کمیسیونهای مجلس وارد کردند
۶۹۵	لَم: الإلمام مطلوب سكرتيرة لمكتب هندسة , تجيد اللغة الإنكليزية , وملمّة في المحاسبة والكمبيوتر, ويفضّل جامعيّة	عنایت , توجه به يك منشی زن برای يك دفتر مهندسی, که به زبان انگلیسی آشنائی داشته , ودر حسابداری و کامپیوتر دارای مهارت باشد و مرجحاً دانشگاهی باشد , نیاز هست
۶۹۶	لوح: لوائح الشطب وزارة الداخلية , سلّمت لوائح الشطب إلى المختير لبدء العملية الانتخابية	لیستهای نامزدهای انتخابات وزارت کشور , لیستهای نامزدهای انتخاباتی را برای شروع انتخابات , به رؤسای شوراهای محل تحویل داد
۶۹۷	ندب: مندوب مبيعات الشركة بحاجة إلى مندوب مبيعات لتسويق بضائعها , بمدخول يومي يتعدى ۵۰ دولاراً	بازاریاب شرکت , نیازمند به کارپردازی برای بازاریابی کالاهای خود می باشد , و حقوق روزانه متجاوز از ۵۰ دلار می پردازد
۶۹۸	وصل: المواصلات اللجنة الاستشارية الدولية للمواصلات السلکيّة	ارتباطات کمیته مشورتی بین المللی ارتباطات تلفنی

## ۷. المصطلحات القانونية

زندان ابد	أبد : السَّجْنُ الْمُؤَبَّد	۷۹۹
دادگاه عالی قضائی، متهم را به زندان ابد با اعمال شاقه محکوم کرد	حكمت المحكمة العليا على المدعى عليه، بالسجن بالأشغال الشاقة المؤبدة	
منشی	أمن : أمين السر	۷۰۰
به رتبه سكرتر (منشی) رئیس دانشگاه ارتقاء یافت	ارتقى إلى رتبة أمين السر لرئيس الجامعة	
اثر انگشت	بصم : بصمة الإصبع	۷۰۱
متهم گفت : روی اوراقی انگشت می زدم، که محتوای آنرا نمی دانستم	قال المدعى عليه : كنت أبصم على أوراق لا أعرف محتواها	
بازداشتن	ثني : الإثناء	۷۰۲
بر اساس نتیجه يك تحقيق در آمریکا، تهدید به زندان دراز مدت، مردم را از ارتكاب جرایم باز نداشته است	أظهرت دراسة في أمريكا أن التهديد بالسجن الطويل، لم يثن الناس عن ارتكاب الجريمة	
كليات پیشنهاد	جمل : مجمل الاقتراح	۷۰۳
به كليات پیشنهاد رأی دادند	صوتوا على مجمل الاقتراح	
پس گرفتن رأی اعتماد	حجب : حجب الثقة	۷۰۴
رأی گیری برای رفع (سلب) اعتماد	التصويت بحجب الثقة	
مصونیت	حصن : الحصانة	۷۰۵
مصونیت پارلمانی را از او سلب کردند	رفعوا عنه الحصانة البرلمانية	
صورت جلسه	حضر : المحضر	۷۰۶
تهیه صورتجلسه از وظایف منشی است	إعداد محضر الجلسة من مهام السكرتير	



منزلت وموقعیت اجماع آراء را نصیب خود ساخت	۷۰۷ حظو: الحظوة حظی یا جماع الأصوات
محفوظ ماندن حق پاسخگویی در آینده را، برای خود محفوظ نگاه داشت	۷۰۸ حفظ: الاحتفاظ احتفظ بحق الجواب فيما بعد
بازجویی بازجویی از او سه ماه بطول انجامید	۷۰۹ حق: التحقيق استمر التحقيق معه ثلاثة أشهر
بازپرس بازپرس نظامی پس از انجام تحقیقات، فرد بازداشت شده را در مقابل وثیقه ای بمبلغ يك مليون ليرة لبناني آزاد کرد	۷۱۰ حق: قاضي التحقيق قرّر قاضي التحقيق العسكري إخلاء سبيل الموقوف بعد التحقيق، لقاء كفالة مالية بمليون ليرة لبنانية
داوری تصمیمات شورای داوران را باطل اعلام کرد	۷۱۱ حكم: التحكيم اعتبر قرارات لجنة التحكيم لاغية
دادگاه هر کس اعتراضی به انجام این درخواست دارد، شکایت خویش را در طول پنج روز از تاریخ انتشار این اعلامیه به دادگاه تحویل دهد	۷۱۲ حكم: المحكمة لكل من له مصلحة في الاعتراض على هذا الطلب، التقدّم به أمام هذه المحكمة خلال مهلة خمسة أيام من تاريخ نشر هذا الإعلان
ارجاع شکایت را به يك کمیته دارای اختیارات وسیع ارجاع نمودند	۷۱۳ حول: الإحالة أحالوا الشكوى إلى لجنة ذات صلاحية عالية
اعطای صلاحیت شرکت اعلام کرد، که دیگر ارتباطی با نماینده سابقش ندارد، چون وی مسئولیتی به هیچ عنوان در شرکت نداشته، و صلاحیت گرفتن مبالغی بنام شرکت را ندارد	۷۱۴ حول: التحويل أعلنت الشركة أنه لم يعد لها علاقة بمندوبيها السابق، فلا يمثلها بأية صفة، وهو غير مخوّل لقبض أية مبالغ مستحقة لها

<p>سرنخ</p> <p>دستگاه قضائی، مجدداً توانست سرنخی از ترور وزیر را بدست آورد</p>	<p>خبط: طرف الخبط</p> <p>تمكّنت الأجهزة القضائية مجدداً من الإمساك بطرف الخبط، في قضية اغتيال الوزير</p>	<p>۷۱۵</p>
<p>اعتراض</p> <p>یکی از نمایندگان، در اثنای گزارش مخبر کمیسیون دارائی و بودجه، اعتراض خود را مطرح کرد</p>	<p>دخل: المداخلة</p> <p>ألقي أحد النواب مداخلة في تقرير مخبر اللجنة النيابية للمال والموازنة</p>	<p>۷۱۶</p>
<p>متهم</p> <p>شورای قضائی در مورد متهم حاضر ردیف اول، و در مورد متهم ردیف دوم بصورت غیابی حکم اعدام صادر کرد</p>	<p>دعو: المدعو عليه</p> <p>المجلس العدلي أصدر حكم الإعدام وجاهياً بحق المدعو عليه الرقم الأول، وغيباً للمدعو عليه الرقم الثاني</p>	<p>۷۱۷</p>
<p>به تعویق انداختن</p> <p>تعویق بحث و بررسی به مدت نامعلوم</p>	<p>رجا: الإرجاء</p> <p>إرجاء المناقشة إلى أجل غير مسمى</p>	<p>۷۱۸</p>
<p>ارتداد</p> <p>مفتی درخواست کرد، حکم ارتداد در مورد گروهی از باند (شیطان پرستان) که حاضر به توبه نیستند، اجرا شود</p>	<p>رد: الردّة</p> <p>طالب المفتي بإنزال حدّ الردّة. بأفراد جماعة (عبدة الشيطان) الذين يرفضون التوبة</p>	<p>۷۱۹</p>
<p>رأی دادن (بشکل آری یا نه) برای يك كاندیدا</p> <p>در رأی گیری مستقیم بشکل نامزد منفرد پیروز شد</p>	<p>زكي: الاقتراع بالتزكية</p> <p>نجح في الاقتراع المباشر بالتزكية</p>	<p>۷۲۰</p>
<p>اختلاف، مشاجرة</p> <p>دامنه اختلافات قانونی بین اتحادیه کارگری و وزارت کار بالا گرفت</p>	<p>سجل: السجال</p> <p>تصاعدت وتيرة السجال القانوني بين الاتحاد العمالي ووزارة العمل</p>	<p>۷۲۱</p>
<p>دریافت احضاریه</p> <p>دبیرخانه اجرائیه شهر صیدا از آقای ... وارث مرحوم ... و که محل اقامت او ناشناخته است، میخواید شخصاً برای</p>	<p>سلم: تسلّم الإنذار</p> <p>يدعو قلم دائرة تنفيذ صيدا السيد .... وريث المرحوم ... المجهول محل الإقامة، للحضور إليه شخصياً لتسلّم الإنذار رقم ...</p>	<p>۷۲۲</p>



دریافت احضاریه شماره ... به این مرکز مراجعه کند		
جنگال تبلیغاتی	شَدّ: المشادة الصحفية	۷۲۳
تصمیم گرفتند به جنگال تبلیغاتی در این زمینه خاتمه دهند	قضوا بالحدّ من المشادة الصحفية في هذا المجال	
کلاه گیس	شعر: الشعر المستعار	۷۲۴
برخی از قضات کنیا، نسبت به لزوم استعمال کلاه گیس پوستیش و پوشیدن اینفورم رسمی، که تقلیدی برجای مانده از دوران استعمار بریتانیا است، اعتراض کردند	اعترض بعض القضاة في كينيا على وجوب وضع الشعر المستعار، وارتداء الثوب التقليدي، وهو تقليد موروث عن الفترة الاستعمارية البريطانية	
فراغ، نقص	شغر: الشغور	۷۲۵
کرسیهای خالی، پستهای بدون سرپرست (فرصت های شغلی موجود)	المقاعد الشاغرة	
متمرد	شقّ: المنشقّ	۷۲۶
اشکال محاکمه، ریشه در اعتماد دادگاه آلمان به شهادت متهمین بارز ایرانی، از قبیل رئیس اطلاعات سابق دارد	يتمثل الخلل في المحاكمة باعتماد المحكمة الألمانية على شهادة منشقين إيرانيين بارزين من أمثال المسئول الاستخباراتي السابق	
لاک قرمز	شمع: الشمع الأحمر	۷۲۷
صندوقهای آراء را با لاک قرمز مهر و موم کردند	ختموا صناديق الاستفتاء بالشمع الأحمر	
تصویب کردن	صدق: المصادقة على	۷۲۸
گزارش را برای تصویب به شورای عمومی فرستاد	رفع التقرير إلى الجلسة العامة للمصادقة عليه	
سکوت	صمت: الصمت	۷۲۹
سکوت محض اختیار کردند	التزموا الصمت التام	
رأی دادن	صوت: التصويت	۷۳۰
کارت های رأی سفید بحساب نخواهند آمد	لن تؤخذ بطاقات التصويت الخالية بعين الاعتبار	

۷۳۱	ضیع: بدل ضائع إعلان من أمانة السجل العقاري في العاصمة : طلب السيد ... سند تمليك بدل ضائع بالعقار الرقم ..... للمراجعة ۱۵ يوما	المثنی اعلان از طرف اداره ثبت املاک پایتخت : آقای ... درخواست کرده است که بنام او برای زمین پلاک ... سند مالکیت المثنی صادر شود. برای مراجعه ۱۵ روز فرصت دارید
۷۳۲	طلب: المطالبة طالب بالتصويت مادة فمادة	خواستار شدن خواستار رأی گیری ماده به ماده قانون شد
۷۳۳	طول: الطائلة تحت طائلة المسؤولية	اقتدار تحت پیگرد قانونی
۷۳۴	عبر: الأخذ بعين الاعتبار أخذ اعتراض المحافظ بعين الاعتبار	مد نظر قرار دادن، بحساب آوردن اعتراض استاندار را بحساب آورد
۷۳۵	عجل: القانون المعجل المكرر تمنى النائب على المجلس أن يصدر قانوناً معجلاً مكرراً، يعفي إعفاءً عاماً للمتظاهرين المعتقلين	قانون با قید دو فوریت نماینده از مجلس درخواست کرد، که با تصویب یک قانون با قید دو فوریت، تظاهر کنندگان بازداشت شده را مورد عفو عمومی قرار دهد
۷۳۶	عدل: مكتب الكاتب العدل الأحوال الشخصية تسجل عند الكاتب العدل	دفتر اسناد رسمی حالات شخصی (نظیر تولد، ازدواج، ووفات) در دفتر اسناد رسمی ثبت می شود
۷۳۷	عكف: العكوف المحكمة تعكف للتشاور	ممانعت جلسه دادگاه برای شور متوقف می شود
۷۳۸	فرغ: المتفرغ تنفذ رابطة الأساتذة المتفرغين إضراباً تحذيرياً، من أجل إدخال المتفرغين في الملاك	کارمند تمام وقت انجمن اساتید تمام وقت، به منظور دستیابی به رسمی قطعی کردن کادر اساتید تمام وقت، دست به یک اعتصاب هشدار دهنده می زند



فسخ قرارداد	فسخ: فسخ العقد	۷۳۹
حق فسخ قرارداد را برای خود محفوظ داشت	احتفظ بحق فسخ العقد	
پیشنهاد	قترح: الاقتراح	۷۴۰
حذف عبارت را از صورت جلسه پیشنهاد کرد	اقترح حذف العبارة من محضر الجلسة	
انتقام	قَص: الاقتصاص	۷۴۱
برای مقابله به مثل، متوسل به انتقام شد	لجأ إلى الاقتصاص مقابلة بالمثل	
مقید شدن	قيد: التقييد	۷۴۲
از ناطق خواست از چارچوب مناقشه خارج نشود	طلب من المتكلم التقييد بموضوع النقاش	
بمورد اجرا	قيد: قيد التنفيذ	۷۴۳
آنها بمورد اجرا گذاشت	وضعه قيد التنفيذ	
کمیته	لجنة: اللجنة	۷۴۴
دولت نماینده تام الاختیاری به کمیته داوری فرستاد	أرسلت الدولة مفوضاً مطلق الصلاحية إلى لجنة التحكيم	
ظاهر شدن، حضور یافتن	مثل: الممثل	۷۴۵
از حضور در برابر شورای دادگاه خودداری کرد	امتنع عن الممثل أمام لجنة المحكمة	
نماینده	مثل: الممثل	۷۴۶
خواستار فرستادن نماینده ای برای رفع اختلافات شد	دعا إلى إيفاد ممثل لتسوية الخلاف	
تعرض به قانون	مس: المساس بالقانون	۷۴۷
هر گونه تعرض به احکام معاهده را رد کرد	رفض أي مساس بأحكام الاتفاقية	
خودداری	نحي: التنحي	۷۴۸
از سخن گفتن سر باز زد	تنحى عن الكلام	
هشدار اجرائی	نذر: الإنذار التنفيذي	۷۴۹

برای دریافت اخطاریه اجرائی و متعلقات آن، باید شخصا حاضر شوی، یا نماینده قانونی خود را به دبیرخانه این دادگاه بفرستی	يقتضي حضورك بالذات، أو بالواسطة القانونية إلى قلم هذه المحكمة، لاستلام الإنذار التنفيذي ومربوطاته	
چشم پوشیدن از حقّ خود در ایراد سخن صرف نظر کرد	نزل: التنازل تنازل عن حقه في الكلام	۷۵۰
تریون پشت تریون ریاست قرار گرفت، وچکش را به میز زد	نص: المنصب اعتلى منصّة الرئاسة، وتناول المطرقة	۷۵۱
سازماندهی به سازماندهی دبیرخانه اقدام کرد	نظم: التنظيم قام بتنظيم السكرتارية	۷۵۲
اجرا بمرحله اجرا گذاشته شد	نقد: التنفيذ دخل في طور التنفيذ	۷۵۳
اجرای حکم حکم اعدام با شمشیر در مورد آنان اجرا شد، چون مرتکب جانیاتی از قبیل قتل و جادوگری شده بودند	نقد: تنفيذ الحكم نقذ فيهم الإعدام بحدّ السيف، لارتكابهم جرائم تتراوح بين القتل والسحر	۷۵۴
اغتنام فرصت فرصت را برای تقدیم شکایت غنیمت شمرد	نهز: انتهاز الفرصة انتهاز الفرصة لتقديم الشكوى	۷۵۵
گزینش نماینده برای شرکت در جلسه مجمع، ارسال فرد دیگری بجای خود ممنوع است	نوب: الإنابة لاتجوز الإنابة لأيّ عضو آخر في جلسة الجمعية	۷۵۶





## ۸. المصطلحات العلمية

فرسودگی، خوردگی	۷۵۷	أكل: التآكل
برای جلوگیری از فرسایش ساحل، یک موج شکن بنا شده است		أقيم حاجز لمكافحة عوامل تآكل الشاطئ
پژوهشهای هواشناسی	۷۵۸	بحث: أبحاث الجو
این شرکت، مهمترین شرکت در پیشبرد سیستمهای پژوهشهای هواشناسی است		تعتبر هذه الشركة الأهم في تطوير منظومات أبحاث الجو
آبهای آلوده	۷۵۹	بذل: المياه المبتذلة
آبهای کثیفی که به بندر وارد می شود، بسختی اجازه مشاهده آثار باستانی را در زیر آب می دهد		المياه المبتذلة التي تصرف في الميناء، تسمح بصعوبة برؤية الآثار في قعر الماء
آتشفشان	۷۶۰	برك: البركان
آبهای واقع در زیر لایه یخی، از فعالیتهای آتشفشانی حرارت می گیرد		المياه الواقعة تحت القشرة الجليدية، تكتسب الدفء من النشاط البركاني
اثر انگشت	۷۶۱	بصم: بصمة الإصبع
این پدیده آثار خود را روی اوضاع کشور برجای گذاشت		تركت هذه الظاهرة بصماتها على أوضاع البلد
محیط (زیست)	۷۶۲	بيئة: البيئة
وزارت محیط زیست کانادا اعلام کرد،		أعلنت وزاره البيئة الكندية، أن طبقة الأوزون التي



تمتصّ الأشعة الشمسيّة فوق البنفسجيّة، باتت رقيقة جدّاً فوق المنطقة القطبيّة الشماليّة في كندا	لايه ازون كه اشعه ماوراء بنفش خورشيد را به خود جذب مي كند، بر فراز منطقه قطب شمال در كانادا بسيار نازك شده است
٧٦٣ تقن : التقنيّة	تكنولوجيا
تقنيّات متطوّرة وعالية الجودة	تكنولوجياهاي پيشرفته، وداراي كيفيت بالا
٧٦٤ ثدي : الثديّيات	پستانداران
إنّ وضع نسخة طبق الأصل عن حيوان بالغ من الثديّيات، عن طريق زرع بويضة ملقّحة في نعجة أخرى، أثار جدالاً حامياً حول أخلاقيّة أبحاث الهندسة الوراثيّة في الإنسان	توليد (تکثير) يك نسخه برابر اصل از يك حيوان كامل از گروه پستانداران، از طريق كاشت يك سلول از يك ميش در يك ميش ديگر، جدال داغي را بر سر جوانب اخلاقي پژوهشهاي مهندسي ژنتيك در انسان بدنبال داشت
٧٦٥ جلد : الجليد	يخ
الصور التي أرسلتها المركبة الفضائية، تكشف الجليد في إحدى الفوهات البركانية في المريخ	عكسهاي ارسالي از طرف سفينه فضائي، كاشف از وجود يخ در يكي از دهانه هاي آتشفشاني كره مريخ است
٧٦٦ جلد : الموجة الجليديّة	موج يخ
بدأت العاصفة الثلجية بالانحسار، تاركة وراءها موجة جليد أوقعت أضراراً بالغة في المزروعات	بوران يخي درحال اتمام است، اما پشت سر خود موجي از يخ را بر جا گذاشته، كه خسارتهاي سنگيني به محصولات كشاورزي وارد کرده است
٧٦٧ جهاز : الجهاز	دستگاه
جهاز التحكّم من بعد	دستگاه كنترل از راه دور
٧٦٨ جوز : المجاز	فارغ التحصيل ليسانسه ( پس از چهار سال تحصيل دانشگاهي)
حفلة تخريج مجازات في فرعي التمريض	

والتوليد (القابلة)	جشن فارغ التحصیلی تعدادی دانشجوی کارشناسی در دورشته پرستاری ومامائی
۷۶۹ جوف : المياه الجوفية	آبهای زیرزمینی دفن پس مانده هایی که قابل بازیافت نیست، مخازن آب زیرزمینی را تهدید می کند
۷۷۰ جین : الجین	ژن پژوهشگران فرانسوی موفق شدند ژنهایی کشت کنند، که هموگلوبین انسانی (یعنی خون) از نهال های تنباکو بدست آورند. این امر کاشت نهال تنباکو را از نظر پزشکی قابل توجیه می سازد
۷۷۱ جین : الجينة	ژن ژن، حافظه بیولوژیک در جسم انسان و حیوان است، و می تواند بارور شده، و مثل خود را تولید کند
۷۷۲ حلّ : تحليل البول	آزمایش (تجزیه) ادرار پس از عمل باروری مصنوعی، آزمایش ادرار حاملگی را محرز ساخت
۷۷۳ حی : الحيوي	زنده و پویا شبکه جهانی کامپیوتری (انترنت)، در خلال چند سال گذشته موجودیت خود را بعنوان مرکزی پویا و بالنده برای ارتباطات و تبادل معلومات بین افراد بشر تثبیت کرده است
۷۷۴ خفض : الخفض	کاستن



يمكن خفض المخاطر الناتجة عن الزلزال، بفضل بناء مبان مضادة للهزات	با ساختن ساختمانهای ضد زلزله، می توان از خطرات آن کاست
۷۷۵ دلي: المتدلیات المغارة تحتطي بمناظر خلابة في متدلياتها القديمة	سنگهای استالاکتیت (آویزه ها) این غار بسبب سنگهای قدیمی استالاکتیت (آویزه ها)، از مناظر جالبی برخوردار است
۷۷۶ دور: الدارة الهائية الكابل الضوئي البحري الجديد الذي يربط سوريا بمصر، تبلغ دارته ثلاثين ألف دائرة هائية، ويمكن زيادتها مستقبلا لتصل إلى ۶۰ ألف دائرة	خط تلفن کابل نوری دریایی جدید که سوریه را به مصر پیوند می دهد، هم اکنون شامل ۳۰ هزار خط تلفن است، که میتوان آنرا در آینده به ۶۰ هزار خط افزایش داد
۷۷۷ ذر: الذرة لجنة الطاقة الذرية	اتم کیمته انرژی اتمی
۷۷۸ ذکر: الذاكرة هذه الشركة العملاقة العالمية تعمل لتصنيع شرائح ذواكر الحاسب	حافظه این شرکت عظیم بین المللی قطعه های حافظه کامپیوتر (تراشه های حافظه ماشین حساب) تولید می کند
۷۷۹ ذكي: الحياة الذكية من أبرز الأماكن المرشحة لوجود حياة ذكية : كوكب المريخ وخاصة بعد العثور على بقايا نيازك، يقال إنها سقطت من الكوكب الأحمر، وتحتوي على مواد ميكروسكوبية متحجرة	حیات هوشمند سیاره مریخ بارزترین مکان وجود احتمالی حیات هوشمند است، بویژه پس از دستیابی به بقایای شهاب سنگهایی که گفته می شود از سیاره قرمز سقوط کرده و حاوی مواد میکروسکوپی فسیل شده هستند.
۷۸۰ ذنب: المذنب ازداد المذنب لمعاناً، مع اقترابه من الأرض التي	ستاره دنباله دار ستاره دنباله دار با نزدیک شدن به زمین -

که درآغاز ماه آینده به نزدیکترین فاصله به آن میرسد - از درخشش بیشتری برخوردار شد	سيصبح أقرب نقطة إليها، في بداية الشهر القادم	
نقاشیها نقاشیهای متحرک، کارتون	رسم: الرسوم الرسوم المتحركة	۷۸۱
رصد کردن اداره هوا شناسی، نسبت به وقوع توفانهای باران زا، که احتمالاً خطرناک است هشدار داد	رصد: الرصد مصلحة الأرصاد الجوية أذرت بعواصف مطرية، قد تكون خطرة	۷۸۲
مرکز ثبت زلزله برای جلوگیری از بروز خسارات، به مراکز ژئوفیزیک (برای ثبت زلزله) نیاز داریم	رصد: المرصد نحتاج إلى المراصد من أجل تفادي الأضرار	۷۸۳
وسیله نقلیه فضا پیما	رکب: المركبة المركبة الفضائية	۷۸۴
کد گذاری شناسنامه های جدید، الکترونیکی و دارای کد است، و اثر هر ده انگشت بر آن ثبت می شود	رمز: الترميز بطاقات الهوية الجديدة ممغنطة وممرّزة، وتحمل بصمات الأصابع العشرة	۷۸۵
دکمه زندگی با کامپیوتر راحت است، و به جز فشار آوردن روی چند دکمه، زحمت دیگری ندارد	زر: الزر الحياة مع الكمبيوتر مريحة، لا تتطلب جهداً غير النقر على بضعة أزرار	۷۸۶
مجهز کردن خانم تلفنچی، مجهز به يك صفحه کامپیوتری است، که وضعیت همه	زود: التزويد عاملة المقسم مزودة بشاشة الكترونية، من أجل توضيح وإظهار جميع الفرعيات	۷۸۷



خطوط داخلی را روشن می کند		
سفینه	سبر: المسبار	۷۸۸
سفینه جدیدی که اخیراً در مدار زمین (ماه) قرار داده شد، تلاش خواهد کرد، وجود یا عدم وجود آب در ماه و ترکیب خاک آن و میدانهای جاذبه و میدانهای مغناطیسی آن را مشخص نماید	سیسعی المسبار الجديد الذي وضع في مدار القمر مؤخراً، إلى تحديد وجود أو عدم وجود مياه في القمر، ويحدد تكوين التربة وحقول الجاذبية والمجالات المغناطيسية	
ابر مغناطیسی	سحب: السحابة المغناطيسية	۷۸۹
یک ابر ضخیم مغناطیسی، که در اثر یک انفجار خورشیدی ایجاد شده است، در حال رسیدن به کره زمین است	إن سحابة مغناطيسية ضخمة ناجمة عن طفرة شمسية هائلة، بدأت تصل إلى الأرض	
بیسیم	سلك: اللاسلكي	۷۹۰
اتومبیلهایی که با دستگاه بی سیم هدایت می شوند	السيارات الموجهة لاسلكيا	
تشعشع زا	شع: المشع	۷۹۱
این انبارها، مواد شیمیایی تشعشع زا و خطرناک دارند	هذه المستوعبات تحتوي على مواد كيميائية مشعة وخطرة	
راه اندازی	شغل: التشغيل	۷۹۲
این دستگاههای الکترونیکی، همراه با کلیه کاتالوگها و اطلاعات لازم برای راه اندازی و ترکیب (نصب) و نگهداری، به زبانهای مختلف بفروش می رسد	تباع هذه الاجهزة الالكترونية مع كافة الكatalogات والشروحات اللازمة، للتشغيل والتركيب والصيانة بمختلف اللغات	
مدارك تحصیلی	شهد: الشهادات الدراسية	۷۹۳
مدارك تحصیلی شامل: گواهی ابتدائی، گواهی راهنمایی، دیپلم، لیسانس، فوق	الشهادات الدراسية تشمل شهادة الابتدائية والبروفيه والباكالوريا القسم الثاني والباكالوريوس	

لیسانس ودکترا می شود	ودبلوم الدراسات العليا (الماجستير) والدكتوراه	
<b>بشقابهای گیرنده</b>	<b>طبق: أطباق الاستقبال</b>	۷۹۴
بشقابهای گیرنده برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها	أطباق استقبال الإرسال التلفزيوني عبر الأقمار الصناعية	
<b>آسیاب</b>	<b>طحن: الطاحونة</b>	۷۹۵
آسیاب بادی	طاحونة الهواء	
<b>نظرخواهی</b>	<b>طلع: استطلاع الرأي</b>	۷۹۶
نتایج یک رأی گیری نشان داد، که سه چهارم آمریکائیها خواستار ممنوعیت تولید مشابه سازی (شبه سازی) انسانی از طریق مهندسی ژنتیک هستند	أظهرت نتائج استطلاع للرأي، أنَّ ثلاثة أرباع الأمريكيين يطالبون بحظر تجارب الاستنساخ البشري عبر الهندسة الوراثية	
<b>انرژی</b>	<b>طوق: الطاقة</b>	۷۹۷
بکارگیری انرژی اتمی در اهداف صلح آمیز	استخدام الطاقة النووية في الأغراض السلمية	
<b>توفان</b>	<b>عصف: العاصفة</b>	۷۹۸
این توفان خورشیدی، حاوی تشعشعاتی است که ممکن است روی میدان جاذبه زمین اثر گذاشته، و ماهواره ها را مختل کند	تحمل العاصفة الشمسية إشعاعات، يمكن أن تؤثر على المجال المغناطيسي للأرض، وتعطل أقمار الاتصالات الصناعية	
<b>توفان</b>	<b>عصف: العاصفة</b>	۷۹۹
این توفان مغناطیسی، که همچون یک خیزش گازی از جو اطراف خورشید شروع شده بود، اخیراً به نزدیکی زمین رسید	العاصفة المغناطيسية التي بدأت كانبعاث غازي من الهالة المحيطة بالشمس، وصلت أخيراً حول الأرض	
<b>ایجاد انفجار</b>	<b>فجر: التفجير</b>	۸۰۰
قرن بیستم، قرن انفجار اطلاعات نامیده	سمي القرن العشرين بعصر التفجير المعرفي	



شد		
فرد گرائی	فرد: الفردنة	۸۰۱
در بین ۲۰ کشوری که در شاخص فرد گرائی بالاترین معدل را بدست آوردند، ۱۹ کشور غربی یافت می شود، که در این نمونه گیری شرکت داشتند	البلدان العشرين التي سجلت أعلى معدل في مؤشر الفردانية، ضمت ۱۹ بلداً غربياً، شاركت في العينة	
زباله، پس مانده	فضل: الفضلة	۸۰۲
پس مانده های دارای تشعشع	فضلات مُشعة	
نیروگاه (راکتور)	فعل: المُفاعل	۸۰۳
نیروگاه اتمی (راکتور اتمی)	المُفاعل النووي	
گسل (شکاف بین لایه های زمین)	فلق: الفالق	۸۰۴
به نظر يك كارشناس زلزله در دانشگاه، احتمال دارد شمارش معكوس برای حدوث يك زلزله بزرگ، روی گسلی که از لبنان می گذرد شروع شده باشد	خبير الزلزال في الجامعة، توقع العدّ العكسيّ، لحدوث هزة كبيرة على الفالق الذي يمرّ من الأراضي اللبنانيّة	
ویتامین	فیت: الفيتامين	۸۰۵
وعده های غذایی پاندا (خرس نادری که در باغ وحش برلین نگهداری میشود) برای حفاظت او، آکنده (سرشار) از مواد مقوّی و ویتامینها، وشامل بادام وگردو وپسته وعسل است	شحت وجبات طعام الباندا (الدّب النادر الذي يحتفظ به في حديقة حيوانات برلين) بالمقوّيات والفيتامينات، من لوز وجوز وفستق وعسل للمحافظة عليه.	
قطعات یدکی	قطع: قطع التيار (الغيار)	۸۰۶
خودروهای آتش نشانی، توانستند قبل از وصول آتش به انبار قطعات یدکی الکترونی، آنرا مهار کنند	سيارات المطفاء، أفلحت في السيطرة على النيران، قبل أن تصل إلى مخزن قطع الغيار الإلكترونيّة	
توده	کتل: الكتلة	۸۰۷

توده های هوای سرد	الْكُثْلَةُ الهوائية الباردة	
لو رفتن دروغ	كذب: كشف الكذب	۸۰۸
دستگاه دروغ سنج	آلة كشف الكذب	
دارای ضمانت (گارانتی)	كفل: المكفول	۸۰۹
دستگاه تلفن مرکزی (سانترال) دارای ضمانت بمدت یکسال است (یکساله است) و دارای باطریهایی است که هنگام قطع جریان برق بمدت ۶ ساعت کار می کند	جهاز المقسم الالكتروني مكفول لسنة واحدة، ويشغل مع بطاريات تكفي للعمل لمدة ۶ ساعات، في حال انقطاع التيار الكهربائي	
غار	كهف: الكهف	۸۱۰
انسان غارنشین	انسان الكهف	
عکسبرداری	لَقَط: التقاط الصورة	۸۱۱
وظیفه این سفینه فضائی که يك سفینه پیشتاز است: تجزیه و تحلیل پیامهایی است که تلسکوپ های بی سیم توسط کامپیوتر دریافت می کنند	مهمّة هذه المركبة الفضائية وهي رائدة فضاء: غربلة رسائل تلتقطها تلسكوبات لاسلكية بواسطة الكمبيوتر	
درخشش	لمع: اللمعان	۸۱۲
در آن غار، تل هائی از استخوانهای انسان وجود داشت، وبر فراز آن جمجمه هائی بود که برخی از آنها با آبهای آکنده از بلورهای کلسیم به زمین چسبیده بود وجلوه سفید وبراقي را به جمجمه ها داده بود	احتوى الكهف على أكوام من العظام البشرية، تعلوها جماجم بعضها التصق في مكانه بواسطة مياه مشبهة ببلورات الكالسيوم، فأضفت لوناً أبيض لامعاً على الجماجم	
بلعیدن	لهم: الالتهام	۸۱۳
آتش، تمام پرونده ها را در کام خود فروبرد	إن الحريق التهم كافة السجلات	
آلودگی	لوث: التلوث	۸۱۴



<p>نسبت به آلودگی دارای تشعشع، که جان کارگران کارخانه را تهدید می کند، ابراز نگرانی کرد</p>	<p>أعرب عن خوفه من التلوث الإشعاعي الذي يندر بعمال المصنع</p>	
<p><u>مشابه سازی</u> ، <u>نسخه برداری</u> (شبهه سازی) تجربه تازه در زمینه <u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) ژنتیکی، به ظهور گوسفندی منجر شد که از طریق کاشتن نمونه ای از سلول سینه يك میش، و تلقیح آن در تخمك يك میش دیگر تولد یافت</p>	<p>نسخ: الاستنساخ تمخّضت التجربة الجديدة في الاستنساخ الجيني، عن نعجة ولدت بزرع نسخة من خلية ثدي نعجة، وحقنها في بويضة نعجة أخرى</p>	<p>۸۱۵</p>
<p><u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) بر اساس قوانین قاطع کشور، خطر <u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) ژنتیکی در زمینه انسان، بعید است</p>	<p>نسخ: الاستنساخ قوانين البلاد الصارمة، تستبعد خطر الاستنساخ الجيني في حقن الانسان</p>	<p>۸۱۶</p>
<p>شکل گیری فرضیه تکامل جانوران</p>	<p>نشأ: النشوء نظرية النشوء والارتقاء</p>	<p>۸۱۷</p>
<p>هواپیمای جت يك مسابقه بين اتومبيلهاى داراى موتور جت (سريع السير)، ومسابقه دیگرى بين اتومبيلهاى خورشیدی برگزار شد</p>	<p>نفث: الطائرة النفاثة أقيمت مباراة بين السيارات النفاثة، وأخرى بين السيارات الشمسية</p>	<p>۸۱۸</p>
<p>زباله ها بکار گیری تکنولوژی جدید در عملیات بارگیری پس مانده ها، آلودگی محیط زیست را محدود می کند</p>	<p>نفي: النفايات استخدام التقنيات الحديثة في عملية شحن النفايات، يضع حدًا لتلوث المياه</p>	<p>۸۱۹</p>
<p>زباله پس مانده های صنعتی سمی (پس)</p>	<p>نفي: النفاية النفايات الصناعية السامة</p>	<p>۸۲۰</p>

ماندهای سَمی صنعتی)		
سنگ آسمانی شهاب سنگ	نیزک : النيزك الحجر النيزك	۸۲۱
کاهش دما دمای شبکه های (آب) روی زمینی، در برخی مناطق کوهستانی به زیر صفر تقلیل یافت	هبط : هبوط الحرارة هبط الحرارة إلى ما دون الصفر، في الشبكات الممدودة فوق الارض في المناطق الجبلية	۸۲۲
تلفن سیستم تلفن سنتی موجود را به مکیدن شیر از نی تشبیه کرد (که انسان را سیر نمی کند)، در حالیکه کارائی سیستم الکترونیکی جدید را مثل قورت دادن (سر کشیدن) یکباره همه جام دانست	هتف : الهاتف وصف نظام الهاتف التقليدي الحالي، بأنه مثل مَصَّ كوب من اللبن بأنبوبة، (عملية غير مشبعة)، بينما النظام الإلكتروني الجديد مثل تَجَرَّع الكأس دفعة واحدة	۸۲۳
زمین لرزه مرکز ملی پژوهشهای ژئوفیزیک اعلام کرد، که زمین لرزه ای بقرّوت ۵ درجه (در مقیاس) ریشتر، لبنان را تکان داد	هزّ : الهزّة أعلن المركز الوطني للأبحاث الجيوفيزيائية، أنّ هزّة بقرّوة ۵ درجات على مقياس ريختر، ضربت لبنان	۸۲۴
پس لرزه در طول سه روز، حدود ۳۰۰ پس لرزه به ثبت رسیده است، که قویترین آنها حدود ۳ درجه (در مقیاس) ریشتر قوّت داشته است	هزّ : الهزّة الارتدادية سجّلت حوالي ۳۰۰ هزة ارتدادية خلال ثلاثة أيام، بلغت قوّة أقوى هذه الهزّات ۳ درجات على مقياس ريختر	۸۲۵
مهندسی ژنتیک تعدادی بچه قورباغه، که بطور مصنوعی توسط متخصصین مهندسی ژنتیک تولید (تکثیر) شده بودند، قبل از رسیدن	هندس : الهندسة الوراثية الشراغيف (أفراخ الضفادع) المنتجة صناعياً بيد الأخصائيين في الهندسة الوراثية، ماتت قبل أن تصل للبلوغ	۸۲۶



به دوره بلوغ مردند		
<p>سقوط , انهدام</p> <p>معتقد بود که این زمین لرزه، ناشی از انهدام غیر مترقبه (لغزش ناگهانی) یک گسل زیرزمینی است و تعیین مشکلات ناشی از شکاف پوسته زمین و سقوط آن، امکان پذیر نیست</p>	<p>هـور: الانهيار</p> <p>رأى أنَّ الهزّة الأرضية ناتجة عن انهيار مفاجئ لتصدّع جيولوجي , ولا يمكن تحديد مشكلات (مشاكل) تشقّق القشرة الأرضية وهبوطها</p>	۸۲۷
<p>کتابداری</p> <p>سیستمهای اصول کتابداری</p>	<p>وثق : التوثيق</p> <p>نُظُم التوثيق المكتبي</p>	۸۲۸



## ۹. المصطلحات الطبية

۸۲۹	بطخ: البطيخ	هندوانه
	العواصف الهوائية , أضرت بالاشجار المثمرة اللوزية وشتول البطيخ , ومزقت كثيراً من البيوت البلاستيكية	جبهه هواي توفانی , به درختان بادام زیر محصول, ونهالهای هندوانه خسارت وارد کرد , وبسیاری از سرپوشهای پلاستیکی مزارع را پاره کرد
۸۳۰	تبغ: التبغ	توتون
	إدارة حصر التبغ والتبناك	اداره انحصار توتون و تنباکو
۸۳۱	جرّ: جرّ المياه	انتقال آب
	شركة مساهمة , درست مشروع جرّ مياه المناطق الجبلية إلى العاصمة	يك شرکت سهامی , طرح انتقال آب از مناطق کوهستانی به پایتخت را بررسی کرد
۸۳۲	حمي: الغابة المحمية	جنگل حفاظت شده
	أصدر وزير الزراعة قراراً , يحمل الرقم ۱۷۵ را , يعتبر غابة الصنوبر في العقار رقم ۱۲۰ من مدينة الهرمل غابة محمية, خاضعة لأحكام قانون حماية الغابات	وزیر کشاورزی , طی بخشنامه شماره ۱/۱۷۵ , جنگل کاج پلاک زمین شماره ۱۲۰ شهر هرمل را , يك جنگل حفاظت شده , و مشمول قانون حمایت از جنگلها اعلام کرد
۸۳۳	روز: الروزنامه (فارسية)	جدول فعاليتهاي روزانه (زمانبندی برنامه ها)
	وزير الزراعة نشر الروزنامه الزراعية في جدول أعمال الوزارة	وزیر کشاورزی , زمانبندی برنامه های کشاورزی را بر اساس دستور کار



وزارتخانه منتشر کرد		
زن روستائی	ريف : المرأة الريفية	۸۳۴
این دوره آموزشی که توسط وزارت کشاورزی برپا شده است ، شامل تکیه بر اهمیت توصیه های کشاورزی بطور عام ، و اجرای (طراحی) پژوهشهای عملی ویژه برای کسب اطلاع از واقعیت زن روستائی بطور خاص می شود	تتناول الدورة التدريبية التي عقدتها وزارة الزراعة ، أهمية الإرشاد الزراعي بشكل عام ، وتصميم البحوث الميدانية الخاصة برصد واقع المرأة الريفية بشكل خاص	
کود	سمد : السماد	۸۳۵
دولت ، برای بهداشت ، برق رسانی ، و توزیع بذر و کود روستائیان ، فعالیتهای مقدماتی انجام داد	الدولة مهّدت للقرويين الصحة والإنارة وتوزيع البذار والأسمدة	
بوته ، نهال	شتل : الشتلة	۸۳۶
بوته های گیاه	شتلات الحشيش	
درختکاری	شجر : التشجير	۸۳۷
انجمن توسعه روستائی ، يك برنامه درختکاری گسترده را به اجرا در آورد ، که طی آن هزار نهال درخت در محیط مدارس کاشته شد	نفّذت جمعية التنمية الريفية حملة تشجير واسعة ، تمّ فيها غرس ألف غرسة في محيط المدارس	
سیلو	صومع : الصومعة	۸۳۸
کمیسیون مشترک ، احداث ده باب سیلو را برای ذخیره سازی حبوبات به گنجایش يك میلیون تن تصویب کرد	أقرّت اللجنة المشتركة إنشاء عشر صوامع ، لتخزين الحبوب لسعة مليون طن	
کاشتن	غرس : الغرس	۸۳۹
درختان نخلی که اخیراً کاشته شد ، با نمودی زیبا منظره دروازه ورودی پایتخت را آراست	أشجار النخل المغروسة أخيراً ، غدت معلماً تزيينياً ، يجمّل منظر مدخل العاصمة	
سیگار پیچی	غلاف : تغليف السجائر	۸۴۰

<p>حققت المؤسسة العامة ، للتبغ وفراً إجمالياً بلغ حوالي مليون دولار ، وذلك من جزاء تخفيض عقد شراء آلات تغليف السجائر</p>	<p>سازمان تنباکو ، توانست از طریق کاستن مبالغ قرارداد خرید دستگاههای سیگار پیچی ، مبلغی در حدود یک میلیون دلار ذخیره کند</p>
<p>۸۴۱ <b>لزم : المستلزمات</b> وزعت وزارة الزراعة المستلزمات الزراعيّة المستوردة بين مزارعي التبغ</p>	<p><b>ادوات ولوازم</b> وزارت کشاورزی ، ادوات ولوازم کشاورزی وارداتی را بین کشتکاران توتون توزیع کرد</p>
<p>۸۴۲ <b>مکن : الممكنة</b> أكد على لزوم تطوير الزراعة الممكنة</p>	<p><b>مکانیزه کردن</b> بر لزوم ایجاد تحول در کشاورزی مکانیزه تأکید کرد</p>
<p>۸۴۳ <b>نشر : المنشار الآلي</b> أصدر القاضي الجزائي حكماً بالدعوى المقدّمة من مصرف لبنان ضد المدّعى عليه ، على قطع أشجار الصنوبر التي يملكها المصرف . وقضى الحكم بتغريمه مليون ليرة ، ومصادرة المنشائر الآلية والفؤوس</p>	<p><b>اژه برقی</b> قاضی جزائی حکم خود را در مورد شکایت تقدیم شده از طرف بانک مرکزی لبنان بر علیه فرد متّهم به قطع درختهای کاج تحت تملّک بانک صادر کرد . بر اساس این حکم ، وی به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ یک میلیون لیره لبنانی ، ومصادره اژه های برقی وتبرهای مورد استفاده محکوم شد</p>
<p>۸۴۴ <b>نقط : نظام التنقيط</b> معظم حقول هذه المدينة تروى بنظام التنقيط</p>	<p><b>روش آبیاری قطره ای</b> اکثر مزارع این شهر، با روش قطره ای آبیاری می شود</p>



۱۰. المصطلحات الأمنية والعسكرية

<p>در نهایت آمادگی</p> <p>باید بخاطر احتمال حملات نظامی اسرائیل ، در آمادگی کامل بسر بریم</p>	<p>۸۴۵</p> <p>أهب : على أهبة الاستعداد</p> <p>يجب أن نكون على أهبة الاستعداد , من الخروقات العسكرية الإسرائيلية</p>
<p>آماده باش</p> <p>نیروی نظامی آمریکا در خلیج ، در وضعیت آماده باش کامل بسر می برند</p>	<p>۸۴۶</p> <p>أهب : التأهب</p> <p>القوات الأمريكية في الخليج , تعيش في حالة التأهب القصوى</p>
<p>مانورهای آبی - خاکی</p> <p>فرمان آغاز مانورهای آبی - خاکی را صادر کرد</p>	<p>۸۴۷</p> <p>بَر: المناورات البرمائية</p> <p>أعطى إشارة البدء للمناورات البرمائية</p>
<p>انبار مهمات ، زراد خانه</p> <p>روسیه , کشوری است که دومین زراد خانه بزرگ اتمی دنیا را در اختیار دارد</p>	<p>۸۴۸</p> <p>ترس : الترسانة</p> <p>روسيا دولة تملك ثاني أكبر ترسانة نووية في العالم</p>
<p>پادگان</p> <p>پرچمها , بر فراز مجموعه پادگان نظامی در اهتزاز است</p>	<p>۸۴۹</p> <p>ثكن : الثكنة</p> <p>الأعلام خفاقة فوق مجمع الثكنة العسكرية</p>
<p>دستگاه امنیتی</p> <p>گفت : دستگاههای امنیتی ما , در برخورد قاطع با هر فرد خرابکاری , که بخواهد امنیت ما را به بازی بگیرد , تردید نمی کند</p>	<p>۸۵۰</p> <p>جهاز : الأجهزة الأمنية</p> <p>قال : إن أجهزتنا الأمنية لن تردد في التصدي بحزم , لكل مخرب يريد العبث بأمننا</p>
<p>بازجویی</p> <p>دادگاه نظامی , از بازداشت شدگانی که به نیروهای پلیس سنگ پرتاب کرده بودند , بازجویی کرد</p>	<p>۸۵۱</p> <p>جوب : الاستجواب</p> <p>المحكمة العسكرية استجوبت الموقوفين برشق قوى الأمن</p>

عبور و مرور	جول : التجول	۸۵۲
وزیر دفاع ، به‌خشنامه مقررات منع رفت و آمد را امضا کرد	وقع وزیر الدفاع على مرسوم حظر التجول	
به جوش و خروش در آمدن	جیش : الجيش والجيشان	۸۵۳
تصمیم به لشکرکشی گرفتند	أرادوا أن يجيش الجيوش	
پیکان نیزه	حرب : الحربه	۸۵۴
نوک پیکان حمله	رأس الحربه	
به پرواز در آمدن ، اوج گرفتن	حلق : التحليق	۸۵۵
پرواز گسترده هواپیماهای دشمن در ارتفاع پائین	تحليق مكثف للطيران المعادي في علو منخفض	
حمایت و محافظت	حمي : الاحتماء	۸۵۶
پناهگاهی برای در امان ماندن از حملات هوایی	ملجأ للاحتماء من الغارات الجوية	
نفوذ کردن ، شکستن محاصره	خرق : الاختراق	۸۵۷
يك زن فلسطينی ، با مخفی شدن در لباس فروشنده ماهی ، از سد محاصره شهر الخليل گذشت	تخفت امرأة فلسطينية في زي بائعة سمك، لاختراق الحصار على مدينة الخليل	
نقض ، شکستن	خرق : الخرق	۸۵۸
نقض قرارداد آتش بس	خرق اتفاقية الهدنة	
خشاب فشنگ	خزن : خزانة طلقات	۸۵۹
يك خشاب فشنگ در بدن او خالی کردند (يك خشاب فشنگ خرجش کردند)	أفرغوا خزانة طلقات فيه	
پاسگاه	خفر : المخفر	۸۶۰
نیروهای پاسگاه ژاندارمری لبنان ، ۹ نفر مصری را ، که تلاش می کردند از طریق اراضی سوریه مخفیانه وارد خاک لبنان شوند ، بازداشت کردند	أوقف عناصر مخفر الدرك اللبناني ۹ مصريين ، كانوا يحاولون دخول لبنان خلسة ، عبر الأراضي السورية	



<p>۸۶۱ خلی: الهاتف الخليوي</p> <p>حظر الجيش على جنوده استخدام الهواتف الخليويّة ، خوفاً من تتصّت العدو على مكالماتهم</p>	<p>تلفن همراه (موبایل)</p> <p>ارتش ، استعمال تلفن همراه را برای افرادش ، بخاطر امکان استراق سمع دشمن ممنوع کرد</p>
<p>۸۶۲ خیل: الخيالة</p> <p>أرسلت الشرطة المصريّة فصيّلاً كاملاً من سلاح الخيالة والكلاب البوليسية ، لبدء حملة للقضاء على الثعالب وأبناء آوى</p>	<p>اکیپ اسب سوار</p> <p>پلیس مصر، یک گروهان کامل از نیروهای مسلح اسب سوار و سگهای پلیس را ، برای آغاز عملیات نابود کردن روباهها و شغالها بسیج کرد</p>
<p>۸۶۳ دخل: التدخّل السافر</p> <p>تدخّل الجيش التركي في مسار الأمور، بسفور قلّ نظيره منذ فترة طويلة ، بعرض دبابات أولاً ، ثمّ بإجراءات مفروضة بالقوة ، للحدّ من مظاهر أسلمة المجتمع والدولة</p>	<p>دخالت آشکار</p> <p>ارتش ترکیه ، آشکارا وبگونه ای کم نظیر طی سالیان دراز ، در روند امور دخالت کرد ، وابتدا تانکهای خود را به جولان درآورد ، و سپس برای محدود کردن روند اسلامی کردن جامعه و دولت، تصمیماتی را با اعمال زور به اجرا درآورد</p>
<p>۸۶۴ درک: الدرك</p> <p>عملت عناصر من فصيلة الدرك بإمرة الملازم الاول... ، على كشف ملابسات الاغتيال</p>	<p>ژاندارمری</p> <p>افرادى از گروهان ژاندارمری تحت فرماندهی ستوان یکم... ، در مورد رفع نکات مبهم مربوط به حادثه ترور اقدام کردند</p>
<p>۸۶۵ دس: الاندساس</p> <p>اندسوا بين العمال المجتمعين أمام مقر النقابة، لاغتيال رئيس الاتحاد العام للشغل، فلم يجذبوا انتباه أحد</p>	<p>رنخه کردن</p> <p>برای کشتن رئیس اتحادیه عمومی کاریابی ، در بین کارگران اجتماع کننده در برابر مقر سندیکا رنخه کردند، ولذا توجه هیچکس را به خود جلب نکردند</p>
<p>۸۶۶ دس: الاندساس:</p> <p>العميل الياباني كان مندساً بين العصابة ، ليرصد</p>	<p>نصود</p> <p>عنصر وابسته ژاپنی (مزدور ژاپنی) ، بین آن</p>

تحركاتهم الأمنية	گروهك نفوذ کرده بود ، تا تحركات امنیتی آنان را زیر نظر بگیرد
۸۶۷ دفع : المدفع	توپ أبرمت اتفاقية بين البلدين ، لتحديث الآليات المدرعة وتدريب المدافع وشراء صواريخ ضد الدبابات
۸۶۸ دك : الدك	کوبیدن (مواضع دشمن) واحد پشتیبانی آتش ، یکی از مواضع دشمن را زیر آتش خود قرار داد ، و افراد آن را کشته یا مجروح ساخت
۸۶۹ دلع : الاندلاع	افروخته شدن آتش اشتعال آتش از خودروهای پادگان مشاهده شد
۸۷۰ دلع : الاندلاع	متصاعد شدن دیدند دود از کاپوت اتوموبیل بالا می رود
۸۷۱ دور : الدورية	نیروی گشتی با مسلسل ، بر روی گشتی صهیونیستی آتش گشودند
۸۷۲ ربك : الإرباك	مشوش و سردرگم کردن ، در حال حاضر ، نیروهای دشمن در يك حالت سردرگمی بسر می برند
۸۷۳ ردع : الردع	ممانعت کمیته نظارت بر تفاهم (مصالحه) ، از ایجاد راهکاری برای جلوگیری از فعالیتهای دشمن ناتوان ماند
۸۷۴ رش : الرش	پاشیدن نیروهای پیاده دشمن را زیر رگباری از تیربار و مسلسل قرار دادند



۸۷۵	رَضّ: الصفوف المتراصة وقف أفراد شرطة مكافحة الشغب في صفوف متراصة ، لمنع المتظاهرين من اقتحام مقر الاتحاد	صفوف مستحکم افراد پلیس ضد شورش ، در صفوف مستحکم برای جلوگیری از حمله تظاهر کنندگان به مقر اتحادیه ، در مقابل آنان قرار گرفتند
۸۷۶	رَضّ: رصاص الرحمة أطلق عليه رصاص الرحمة	تیر خلاص تیر خلاص را به او شلیک کرد
۸۷۷	رقي: الترقية وقع رئيس أركان الجيش على مرسوم ترقية الضباط	ارتقاء درجه رئیس ستاد ارتش ، بخشنامه ترفیع درجه افسران را امضا کرد
۸۷۸	رکن: أركان الجيش رئيس أركان الجيش أدى التحية العسكرية، أثناء عزف نشيد الدولة عند مدخل قيادة الأركان	ستاد ارتش رئیس ستاد ارتش ، در حین نواخته شدن سرود ملی در مدخل فرماندهی ستاد ، سلام نظامی داد
۸۷۹	زند: الزناد ضغط على الزناد	ماشه ماشه را فشار داد
۸۸۰	سفر: السفور شجّبوا تدخّل العدو السافر	برهنگی دخالت عریان (مخفیانه) و آشکار دشمن را محکوم کردند
۸۸۱	سَلّ: استلال المسدّس استل مسدّسه، وردّ عليهم بإطلاق الرصاص ، فأصاب واحدا منهم	هفت تیر کشیدن تپانچه اش را کشید ، و بعنوان پاسخگویی به آنان شلیک کرد ، و یکی از آنها را مورد هدف قرار داد
۸۸۲	سَلّ: التسلّل عثرت الشرطة الألمانية على خمسين مواطناً عراقياً ، محشورين في صناديق خشبية على ظهر شاحنة ، كانت تحاول التسلّل بهم إلى داخل الأراضي الألمانية	رخنه ، ورود غیر مجاز پلیس آلمان ۵۰ نفر عراقی را دستگیر کرد، که بامخفی شدن در داخل صندوقهای چوبی در درون يك کامیون، قصد داشتند به داخل خاک آلمان نفوذ

کنند		
نیروی دژبان	شرط: الشرطة العسكرية	۸۸۳
نیروی دژبان , قانون سرباز گیری الزامی را در سطح کشور به معرض اجرا می گذارد	الشرطة العسكرية تطبق قانون التجنيد القسري على صعيد البلاد	
خرابکاری	شغب: الشغب	۸۸۴
افراد زیادی از پلیس ضد شورش, تظاهر کنند گان را محاصره کردند	أحاطت قوة كبيرة من شرطة مكافحة الشغب بالمظاهرين	
پارازیت انداختن	شوش: التشويش	۸۸۵
روی يك ایستگاه رادیوئی مخفی پارازیت انداخت	شوش على محطة إذاعية سرية	
افزایش حملات	صعد: التصعيد	۸۸۶
انتظار افزایش حملات نظامی را در آینده نزدیک نداریم	لا نتوقع تصعيدا عسكريا في المدى المنظور	
سوتك	صفر: الصفارة	۸۸۷
آزیرهای خطر	صفارات الإنذار	
بهدف زدن	صوب: الإصابة	۸۸۸
تك نظامی (حمله) مستقیما افرادی را از پای درآورد	أسفر الهجوم عن تحقيق إصابات مباشرة	
هدف گیری	صوب: التصويب:	۸۸۹
تفنگش را به سمت فرد بازداشت شده نشانه گرفت , واو را تهدید به قتل کرد	صوب بندقيته نحو المعتقل , وهدده بالقتل	
قورباغه	ضفدع: الضفدع	۸۹۰
عناصری از مردان قورباغه ای , با پشتیبانی هلیکوپترها , يك مانور نظامی را بهدف جلوگیری از بمباران حملات شیمیائی آغاز کردند	بدأت قوات من الضفدع البشرية , تساندها المروحيات , مناورة عسكرية للتصدي للقصف بأسلحة كيمياوية	
ستون	طبر: الطابور	۸۹۱



الطابور الخامس	ستون پنجم
۸۹۲ طراً: الطواریء أعلن حالة الطواریء	اورژانس وضعیت اضطراری (فوق العاده) اعلام کرد
۸۹۳ طرف: التطرّف أشار المصدر الموثوق إلى تنظيم متطرّف، تمّ تفكيكه في العام المنصرم	تد روی، افراطگرائی آن مقام قابل اعتماد، به سازمانی (تشکیلاتی) افراطی اشاره کرد، که در سال گذشته از هم پاشیده شد
۸۹۴ طقم: الطاقم المجاهدون قنصوا عنصراً من طاقم الدبابة	کادر، اکیپ مجاهدان، یکی از نیروهای اکیپ تانک را مورد هدف قرار دادند
۸۹۵ طیر: طائرة التجسس وحدة الطائرات الحربية، أسست لتحديث الطائرات الحربية وإنتاج طائرات التجسس	هواپیمای جاسوسی یگان هواپیماهای جنگی، بمنظور نوسازی هواپیماهای جنگی وتولید هواپیماهای جاسوسی ایجاد شده است
۸۹۶ ظلّ: المظليّین وحدة الإسناد الناري للمقاومة الاسلامية، أطلقت النار على المظليّین الإسرائيلیین، قتل واحد منهم برتبة ضابط مظليّ	چتربازان، نیروهای هوابرد واحد پشتیبانی آتش مقاومت اسلامی، به چتربازان اسرائیلی شلیک کرد، و یکی از آنان را با درجه افسر چترباز کشت
۸۹۷ عبء: مديرية التعبئة يطلب من مدعوّی خدمة العلم من مواليد ۱۹۷۷ باستثناء طلاب المدارس والجامعات، التقدّم من أقسام التعبئة في المناطق، اعتباراً من بداية الأسبوع القادم	اداره نظام وظیفه از مشمولان خدمت وظیفه متولد سال ۱۹۷۷ به استثنای دانش آموزان ودانشجویان دعوت می شود، از آغاز هفته آینده به مراکز (شعبه های) نظام وظیفه کلیه مناطق مراجعه نمایند
۸۹۸ عبو: العبوة الناسفة زادت القوات الإسرائيلية تدریع وسائط النقل	تله انفجاری نیروهای اسرائیلی، زرهی کردن وسایل

(حتّى سیّارات المرسیدس) ، خوفاً من العبوات الناسفة التي یزرعها رجال المقاومة		نقلیه خود (حتی اتوموبیلهای بنز) را ، از ترس مواد منفجره ای که نیروهای مقاومت می کارند ، افزایش دادند
۸۹۹ عثم: التعتيم الجانبان فرضاً تعتيماً إعلامياً على الاتصالات الأمنية بينهم		سرپوش گذاشتن دو طرف تصميم گرفتند ، ارتباطات امنیتی بین خود را ، از دید رسانه های گروهي پنهان نگهدارند
۹۰۰ عزل: العازل رئيس أركان الجيش طالب بوقف أعمال الضغط التي تطلال المدنيين العزل		بی دفاع رئيس ستاد ارتش ، خواستار پایان بخشیدن به فشارهایی شد ، که شهروندان بی دفاع را گرفتار کرده است
۹۰۱ عقل: المعتقل انهال بالضرب حتّى الموت على المعتقل		بازداشتی فرد بازداشت شده را، تا دم مرگ کتک زد (تاسر حد مرگ)
۹۰۲ عقل: المعتقل قابعون في زنانات المعتقل		بازداشتگاه مخفی شدگان در سلولهای زندان
۹۰۳ غمر: الغمرة في غمرة الحرب النفسية		گرداب در تب وتاب جنگ روانی
۹۰۴ غور: الغارة نَفَذُوا غارات وهميّة		حمله هوایی دست به حملات هوایی بی هدف زدند
۹۰۵ غوص: الغواصة الغواصات الجديدة تمكّن الجيش من زرع ألغام بحريّة		زیر دریائی زیر دریائی های جدید ، به ارتش توانائی کاشتن مین های دریائی را می دهد
۹۰۶ غيل: الاغتيال اتهمه بالضلوع في عمليّة الاغتيال		ترور او را به دست داشتن در عملیات ترور متهم کرد
۹۰۷ فُتْح: السيارة المفخخة تمكّن رجال الإطفاء ، من تفادي انفجار سيارة		اتومبیل بمب گذاری شده افراد آتش نشانی توانستند ، از انفجار يك



مفخخة بقنبلة يدوية الصنع وأسطوانة غاز	اتومبیل , که بوسیله يك بمب دست ساز ویک کپسول گاز بمب گذاری شده بود , جلوگیری کنند
۹۰۸ فدي: التفادي	جلوگیری
طالبت باتخاذ إجراءات مناسبة لتفادي الحوادث الخطرة	برای پیشگیری از وقوع حوادث خطرناک , خواستار انجام اقدامات لازم شد
۹۰۹ فرج: الإفراج	آزاد کردن
الإفراج عن المعتقلين السياسيين	آزاد کردن زندانیان سیاسی
۹۱۰ فرج: الإفراج	آزاد کردن
تمكنت قوى الأمن من الإفراج عن الرهائن المحتجزين , من قبل مقاتلي الحزب اليساري البيروفي	نیروهای امنیتی توانستند , گروگانهای را که در چنگ چریکهای حزب چپگرای پرو بوند , آزاد کنند
۹۱۱ قرع: قرع الطبل	طبل زدن
قرع رئيس الوزراء الصهيوني طبول الحرب	نخست وزیر اسرائیل , طبل جنگ را به صدا درآورد
۹۱۲ قسي: القاسي	سخت , شدید
فرضوا عقوبات قاسية على الجهة المتخلفة	مجازاتهای سنگینی برای طرف تخلف کننده از قانون وضع کردند
۹۱۳ قص: الاقتصاص	انتقام
المقاومة الاسلامية اقتصت من أحد كبار رموز العملاء	مقاومت اسلامی , از یکی از سران برجسته مزدوران انتقام گرفت
۹۱۴ قلع: المقلاع	تیر و کمان (قلوه سنگ)
الفلسطينيون رشقوا جنود الاحتلال بالمقلاع في زوارب الحبي	فلسطینیها در کوچه های محله , سربازان اشغالگر را با تیر و کمان هدف قرار دادند
۹۱۵ كبد: تكبید الخسارة	وارد کردن زیان
السلطات الحكومية كبدت المتمردين خسائر فادحة	نیروهای دولتی , به متمرّدان زیانهای سنگینی وارد کردند
۹۱۶ لغم: اللغم	مین

أبحرت كاسحة ألغام جديدة من المواني البريطانية باتجاه السعودية	يك ناوچه مين ياب (خشی کننده مين) ، از بنادر انگلیس روانه عربستان سعودی شد
۹۱۷ لوح: التلويح حذر من مغبة التلويح بالحرب	ایما و اشاره او را از عاقبت ایما و اشاره به شروع جنگ بر حذر داشت
۹۱۸ مدي: بعيد المدى أسلحة موجهة بعيدة المدى	دوربرد سلاحهای دوربرد
۹۱۹ موت: الاستماتة يستमितون في الدفاع عن الوطن (يطلبون الموت)	استقبال از مرگ برای دفاع از کشور به پیشواز مرگ می روند
۹۲۰ نحر: التناحر أدت الاشتباكات الجديدة بين الطوائف المتناحرة الجزائرية ، إلى مصرع ما يناهز ألف قتيل	جنگ و کشتار درگیریهای جدید بین اقوام متخاصم الجزایری ، به کشته شدن نزدیک به هزار نفر منجر شد
۹۲۱ ندي: النادي العسكري دعت قيادة الجيش اللبناني الضباط الكبار، إلى رفع نخب هذا الحدث في النادي العسكري	باشگاه نظامی فرماندهی ارتش ، افسران ارشد را برای بالا بردن جام های خود بسلامتی این رویداد ، در باشگاه نظامی دعوت کرد
۹۲۲ نذر: الإنذار دون سابق إنذار	هشدار ، اعلام خطر بدون اعلام خطر قبلی
۹۲۳ نرف: النزيف حرب الاستنزاف	خون ریزی نبرد برای از بین بردن تدریجی توان رزمی دشمن
۹۲۴ نزل: التنازل قدّم تنازلات كبيرة	از خواسته خود عدول کردن از بسیاری از خواسته های خود عدول کرد
۹۲۵ نسف: النسف هدد العدو بنسف المفاوضات	منهدم کردن دشمن را به برهم زدن مذاکرات تهدید



کرد		
درگیر شدن جنگ (در گرفتن جنگ)	نشب : نشوب الحرب	۹۲۶
تب جنگ بالا گرفت	نشبت حمى الحرب	
جیب بر	نشل : النشال	۹۲۷
نیروهای پلیس پایتخت هلند اعلام کردند، يك واحد ویژه برای انجام عملیات گشت با اسکیت های چرخدار تشکیل شده است، تا بتواند با سرعت بیشتری به دستگیری افراد جیب بر در خیابانها مبادرت کند	أعلنت سلطات العاصمة الهولندية ، أنها كوَّنت وحدة خاصة ينفَّذون دوريات على المزالج بعجلات ، توخياً لفاعلية أكبر في القبض على النشالين في شوارع المدينة	
نشان (فارسی الاصل)	نشن : النیشان	۹۲۸
سینه اش را از مدالهای آویخته آکنند	ملأوا صدره بالنياشين	
شنود ، استراق سمع	نصت : التنصت	۹۲۹
بمدت چندین سال ، بدون اطلاع آنان مکالمات تلفنی آنها مورد استراق سمع قرار می گرفت	تمَّ التنصت على مكالماتهم الهاتفية من دون علم منهم طوال سنوات عدَّة	
بسیج نیروها	نفر : الاستنفار	۹۳۰
ارتش اعلام بسیج کرد ، و (مشمولین را) به خدمت وظیفه فرا خواند	أعلن الجيش حالة الاستنفار التام ، واللاحق بخدمة العلم	
باتلاق	نقع : المستنقع	۹۳۱
نیروهای مقاومت اسلامی ، دشمن را از سقوط در باتلاق لبنان برحذر داشتند	قوَّات المقاومة الإسلامية حذرت العدو من السقوط في المستنقع اللبناني	
مانورها	نور : المناورات	۹۳۲
افسر لبنانی ، مانورهای اسرائیل را به عرض اندام تشبیه کرد	وصف الضابط اللبناني المناورات الإسرائيلية ، بأنها عرض عضلات	
ممتاز ، عالی	نوع : النوعية	۹۳۳
عملیات برجسته جوانان مقاومت ، قلوب مؤمنین را خنک وگوارا کرد	العملية النوعية لشباب المقاومة أثلجت صدور المؤمنين	

۹۳۴	نوي: النووية	اتمی
	الصاروخ الجديد قادر على حمل رؤوس حربية نووية	موشك جديد ، قادر به حمل كلاهکهای جنگی اتمی است
۹۳۵	هجم: الهجوم المضاد	پاتک
	الجيش يحشد في المنطقة للهجوم المضاد	ارتش ، برای اجرای ضدّ حمله در منطقه متمرکز می شود
۹۳۶	هضب: الهضبة	تپه ، بانندی
	حلقت الطائرة الاستكشافية على الهضبة	هواپیمای تجسسی بر فراز تپه به گشت زنی پرداخت

۹۳۷	بدن: البدانة	چاقی
	حذر مريضه من زيادة بدانته	بابت افزایش چاقی ، به مریضش هشدار داد
۹۳۸	بیا: البيئة	محیط
	وزير الصحة اعتبر إنشاء هذا المصنع إجراماً بيئياً	وزیر بهداشت ، احداث این کارخانه را يك جنایت زیست محیطی خواند
۹۳۹	بيضر: تبييض الجلد	سفید کردن پوست
	عملية تبييض الجلد تفشت في بعض البلدان الإفريقية ، لكن الأطباء يحذرون من أخطارها الصحية	عمل سفید کردن پوست بدن ، در برخی از کشورهای آفریقائی رو به افزونی گذاشته است ، اما پزشکان نسبت به عواقب بهداشتی آن هشدار می دهند
۹۴۰	تأم: التوأم	دوقلو
	توفيت سبعة توأم في مستشفى طرابلس ، بسبب عدم تمكّن رحم أمهن من استيعاب ثقل الحمل	هفت نوزاد همزاد در بیمارستان طرابلس ، بسبب ناتوانی رحم مادرشان از سنگینی وزن اطفال مردند
۹۴۱	ثنی: الثنائي	دوگانه
	المرض الثنائي القطب	بیماری دوگانگی شخصیت (دوقطبی)
۹۴۲	جفن: الجفن	پلك چشم



يك روزنامه نگار فرانسوی ، بوسیله بحركت در آوردن پلك چشم چپش برای منشی نویسنده اش هنگام تلفظ حرف صحیح توسط منشی، نگارش کتابی را برای او دیکته کرد ، چون بخاطر فلج شدن ، قادر به تکلم نبود	صحافی فرسی ، املی کتابا بتحریرک جفن عینه الیسری لمحرره ، کلما نطق الحرف الصحیح ، وذلك بعد إصابته بشلل أعجزه عن الكلام	
سقط جنین سالانه ۳۰ هزار مورد کورتاژ جنین دختر در کره جنوبی صورت می گیرد ، که نتیجه ترجیح دادن جنس مرد بر زن است	جهاز : الإجهاض هناك ۳۰ ألف حالة إجهاض لأجنة أنثى في كوريا الجنوبية سنوياً ، دافعها تفضيل الذكر على الأنثى	۹۴۳
سرخوردگی بیماری سرخوردگی	حبط : الإحباط مرض الإحباط	۹۴۴
کپسول کپسول اکسیژن	حجل : الحوجلة حوجلة الأكسوجين	۹۴۵
تجزیه شدن عمل مومیایی کردن جنازه میت برای جلوگیری از متلاشی شدن آن ، ۳۵۰ هزار دلار هزینه دربردارد ، وحدّ اقل برای مدّت دو قرن ضمانت می شود	حلّ : التحلل عملیة تحنيط جثمان المیت لحفظه من التحلل ، تكلف ۳۵۰ ألف دولار، وهي مكفولة لقرنين اثنين على الأقلّ	۹۴۶
آزمایشگاه جدید ترین دستگاههای پیشرفته الکترونیکی ، برای استخراج نتایج آزمایشهای پزشکی (برای نشان دادن نتایج تست های آزمایشگاهی)	خبر : المخبر أحدث المعدّات الالكترونیة المتطوّرة لإظهار نتائج الفحوص المخبریّة	۹۴۷
بی حسی ، هوشبری بیهوشی موضعی برای انجام عمل تلقیح تخمک واسپرم کافی نیست	خدر : التخدير لا يكفي التخدير الموضعي في عملیة تلقیح البويضة والبذرة	۹۴۸
گرفتن نوار مغزی	خطط : تخطيط الدماغ	۹۴۹

زودوا المستشفى بمختبرات جديدة لتصوير الأشعة وتخطيط الدماغ	بیمارستان را به آزمایشگاههای جدیدی (پیشرفته) برای عکسبرداری و گرفتن نوار مغزی مجهز کردند
۹۵۰ خلف: المتخلف المتخلف العقلي	عقب افتاده عقب افتاده (عقب مانده ذهنی)
۹۵۱ خنق: الاختناق أفاد الطبيب الشرعي ، أن وفاته ناجمة عن اختناق بغاز فحم أشعله داخل المستوعب	خنگی پزشک قانونی اعلام کرد، که مرگ او در اثر خفگی با گاز زغال بوده، که آنرا در داخل انبار شعله ور نموده است
۹۵۲ دخن: المدخن بالسجائر نشرت وزارة الصحة الفرنسية تقريراً، يفيد بأن جيلاً جديداً من المدخنين أخذ في التكوّن	معتاد به سیگار وزارت بهداشت فرانسه طی گزارشی اعلام کرد، که نسل جدیدی از معتادین به سیگار در شرف تکوین است
۹۵۳ دور: الدورة الدموية تمّ تشغيل الدورة الدموية بقلب صناعي خارج الصدر	گردش خون گردش خون توسط یک قلب مصنوعی در خارج از سینه انجام شد
۹۵۴ ربو: الربو يعاني من الربو	تنگ نفسی به مرض آسم (تنگی نفس) مبتلاست
۹۵۵ رقی: ترقق العظام عقدت جمعية الوقاية من ترقق العظام ندوة ، تطرّق فيها الأطباء المحاضرون إلى أوجه المرض وطرق الوقاية منه	پوکی استخوان انجمن پیشگیری از پوکی استخوان سمیناری برپا کرد که در آن پزشکان سخنران، به ابعاد این بیماری و راههای پیشگیری از آن پرداختند
۹۵۶ زرع: زرع الشعر عيادة زرع الشعر الطبيعي عن طريق استخدام التقنيات الطبية، تضمن لكم استعادة شعركم الطبيعي شعرة شعرة، والذي ينمو طبيعياً (١) سم في الشهر	کشت مو (کاشت مو) مطبّ کشت طبیعی مو، با بکارگیری تکنولوژیهای طبی، بازگشت دانه دانه موهای طبیعی شما را، که ماهانه یک سانتیمتر رشد خواهد داشت، تضمین می



کند		
انزوا، گوشه‌گزینی	زوی: الانزواء	۹۵۷
بیمار در اثر این شوک روانی، گرفتار حالت انزوا شد	انزوی المريض على نفسه، إثر إصابته بهذه الصدمة النفسیة	
تختخواب	سر: السریر	۹۵۸
مرگ مغزی	الموت السريري	
کممکهای اولیه	سعف: الإسعافات الضرورية	۹۵۹
پس از دریافت کممکهای اولیه، بخاطر جراحتهای سطحی، به آنان اجازه داده شد بیمارستان را ترک کنند	سمح لهم بمغادرة المستشفى ، بعد ما تلقوا الإسعافات الضرورية لجروحهم الطفيفة	
مجاری	سلك: المسالك	۹۶۰
جراح مجاری ادرار	جراح المسالك البولية	
میخکوب کردن	سمر: التسمير	۹۶۱
چند ماه است که (بخاطر بیماری) گویی روی تختش میخکوب شده است	يکاد يكون مسمرًا فوق السرير منذ بضعة أشهر	
پرخوری	شره: الشرهة	۹۶۲
جان خود را بر سر پرخوری گذاشت، چون پنج پرس کباب ترکی را در یکی از رستورانهای مشهور آنکارا خورد	دفع حياته ثمنا لشرهته التهام خمسة أطباق من الكباب التركي ، بأحد المطاعم الشهيرة في أنقرة	
بیمارستان	شفي: المشفى	۹۶۳
او و همسرش صاحب فرزند پسر (برادری برای دخترشان) شدند، و وضع حمل در بیمارستان ساحل توسط یک دکتر متخصص زنان انجام شد	رزق وزوجته بشقيق لابتها ، وتمت الولادة في مشفى الساحل على يد دكتور أخصائي للنساء	
فلج	شل: الشلل	۹۶۴
همچنان وضع پزشکی او غامض است (وضعیت سلامتی او همچنان مبهم)	مازال الغموض يكتنف حالته الصحيّة ، ويبدو أنه مصاب بشلل نصفيّ	

ونا معلوم است)، وبنظر می رسد نمی از بدنش فلج شده باشد		
<b>فلج اطفال</b> انجمن بهداشت ملی ، مشارکت خود را در عملیات واکسیناسیون بر علیه فلج اطفال اعلام کرد	۹۶۵ <b>شلل: شلل الاطفال</b> أعلنت الهيآت الصحيّة الوطنيّة مشاركتها في حملة التلقيح ضد شلل الأطفال	
<b>سردرد</b> آزمایشهای انجام شده بر روی حدود ۴۰۰۰ بیمار، ۳۰۰۰۰ مورد سردرد دردناک (شدید) نشان داد که داروی جدید با سرعت و بطور مؤثر در خلال چند ساعت درد بیماری شقیقه (میگرن) را التیام بخشیده است	۹۶۶ <b>صدع: الصداع</b> الاختبارات التي تمّت على نحو أربعة آلاف مريض ، وعلى ۳۰ ألف نوبة صداع أليم ، أظهرت أنّ الدواء الجديد سکن بسرعة وبفاعليّة في غضون ساعة آلام مرض الشقيقة	
<b>شوگ</b> پزشکان با یک شوگ الکتریکی محدود نارسایی در قلب بیمار را معالجه کردند	۹۶۷ <b>صدم: الصدمة</b> عالج الأطباء خللاً في قلب المريض بصدمة كهربائيّة محدّدة القوة	
<b>شوگ الکتریکی</b> قلب را در طول انجام عمل با شوگ الکتریکی متوقف کردند	۹۶۸ <b>صدم: الصدمة الكهربائيّة</b> أوقفوا القلب خلال العمليّة بصدمة كهربائيّة	
<b>مصنوعی</b> بیمار ، همچنان تحت تنفس مصنوعی است	۹۶۹ <b>صنع: الاصطناعي</b> المريض مازال يخضع للتنفّس الاصطناعي	
<b>داروخانه کشیک</b> اداره بهداشت عمومی ، لیستی از اسامی داروخانه های کشیک را اعلام کرد	۹۷۰ <b>صيدل: الصيدليّة المناوبة</b> أعلنت دائرة الصحة العامّة قائمة بأسماء الصيدليّات المناوبة	
<b>قربانی</b> تحقیقات روشن کرد ، که یکی از قربانیان آتش سوزی نه در اثر حریق ، بلکه بواسطه	۹۷۱ <b>ضحی: الضحیّة</b> كشفت التحقيقات أنّ أحد ضحايا الحريق لم يمت حرقاً بالنيران ، بل اختناقاً بواسطة حبل لفّ	



خفگی با طنابی که بدور گردنش پیچیده شده بود ، مرده است	عنقه	
فشار خون فشار مریض را اندازه گیری کرد	۹۷۲ ضغط : ضغط الدم قاس ضغط المريض	
پزشکان به سازمان پزشکان بدون مرز پیوست	۹۷۳ طب : الاطباء التحق بمنظمة الأطباء بلا حدود	
پزشکی قانونی پزشک قانونی اعلام کرد ، که زن مقتول در اثر خفگی مرده است	۹۷۴ طب : الطب الشرعي أعلن الطبيب الشرعي أن المغدورة توفيت نتيجة الخنق	
کادر پزشکی حمایت کادر پزشکی از طرحهای جدید بهداشتی را اعلام کرد	۹۷۵ طب : الجسم الطبي عبر عن تأييد جماهير الجسم الطبي ، لتنفيذ المشاريع الجديدة الصحية	
نوزاد آزمایشگاهی سخنان ایراد شده توسط پزشکان بر روی مشکلات نازایی، نوزداد آزمایشگاهی، عوامل زایمان دوقلوها، و بیماریهای مجاری ادرار و رادیوگرافی متمرکز شد	۹۷۶ طفل : طفل الأنبوب تمحورت كلمات الأطباء ، حول مشاكل العقم ، وطفل الأنبوب ، والمسببات التي تؤدي إلى وجود التوأم ، وأمراض المسالك البولية والتصوير الإشعاعي	
استعمال پژوهشگران هشدار دادند ، که استعمال زیاد آسپیرین احتمالاً به سردرد می انجامد ، وآنچنانکه (به طوری که) برخی معتقدند قابل معالجه نیست	۹۷۷ عطي : التعاطي حذر الباحثون من أن تعاطي الأسبرين بكثرة ، قد يصيب الصداع ، ولا يشفى منه كما يعتقد البعض	
استخوان به عفونت استخوان مبتلاست ، وممکنست این امر به فلج شدن او منجر شود	۹۷۸ عظم : العظم يعاني من التهاب في العظم ، قد يؤدي إلى الشلل	
واکسیناسیون کودکان بر علیه فلج واکسینه شدند	۹۷۹ عقم : التعقيم تم تعقيم الأطفال ضد الشلل	
ضد عفونی کردن (استرلیزاسیون)	۹۸۰ عقم : التعقيم	

مرکز را به پنج اتاق ضد عفونی شده مجهز کردند	جهّزوا المركز بخمس غرف معقمة	
بیماری	علّ: الاعتلال	۹۸۱
این اشاره ای جدید به بیمار شدن اوست	هذا مؤشّر جديد على اعتلال صحّته	
مراقبت	عني: العناية	۹۸۲
بخش مراقبت‌های ویژه در بیمارستان	قسم العناية المشدّدة في المستشفى	
CCU	عني: العناية الفائقة	۹۸۳
بیمار را به اتاق مراقبت‌های ویژه بردند	أدخلوا المريض في غرفة العناية الفائقة	
از کار افتادگی	عوق: الإعاقة	۹۸۴
سازمان تأمین اجتماعی، خواستار کفالت کودکان از کار افتاده شد	وجّهت مؤسسة الضمان الصحيّ دعوة لرعاية الأطفال المعاقين	
از پای درآوردن	فتك: الفتك	۹۸۵
بیماری صد نفر را از پای درآورد	المرض فتك بمائة شخص	
آزمایش	فحص: الفحص	۹۸۶
آزمایش‌های پزشکی - آزمایش خون	الفحوصات الطّبيّة - فحص الدم	
کیسه کشیدن	فرك: الفرك	۹۸۷
بگذار پشتت را کیسه بکشم	دعني أفرك ظهرك	
شیوع	فشي: التفشي	۹۸۸
شیوع بیماری‌های واگیردار	تفشي الأمراض المعدية	
گسستگی	فصم: الانفصام	۹۸۹
بیماری گسستگی شخصیت (جنون جوانی)، اسکیزوفرنی	مرض انفصام الشخصية، الشيزوفرنيا	
کوتاهی	قصر: القصر	۹۹۰
معالجه نزدیک بینی	تصحیح قصر النظر	
دستکش	قفز: القفاز	۹۹۱
دستکش‌های ضد عفونی شده نایلون	قفّازات النایلون المعقّمة	
افسردگی	كأب: الاكتئاب	۹۹۲
دچار افسردگی شد	أصيب بالاكتئاب	



<p>گلبولهای قرمز خون</p> <p>هموگلوبین ، همان سلولهای موجود در گلبولهای قرمز خون است ، که اکسیژن را به تمام نقاط بدن می رساند</p>	<p>کري: كريات الدم الحمراء</p> <p>الهيموغلوبين هي الخلايا الموجودة في كريات الدم الحمراء ، التي تحمل الأوكسجين إلى جميع أنحاء الجسم</p>	<p>۹۹۳</p>
<p>شکستگی استخوان تصویر</p> <p>رادیولوژی ، وجود شکستگی در استخوان ساق پای بیمار را نشان داد</p>	<p>كسر: كسر العظم</p> <p>صورة الأشعة بيّنت وجود كسر في عظم ساق المريض</p>	<p>۹۹۴</p>
<p>نابینا</p> <p>سازمان ناشنویان ونابینایان ، خواستار ادغام نابینایان در مدارس عادی شد</p>	<p>كف: المكفوف</p> <p>مؤسسة الإعاقة السمعية والبصرية طالبت بدمج المكفوفين في المدارس العادية</p>	<p>۹۹۵</p>
<p>کلیه ها</p> <p>همه این درآمد را از طریق تجارت کلیه ها بدست آورده است</p>	<p>كلي: الكلي</p> <p>جمع كل هذا المدخول عبر تجارة الكلي</p>	<p>۹۹۶</p>
<p>خدمات درمانی</p> <p>این بیمارستان ، کلیه خدمات درمانی را ارائه می دهد</p>	<p>مرض: المساعدات المرضيّة</p> <p>هذا المشفى يقدم جميع المساعدات المرضيّة</p>	<p>۹۹۷</p>
<p>بخود پیچیدن</p> <p>مريض از درد به خود می پیچد</p>	<p>ململ: التململ</p> <p>المريض يشكو ويتململ</p>	<p>۹۹۸</p>
<p>بچه دار شدن</p> <p>يك زن آمریکائی ۵۸ ساله ، که پذیرفته بود نطفه دختر و دامادش در رحم او تلقیح شود ، نوه خود را به دنیا آورد</p>	<p>نحب: إنجاب الطفل</p> <p>ان أمريكیّة في الثامنة والخمسين أنجبت حفيدها ، بعدما وافقت على أن تكون الأم الحاضنة لابنتها وصهرها</p>	<p>۹۹۹</p>
<p>خون ریزی</p> <p>مادر بیمار ، در حین زایمان گرفتار (دچار) خونریزی سختی شد</p>	<p>نزف: النزيف</p> <p>تعرّضت الأم المريضة لنزيف حادّ أثناء عمليّة الوضع</p>	<p>۱۰۰۰</p>
<p>ایدز</p> <p>به بیماری ایدز مبتلا شد</p>	<p>نقص: نقص المناعة</p> <p>أصيب بمرض نقص المناعة المكتسبة</p>	<p>۱۰۰۱</p>
<p>برائکار</p>	<p>ثقل: ثقالة الإسعاف</p>	<p>۱۰۰۲</p>

لا بدّ من حمله بنقالة الإسعاف	باید با برانکارد او را منتقل کرد
١٠٠٣ نقی: النقاء أن ١١ يونانيا فارقوا الحياة , بعد تعاطي هيروين فائق النقاء في الأسبوع المنصرم	خلوص هفته گذشته ١١ نفر یونانی , پس از استعمال هروئین با درصد خلوص بالا جان سپردند
١٠٠٤ نقی: نقی العظم افتتح في لبنان مركز لأمراض الدم والأورام وزرع نقی العظم	مغز استخوان يك مركز بيماريهای خون و ورمها وكاشت مغز استخوان در لبنان دایرشد
١٠٠٥ نوب: الطبيب المناوب لم يكن للطبيب المناوب خبرة كافية لهذه العملية	پزشك كشيک پزشك كشيک , مهارت کافی برای انجام این عمل جراحی نداشت
١٠٠٦ هبط: هبوط الدورة الدموية توفيت المريضة إثر هبوط حاد في الدورة الدموية	کاهش فشارخون بیمار , در اثر کاهش شدید فشار خون درگذشت
١٠٠٧ وعي: الوعي استعاد المريض وعيه , موصولاً بجهاز التنفس الاصطناعي	هوش بیمار , با اتصال به دستگاه تنفس مصنوعی بهوش آمد





## ١٢. المصطلحات الرياضية

١٠٠٨	إستاد : الإستاد	استادیوم
	تدرّب الفريق الإماراتي على إستادها البيضاوي في أبو ظبي , استعداداً لجولة الإياب في الدور الأول من تصفيات مونديال فرنسا	تیم امارات , در استادیوم بیضی شکل ابو ظبی , تمرینهای خود را برای آمادگی نسبت به دیدار رفت دور اول جام موندیال (جام جهانی) فرانسه انجام داد
١٠٠٩	بري : المباراة	مسابقه
	انتهى الدور نصف النهائي في مباريات كرة السلة , لصالح الفرق الأوروبية	دور نیمه نهایی مسابقات بسکتبال , بنفع (به سود) تیمهای اروپایی به اتمام رسید
١٠١٠	بطل : البطولة	قهرمانی
	بطولة الدوري اللبناني لكرة السلة	قهرمانی بازیهای دورهای بسکتبال لبنان (لیگ قهرمانی بسکتبال لبنان)
١٠١١	تحف : المتحف	موزه
	يتمكّن هواة الغطس من التجوّل في مُتحفٍ أُقيم تحتَ الماء , لمُشاهدة الآثار الغارقة في ميناء الإسكندرية	علاقمندان غواصی می توانند , در موزه ای که برای مشاهده آثار غرق شده در بندر اسکندریه بر پا شده است , در زیر آب به گردش پردازند
١٠١٢	حشد : الاحتشاد	تجمع
	احتشد زهاء مائة ألف متفرّج , لمشاهدة مباراة	حدود صد هزار تماشاگر برای مشاهده



مسابقه فوتبال گرد آمدند	كرة القدم	
داور	حكم: الحكم	۱۰۱۳
کمیته فوتبال اتحادیه اروپا (اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)) ، داور سوییسی را برای تمام عمرش از داوری محروم کرد	تَبَّتْ لَجْنَةُ الْإِتِّحَادِ الْأُرُوبِيِّ لَكُرَةِ الْقَدَمِ إِيقَافَ الْحَكَمِ السُّوِيسِيِّ مَدَى الْحَيَاةِ	
پنهان کردن	خبأ: التخبئة	۱۰۱۴
بازی قایم موشک	لُعِبَةُ التَّخْبِئَةِ	
موتورسیکلت	درج: الدراجة النارية	۱۰۱۵
مقام اول در مسابقه موتور سواری را بدست آورد، وبا موتورسیکلت خود ۱۲۹ کیلومتر مسافت را در عرض ۴۷ دقیقه پیمود (و باموتور سیکلت خود مسافت ۱۲۹ کیلومتری را در عرض ۴۷ دقیقه پیمود)	انْتَزَعَ الْمَرْكَزُ الْأَوَّلُ فِي سِبَاقِ الدَّرَاجَاتِ النَّارِيَّةِ ، وَقَطَعَ عَلَى دَرَجَتِهِ النَّارِيَّةِ ۱۲۹ كَلِمًا فِي ۴۷ دَقِيقَةً	
امتیاز	رصد: الرصيد	۱۰۱۶
در رقابتهای سری بازیهای فوتبال لبنان (لیگ فوتبال لبنان)، سه تیم امتیازات مساوی کسب کردند	تَسَاوَتْ أَرْصَدَةُ ثَلَاثَةِ فِرَقٍ فِي صَدَارَةِ الدَّوْرِيِّ اللَّبْنَانِيِّ لَكُرَةِ الْقَدَمِ	
وزنه برداری	رفع: رفع الأثقال	۱۰۱۷
لبنان ، در مسابقات چهارم قهرمانی اعراب در وزنه برداری جوانان (در چهارمین دوره مسابقات قهرمانی اعراب در وزنه برداری جوانان)	حَازَ لُبْنَانُ عَلَى ٣ مِيدَلِيَّاتٍ بَرُونِزِيَّةٍ ، فِي بَطُولَةِ الْعَرَبِ الرَّابِعَةِ بَرَفْعِ الْأَثْقَالِ لِلنَّاشِئِينَ	
۳ مدال برونز تصاحب کرد		
رکورد جهانی	رقم: الرقم القياسي	۱۰۱۸
اتوموبیل دارای موتور جت ، يك رکورد	سَجَّلَتِ السَّيَّارَةُ النَّفْاثَةَ رَقْمًا قِيَاسِيًّا فِي السَّرْعَةِ	

جهانی در سرعت بر جای گذاشت		
شکستن رکورد	رقم: تحطيم الرقم القياسي	۱۰۱۹
شناگر زن چینی ، رکورد ۵۰ متر سینه را شکست	حطمت السباحة الصينية الرقم القياسي في سباق ۵۰ متراً صدرأ	
ضربه	رکل: الركلة	۱۰۲۰
ضربه کورنر ، تیم امارات را پیروز کرد	الرُكْلَةُ الرُّكْنِيَّةُ حَقَّقَتْ فوزاً للفريق الإماراتي	
تیراندازی	رمي: الرماية	۱۰۲۱
تیرانداز المپیک لبنانی ، در مسابقه شلیک به کبوتر هنگام پرواز از قفس (از حفره) ، به مقام اول دست یافت	فاز الرامي الأولمبي اللبناني في الرماية على الحَمَام من الحفرة بالدرجة الأولى	
دروازه	رمي: المرمى	۱۰۲۲
بازیگران (بازیکنان) خط میانی در خلال نیمه اول ، دروازه ایران را تهدید کردند ، بدون آنکه حملات آنان گلی را بدنبال داشته باشد	لاعبو خط الوسط هدّدوا المرمى الإيراني خلال الشُّوطِ الاول ، دون أن يترجموا هجماتهم إلى إصابة	
دروازه	رمي: المرمى	۱۰۲۳
دروازه بان تیم سوریه ، در پیروزی تیمش مشارکت داشت ، چون دروازه خود را در برابر ضربات قاطع رقیب حفظ کرد	حارس الفريق السوري ساهم في صنع الفوز ، حين أنقذ مرماه من إصابات أكيدة	
شرط بندی	رهن: المراهنة	۱۰۲۴
شرط بندی روی مسابقه	المراهنة على المباراة	
اسکی	زلج: التزلج	۱۰۲۵
باشگاه صفا ، دوره قهرمانی سالانه اسکی را در پیست اسکی آزادی برگزار کرد	نظّم نادي الصفاء بطولته السنوية في التزلج على منحدر الحرّية	
مسابقه شنا	سبح: سباق السباحة	۱۰۲۶
شرکت گسترده دانشجویان در مسابقات	أضفت المشاركة الجامعية الكثيفة على	





بازی کرد - برد - مساوی کرد - باخت	لعب - فاز - تعادل - خسر	
جام جهانی	كأس: كأس العالم	۱۰۳۵
دوره فینال قهرمانی تیس جام جهانی، (جهان) به نتایج غیر مترقبه ای منجر شد	سجّلت تصفیات بطولة كأس العالم بكرة المضرب مفاجآت غير متوقعة	
پرورش اندام	كمال: کمال الاجسام	۱۰۳۶
در زیبایی اندام درخشید ، ونمایشی برای عرض اندام توسط او برگزار شد	برع في رياضة كمال الاجسام ، وأقيم له حفل لعرض العضلات	
دور، گردش	لفّ: اللّفة	۱۰۳۷
مسابقه قهرمانی جهانی اتومبیلرانی ، از آغاز با حوادث غیر مترقبه همراه بود ، چون اتومبیلهای راننده آلمانی وفرانسوی در گردش اول با یکدیگر برخورد کردند	فرضت المفاجآت نفسها مبكراً في سباق بطولة العالم للسيارات ، لأن اصطداماً وقع في اللّفة الأولى بين سيارتي السائق الألماني والفرنسي	
ضربه مشت	لکم: اللکمة	۱۰۳۸
مشت زن ، با یک ضربه مشت چپ در دور ششم ، حریف خود را به زمین انداخت	أسقط الملاكم رقيه في الجولة السادسة بلکمة من القبضة اليسرى	
مشت زنی	لکم: الملاکمة	۱۰۳۹
برای حفظ لقب (عنوان) قهرمانی جهان در بوکس در مقطع میان وزن مبارزه می کند	يدافع عن لقب بطل العالم في الملاکمة في الوزن الوسط	
آمادگی بدنی	ليق: اللياقة البدنية	۱۰۴۰
کمیته فنی انجمن دوچرخه سواران لبنان (کمیته فنی فدراسیون دوچرخه سواری لبنان) ، دوره هایی برای آمادگی بدنی ورزشکاران ترتیب داد	نظّمت اللجنة الفنية في الاتحاد اللبناني للدراجات دورات للياقة البدنية	
مدال	مدل: الميدال	۱۰۴۱



الميداليات الذهبية والفضية والبرونزية	مدالهای طلا ونقره وبرونز
مرر: التمرير	پاس دادن
مرر اللاعب الإيراني كرة متقنة ، ثم أبعد من اللاعب السعودي تسديدته الرأسية	بازیگر (بازیکن) ایرانی یک پاس خوب داد ، و سپس ضربه سر بازیگر (بازیکن) سعودی را دور کرد (دفع کرد)
موت: الإماتة	مات کردن (در شطرنج)
الأبيض أمات الأسود في النقلة التاسعة	مهره سفید ، سیاه را در حرکت نهم مات کرد
ندي: النادي	باشگاه
دعا شبيبة الحارة للانضمام إلى النادي الرياضي الجديد	جوانان محله را به پیوستن به باشگاه جدید ورزشی دعوت کرد
نزع: المنازعة	مبارزه
الفريق السوري ينازع الفريق اللبناني على المركز الثاني للمباريات	تیم سوریه ، بر سر مقام دوم (برای تصاحب مقام دومی) مسابقات با تیم لبنان روبرو می شود
نقط: النقطة	امتیاز
جمع الفريق عشر نقاط من أربع مباريات	آن تیم ، از چهار مسابقه ده امتیاز بدست آورد
هدف: الهدف	گل زن
أعلن الاتحاد الدولي لكرة القدم عن تتويج لاعب منتخب الجمهورية الإسلامية الإيرانية ، هدافاً للعام ٩٦	اتحادیه (فدراسیون) بین المللی فوتبال ، بازیگر (بازیکن تیم ملی ایران) منتخب جمهوری اسلامی ایران را بعنوان (بهترین) گل زن سال ۹۶ اعلام کرد
هوى: الهواية المفضلة	بازی یا سرگرمی مورد علاقه
هواية الهولنديين المفضلة منذ قرون هي التزلج على الجليد	سرگرمی مورد علاقه هلندیها از دیرباز اسکی روی یخ بوده است

### ۱۳. الأخطاء الشائعة في الإعلام العربي

الخطأ الشائع	الطريقة الصحيحة	المعنى بالفارسية
۱۰۴۹		
أجد السعي وراء المسؤولين عن هذه القضية أمراً جيداً	أرى أن السعي وراء المسؤولين عن هذه القضية أمر جيد	بر این عقیده ام , که تلاش در تبعیت از مسئولان این موضوع, کار خوبی است
۱۰۵۱	أعطي جواباً	پاسخی ارائه داد
۱۰۵۲	أنتم دائماً مع إذا عتبا	مازلتم معنا
۱۰۵۳	الآتهامات ضدّ المسيحيين	تا کنون با برنامه ما همراه بوده اید (چون تصوّر همراهی بلا انقطاع کسی , با برنامه های یک رادیو معقول نیست)
۱۰۵۴	أحد المعارضين للحكومة	اتهامات نسبت داده شده به مسیحیان
	أحد الذين يعارضون الحكومة	یکی از مخالفان دولت



۱۰۵۵	التآمر ضد الدولة	التآمر على الدولة	توطئه عليه دولت
۱۰۵۶	التاريخ الثقافي للأمم	تاريخ الأمم الثقافي	تاریخ فرهنگی ملتها (در مواردی که احتمال التباس وجود ندارد , فک اضافه صحیح نیست)
۱۰۵۷	تسير السيارات بشكل فوضوي	تسير السيارات بطريقة فوضويّة	اتوموبيلها بگونه ای مشوّش , وبا بی نظمى حرکت مى کنند
۱۰۵۸	تطوع في الجيش بهدف تحرير وطنه	تطوّع في الجيش بغية تحرير وطنه	برای آزاد سازی وطنش , داوطلبانه به ارتش پیوست
۱۰۵۹	تعطي له تكامله	تعطيه تكامله	تکاملش را در اختیار او مى گذارد
۱۰۶۰	تغطي أبرشية الإسكندرية مصر والسودان	إن أبرشية الإسكندرية تشمل مصر والسودان	خليفه گری اسکندريّه, شامل مصر و سودان هم ميشود
۱۰۶۱	تم تشكيل الوزارة	تم تأليف الوزارة	ترکیب هیأت دولت کامل شد
۱۰۶۲	الحريري يدشن مقرها الاثنين المقبل . رئيس جمعية التكافل يقول .	الحريري يدشن مقر جمعية التكافل , الاثنين المقبل . يعلن هذا رئيس الجمعية	حريري مقرّ انجمن مدد کاري را هفته آینده افتتاح میکند , اين مطلب را رئيس اين انجمن اعلام کرد (ارجاع ضمير به ما بعد آن غلط است)
۱۰۶۳	دراسة على قانون التقاعد	دراسة في قانون التقاعد	پژوهشی در مورد قانون بازنشستگی

۱۰۶۴	رفع التحدي	قبل التحدي , أو واجه التحدي. (وكانه استعارة من أصل رفع القفز : كان النبلاء في العصر الوسيط بالغرب إذا ما تحدى أحدهم الآخر للمبارزة, يرمي قفازه على الأرض أمامه , فان انتشل الخصم القفز ورفعته , أشار إلى أنه قبل التحدي	دعوت حریف را برای مبارزه پذیرفت (بنظر میرسد ریشه این کاربرد غلط , اصطلاح دیگری باشد , که عبارت است از : رفع القفز : دستکشها را بالا گرفت . چون اشرافزادگان قرون وسطی در زمان مبارزه طلبی , دستکشهای خود را روی زمین می انداختند , و کسی که آنها را بر می داشت , هموردی با او را پذیرفته بود)
۱۰۶۵	سأله إذا جاء الجواب.	سأله : هل جاء الجواب ؟	از او پرسید , که آیا جواب آمده است ؟
۱۰۶۶	شكا من تدهور صحته	شكا تدهور صحته	از نابسامان شدن وضع سلامتی خود رنج میبرد
۱۰۶۷	الصحافي فلان غطى مهرجان الشعر	(هذا المصطلح قد لا يوجد له بديل في العربية)	روزنامه نگار (فلانی) کنگره شعر را پوشش خبری داد
۱۰۶۸	علقوا الإضراب	أوقفوا الإضراب إلى حين	اعتصاب را تا مدتی متوقف کردند
۱۰۶۹	قاتل ضد الوثنية	قاتل الوثنية	با بت پرستی به مبارزه برخاست
۱۰۷۰	قام الرئيس بزيارة إلى نظيره	قام الرئيس بزيارة نظيره	رئیس (جمهور) از همتای خود بازدید کرد



۱۰۷۱	قَدَّم طلابنا امتحانهم	خضعوا لامتحان , أو: تقدّموا إلى الامتحان	دانشجویان ما در امتحان شرکت کردند
۱۰۷۲	لعب دوراً	مثل دوراً , قام بدور , اضطلع بدور	نقشی ایفا کرد
۱۰۷۳	لم ولن تقبل الوضع	لم نقبل هذا الوضع , ولن نقبله	این وضع را تا کنون نپذیرفته ایم , واز این پس هم نخواهیم پذیرفت
۱۰۷۴	مُسئولیتنا أكبر من أي وقت	مُسئولیتنا أكبر منها في أي وقت	مُسئولیت ما بزرگتر از آنست که در هر وقت دیگر بوده است
۱۰۷۵	من جديد	مجدداً , أو: مرة ثانية	برای بار دوم
۱۰۷۶	المهم: ليس فقط أن يشفي أجسادنا , لكن أن يعزّز أمانتنا	المهم: لا أن يشفي أجسادنا فقط (وَحَسْب), لكن (بل) أن يعزّز أمانتنا	تنها این مهمّ نیست که بدنهای ما را شفا دهد, بلکه باید امانتی را هم که بر عهده ماست عزیز بدارد
۱۰۷۷	نال التلميذ نقطة إضافية أنجحته	نال التلميذ علامة إضافية أنجحته	دانش آموز نمره ای اضافی کسب کرد , که به قبولی او منجر شد
۱۰۷۸	نشر هذه الرسائل , يشكل سابقة دبلوماسية	نشر هذه الرسائل سابقة دبلوماسية	انتشار این نامه ها , در عرف دیپلماتیک بی سابقه است
۱۰۷۹	نظرة تحليلية على قانون التقاعد	نظرة تحليلية إلى قانون التقاعد	دیدگاهی تحلیلیگرانه به قانون بازنشستگی

این ساختمان مانعی بر سر راه اتوموبیلهاست	هذا المبنى يقف عائقاً أو يقوم عائقاً	هذا المبنى يشكّل عائقاً أمام السيارات	۱۰۸۰
این چیزی است که جاحظ خواست، خواننده آنرا بفهمد	هذا ما أراد الجاحظ أن يفهمه القارئ	هذا ما أراد الجاحظ إفهامه للقارئ	۱۰۸۱
این موضوع، دارای اهمیت فراوان است	هذه المسألة ذات أهمية كبيرة	هذه المسألة ترتدي أهمية كبيرة	۱۰۸۲
این امر موضوع مهمی است	هذه مسألة مهمة أو ناحية مهمة	هذه نقطة مهمة	۱۰۸۳
او مثل ستاره زهره است	هو كالزهرة	هو كما الزهرة (بتقدير: هو كما تكون الزهرة)	۱۰۸۴
وضعی که در آن بسر می بریم	الوضع الذي نعيش فيه	الوضع الذي نعيشه	۱۰۸۵
کلیسا در مسئولیت اجتماعی	الكنيسة في وظيفتها الاجتماعية	الوظيفة الاجتماعية للكنيسة	۱۰۸۶
در منطقه به وفور یافت می شوند	(قد لا يوجد في العربية شيء مقابل هذا المصطلح)	يتواجدون في المنطقة بكثرة	۱۰۸۷
شورا، به توصیه های رهبران اهمیت زیادی می دهد	يولي المجلس إفادات القادة أهمية بالغة	يعلق المجلس أهمية كبيرة على إفادات القادة	۱۰۸۸





## ١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية

(أ)				
١٠٨٩	الأمَد	امد (زمان)	الآهو	آهو
١٠٩٠	الأبد	آبريز	الأبريسم	ابريشم
١٠٩١	الإبريق	آبريز (أفتابه)	الأبهة	آب بها (جمال وزيائى)
١٠٩٢	الإيوان	ايوان	الأرمغان	ارمغان (هديه)
١٠٩٣	الأرجوانى	ارغوانى	الأستاذ	استاد
١٠٩٤	الإستبرق	استبر (پارچه حرير)	الإسفند	اسپند (خردل سفيد)
(ب)				
١٠٩٦	البقلاوة	باقلوا	البابونج	پاپوش (نوعى كفش)
١٠٩٧	البابونج	بابونه (نوعى گياه)	الباذنجان	باذنجان
١٠٩٨	البرنامج	بارنامه	البازار	بازار
١٠٩٩	البيمارستان والمارستان	بيمارستان	الباشق	باشه (پرنده شكارى)



۱۴. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ۱۵۷

۱۱۰۰	البازرکان	بازرگان	بَخ بَخ	پخ پخ (صوتی برای تحسین)
۱۱۰۱	البخت	بخت	البخس	بخس (زمینی که بدون آبیاری کشاورزی شود)
۱۱۰۲	البرید	پست (از مصدر فارسی بردن)	البرستوك	پرستو
۱۱۰۳	البند	بند (پاراگراف)	البرشت	برشته
۱۱۰۴	البرکار	پرگار	البرواز	پرواز (امروزه برای قاب عکس و چارچوب بکار می رود)
۱۱۰۵	الباك	پاك	البقشيش	بخش (انعام)
۱۱۰۶	الهستان	بوستان	الهنفسج	بنفشه
۱۱۰۷	البهادور	بهادر (پهلوان)	البهلو ل	بهلول، (أهل طنز وفكاهه)
۱۱۰۸	الباب	معرب بيا بمعنى در (در فارسی قدیم)	البوتقه	بوته (بوته)
۱۱۰۹	البوز (الفم)	پوز	البيرقذار	بیرقذار، پرچمدار
۱۱۱۰	(ت)			
۱۱۱۱	التخت	تخت	الترنجبین	ترنجبین

توره (دامن)	التوره	توپا (سیب در فارسی قدیم)	التفاح	۱۱۱۲
			(ج)	۱۱۱۳
		زنجر	الجنزیر	۱۱۱۴
جاه (مقام)	الجاه	جام (کاسه)	الجام	۱۱۱۵
گلاب	الجلاب	کزه (کوزه)	الجرّة	۱۱۱۶
چمچم (نوعی کفش)	الجمجم	گل نار (گل انار)	الجلّار	۱۱۱۷
گناه	الجنّاح	گاومیش	الجاموس	۱۱۱۸
گورب (جوارب)	الجوارب	کوپاه (حفره)	الجوخة	۱۱۱۹
جوشن (زره)	الجوشن	گاوشیر	الجواشیر	۱۱۲۰
گوهر (سنگ قیمتی)	الجوهر	گناه	الجنایة	۱۱۲۱
			(ح)	۱۱۲۲
		حربا (آفتاب پرست)	الحرباء	۱۱۲۳
			(خ)	۱۱۲۴
خام (پوست دباغی نشده)	الخام	خیار چنبر	خیار شنبّر	۱۱۲۵
خوره (خورجین)	الخرج	خاتون (لقبی برای خانمها)	الخاتون	۱۱۲۶
پول خرد	الخردة	خرده جات (اجناس خرده)	الخرضوات	۱۱۲۷
خلخال	الخلخال	خرده (اجناس)	الخردة	۱۱۲۸



١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٥٩

			ريز		
١١٢٩	الخشخاش	خشخاش	الخنديق	كنده	
١١٣٠	الخربز	خربزه	الخورنق	خرنگاه (محل غذا خورى شاه)	
١١٣١	الخنجر	خنجر (معرب خونكار)	الخيار	خيار	
١١٣٢	الخان	خان (سلطان)	الخيال	خوليا (وهم)	
١١٣٣	(د)				
١١٣٤	الديك	ديگ (ظرف غذا)			
١١٣٥	الداية	دايه (قابله)	الدار صيني	دار چيني	
١١٣٦	الديدبان	ديده بان	الدرب	مخفف دربند (راه باريك كوه)	
١١٣٧	الدربان	دربان	الدرفس	درفش	
١١٣٨	الدرز	درز لباس	الدرويش	درويش	
١١٣٩	الدستور	دستور (دفتر ثبت اسامى لشكريان)	الدست	دشت	
١١٤٠	الدفتر	دفتر	الدف	دف (از آلات موسيقي)	
١١٤١	الدگان	دگان	الدلو	دول (ابزار آبکشی)	
١١٤٢	الدهقان	دهگان (رئيس دهكده)	الدوغ	دوغ	
١١٤٣	الديباج	ديبا (حرير)	الديجور	ديجور (ظلمت)	

روزى	الرزق	رخ (در شطرنج)	الرخ	۱۱۴۴	(ر)
رمه (گلّه)	الرمق	رشته	الرشته	۱۱۴۵	
روزنامه (دفتر ثبت روزانه)	الروزنامه	راه بان (راهنما)	الرهبان	۱۱۴۶	
				۱۱۴۷	(ز)
		زولیا	الزلاّية	۱۱۴۸	
زاغ (نوعى کلاغ)	الزاغ	زور (قوّت)	الزور	۱۱۴۹	
زیور	الزخرف	زیا رو	الزبرج	۱۱۵۰	
زرنابه	الزّرافة	زره	الزرد	۱۱۵۱	
زمزم (بمعنى آهسته آهسته )	الزمزم	زال	الزال	۱۱۵۲	
زن دين (کسى که در دين مثل زنان است)	الزنديق	زنبورك (آلتى در ساعت)	الزنبرك	۱۱۵۳	
				۱۱۵۴	(س)
سايه	الساية	سالار (زعيم)	السالار	۱۱۵۵	
سه دير (کاخی که از سه قبه تشکیل مى شد)	السدير	سخت	السخت	۱۱۵۶	
سرآب (سر + آب)	السرآب	ساده	الساذج	۱۱۵۷	
				۱۱۵۸	



١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٦١

١١٥٩	السربال	شروال (شلوار)	السراج	جراغ
١١٦٠	السرداب	سرداب (سرد + آب)	السردم	سر + آمد (آمد بمعنى زمان) (الأبدي)
١١٦١	السرو	سرو	السكنجيين	سرکه انگبین
١١٦٢	السلحفاة	سوله پای (پای در لاک : لاكپشت)	السلّ	سل (بيمارى سل)
١١٦٣	السمندر	سمندل	السنباذج	سنباده
١١٦٤	السنبوسق	سنبوسه	السنجاب	سنجاب
١١٦٥	السنجق	سنجوق	الсандان	سندان
١١٦٦	السنديان	سنديان (درخت بلوط)	السنطور	زنتور (آلتى در موسيقى)
١١٦٧	الساج	ساج (نوعى درخت)	السور	سور (ميهمانى)
١١٦٨	السيخ	سيخ	السيكاه	سه گاه (دستگاهى در موسيقى)
١١٦٩	(ش)			
١١٧٠	الشاقول	شاقول	الشكران	شوكران (گياهى داروى)
١١٧١	الشاكوش	چكش		
١١٧٢	الشاه بلوط	شاه بلوط	الشيء	معرب چى، مخفف چيز
١١٧٣	الشاهنشاه	شاهان شاه	الشاه ين	شاهين (مرغ شكارى)

۱۱۷۴	الشای	چای	الشادور	چادر
۱۱۷۵	الشبذر	شبدر	الشیرازه	شیرازه (در کتاب)
۱۱۷۶	الشرشف	چارشب (مخفف) چادر شب: روانداز	الشاروف	جاروب (جارو)
۱۱۷۷	الشطرنج	شش رنگ (چون شش مهره دارد)	الشفع	چفت (جفت)
۱۱۷۸	الشلجم	شلغم	الشمعدان	شمعدان
۱۱۷۹	الشهيّ (اللذیذ)	شاهی (لذیذ وشاهانه)	الشهره	شاهراه (راه بزرگ)
۱۱۸۰	الشواظ	سوزا (شدّت حریق)	الشوربه	شوربا
۱۱۸۱	الشوكة	شکوه (عظمت)	الشاهکار	شاهکار (دستگاهی در موسیقی)
۱۱۸۲	الشهدانج	شاه دانه	الشهترج	شاه تره (عرق گیاهی)
۱۱۸۳	(ص)			
۱۱۸۴	الصتّ (جماعة من الناس)	معرب صد	الصدی	معرب سدا (صدا)
۱۱۸۵	الصرم	چرم	الصنچ	سنج
۱۱۸۶	الصنجة	سنجه (میزان)	الصهر	معرب شوهر (داماد)
۱۱۸۷	(ط)			
۱۱۸۸	الطبر	تبر	الطبرزد	تبرزد (نوعی)



١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٦٣

شكر سفيد)				
تباشير (نوعى دوا)	الطباشير	تبرزين	الطبرزين	١١٨٩
ترخون	الطرخون	معرب سرپوش (بمعنى كلاه)	الطربوش	١١٩٠
( ترز: هيئت )	الطراز	تراز	الطراز	١١٩١
تاسمه (باريكه اى از چرم)	الطسمه	تازه	الطازج	١١٩٢
تالسان (نوعى لباس مشايخ)	الطيلسان	تلخ	الطلخ	١١٩٣
تيهو (نوعى پرنده)	الطيهورج	تنبور (از ادوات موسيقى)	الطنبور	١١٩٤
			(ع)	١١٩٥
معرب تش (مخفف تشنه)	العطش	انبروت (بمعنى گلابى)	العرموط	١١٩٦
		لشكر	العسكر	١١٩٧
		عصرانه	العصروتيه	١١٩٨
			(غ)	١١٩٩
		غوغا	الغوغاء	١٢٠٠
			(ف)	١٢٠١
فرمان (عهد سلطان)	الفرمان	فرسنگ	الفرسخ	١٢٠٢
فهرست	الفهرس	پنگان	الفنجان	١٢٠٣
پولاد	الفولاذ	پالوده	الفالودج	١٢٠٤

۱۲۰۵	الفیروزج	پیروزه	الفیل	پیل
۱۲۰۶	(ق)			
۱۲۰۷	القبان	کیان (ترازو)	القرمز	قرمز
۱۲۰۸	القلعة	معرب کلات	القلّة	کله (سرکوه)
۱۲۰۹	القمطیر (اليوم) الشديد المظلم	(معرب خم تاریک) قبة الظلام	القند	قند (معرب کند)
۱۲۱۰	القهرمان	قهرمان , مرگب از قهر (عربی) , ومان (فارسی) , بمعنى صاحب	القوش	معرب مخفف کوچک
۱۲۱۱	القیروان (جماعة من الخیل)	کاروان		
۱۲۱۲	(ک)			
۱۲۱۳	الکار	کار , شغل	الکبة	خوراکی از برغل وگوشت (ازمصدر کوبیدن)
۱۲۱۴	الکشمش	کشمش	الکاغد	کاغذ
۱۲۱۵	الکأس	کاسه	الکرکی	کرکی (نوعی پرنده)
۱۲۱۶	الکرکدن	کرگدن	الکش	کیش در شطرنج (معرب کشت بمعنى : قتل)



١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٦٥

١٢١٧	الكشك	كشك	الكشكول	كشكول
١٢١٨	الكافور	كافور	الكلكون	گلگون (بمعنى سرخاب)
١٢١٩	الکمنجة	کمانچه	الکنار	کنار (بمعنى سدر)
١٢٢٠	الکوسج	کوسه	الکنز	گنج
١٢٢١	الكهرباء	کاه ربا (بمعنى برق)	الکوخ	کوخ
١٢٢٢	(ل)			
١٢٢٣	لا سيخ ولا کباب	نه سيخ (بسوزد) , نه کباب		
١٢٢٤	الليمون	ليمو	اللازورد	لاجورد
١٢٢٥	اللجام	لگام	اللعل	معرب لال
١٢٢٦	اللوياء	لوياء	اللولب	لوله
١٢٢٧	(م)			
١٢٢٨	المقليد (ج : المقاليد)	کليد		
١٢٢٩	المرزبان	مرزبان	المارستان	مخفف بیمارستان
١٢٣٠	الماخور (مجلس الفساق)	می خور	المرز جوش	مرزنگوش (نوعى گیاه)
١٢٣١	الموزج	موزه (كفش)	المشت	مشت
١٢٣٢	المهر	مهر	المهرجان	مهرگان

				(الخاتم)	
۱۲۳۳	الموم (الشمع)	موم	الميناء (جواهر الزجاج)	مینا	
۱۲۳۴	(ن)				
۱۲۳۵	النازيك	نازك			
۱۲۳۶	الترجس	ترگس	النارجيل (جوز الهند)	نارگیل	
۱۲۳۷	النمبرشت	نیم برشته	النای	نای (نی), (از آلات موسيقى)	
۱۲۳۸	الأنج	انبه (نوعى میوه)	النجار (الأصل والحسب)	نژاد	
۱۲۳۹	النسترن	نسترن	النشادر	نوشادر	
۱۲۴۰	النشا	مخفف نشاسته	النشوه (السكر)	نشوه (مأخوذ از نوشیدن)	
۱۲۴۱	النعناع	معرب نانه	النموذج	نموده (بمعنى نمونه)	
۱۲۴۲	النرد	نرد (نوعى بازی)	النيروز	نوروز	
۱۲۴۳	النارنج	نارنگ	النيزك (الرمح القصير)	نیزه	
۱۲۴۴	النيرنج (الحيلة)	معرب نورنگ	النيلوفر	نیلوپر	
۱۲۴۵	(ه)				
۱۲۴۶	الهاون	هاون	ياسمين	الياسمين	
۱۲۴۷	الهزار (العندليب)	مخفف هزار دستان	الهندام (الحسن القد)	معرب اندام	
۱۲۴۸	الهنداز (الحد و القياس)	اندازه			
۱۲۴۹	(ي)				



١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٦٧ |

١٢٥٠	الياسمين	ياسمين	الياب	ياب (بمعنى خراب)
------	----------	--------	-------	---------------------



## فهرس الأفاظ الفارسية

۳۳۲	آب آشامیدنی	۸۵۸	آتش بس		واجتناب
۵۳۵-	آب دهان	۸۷۱	آتش گشودن	۱۵۴	احياء
۲۰۰۰		۸۰۶	آتش نشانی	۴۶۰	اختلاط
۲۲۶۷	ابر	۷۶۰	آشفشان		ودوگانگی
۶۳۱	ابر فشرده	۲۷۶	اتصالات	۷۲۱	اختلاف
۷۸۹	ابر مغناطیسی		بهداشتی		مشاجرة
۱۳۲	ابراز قدرت	۷۷۷	تم	۶۵۳	اختلال
۱۰۷	ابراز ندامت	۹۳۴	تمی	۳۲۶	أخذ ضمانت
۸۱۴	ابراز نگرانی	۹۰۷	تومبیل بمب	۷۴۹	اخطاریه
۱۱۴	ابر قدرت		گذاری شده	۱۹۴	ادارات دولتی
۱۶۶	آبرو	۲۵۳	تومبیل حمل	۷۲۶	اداره اطلاعات
۴۴۴	آبستن		جنازه	۳۱۴	اداره امداد
۱۵۵۹-	آبکش	۸۱۸	تومویل	۷۳۱	اداره ثبت املاك
۲۸۱۵			خورشیدی	۶۵۱	اداره طرح
۱۵۶۷	آبگوشت	۹	اثر انگشت		وبرنامه
۶۸۴	ابلاغ ، ابلاغیه	۳۸۲	اجاق گاز	۸۹۷	اداره نظام وظیفه
۷۶۹	آبهای زیرزمینی	۲۴۷	اجتناب ناپذیر	۳۷۲	ادغام شرکتها
۷۵۹	آبهای آلوده	۷۵۳	اجرا	۱۹۸۴	آدم بیدار
۸۴۷	آبی - خاکی	۴۱۵	اجرا کردن	۱۵۶۴	آدم پست
۸۴۴	آبیاری قطره ای	۷۵۴	اجرای حکم	۱۹۸۴	آدم خواب
۱۴۱۶	آتش	۱۹۶	احتکار	۲۱۴۶	آدم غریق
۴۵۵	آتش بازی	۳۶	احتیاط کاری	۲۰۵۸	آدم کور



۹۷۸	استخوان
۸۶۱	استراق سمع
۶۹۲	استعفا
۹۷۷	استعمال
۹۱۹	استقبال از مرگ
۱۱۹	استکبار
۴۴۹	استمرار
	جاودانگی
۲۱۲	استتباط
	موضعگیرها
۱۱۳	استوار نامه
۲۶۵۳	آستین
۴۶۷	آستین بالا زدن ، عزم را جزم کردن
۳۵۵	اسفالت کردن
	خیابانها
۲۱۰	اسفناك
۵۰۲	اسقف
۱۷۰	اسكان یافتن
۳۵۶	اسكناس قلبی
۱۰۲۵	اسكى
۹۲۷	اسكیت
۸۶۳	اسلامی کردن
۹۵۴	آسم
۷۹۵	آسیاب

	عدول کردن
۳۲۷	از سر گیری
۹۸۴	از کار افتادگی
۸۹۳	از هم پاشیدن
۴۸۶	از هم گسستگی
۹۱۰	آزاد کردن
۲۲۱۵	آزار
۱۱۵	آزار دادن
۹۸۶	آزمایش
۷۷۲	آزمایش (تجزیه)
	ادرار
۸۸۷	آژیر خطر
۱۶۲۶	اسب
۱۰۳۳	اسب سوار
۹۴۸	اسپریم
۱۰۰۸	استادیوم
۳۳۲	استانداری
۲۳۱۷	استثناء
۵۱۹	استحکام
	بخشیدن
۳۲۱	استخدام، بکار گیری
۶۸۷	استخدام تمام وقت

۱۳۲۰	آدمهای لوح
۸۴۱	ادوات ولوازم
۸۳۹	آراستن
۳۵۴	آرامش زندگی
۲۳۷	آرایش
۲۴۵۷	آرایشگر
۶۹۸	ارتباطات
۸۹۹	ارتباطات امنیتی
۷۱۹	ارتداد
۸۵۵	ارتفاع پائین
۸۷۷	ارتقاء درجه
۴۹۲	ارتکاب جنایت
۲۷۴	ارتکاب گناه
۱۹۹	ارجاع دادن
۳۸۱	آرد کردن
۳۸۴	ارزش پول
۴۹۸	آرزو کردن
۸۲	ارزیابی اوضاع
۷	ارسال تلگراف
۸۴۳	آره برقی
۶۲۵	آری
۹۸۵	از پای در آوردن
۲۷۱	از حد اعتدال خارج شدن
۹۲۴	از خواسته خود

اشغالگران	۱۹۶	افروخته شدن	۸۶۹	آمدگی کامل	۸۴۵
آشغالها	۲۸۰۵	آتش		آماده باش	۸۴۶
آشفتگی	۴۳۳	افزایش آشکار	۴۰۴	آماده سازی	۳۲۲
اشياء لوکس	۴۹۷	افزایش حملات	۸۸۶	آمار کلی	۶۸۸
اصلاح خرابیها	۶۸۳	افزون بر نیاز	۶۸۸	آمیول	۱۷۲
اصلاحات	۶۷۱	افسر چتر باز	۸۹۶	امتیاز گرفتن	۱۵۶
سازمانی		افسردگی	۹۹۱	امضا کردن	۵۲۱
اصول کتابداری	۸۲۸	افکار عمومی	۴۸۴	امور زیر بنائی	۶۴۲
اطلاع	۸۴	افکار منجمد	۴۹۶	آموزش همگانی	۵۱۰
اطمینان دادن	۱۰۱	اقتدار	۷۳۳	انار	۲۰۴۰
اظهار نظر	۱۱۲	اقدام ، اعمال	۱۴۵	انبار	۲۹۸
اعتراض	۷۱۶	اقدام دوستانه	۴	انبار مهمات ،	۸۴۸
اعتصاب	۳۶۸	اقدام نسجیده	۲۵۱	زراد خانه	
اعطاء	۹۴	آکنده	۵۵۹	انتقال آب	۸۳۱
اعطای	۷۱۴	اکیپ اسب سوار	۸۶۲	انتقام	۹۱۳
صلاحیت		الاغ	۱۶۲۶	انجام عملیات	۳۳۱
اعطای فرصت	۲۹۷	آلت دست	۵۴۰	گمرکی	
اعلامیه	۷۱۲	الك بدست	۱۹۳۳	انجمن	۱۸۰
اعلان خبر مرگ	۳۰۳	الماس	۴۱۱	انجمن اساتید	۷۳۸
اعمال شاقه	۶۹۹	المشني	۷۳۱	انجمن	۵۱۲
اعمال فشار	۱۴۵	النگو	۱۲۹۹	دانشجویی	
اغتنام فرصت	۷۵۴	آلودگی	۸۱۴	انحطاط	۴۵۷
افراد ذیربط	۱۲۹	آلودن	۲۰۷	وحشتناك	
افراط گرایان	۵۸۳	آماج حملات	۸۱	انداختن ، طرد	۱۵۱
افراطگرایی	۸۹۳	آمدگی بدنی	۱۰۴۰	کردن	



اعلام کردن	
باتلاق	۹۳۱
باختن	۱۰۳۴
باد معده	۲۱۷۸
بادام	۸۲۹
باران زا	۷۸۲
بارگیری	۶۶۸
باروت	۲۷۳۳
بارور شدن	۷۷۱
باروری	۷۷۲
مصنوعی	
باز داشتن	۷۰۲
باز گرداندن	۵۹۸
بازار	۱۲۷۰
بازاریاب	۶۹۷
بازپرس	۷۱۰
بازجویی	۸۵۱
بازخرید	۶۹۰
بازداشتگاه	۹۰۲
بازداشتی	۹۰۱
بازدید تشریفاتی	۶۴۵
بازسازی	۶۷۱
بازگشت مجدد	۴۸۰
عید	
بازنشستگی	۶۹۰

آهك	۴۹۵
آهك زده	۴۹۶
اهمال	۴۱۰
اهمیت	۴۴۷
آهن	۱۸۹۳
آهو	۱۹۷۱
اوراق بهادر	۳۲۸
اورژانس	۸۹۲
اوضاع واحوال	۲۷
اول خط	۳۰۶
اولویتها	۷۵
اونیفورم رسمی	۷۲۴
آویختن	۳۲۰
آویزان	۱۲۸
ایجاد اختلال	۲۰۴
ایجاد انفجار	۸۰۰
ایدز	۱۰۰۱
ایراد خسارت	۳۲۶
ایراد سخن	۵۲
اظهار نظر	
ایستگاه رادیویی	۸۸۵
ایفای نقش	۹۲
ایما و اشاره	۹۱۷
آینده نزدیک	۸۸۶
با صدای بلند	۱۶۱

اندازه گیری	۹۷۲
اندیشیدن	۶۸
درنگ کردن	
انرژی	۷۹۷
انرژی اتمی	۷۷۷
انزجار	۲۲۵
انزوا ، گوشه	۹۵۷
گزینی	
انضمام	۴۷۱
انعطاف پذیر	۵۸۷
انفجار اطلاعات	۸۰۰
انفجار	۷۸۹
خورشیدی	
انگشت اتهام	۸۵
انگشت به	۴۷۶
دندان گزیدن	
انگشتر	۲۵۷۳
انگیختن	۵۲۷
انواع سوخت	۳۳۴
آه گرم	۵۵۹
اهتزاز	۸۴۹
اهتمام ورزیدن	۵۹۹
اهداف ، ایده ها	۵۱۱
اهداف صلح	۷۹۷
آمیز	

بازنگری	۱۰۵	بچه دار شدن	۹۹۹	قبلی	
بازی کردن	۲۸۸	بحبوحه	۵۴۸	بذر	۸۳۵
بازی یا سرگرمی	۱۰۴۸	بحث برانگیز	۲۲۲	برافراشتن	۳۳۴
مورد علاقه		بحث و بررسی	۱۵۵	برافروختن آتش	۴۳۳
بازیافت	۲۷۶	بحث وجدل	۵۷۹	براق کردن	۶۱۸
بازیگر	۱۰۴۷	بحث وجدل	۶۲۷	برانکارد	۱۰۰۲
باشگاه	۱۰۴۴	بحران	۳	برانگیختن	۵۲۷
باشگاه نظامی	۹۲۱	بحران سیاسی	۹۹	برتری	۱۰۳۲
باطری	۸۰۹	بحرکت درآمدن	۶۱۱	برخورد	۳۹۵
باطل کردن	۴۹	، از جا کنده		برداشت	۵۳۵
باغ وحش	۸۰۵	شدن و		بردن	۱۰۳۴
بافتن مو	۴۹۱	بخت آزمائی	۴۱۴	بررسی کردن	۸۳۱
باقلا	۱۳۸۸-	بخش	۴۰۵	برطرف کردن	۴۵
	۲۱۸۹	بخش دولتی	۴۰۵	برف	۱۷۰۲
باقلاوا	۲۱۸	بخش ها	۲	برق رسانی	۸۳۵
بالا خانه	۲۴۷۵	بخشنامه	۶۶۲	برگه شناسائی	۶۹۳
بالاگرفتن	۵۳۴	بخشهای	۳۶۲	برگها	۱۶۷
بالکن	۳۱۵	اقتصادی		برملا شدن	۵۸۵
بالنده	۷۷۳	بخود پیچیدن	۹۹۸	برنامه	۳۳۹
بانک	۳۷۳	بدار آویخته	۲۳۷۹	برنامه ، نقشه	۶۵۲
بایگانی	۲۱۳	بدام انداختن	۳۷۶	برنامه ریزی	۵۳۲
پیا خیزی	۳۱۱	بدان	۲۷۱۳	برنامه ریزی	۶۵۱
بتون	۲۰۱	بدهی خارجی	۳۵۸	مالی	
بتون مسلح	۲۰۱	بدون هدف	۱۰۳	برنامه های	۵۱۰
بچه ته تغاری	۲۱۵۰	وبرنامه ریزی		آموزشی	



۱۴۶	بهبود شرایط
۸۳۵	بهداشت
۳۷۹	بهدر رفتن
۱۰۲۸	بهدف زدن
۵۸۰	بهره اندك و بی ارزش
۵۰۹	بهره برداری
۱۵۴۵	بو
۸۳۶	بوته، نهال
۴۳۰	بودجه عمومی
۳۲۹	بورس
۱۵۶۱	بوزینه
۵۲۴	بوسیدن
۲۱۹	بوق اتومبیل
۱۰۳۹	بوکس
۱۳۴	بی پرده ، با صراحت
۹۴۸	بی حسی ، هوشبری
۹۰۰	بی دفاع
۶۱۹	بی رنگ و بو
۲۳	بی فایده
۲۴۵	بی نظیر
۱۳۵۸	بی همسر
۴۴	بیانیه ضعیف

۵۶	بمب گازی
۷۴۳	بمورد اجرا
۴۲	بن بست
۱۳	بنا کردن
۱۳۶	بنای یادبود
۵۰۸	بند انگشت
۳۵۶	بنگاه صرافی
۴۳۴	بنیاد گرایی
۲۲۵	به اوج رسیدن
۸۵۰	به بازی گرفتن
۸۵۵	به پرواز در آمدن ، اوج گرفتن
۳۵۲	به تأخیر انداختن
۷۱۸	به تعویق انداختن
۸۵۳	به جوش و خروش آمدن
۱۸۶	به خاک سپردن
۱۴	به شکست منتهی شدن
۶۵۷	به معرض اجرا
۱۰۲۷	به هدف زدن ، گل زدن

۸۸۰	برهنگی
۲۱۷۷	بروبیا
۱۰۴۱	برونز
۴۰۶	بریدن
۱۷۷۲	بز
۶۵۴	بزرگراه
۱۷۷۲	بزغاله
۱۹۷	بزیر افکندن
۱۰۲	بستن ، در هم پیچیدن
۱۵۳۱	بستنی
۲۴۹	بسته پستی
۱۰۰۹	بسکتبال
۹۳۰	بسیج نیروها
۷۹۴	بشقابهای گیرنده
۲۰۱	بشنه زنی
۶۹۲	بطور دستجمعی
۱۶۹	بعد سیاسی
۵۶۶	بگومگو
۸۱۳	بلعیدن
۶۲۵	بله بله چی
۸۱۲	بلورها
۴۸۳	بلوند
۳۲۴	بمب ساعتی

۳۲۹	بیانیه مهم	۲۵	پارلمان		افراشته
۴۶۱	بیدار کردن مردم	۸۲۹	پاره کردن	۹۶۲	برخوری
	در سحر	۱۰۴۲	پاس دادن	۳۸۷	پرداخت حقوق
۲۰	بیراهه ها	۱۱۵	پاسخ	۵۶۲	برده
۷۹۰	بیسیم	۴۰۹	پاسخگوئی	۹۹-۵۰۷	برده برداری
۲۵۹-۲۰۹۹	بیکار	۸۶۰	پاسگاه	۷۶۸	پرستاری
۱۸۲	بیکاری	۲۳۵۲	پاشنه	۵۳۰	پرکردن
۱۳۲۱	بیل	۸۷۴	پاشیدن	۱۹۲۰	پرکنده
۹۶۳	بیمارستان	۴۱۷	پاکت	۳۱۹	برهزینه
۹۸۱	بیماری	۱۶۹۹	پالتو	۸۵۵	پرواز
۲۸۵	بیمه درمانی	۵۲۱	پایان نامه	۲۵۸۵	بروانه
۶۷۸	بیمه شده	۲۱۸	پایتخت	۶۶۰	بروانه کسب
۵۵	بین المللی کردن	۸۶۹	پایگاه	۱۰۳۶	پرورش اندام
۴۳۴	بینش	۵۱۴	پتک	۹۵	پروژکتور رسانه
۴۸۲	بینش بسته	۵۲۶	پدیده		های گروهی
	ومحدود	۱۸۶	پذیرش	۴۲۹	بروژه
۲۳۲۲	پا	۱۳۰۶	پر	۸۷	پرورنده
۲۸۰۰	پا برهنه	۱۸۶۲	پر	۱۰۰۵	پزشك كشيک
۹۳۵	پاتک	۲۹۶	پر کردن خلأ	۹۷۳	پزشکان
۸۴۹	پادگان	۳۱۶	پر کردن شکاف	۹۷۴	پزشکی قانونی
۸۸۵	پارازیت	۶۱۳	پرانتر	۴۶۷	پژوهش
	انداختن	۵۵۵	پرتاب سنگ	۷۵۸	پژوهشهای
۱۹۴	پارتی بازی	۱۲۹	پرتاب متبادل		هواشناسی
۱۴۴۱	پارچه	۴۷۱	پرچم اسلام	۳۴۹	پس انداز
۲۰۱۶	پارس سک	۱۵۸	پرچم نیمه	۷۰۴	پس گرفتن رأی



۱-۱۱۷	پیشرفت
۴۷۴	پیشگو
۹۵۵	پیشگیری
۷۴۰	پیشنهاد
۳۴۲	پیشه
۵۶۵	پیشی گرفتن
۸۵۴	پیکان نیزه
۳۷۲	پیکر نظام
۷۳۳	پیگرد قانونی
۸۳	پیله
۱۳۸	پیمانه
۶۶۳	پیوست
۲۷۵	پیوند ازدواج
۶۹	تاب و توان
۲۶۱	تابعیت
۶۶۷	تابلو اعلانات
۲۳۴	تابلو راهنمایی
۲۹۲	تابلو رنگ روغن
۱۳۶	تاج
۴۹۴	تاج گل
۶۳۷	تاقچه
۷۴۴	تام الاختیار
۶۷۷	تأمین اجتماعی
۴۲۸	تأمین هزینه ها
۸۶۳	تانك

۲۸۲۷	پنجه ها
۱۰۱۴	پنهان کردن
۱۹۶۰	پوست موز
۱۳۸۵	پوسته
۸۲۷	پوسته زمین
۹۴	پوشش دادن
۵۶۷	پوشیدن شلوار
۴۶	پوشیده
۹۵۵	پوکی استخوان
۳۹۶	پول ، ارز
۲۲۵۱	پول خرد
۴۱۶	پول در گردش
۲۰۱	پی ریزی
۸۷۴	پیاده نظام
۱۴۰۳	پیاز
۳۸۴	پیام
۴۱	پیامد
۹۷۱	پیچیدن
۲۱۶	پیچیده
۱۰۲۵	پیست اسکی
۴۷۴	پیش بینی
۳۶۳	پیش پرداخت
۵۱۰	پیش دانشگاهی
۵	پیش قدم شدن
۲۷۶	پیشتان

	اعتماد
۸۲۵	پس لرزه
۳۰۴	پس مانده ها ،
	زباله ها
۷۶۴	پستانداران
۸۰۵	پسته
۲۸۶	پشت صحنه
۲۹۶	پشتکار مداوم
۳۸۷	پشتوانه خزانه
۱۶۴۴	پشم
۲۰۸	پشم بز
۱۶۰۵	پشیمان
۴۳۹	پل زدن برای
	رفع شکاف
۶۵۴	پلاک زمین
۹۴۲	پلك چشم
۲۰۹۱	پلو
۲۱۹	پلیس راهنمایی
۱۱	پماد
۹۲	پمپاژ کردن
۸۵۶	پناهگاه
۱۴۰	پناهندگان
۲۷۰۹	پنجره
۳۸۳	پنجه آهنین
۲۴۰۳	پنجه کشیدن

۹۰۶	ترور	۳۸۲	تخت دونفره	۶۷۰	تأیید گواهی
۲۳۲	ترور رسم	۹۵۸	تختخواب	۳۲۶	تأیید ومعرفی
۷۵۱	تریون	۳۳۸	تخفیف قیمتها	۴۶۳	تئاتر
۶۴	تسلیم شدن	۶۵۴	تخلیه	۹۲۶	تب جنگ
۳۹۹	تسویه حساب	۳۰۴	تخلیه زباله	۱۸۹	تبار
۲۶	تشریفات	۵۲۹	تخم ( مرغ )	۴۹۵	تبدیل شدن به
۷۹۱	تشعشع ز	۸۱۵	تخمک	آهک ، جمود	وگچ گرفتگی
۵۰۰	تصاویر	۴۸۹	تدارکات	۸۴۳	تبر
۱۶۴	تصرفات جنون	۳۳۶	تراز ماهیانه	۵۷۲	تبریک گفتن
آمیز		۲۸۴	تراکم ، فزونی	۶۷۵	تبعیت
۶۰۶	تصنع	۲۵۲	تراکم ترافیک	۸۸۱	تپانچه
۳۳۹	تصویب کردن	۳۲۱	ترتیب نمرات	۹۳۶	تپه ، بلندی
۶۷۴ ،	تصویر	۳۳۱	ترخیص از	۳۰۸	تجاهل
رونوشت		گمرک		۵۸۵	تجاوز
۵۰۰	تصویر مبتذل	۳۱۷	ترسو	۴۸۱	تجاوز به زنان
۱۰۱	تضمین تعهدات	۶۱	ترسیم کردن	۹۴۶	تجزیه شدن
۷۳۵	نظا هرکنندگان	۱۵۲۶	ترش	۸۱۱	تجزیه وتحلیل
۱۶۸	تعادل	۸۷۷	ترفع درجه	۱۰۱۲	تجمع
۲۸۱	تعديل	۴۶۲	ترك تحصیل	۷۳۳	تحت پیگرد
۱۴۲ ،	تعديلها	۳۱۵	ترك خوردگی	۸۶۴	تحت فرماندهی
دستکاری ها		۴۶۶	ترکش ( برای )	۷۰۲	تحقیق
۷۴۷	تعرض به قانون	خمپاره )		۳۸۵	تحول
۴۸۱	تعرض جنسی	۱۵	ترکی کردن	۳۴۶	تحول کیفی
۲۵۷	تعصب	۷۸۸	ترکیب خاک	۶۸۱	تحویل شکایات
۱۴۶	تعویق کار	۲۵۴	ترمز		



۱۰۳	توصیف کردن
۱	توطئه
۲۳۸	توقف دوبله
۱۸۶۷	توله
۴۱۳	تولید
۳۴۷	تولید ناخالص
	ملی
۵۱۵	تیر روزنامه ها
۵۷۸-۱۰۲۱	تیر اندازی
۸۷۶	تیر خلاص
۹۱۴	تیر وکمان (قلوه
	سنگ )
۱۰۳۱	تیم میزبان
۳۹۸	ثروتمندان
۱۹۱	جاده اصلی
۷۴	جاده صاف
	وهموار
۳۳۲	جاده کمربندی
۲۶۰۶	جار و جنجال
۲۱۵	جاری
۲۲۶	جاری شدن
۳۸۲	جالباسی
۱۰۰۸	جام
۱۰۳۵	جام جهانی
۶۸۰	جایگزین کردن

۳۱۴	تلفنهای ضروری
۱۸۱	تلگرام
۸۹۸	تله انفجاری
۴۶۸	تلویزیون
۱۰۱۲	تماشاگر
۲۵۶	تمايلات
۲۳۱	تمبر پستی
۴۴۹	تمبر یادبود
۹۳۵	تمرکز ارتش
۶۶۵	تمرکز زدائی
۸۹۳	تند روی
۹۵۴	تنگ نفسی
۱۹۳	تنگنا
۵۸۱	تنگی
۱۰۳۵	تنیس
۳۰۱	تهدید
۲۶۷	تهی کردن
۸۶۷	توپ
۶۴۳	توتون
۶	توجیه کردن
۸۰۷	توده
۴۵۱	توده دانش
	آموزی
۳۷۷	تورم
۴۲۰	توسعه

۲۷۳	تعیین سرنوشت
۱۶۸۱	تف
۱۴۵۴	تف کردن
۱۱۲	تفسیر
۸۸۹	تفنگ
۳۵۶	تقلب
۱۶۹	تقویت و ترسیخ
	روابط
۵۱۹	تقویت روابط
۸۸۸	تك نظامی
۷۰	تکان خوردن
۲۷۲	تكذیب
	وتضعیف
۵۲۰	تکمیل کردن
	اعطای کامل
	حق
۶۴۴	تكسین
۷۶۳	تكنولوژی
۶۴۴	تكنولوژيك
۴۵۴	تكیه زدن
۴۰	تلاش
۸۱۱	تلسكوپ
۸۰۹	تلفن مرکزی
۸۶۱	تلفن همراه
	(موبایل)

جایگزین شدن	۶۰۶	جناح مخالف	۴۷۹	اولویتها	
جبران خسارت	۳۹۷	جنازه	۱۸۶	چارچوب	۷۴۲
جدال و مناقشه	۵۶۶	جنبه های مثبت	۹۷	مناقشه	
جدول فعالیتهاى روزانه	۸۳۳	جنگال تبلیغاتی	۷۲۳	چاشت	۳۷۶
جدی گرفتن	۲۲	جنگ روانی	۹۰۳	صبحگاهی	
جراحی سطحی	۹۵۹	جنگ وکشتار	۹۲۰	چاقو	۲۵۰
جریان برق	۸۰۹	جنگل	۲۶۴	چاقی	۹۳۷
جریمه دیرکرد	۶۶۱	جنگل حفاظت شده	۸۳۲	چاله	۲۰۶۰-
جزئی وکلی	۱۲۴	جنون جوانی	۹۸۹	چاه	۲۷۵۹
جست و خیز	۶۰۹	جهان سومى	۵۹۴	چپ	۲۱۳۱
جشن عروسی	۲۵۴۷	جهانگرایی	۵۹۵	چپ	۱۹۵۵
جشن فارغ التحصیلی	۷۶۸	جو	۲۰۰۲	چگرا	۹۱۰
جعبه	۶۳۸	جوالدوز	۲۰۵۶	چتربازان	۸۹۶،
جغد	۲۴۵۴	جوان	۲۲۱۶	نیروهای هوای	نوابرد
جفت گیری	۶۰۱	جوانب سخن	۴۷۲	چراغ	۱۹۰۵
جلب اطمینان	۳۸۴	جوانه	۵۲۵	چراغ سبز	۹۶
جلب توجه	۴۹۷	جوجه	۲۱۶۹	چربی ، چاقی	۵۶۹
جلوگیری	۱	جوك	۳۰۷	چرخ	۱۸۹۷
جلوگیری کردن	۶۱۷	جوهر ، مرکب	۴۴۳	چرخدار	۹۲۷
جلوه گری	۵۸۸	جوى	۱۴۷۲	چرخه	۲۶۳۶
جمع بندی	۶۰۲	جیب بر	۹۲۷	چرك	۲۰۷
جناب رئیس	۵۴۵	جیوه	۲۵۵۱	چشم پوشیدن	۷۵۰
جمهور		چارپایان	۲۲۶	چشم گیر	۳۶۹
		چارچوب	۴۳۲	چغندر قند	۴۰۰
				چك	۳۷۵



۲۱۴،	خاکستر
	سوزاندن مردگان
۵۱۸	خالکوبی
۱۸۶۱	خالی
۸۵۹	خالی کردن
۶۶۹	خالی ماندن
۵۷۰	خانم
۱۸۶	خانواده
۶۳۱،	خبرچینی
	و جمع آوری
	وارائه اطلاعات
۹۹۷	خدمات درمانی
۸۹۷	خدمت وظیفه
۲۳۲	خرابکار
۸۸۴	خرابکاری
۶۸۳	خرابیها
۲۱۹۹	خرچنگ
۴۰۱	خرده (فروشی)
۳۷۹	خرده فروش
۲۰۸-۲۰۴۱	خرس
۱۳۳۲	خروس
۶۸۶	خرید خدمت
۷۶۶	خسارت سنگین
۱۴۵۸	خستگی
۸۵۹	خشاب فشنگ

۵۵۹	حزن انکیز
۶۹۵	حسابداری
۲۴۲	حصار دیواری
۸۳۲	حفاظت شده
۹۱	حفظ آرامش
۱۰۳۲	حفظ مقام اول
۲۶۱	حق العمل کاری
۷۰۸	حق پاسخگوئی
۲۱۷	حقه باز
۶۸۵	حقوق پایه
۶۵۷	حقوق و دستمزد
۵۴۲	حل و فصل امور
۸۵۶	حمایت
	و محافظت
۲۷۹	حمل کردن
۶۲	حملات طائفه ای
۸۴۵	حملات نظامی
۹۰۴	حمله هوایی
۲۵۲	حومه جنوبی
۷۷۹	حیات هوشمند
۲۱۷	حیله گر
۱۴۶۸	خار
۵۵۹	خاطرات
۱۷۸۹	خاکستر

۲۲۱	چکمه
۶۳۸	چننه
۳۲۷	چند جانبه
۲۸۰	چنگ زدن به
	فرصت
۲۱۸۴-	چنگال
۲۵۳۱	
۳۵۱	چهار زانو
	نشستن ، تکیه
	زدن
۳۸۲	چهار شعله
۱۴۵۰-	چوب
۲۴۰۷	
۲۱۲۹	چوپان
۲۲۸	حادثه رانندگی
۷۷۸	حافظه
۷۷۱	حافظه بیولوژیک
۷۷۸	حافظه کامپیوتر
۹۸	حالت فوق
	العاده
۸۳۸	حبوبات
۴۰۴	حجم پرداختها
۲۳۰	حرص و ولع
۱۹۳	حرکت دادن امر
	ساکن

خشك	۱۸۴۶-	گارانتي		کردن از صحنه	
۲۴۷۹		داروخانه كشيک	۹۷۰	در دست اجرا،	۴۸۹
خشم	۳۷	داغ	۲۲۲	در حال انجام	
خصوصی سازی	۵۵۰	داغ گذاشتن	۱۳۰۱	در شرف پایان	۵۱۷
خط تلفن	۷۷۶	دام	۲۵۷	در کام بردن	۸۱۳
خط میانی	۱۰۲۲	داماد	۹۹۸-۲۰۳۶	در کمین نشستن	۵۸۲
خطوط داخلی	۷۸۷	دامپزشك	۱۷۲۳	در گیرودار	۵۳۴
خفگی	۹۵۱	دامن	۴۹۱	در لاک فرورفتن	۱۳۱
خلاصه کردن	۶۵۰	دامن زدن،	۱۲۲	در معرض وزش	۶۳۰
خلوص	۱۰۰۳	دامنه گفتگو	۸	باد	
خمیازه کشیدن	۵۳۱	دانه کوچک	۵۳۶	در نطفه خفه	۶۳۳
خواب	۲۲۱۴	داور	۱۰۱۳	کردن	
خواربار	۳۱۴	داوری	۷۱۱	در نهایت	۸۴۵
خواستگاری	۲۰۳	دایره	۲۲۶۴	آمادگی	
خوب	۱۹۴۴	دبیر انجمن	۴۳۹	در نوسان بودن	۶۴۱
خودداری	۷۴۸	دبیر کل سازمان	۵۹۴	درآمد	۳۴۱
خودکشی	۱۹۷	ملل		درآمد روزانه	۶۹۷
خورجین	۱۹۵۳	دبیرخانه	۷۴۹	درج نمودن	۵۰
خوردگی	۱۰۰	دخالت آشکار	۸۶۳	درختکاری	۸۳۷
خوش آمد گویی	۴۵۵	در آستانه	۵۱۷	درخشش	۸۱۲
خون ریزی	۱۰۰۰	در امان ماندن	۸۵۶	دردناك	۹۶۶
خیابان دو طرفه	۳۱۲	در برگرفتن ، دور	۲۹۰	در شرف پایان	۵۱۷
خیزش گازی	۷۹۹	زدن		درگذشت	۱۸۱
دادگاه	۷۱۲	در حاشیه قرار	۵۱۲	درگیر شدن	۳۱۹
دارای ضمانت ،	۸۰۹	دادن ، بیرون		در مانگاه	۵۷۶



سکه	
دو نفره	۳۸۲
دوچرخه سوار	۱۰۴۰
دود	۱۸۹۰
دور اول	۱۵۰
دور زدن	۲۸۹
دور ماندن	۱۲۰
دور نگهداشتن	۴۸۴
افکار عمومی	
دور، گردش	۱۰۳۷
دوربرد	۹۱۸
دوربین عکاسی	۱۳۷
دوره آموزشی	۶۷۶
دوره گرد	۳۳۰
دوش، پشت	۲۸۷
دوقلو	۹۴۰
دوك نخ ريسى	۱۹۳۴-
	۲۵۵۷-۱۴۸
دوگانگی	۹۴۱
شخصیت	
دوگانه	۹۴۱
دویدن	۲۴۵۷
دیدار	۱۴۱
دیدار رفت	۲۸
و برگشت	

دستگاه	۷۶۷
دستگاه امنیتی	۸۵۰
دستگیری	۲۵۱
دستمزد پائین	۳۴۴
دستور کار	۵۰
دفتر استاندارد	۳۹۷
دفتر اسناد	۷۳۶
رسمی	
دقت نظر	۱۴۷
دکمه	۷۸۶
دگرگونی	۵۴
دلال ازدواج	۲۶۱
دلالتی، حق	۲۶۱
العمل کاری	
دلایل فنی	۴۴۵
دم	۱۹۱۰
دم در	۲۷۹
دموکراسی	۵۱۶
دندان	۲۲۶۵
دندان بهم	۵۹۲
ساییدن	
دهان	۲۱۶۶-
	۲۲۷۲
دهه جاری	۷۷
دو روی يك	۵۹۶

درنده	۱۷۲۹
درنده خوئی	۴۶۵
درنگ	۵۵۷
دروازه	۱۰۲۲
دروازه ورودی	۸۳۹
شهر	
درو	۵۴۵
دروغ سنج	۸۰۸
دریافت	۷۲۲
احضاریه	
دریافت کردن	۱۸۱
دریافتها	۴۲۸
دریغ کردن	۳۲۲
دزد	۱۸۰۸
دزدی دریائی	۴۹۰
دژبان	۸۸۳
دست برداشتن	۴۸
دست بسته	۱۳۳
دست پرورده	۵۹
دست خالی	۶۳۸
دست کشیدن از	۲۵۸
کار	
دستبند	۲۴۶۰
دسترسی	۱۶۶
دستکش	۹۹۱

۴۷۹	رسانه های گروهی	۲۸۹	راه و ترابری	۵۱۶	دیدگاه
۹۶۱	رستوران	۱۸۷	راههای فاضلاب	۲۰۹	دیدگاه غیر
۶۸۷	رسمی قطعی	۲۰۲	راوی		محترمانه
۲۲۵۲	رشته ها	۶۷۳	رای دادن		و تحقیر آمیز
۳۰۹	رشد	۷۵۶	رای گیری	۲۱۸	دیس غذا
۴۱۹	رشد ، گسترش	۸۷۸	رئیس ستاد	۴۹۰	دیسکت
۷۸۲	رصد کردن		ارتش		کامپیوتر
۱۹۵۷	رطوبت	۶۵۵	رئیس شورای محل (کد خدا )	۲۲۲۱	دیگ
۴۳	رعایت احتیاط	۷۹۲	راه اندازی	۵۹۱	دیو جهل
۳۱۵	رعب و وحشت	۸۷۳	راهکار	۲۱۶۰	دیوار
۲۸۵	رفع بیکاری	۶۲۰	رایزنی فرهنگی	۲۰۱	دیوار حمال
۵۸	رفع ناهمواریها	۶۲۱	ربایش	۶۴۶	دیوان محاسبات
۲۳۴۰	رفیق	۳۸	رتق و فتق امور	۱۳۰۷	دیوانه
۱۰۲۶	رقابت	۵۴۱	رحل اقامت	۳۳۷	ذخیره
۲۵۹	رکورد جدید		افکندن	۸۳۸	ذخیره سازی
۱۰۱۸	رکورد جهانی	۵۱۵	رخداد	۱۴۲۱	ذرع
۵۶۳	رنجش	۵۱۵	رخدادهای فرهنگی	۲۰۹۰	ذلت
۷۴	رهائی		رخنه	۲۶۰۵	رئیس کولیاها
۲	روابط	۲۱	رخنه ، ورود غیر	۲	راجع ، مربوط
۸۶۲-۱۷۵۰	روباه	۸۸۲	مجاز	۹۷۵	رادیوگرافی
۲۷۶	روپوش کابل	۸۶۵	رخنه کردن	۱۹۵۵	راست
	برق	۶۸۵	رده شغلی	۱۲۳	راستگرا
۲۶۵۲	روده ها	۳۵۱	رده های بالا	۱۴۸۵-	راه
۵۴	روز افزون			۱۶۷۶	
				۲۴۲	راه پله



۵۶۰	زیکزاک رفتن
۲۷۲۰	زین
۸۲۴	ژئوفیزیک
۸۶۰	ژاندارمری
۷۷۱	ژن
۲۳۱	ژولیده موی
۵۷۴	ساختار، ترکیب
۶۰۶	ساختگی
۱۴۲۳	ساربان
۷۶	سازش
۲۱۵	سازگاری
۴۳۵	سازگاری با محیط
۲۳۹	سازمان، اداره
۶۷۲	سازمان آب
۶۷۷	سازمان تأمین اجتماعی
۳۹۳	سازمان عمران
۱۵۲	سازمان ملل متحد
۷۵۲	سازماندهی
۱۱۹	سازندگی
۱۹۵	ساک، چمدان
۱۸۳	سالن
۵۶	سایه گستردن

۱۷۵۴	زرنگی
۸۹۸	زرهی کردن
۱۹۳۸	زغال
۲۶۱۰	زغال سیاه
۸۳۳	زمانبندی
۸۲۴	زمین لرزه
۴۷۴	زن دانا
	(پیشگو)
۱۴۲۲-	زنبور
۱۶۵۸	
۲۲۴	زنجیر چرخ
۶۹۹	زندادان ابد
۷۰۲	زندادان دراز مدت
۱۷۶	زندگی ماشینی
۶۳۳	زنده بگور کردن
۷۷۳	زنده وپویا
۲۲۲۸	زنگ
۲۷۵۰	زود
۱۱۴	زورگویانه
۲۱۸	زولبیا
۶۴	زیر بار
۲۵۹۰	زیر بغل
۹۰۵	زیر دریائی
۲۷۸	زیر ورو شدن
۵۶۰	زیکزاک

۲۵۱	روزمره
۲۴۴	روزنامه نگاران
۸۳۴	روستائی
۸۴۴	روش آبیاری
	قطره ای
۵۸۵	روشدن
۵۴۹	روشنفکران
۴۱	روشها
۲۰۶۸	روغن
۴۵۸	روماتیزم
۵۵	روند
۶۷۹	روند کلی
۷۸	روند مذاکرات
۲۳۵	ریختن
۶۳۲	ریزش
۳۱۹	ریسک
۴۹۹	ریش
۸۲۴	ریشتر
۳	زایل شدن
۵۹۷	زایمان
۱۹۲	زباله
۲۴۲۶	زباله دانی
۱۱۶	زحمت
۵۲	زدودن
۵۲۹	زرده تخم مرغ

سبد	۵۶۸	سربازگیری	۱۲۹۳	سرود ملی	۲۷۷
سبزیجات	۳۷۹	سربالائی	۵۴۱	سریال	۵۰۰
سپری کردن	۴۷۶-۴۹۱	سرپنجه	۸۸۳	سریال	۵۰۰
ستاد ارتش	۸۷۸	سرپوش	۲۰۹	تلویزیونی	
ستاره دنباله دار	۷۸۰	سرپوش	۸۲۹	سزار	۵۹۷-۶۱۵
ستاره شدن ،	۵۰۴	پلاستیکی		سزارین	۵۹۷
کسب شهرت		سرپوش	۲۱۲۵	سست ، توخالی	۱۶۲
ستون	۸۹۱	گذاشتن		سطح	۲۵۷۷
ستون یاد بود	۵۰۷	سرچشمه	۸۹۹	سطل بی دسته	۱۵۱۴
مقام مادر		سرخوردگی	۹۴۴	سفره	۳۶۴
ستون یادبود	۵۰۷	سرد کردن	۱۷۹	سفید کردن	۹۳۹
سحری خوردن	۴۶۱	سردرد	۹۶۵	پوست	
سخت ، شدید	۹۱۲	سردرگمی	۸۷۲-۱۴۴۷	سفینه	۷۸۸
سخنگو	۵۰۸	سرزنش	۲۹۴	سفینه فضائی	۷۶۵
سرانگشت	۱۲۴	سرزنش را متوجه	۱۹۰۴-	سقط جنین	۹۴۳
سر بزیر	۲۴۶	کسی دانستن	۲۱۹۳	سقوط ، انهدام	۸۲۷
سر جمع بودجه	۶۹	سرکه	۱۵۲	سکوتر	۷۰۰
سر لوحه	۳۱۸	سرکوبگرانه	۴۸	سگه ، ارز ، پول	۵۹۶
سرنخ	۷۱۵	سرگرم کننده	۲۹۵	سکوت	۲۵۸۸
سرازیر شدن	۱۲۹۳	سرگرمی	۵۴۰	سگ هار	۷۲۹
سرازیری	۵۰۲	سرلوحه	۱۸۰۴	سلاحهای	۸۹۰
سراسقف	۵۳۸	سرما زده	۱۰۴۸	شیمیائی	
سرافکنده	۲۴۶	سرمایه	۳۵۰	سلام	۵۴۴
سرانجام	۱۱۷	سرمایه گذاری	۴۱۲	صبحگاهی	
سرباز گمنام	۱۳۶	سرنوشت	۲۸۸	سلام نظامی	۸۷۸



۶۲۰	شب شعر
۱۴۷۱	شبکه فاضلاب
۲۷۵۴	شتر
۶۸۳	شتربان
۲۷۰	شخصیتهای
	بانفوذ
۶۶	شرط بندی
۴۲۳	شرکت تعاونی
	مصرف
۳۴۰	شرکت سهامی
۱۹۹۴	شرم آور
۲۲۷	شعله کوچک
۵۷-۲۲۷۹	شعله ور ساختن
۸۶۲	شغال
۳۶۷	شکاف
۶۶۶	شکایات
	نمایندگان
۶۸۱	شکایت
۱۵۹	شکست
۹۹۳	شکستگی
	استخوان
۸۶۶	شکستن رکورد
۱۰۱۹	شکستن
	محاصره
۵۳۴	شکسته شدن یخ

۲۱۸۴	سوبسید
۳۴۳	سوپ
۴۷۰	سوپاپ
	اطمینان
۱۳۵۱	سوتک
۲۰۵۶	سوراخ سوزن
۱۷۳۳	سوزن
۸۸۷	سوسک
۴۳۴	سوق یافتن
۱۷۳	سوگواری
۱۴۰۳	سی سی یو
۹۸۲	سیر
۱۵۱۹	سیر حوادث
۴۳۶	سیراب
۳۹۵	سیستم بازرگانی
۸۴۰	سیگار پیچی
۴۳۷	سیل آسا
۸۳۸-۲۷۵۷	سیلو
۸۹	سیلی، ضربه
۶۳۴	سیمهای تار
۳۲۵	شاخص
۱۴۰۲	شاخص فقر
۲۳۲۴	شاخ
۴۰۲	شاشیدن شتر
۱۴۷	شایسته دقت

۴۷۵	سلطه نظامی
۹۰۱	سلول
۴۶۳	سن تئاتر
۱۵۷۵	سند
۱۶۵	سندان
۱۵۳۴	سندیکا
۸۶۵	سنگ
۸۲۱	سنگ آسمانی
۳۳۲	سنگ بنا
۲۷۶۵	سنگ کسی را به
	سینه زدن
۲۶۱۰	سنگ گداخته
۵۰۶-۵۸۹	سنگ مرمر
۵۸۹	سنگر گرفتن
۵۵۴	سنگرها
۷۷۵	سنگهای
	استالاکتیت
	(آویزه ها)
۴۶۴	سنی کردن
۳۰	سهم
۵۴۰	سهم شیر
	(اولویت اول)
۱۲۲	سهمیه
۳۳۵	سوء استفاده
۴۵۵	سوارکاران

۳۷۶	صيد کردن	۱۵۴۷	شیپور		ها
۸۶۷	ضد تانک	۱۸۸۷	شیر	۸۱۷	شکل گیری
۷۷۴	ضد زلزله	۲۰۷۷	شیر فروش	۳۵	شکوه
۲۳۴	ضد زنگ	۹۶۷-۱۴۵۱	شیرده	۱۲۷۴	شگرد
۸۷۵	ضد شورش	۱۹۷	شیرینی	۳۰۷	شلغم
۹۷۹	ضد عفونی کردن	۲۱۸-۲۸۲۹	شیرینی فروشی	۱۸۷	شلنگ آب
	(استرلیزاسیون)	۵۵۵	شیشه	۸۷۶	شلیک کردن
۱۰۲۰	ضربه	۵۷۲	شیطان	۸۰۴	شمارش
۸۱	ضربه پذیر	۴۶۴	شیعه کردن		معکوس
۱۰۳۰	ضربه پناستی	۲۳۸۱	شیمیائی	۲۳۹	شماره گذاری
۱۰۴۲	ضربه سر (هد)	۷۹۱	شبه کشیدن		اتومبیل
۱۰۲۹	ضربه فنی	۹۸۷	شیوع	۶۹۳-۲۱۶۸	شناسنامه
۱۰۳۸	ضربه مشت	۸۶	صداقت	۱۰۱۹	شناگر
۶۶۳	ضمیمه کردن	۶۳۶	صدای آب	۵۵۶	شنزار روان
۶۱۴	طائفه	۳۸۳	صدر	۹۲۹	شنود ، استراق
۳۰۲	طبقات مردم	۶۵۹	صدور پروانه کار		سمع
۱۲۰	طبقه عمده	۷۴۹	صرف نظر کردن	۷۷۹	شهاب سنگ
۲۱۳	طبقه ها ، کشوها	۱۰۶	صعوبات ، موانع	۴۱۸	شهربانی
۹۱۱	طبل زدن	۱۰۶۴	صف کشیدن	۴۴	شهروندان
۲۴۱	طراحی مد لباس	۸۷۵	صفوف	۲۹۵	شوخی
۸۹	طرح		مستحکم	۱۲۸	شورای امنیت
۴۱۲	طرح توسعه	۲۲۷	صنعتگران	۱۲۷	شورش ، هرج
۱۵۷۰	طرد جناح	۴۷۹	صوتی		و مرج
	مخالف		و تصویری	۹۶۶	شوک
۱۵۱-۲۵۳۹	طلا	۷۰۶	صورت جلسه	۲۶۵۵	شوک الکتریکی



۱۰۱۱	غوره
۵۵۹	غوطه ور ساختن
۳۱۹	غوطه ور شدن
۱۱۴	غول ، عظیم
	الجبّه
۵۰۰	غیر اخلاقی
۱۰۳۱	غیر منتظره
۷۶۸	فارغ التحصیل
	لیسانسه
۶۰۵	فاسد کردن
۸۱	فاشیستی
۱۳۱	فاصله
۲۲۶	فاضلاب
۲۵۹۹	فاکتور
۵۷۵	فالگیری
۳۹۹	فتنه گری
۵۱	فرا خوانی
۴۶۲	فرار
۶۰۴	فراری دادن
۷۲۵	فراغ ، نقص
۸۰۱	فرد گرایی
۷۵۷	فرسایش
۱۰۰	فرستادن
۷۵۷	فرسودگی
	خوردگی

۸۱۱	عکسبرداری
۱۷۰۲	علائم راهنمایی
	وراندگی
۱۰۶۳	علف
۶۴۹	علوم
	آزمایشگاهی
۳۷۹	عمده فروش
۳۹۴	عمران
۵۹۷	عمل
۶۹۵	عنایت ، توجه
۸۶۶	عنصر وابسته
۳۸۸	عوارض
۶۶۱	عوارض
	شهرداری
۷۲	عوارض گمرکی
	متقابل
۷۱	عوامل
۱۰۳۳	غار
۶۴۱	غافلگیر کردن
۶۰۰	غریبگرایی
۲۳۹۸	غریب کردن
۱۶۹۵	غریق
۶۰۰	غسالخانه
۱۰۶۱	غلثک
۱۳۴۳	غواصی

۲۲۳۲	طناب
۱۳۷۷	طناب لنگر
۷۹۸	توفان
۷۴۴	ظاهر شدن ،
	حضور یافتن
۱۵۰	عاقبت
۲۶۵	عالی
۸۵۲	عبور و مرور
۲۰۸۲	عجایب هفتگانه
۴۴۶	عدس
۳۹	عدم تعهد
۹۳۲	عرض اندام
۱۸۴۲	عرضه و تقاضا
۳۸۹	عروس
۲۷۵	عروس و داماد
۲۶۰۷	عروسک
۲۰۸	عروسی
۲۵۵	عسلی ، لذیذ
۱۷۸۴	عشوه گری
۵۵۱	عصا
۱۶۴	عصبی
۴۵۰	عطر آگین
۹۴۹	عقب افتاده
۴۷۸	عقل گرایی
۲۳۳	عکاسی

فرش	۷۳	فعاليتهاى	۸۳۵	قالب شیرینی	۲۷۷
فرضیه تکامل	۸۱۷	مقدماتی		قالیچه	۳۸۲
فرهیختن	۴۳۸	فقید گرانقدر	۲۶۶	قانون با قید دو فوریت	۷۳۵
تربیت کردن		فلاش دوربین	۱۳۷	قانون جنگل	۲۶۴
فرو دادن	۵۲۸	فلج	۹۶۳	قانون عرضه	۳۸۹
فرو نشانیدن	۱۷۹	فلج اطفال	۹۶۴	وتقاضا	
فروپاشی	۴۸۶	فلج شدن	۳۷۰	قانونمند کردن	۵۰۹
فروشنده دوره	۳۳۰	فخر	۵۶۱	قایم موشک	۱۰۱۴
گرد		فوتبال	۱۰۱۳	قدر قدرتی	۱۳۲
فروکش کردن	۴۳۳	فوری	۱۰۴	قدرت خرید	۱۴۸۵
فرونشستن	۶۳۹	فوق العاده	۶۸۵	قدم	۳۹۲
فرب خورده	۲۰۰	(حقوق)		قرار دادن	۵۴۱
فساد	۲۱۱	فوق العاده تورم	۶۹۰	(افکندن)	
فسخ قرارداد	۷۳۸	فوق لیسانس	۵۲۱	قرارداد	۱۴۲
فسیل	۷۷۹-۱۹۶۷	فیلمهای	۶۰۸	قراردادن کاری	۱۸
فشار	۹۳	سحرانگیز		در سرلوحه	
فشار آوردن	۷۸۶	قابل اعتماد	۸۹۳	اعمال	
فشار خون	۹۷۱	قابل توجه	۷۷۰	قربانی	.
فشار دادن	۸۷۹	قابل فروش	۲۰۶۳	قرص نان	۳۵۴
فشنگ	۳۲۲	قابلمه	۳۸۲	قرعه کشی	۶۸۹
فضا پیم	۷۸۴	قاچاق کردن	۳۵۹	قسمت بیرونی	۳۱۸
فضای باز	۸۵۹	قارچ	۲۲۲۱	قشلاق	۵۵۳
فضای مناسب	۱۶۰	قاشق	۱۵۹۶	قطع جریان برق	۸۰۹
فعاليتهاى	۷۶۰	قاطر	۲۶۸	قطع کردن	۱۷۸
آشفشانی		قافله جهانی	۴۵۶		



۸۲۸	کتابداری	وقت	۸۰۶	قطعات یدکی
.	کج	کاستن	۶۱۹	قطعنامه
۶۱۸	کچل	کاسته شدن	۹۵۳	قلب مصنوعی
۷۸۵	کد گذاری	کاسته شدن	۴۶	قلمداد کردن
.	کگر وقر	تابش ماه	۱۰۱۰	قهرمانی
۵۷۷	کمرکس ، لاشخور	کاشت مغز	۵۲۸-۸۹۰	قور باغه
۲۱۷۸	کرم	استخوان	۵۲۸	قورت دادن
۵۷۷	کره خر	کاشتن	۷۷۶	کابل نوری
۳۴۲	کسب درآمد	کالا	۴۲۱	کابلهای تلفن
۵۰۴	کسب شهرت	کامل	۸۷۰	کاپوت اتوموبیل
۳۸۷	کسر بودجه	کامیون	۷۹۲	کاتالوگ
۹۵۶	کشت مو	کاناپه	۸۳۲	کاج
۲۲۶	کشتارگاه	کانالیزه	۸۹۴	کادر ، اکیپ
	کشتن	کاندیدای منفرد	۹۷۵	کادر پزشکی
۸۶۸	کشته	کاه	۶۴۰	کادر سازی ، احاطه
۶۲۲	کشکول	کاهش	۶۴۵	کار تشریفاتی
	کشمش	کاهش دما	۲	کار آمد
	کشو میز	کاهش فشار	۶۵۵	کارتهای
۸۳	کشورهای غیر	خون		الکترونیکی
	متعهد	کبر و غرور	۷۸۱	کارتون
۳۳۳	کشیدن چک	کبک	۹۳۸	کارخانه
۲۴	کشیده شدن	کبوتر	۴۲۷	کارخانه یخ
۱۲۸۰	کلاغ	کپسول	۸۰۴	کارشناس
۶۱۸	کلاه	کپسول گاز	۷۳۸	کارمند
۷۲۴	کلاه گیس	کت بسته ، مقید		

کلاهک اتمی	۹۳۴	کنار زدن	۵۶۲	کوهستانی	۸۲۲
کلوپ	۵۳۸	کناره گیری	۴۸۸	کیسه کشیدن	۹۸۶
کلیات پیشنهاد	۷۰۳	کنترل	۹۱	کیفیت بالا	۷۶۳
کلید	۶۹۱	کنترل کردن	۵۳۳	کینه توز	۳۹۴
کلیشه ای	۵۹۳	کتور آب	۳۸۸	گاز گرفتن	۵۹۲
کلیه ها	۹۹۶	کتور برق	۴۱۰	گاز مایع	۱۹۰
کم کردن	۴۳۰	کندی	۱۰	گام بزرگ	۱۴۴۵
کمد چهار	۳۸۲	کنسرو کردن	۵۹۳	گامهای عملی	۲۶۰
کشویی		کنش و واکنش	۲۶۹	گاو	۱۳۲۷
کمک مالی	۱۸۰	کنفرانس	۶۳	گپ زدن	۲۰۶
خیرات		کنکاش	۴۶۷	گج گرفتگی	۴۹۵
کمکهای اولیه	۹۵۹	کوبیدن (مواضع)	۸۶۸	گذاشتن ریش	۴۹۹
کمکهای غذایی	۱۵۲	دشمن		گذراندن	۹۵
کمونیستی	۱۴۹	کوبیدن ، آرد	۳۸۱	گذشت سالیان	۴۷۳
کمیته	۷۴۴	کردن		گرافیک	۲۳۳
کمیته ترافیک	۱۷۵	کوتاهی	۹۹۰	گرانقدر	۲۶۶
کمیته فنی	۱۰۴۰	کوتاه فکرانه	۱۶۴	گرایش به فرانسه	۶۰۴
کمیته مقدماتی	۶۴۷	کوتوله	۴۹۳	گرد و غبار	۱۱۸
کمیته نظارت	۶۶۴	کوچ کردن	۵۵۳	گرداب	۹۰۳
کمیساریای	۱۴۰	کوچه های محله	۳۵۵	گرداندن	۴۵۳
عالی پناهندگان		کود	۸۳۵	گردباد	۵۵۸
کمیسیون	۶۹۴	کورتاژ	۴۴۱	گردش کار	۳۴۵
کمیسیون اقتصاد	۳۳۹	کورنر	۱۰۲۰	گردش خون	۹۵۳
کمیسیونهای	۶۹۴	کوره	۱۹۲	گردن	۵۴۹
مجلس		کوزه	۶۱۲	گردنبند	۴۹۱



۷۲۷	لاك قرمز
۴۱۷	لاك ومهر شده
۳۱۲	لامپ كشی وروشنائی
۵۹۱	لانه
۵۹۰	لانه گزیدن
۳۶۸	لايحه
۱۰۷	لايحه بودجه
۷۶۲	لايه اوزون
۷۶۰	لايه يخی
۸۵۳	لشكر كشی
۳۰۷	لطيفه
۱۳۵۷	لغو كارت بیمه
۶۷۸	لنگ
۲۳۶	لنگه در
۲۲۱	له شدن
۸۰۸	لورفتن دروغ
۸۴۰	لوازم
۳۸۲	لوستر
۴۰۸	لوکس
۲۷۶	لوله
۱۸۷	لوله آب
۳۱۴	لیست
۶۹۶	لیستهای نامزدهای

۱۷	گفتگوی
	تلویزیونی
۶۳۵	گل
۱۵۶	گل (دربازی فوتبال)
۱۱۰	گل آلود کردن
۱۰۴۷	گل زن
۹۹۳	گلبولهای قرمز
	خون
۱۳۴۹	گلیم
۱۶۵۳	گناهکار
۸۳۸	گنجایش
۲۰۰۲	گنجشك
۱۳۰۳	گندم
۸۳۸	گنگ
۶۶۰	گواهینامه
	پزشکی
۵۴۷-۱۳۲۷	گودال
۵۴۷	گوساله
۵۴۷	گوسفند
۵۰۵	گوش شنوا
۴۹۱	گوشواره
۴۵۳	گونه چپ
۵۲۲	گوه
۴۸۲	لاك

۸۰۵	گردو
۴۹۶	گردونه
۴۶۵	گرفتار شدن
۵۳۳	گرفتن نبض (بیمار)
۹۴۸	گرفتن نوار
	مغزی
۴۴۲	گروه
۵۴۸	گروه انبوه
۹۰	گروه بندی
۶۵۸	گروه و پایه
۸۶۲	گروهان
۶۵۸	گروههای شغلی و دستمزدها
۵۴۹	گریبانگیر
۷۵۶	گزینش نماینده
۸۳۷	گسترده
۹۸۹	گسستگی
۸۰۴	گسل (شكاف)
	بین لایه های زمین)
۱۹۸	گشت زدن
۶۲۸	گشتن بدنبال
	فرصت
۸۷۱	گشتی

انتخابات		متراكم ، آکنده	۱۳۹	محکوم کردن	۲۲۷
مات کردن (در شطرنج)	۱۰۴۳	از حوادث		محلّه	۱۹۸
مارك	۳۹۱	مترصد فرصت	۲۸۰	محلّهای تجاری	۳۹۷
ماشه	۸۷۹	متصاعد شدن	۸۷۰	محموله	۶۶۸
ماشین نویسی	۶۷۶	متصدی کاری	۱۳	محموله پستی	۲۴۹
ماشینی	۱۷۵	شدن		محیط (زیست)	۸۱۹
ماکت ساختمان	۴۲۹	متّصف شدن	۵۱۶	مخازن آب	۷۶۹
مالیات	۳۷۸	متلاشی کردن	۱۲۶	مخفی ، نهان	۴۴۸
مالیات گمرکی	۳۹۰	متمرد	۷۲۶	مخفی شدن	۸۵۷
مالیاتها	۳۵۳	متهم	۷۱۷	مخفیانه	۸۶۰
مامائی	۷۶۸	متوسل شدن	۷۴۰	مد لباس	۲۴۱
ماندگار کردن ،	۴۵۰	مثال زدن	۵۶۴	مد نظر قرار دادن	۷۳۴
جاودان کردن		مثلت	۱۶	، بحساب آوردن	
مانع تراشی	۱۱۷	مجارى	۹۶۰	مد های لباس	۲۲۰
مانند کردن	۵۷۱	مجعد ، پیچ	۱۱۱	مدارك تحصیلی	۷۹۳
مانورها	۹۳۲	خورده		مدارك	۷۹۳
مانورهای آبی -	۸۴۷	مجموعه ،	۳۶۹	دانشگاهی	
خاکی		کلکسیون		مدارك مورد نیاز	۶۶۷
ماهواره	۴۵۲	مجهّز کردن	۷۸۷	مدال	۱۰۴۱
ماوراء بنفش	۷۶۲	محاصره	۸۵۷	مداوا کردن	۶۱۷
مبادله	۳۲۷	محال	۴۴۶	مدت اعتبار	۶۶۲
مبارزه	۱۰۴۵	محصولات	۷۶۶	مدت نامعلوم	۷۱۸
مبتنی بر تعصب	۲۵۶	کشاورزی		مدرنيسم	۱۸۸
مبذول داشتن	۱۷۹	محفّل شبانه	۶۲۰	مدل	۲۳۷
		محفوظ ماندن	۷۰۸	مدیر عامل بانک	۳۳۶



۷۰۵	مصونیت
۳۰۲	مطالبه
۳۹۰	معاف کردن
۷۲	معافیت گمرکی
۳۷۴	معامله
۹۵۲	معتاد به سیگار
۲۳۰	معتادان
۱۲۵	معتبر، قابل اجرا
۲۱۲	معضل اجتماعی
۱۰۰۴	مغز استخوان
۴۵۲	مغز الکترونیکی
۷۴۲	مقید شدن
۵۴۳	مکالمه
۸۴۲	مکانیزه کردن
۴۷۸	مکتب اصالت
	عقل
۵۵۷	مکت و درنگ
۲۱۷	مکر
۵۰۱	مکیدن، ارتزاق
۲۹۴	ملامت
۷۳۷	ممانعت
۹۳۳	ممتاز
۶۲۲	مملو
۵۰۰	مملو شدن
۸۶۱	ممنوع کردن

۷۹	مسامحه کردن
۳۹۸	مستمري
	بازنشستگی
۵۹۱	مسکن گزیدن
۸۷۱	مسلسل
۸۱۵	مشابه سازی
۲۴۵	مشابهت
۱۰۳۹	مشت زنی
۳۹۹	مشتریان
۲۹۸	مشروب
۱۴۹	مشروطه
	سلطنتی
۵۰۳	مشعل
۳۸۶	مشکل
	مصیبت
۳۶۵	مشکوک
۸۹۷	مشمولان
	خدمت وظیفه
۸۷۲	مشوش
	وسردرگم کردن
	،
۴۳۱	مصادره، تصرف
۴۲۲	مصرف
۳۶۴	مصرف داخلی
۹۶۹	مصنوعی

۴۲	مذکرات
۲۰۳	مراسم ازدواج
۴۵۰	مراسم
	بزرگداشت
۱۷۳	مراسم سوگواری
۴۸۷	مراسم مذهبی
۴۸۸	مراسم مذهبی
	روز یکشنبه
۲	مربوط
۲۷۴	مرتکب شدن
۲۱۰	مرثیه
۷۱	مرد
۲۶۰	مرد کار
۴۹۳	مرد یا زن پست
	، کوتوله
۸۹۰	مردان قورباغه
	ای
۷۸۳	مرکز ثبت زلزله
۱۲۱	مرگبار
۱۱	مرهم زخم
۴۹۴	مزار شهیدان
۳۵۷	مزایده
۱۰۰۹	مسابقه
۱۰۲۶	مسابقه شنا
۲۶۳	مسالمت آمیز

۳۳	ممنوعیت	۱۷۱	موضع	۴۵	ناکام ماندن
۳۴	ممنوعیت پرواز	۲۹۱	موضوع را جمع	۵۰۵	نالہ
۷۷۵	مناظر جالب		و جور کردن ،	۲۰۲	نامزد
۴۱۸	مناقصه		وفیصله دادن	۶۵	نامطلوب
۱۰۹	منحنی	۱۰۸	موفق شدن	۹۷	ناهمواری
۷۰۷	منزلت	۲۴۵۱	موقعیت		دست انداز
۷۰۰	منشی	۹۴۶	مومیائی کردن	۹۱۶	ناوچه
۸۵۲	منع رفت و آمد	۱۰۴۰	میان وزن	۹۹۱	نایلون
۲۳۴	منعکس کننده	۱۸۲	میانگین	۴۲۴	نبرد بی امان
۹۲۵	منهدم کردن	۹۶۱	میخکوب کردن	۸۵	نخست وزیر
۵۷۹	مه	۷۸۸	میدان	۵۰۶	نخوت و تکبر
۸۰۶	مهار آتش		مغناطیسی	۳۰۹	نرخ رشد
۴۰۷	مهار تورم	۳۸۲	میز ناهار خوری	۳۲۹	نرخ سود سرمایه
۷۲۷	مهر و موم	۷۶۴	میش	۳۶۰-۲۰۶۱	نرخ گذاری
۸۲۶	مهندسی ژتیک	۹۱۶	مین	۷۵	نردبان
۴۹۱	مو	۹۱۶	مین یاب	۲۴۲	نرده
۱۶۸	موازنه قوا	۲۷۹	مینی بوس	۶۲۶	نرمی ناخنها
۲۹	موافقت مبدئی	۸۶۲	نابود کردن	۹۹۰	نزدیک بین
۱۰۶	موانع	۵۸۶	نابودی	۳۱۰	نزدیک شدن
۱۰۱۵	موتور سواری	۹۹۵	نابینا	۶۸۲	نسبت دادن
۱۰۱۵	موتور سیکلت		نادر و کم نظیر	۶۷۰	نسخه برابر اصل
۴۳۷	موج		بودن	۸۱۵	نسخه برداری
۷۵۷	موج شکن	۵۳۲	نارسائی قانونی	۹۲۸	نشان (فارسی)
۱۰۱۱	موزه	۷۶۲	نازک		الاصل)
۸۶۷	موشك	۵۴۳	ناشنوایان	۶۶۴	نظارت



۸۷۴	نیروی پیاده	۱۴۴	نمایندگی	۶۵۷	نظام پرداخت
۸۸۳	نیروی دژبان	۷۴۶	نماینده		حقوق
۸۷۱	نیروی گشتی	۸۳۹	نمود زیبا	۷۹۶	نظر خواهی
۲۵۱	هتك حرمت	۸۰۱	نمونه گیری	۹۹	نظر سنجی
۷۹۰	هدایت اتوموبیل	۴۹۰-۷۷۰	نهال	۲۴۸	نظم وانتظام
۵۷۸	هدف گیری	۴۹۰	نوار کاست	۵۵۹	نفس داغ
۶۰۷	هرج و مرج	۹۴۹	نوار مغزی	۸۶۶	نفوذ
۱۵۹،	هزیمت	۹۷۶	نوزاد	۸۵۷،	نفوذ کردن
	شکست		آزمایشگاهی		شکستن
۹۲۲	هشدار ، اعلام	۸۶۷	نوسازی		محاصره
	خطر	۶۷	نوسان	۷۸۱	نقاشی
۷۴۸	هشدار اجرائی	۶۰	نوسان ، تردد	۴۱۶	نقدینگی
۸۸۱	هفت تیر کشیدن	۳۶۱	نوسان پول	۲۷۲	نقش بر آب
۸۹۰	هلیکوپتر	۵۳۷	نوڪ پیکان		کردن
۴۹۸	همبستگی	۱۸۸،	نوگرانی	۲۰۵	نقش بر باد
۹۴۰	همزاد		مدرنسم	۸۵۸	نقض ، شکستن
۲۶۳	همزیستی	۹۹۹	نوه	۸۸،	نقطه صفر
۵۸۷	همگامی	۶۳۱	نوید دادن		نقطه آغاز
۴۱۵	هموار کردن	۸۲۳	نی	۸۶۴	نکات مبهم
۷۷۰	هموگلوبین	۴۰۹	نیاز داخلی	۶۲۴	نگهبان
۸۲۹	هندوانه	۳۴۴	نیاز مندیها	۲۹۸	نگهداری
۲۳۳	هنرمند تجسمی	۸۰۳	نیروگاه	۳۱۸	نما ، قسمت
۳۵۰	هنگفت	۳۵۹	نیروهای		بیرونی
۸۹۵	هواپیمای		شهربانی	۲۴۱	نمایش
	جاسوسی	۳۸۵	نیروی انسانی	۲۳۳	نمایشگاه

وقت گرفتن	۵۲۳
ویتامین	۸۰۵
ویراژ دادن ،	۵۶۰
حرکت زیکزاک	
یارانه	۳۴۳
یخ	۷۶۶
یخچال ۲۱ فوت	۳۸۲
یک بام و دو هوا	۱۳۸
یک دقیقه	۴۶۹
سکوت	
یک قسمت	۲۲۹
یک وجب از	۷۹
خاک میهن	
یکطرفه	۲۲۳
یگان	۵۵۳
یهودی کردن	۸۹۵
بیلاق	۵۱۳

وثیقه مالی	۷۱۰
وجهه اقتصادی	۳۸۰
وحشت	۵۶
وحشتناک	۴۵۷
وخامت	۵۴
ورشکستگی	۶۷۲
وزارت فرهنگ	۵۰۷
وارشاد	
وزنه برداری	۶۴۸
وسایل شنود	۷۸۴
وسیله نقلیه	۷۸۴
وسیله نقلیه ،	۲۵۳
گاری	
وضع	۶۷۹
وضع آشفته	۵۳۴
وضعیت	۹۸
اضطراری	
وعده های زیبا	۲۵۵

هواپیمای جت	۸۱۸
هواداری	۹۰
هواشناسی	۷۵۸
هوش	۱۰۰۶
هوشیاری	۴۳
هیأت اجرایی	۴۲۵
هیجان	۶۳۹
واحد پشتیبانی	۸۶۸
وارد کردن	۴۲۷
وارد کردن زیان	۹۱۵
واردات گوشت	۴۲۶
واریز پول	۴۲۵
واکسیناسیون	۹۷۹
واگن قطار ،	۲۵۴
گاری	
واگردار	۹۸۸
وام گرفتن	۳۴۶
وتو	۱۲۸





## فهرس الألفاظ العربية

٢٣١	أشعث الشعر
٨٨٨	الإصابة
٥٧٥	إصبع الفتنة
٦٧١	الإصلاح
٤٣٤	الأصولية
٢٤٤	الإضراب
٩٤	الإضفاء
٩٦	الأضواء الكاشفة
٥٨٤	أطراف الحديث
٢٢٣	إطلاق السراح
٥٩٨	الإعادة
٥٩٩	إعارة الأهمية
٦٨٣	الأعطال
٣٩٠	الإعفاء
٤٧٩	الإعلام
٣٩٤	الإعمار
٩١٠	الإفراج
٦٠٥	الإفساد

٥٠	الإدراج
٣٤٢	إدراج المدخول
٥٢	الإدلاء بالبيان
٥٣	الإدلاء بالرأى
٥٧	الإذكاء
٨٧٢	الإرباك
٣٥٢	الإرجاء
٦٦٣	الإرفاق
٨٧٨	أركان الجيش
٥٦٢	الإراحة
١٧٤	الأزمة
٢٢٠	الأزياء
١٠٠٨	الإستاد
٥١	الإستدعاء
٩٩٥	الإسعافات
	الضرورة
٥٢٢	الإسفين
٨٤	الإشعار

٧٥٨	أبحاث الجو
٧	الإبراق
١٧٢	الإبرة
٥٣٠	الإتراع
٧٠٢	الإثاء
٤٤١	الإجهاض
٩٤٣	الإجهاض
٨٥٠	الأجهزة الأمنية
٢٧	الأجواء
١٩٩	الإحالة
٩٤٤	الإحباط
٧٣٣	الأخذ بعين
	الاعتبار
٦٩٣	إخراج قيد
٤٥	الإخفاق
٦٥٣	الإخلاء
٤٥٣	الإدارة
٢٠٥	أدراج الرياح



٩١٩	الاستماتة
٨١٥	الاستنساخ
٩٣٠	الاستنفار
٣١١	الاستنهاض
٤٢٢	الاستهلاك
٢٢٥	الاستياء
٤٢٦	الاستيراد
١٧٠	الاستيطان
٢٣٤	اشارات السير
٩٦٨	الاصطناعي
٣٧٦	الاصطياد
٩٧٢	الاطباء
٧٩٤	اطباق الاستقبال
٢٤٨	الاطراد
٩٨٣	الاعاقة
٢٥١	الاعتباط
١٠٣	الاعتباطي
٢٥٨	الاعتصام
٩٨٠	الاعتلال
٤٨١	الاعتصاب
٩٠٦	الاغتيال
٦٠٦	الافتعال
٧٣٩	الاقتراح
٦٨٩	الاقتراع
٧٢٠	الاقتراع بالتركية

٢	الآيل
٣٢٦	الائتمان
٥١٦	الائسام
٤٤٥	الاحتجاب
١٠١٢	الاحتشاد
٧٠٨	الاحتفاظ
٨٥٦	الاحتماء
٤١	الاحتواء
٣٣٧	الاحتياطي
٢٠٠	الاحتيايل
٨٥٧	الاختراق
٦٥٠	الاختزال
٩٥٠	الاختناق
٥٥٣	الارتحال
٤٦٠	الازدواج
٧٢	ازدواجية الضريبة
٨٥١	الاستجواب
٣٤٦	الاستدانة
٨٢	استشراف الوضع
٩٩	استطلاع الرأي
٦٠١	الاستفحال
٦٩٢	الاستقالة
١٣٢	الاستقواء
٨٨١	استلال المسدس
٧٢٢	استلام الإنذار

٤٠٣	الإفلاس
٦٠٨	الأفلام الساحرة
٦١١	الإقلاع
٢٧٩	الإقلال
٥٢٣	أكل الوقت
١٣٦	الإكليل
٤٩٤	إكليل الزهر
٦٩٥	الإلمام
١٧٦	الآلي
١٧٥	الآلية
١٠٤٣	الإماتة
٦٢٠	الأمسية
٧٠٠	أمين السر
٧٥٥	الإنابة
٤١٣	الإنتاج
٩٩٨	إنجاب الطفل
٢٤	الإنجرار
١٥٢	الإنحاء باللائمة
٣٠١	الإنذار
٧٤٨	الإنذار التنفيذي
١٥٤	الإنعاش
٥٠٨	الأنملة
٦٣٤	الأوتار
١٦٧	الأوراق
٤٢٥	الإيداع

١١	البلم
٥٢٨	البلع
٦٤٢	البنى التحتية
١٨٣	البهو
١٤	البوء بالفشل
٣٢٨	البورصة
٧٦٢	البيئة
٤٤	البيان الخجول
٥٢٩	البيض
١٧٣	التأين
٤٣٣	تأجيج النار
٦٠	التأرجح
٦٤٠	التأطير
٤٣٥	التأقلم
٧٥٧	التآكل
١٧٧	التآمر
٨٤٦	التأهب
٣٢٧	التبادل
١٠	التباطؤ
٣	التدد
١٨٠	التبرع
١٧٩	التبريد
٦	التبرير
٨٣٠	التبغ
١٣	التبني

٩٨٨	الانقسام
٦٠٧	الانفلاش
٦١٠	الانقلاب
٦٣٢	الانهيار
٥١٤	الانهيار
٣٣٠	البائع المتجول
٤	البادرة الودية
١٧٨	البت
٩٣٧	البدانة
٧٣١	بدل ضائع
٥٢٥	البرعم
١٨١	البرقية
٧٦٠	البركان
٨	بساط البحث
٩	البصمة
٤٣٦	بصمة الإصبع
٥٢٦	بصمة الإصبع
٧٠١	بصمة الإصبع
٧٦١	بصمة الإصبع
١٨٢	البطالة
١٠١٠	البطولة
٨٢٩	البطيخ
٥٢٧	البعث
٩١٨	بعيد المدى
٦١٩	بلا لون ولا طعم

٤٩٢	اقتراف الجريمة
٢٧٤	اقتراف الذنب
٩١٣	الاقتصاص
٢٨٠	اقتناص الفرصة
٩٩١	الاكتئاب
٢٨٤	الاكتظاظ
٢٨٩	الالتفاف
٨١٣	الالتهم
٥٠١	الامتصاص
٣١٢	الانارة
٢٩٩	الانتحار
١٥٩	الانتكاس
٦٢٨	انتهاز الفرصة
٧٥٤	انتهاز الفرصة
٥٣٨	الانحدار
٣٤٠	الانخفاض
٨٦٦	الاندساس
٨٦٩	الاندلاع
٩٥٦	الانزواء
٢٢١	الانسحاق
٢٢٦	الانسياب
٦٧٥	الانصياع
٤٧١	الانضواء
٤٨٠	الانعياد
٤٨٢	الانغلاق



٦٨	التروي
١٦	الترويك
٥٥٧	التريث
٣٥٥	تزفيت الشوارع
١٠٢٥	التزّج
٧٨٧	التزويد
٣٥٦	التزوير
٤٦١	التسحير
٣٥٨	التسيد
٥٦٧	التسريل
٤٦٢	التسرّب
٣٥٩	التسريب
٣٦٠	التسعير
٨٨٢	التسلّل
٦٦٦	التسلّم
٣٦٢	التسليفات
٩٦٠	التسمير
٤٦٤	التسنين
٧٦	التسوية
٥٧١	التشبيه
٨٣٧	التشجير
٧٩٢	التشغيل
٣٦٩	التشكيلة
٤٦٧	التشمير
	عن
	الساعد

٦٥١	التخطيط
٩٤٨	تخطيط الدماغ
٤٨	التخلي
٤٤٩	التخليد
٧١٤	التحويل
٣٤٥	التداول
٨٦٣	التدخّل السافر
٥٥١	التدّلل
٥٤	التدهور
٥٥	التدويل
٥٨	تذليل العقبات
٥٥٤	تراشق الحجارة
٦٢	التراشق الطائفي
٦٧	التراوح
٤٥٤	الترّبع
٥٥٢	الترّبع
٤٥٥	الترحيب
٦٥٩	الترخيص
٦٦٠	ترخيص
	مزاولة
	المهنة
٢١١	التردي
٨٤٨	الترسانة
٩٥٤	ترقّق العظام
٨٧٧	الترقية
٧٨٥	الترميز

٥٢٤	التبويس
٩٣٩	تببيض الجلد
١٥	التريك
١٨	التويج
٥٣١	الثاؤب
٤٣٨	الثقيف
٤٣٩	تجسير الفجوة
٨٥٢	التحوّل
١٨٩	التحدّر
١٨٨	التحديث
٣٣٣	تحرير الشيك
١٩٣	تحريك الساكن
٦٤٧	التحضير
١٠١٩	تخطيط الرقم
	القياسي
٣٦	التحفظ
٧٠٩	التحقيق
٧١١	التحكيم
٩٤٦	التحلّل
٨٥٥	التحليق
٧٧٢	تحليل البول
٥٤٥	التحيّة
٥٤٤	تحيّة الصباح
١٠١٤	التخبئة
٩٤٧	التخدير

٧٦٣	التقنيّة
١٣١	التقوقع
٢٨١	التقويم
٧٤١	التقيّد
٢٨٢	التقييم
٩١٥	تكبيد الخسارة
٤٩٥	التكلس
٢٨٨	التلاعب
٤٠٩	التلبية
١٨٤	التلفاز
٤١٠	التلكؤ
٦١٨	التلميع
٨١٤	التلوّث
٩١٧	التلوّيح
١٤٣	التمتين
١٤٤	التمثيل
١٠٤٢	التمرير
٥٨٨	التمظهر
١٤٧	التمعنّ
٦٢١	التمغظ
٩٩٧	التملّص
٤١٢	التمويل
٩٢٠	التناحر
٩٢٤	التنازل
٤١٩	التنامي

٥٩٣	التعليب
١١٢	التعليق
٦٨٤	التعميم
١١٥	التعنّت
٣٩٧	التعويض
٨٤٠	تغليف السجائر
١٢٠	التغيّب
٤٨٥	التغييب
٩٠٨	التفادي
٢٧١	التفاهم
١٢١	التفتيت
٨٠٠	التفجير
٦٨٧	التفرّغ
٢٦٧	التفريغ
٩٨٧	التفشيّ
٤٨٦	التفكك
١٢٦	التفكيك
٢٧٢	التفيد
١٢٩	التقاذف
٨١١	التقاط الصورة
٦٩٠	التقاعد
٦٠٩	التقافز
٢٧٣	تقرير المصير
١٣٠	التقلّص
٦٤٤	التقنيّ

٨٨٥	التشويش
٦٧٠	تصديق الشهادة
٨٨٦	التصعيد
٢٣٨	التصفيف
٢٤١	تصميم الأزياء
٩٠	التصنيف
٥٧٨	التصويب
٧٣٠	التصويت
٢٤٢	التصويّنة
٣٧٧	التضخم
٤٧٣	تطاؤل السنين
٥٨٣	التطرّف
١٠٠	التطمين
٣٨٥	التطوير
١٠٨	التعاطي
٣٩٥	التعامل
٤٢٣	التعاونية
	الاستهلاكيّة
٢٦٣	التعاش
٨٩٩	التعقيم
١٠٥	التعديل
١٠٣٢	تعزير الصدارة
٥٩٠	التعشّش
٩٧٩	التعقيم
١١٠	التعكير



١٩٨	الحارة
٣٣٦	حاكم المصرف
٩٨	حالة الطوارئ
٤٤٣	الحبر
٤٤٤	الحبلى
٥٣٦	الحبيبة
٧٠٤	حجب الثقة
٣٣٢	حجر الأساس
٥٣٧	الحدثنة
٤٢٤	حرب بلا هوادة
٨٥٤	الحربة
٥٣٩	حصان طروادة
٣١	الحصانة
٣٠	الحصنة
٣٣٥	الحصنة
٥٤٠	حصنة الأسد
٥٤١	الحطّ
٣٢	الحظر
٣٤	حظر الطيران
٧٠٧	الحظوة
٣٧	الحفيظة
٦٤٨	الحقية
١٩٦	الحكر
١٠١٣	الحكم
١٩٧	الحلاوة

٧٦٤	الثديّات
٢١	الثغرة
٥٣٢	الثغرة القانونيّة
٨٤٩	الثكنة
٩٤١	الثنائى
١٨٦	الجثمان
٢٢	الجد
٨٣١	جرّ المياه
٤٤٠	جسّ النبض
٥٣٣	جسّ النبض
٩٧٤	الجسم الطبّي
٩٤٢	الجفن
٧٦٥	الجلد
٣٣١	الجمركة
١٢٤	جملة وتفصيلا
٤٥١	الجمهور
	المدرسي
٥٣٥	الجنى
٧٦٧	الجهاز
٤٤٢	الجوقة
٢٨	الجولة المكوكية
٨٥٣	الجيش والجيشان
٧٧٠	الجين
٧٧١	الجينة
٤٢	الحائط المسدود

٧٤٧	التحي
٣٠٠	التدر
١٥٣	التنصّت
٧٥١	التنظيم
٤١٥	التنفيذ
٧٥٣	تنفيذ الحكم
٣٠٨	التكرّر
٤٢٠	التميه
١٦١	التويه
٥١٢	التهميش
٥١٣	التهويد
٩٤٠	التوأم
١٦٨	التوازن
٨٢٨	التوثيق
٣١٩	التورط
٤٢٧	التوريد
٥١٩	التوطيد
١٦٩	توطيد العلاقات
٣٢١	التوظيف
٣٢٢	التوفير
٥٢١	التوقيع
٢٩	التوقيع بالأحرف
	الأولى
١٩	التيار
٤٣٧	التيار

٦٥٨	الرتب والرواتب
٢١٠	الرثاء
٧١٩	الردّة
٨٧٣	الردع
٦١	الرسم
٧٨١	الرسوم
٦٦١	الرسوم البلدية
٨٧٤	الرشّ
٥٥٥	رشق الحجارة
٦٣	الرص
٨٧٦	رصاص الرحمة
٧٨٢	الرصد
٢١٢	رصد المواقف
١٠١٦	الرصيد
٦٤	الرضوخ
٣٥٤	رغيف الخبز
١٠١٧	رفع الأثقال
٢١٣	الرفوف
٦٦٤	الرقابة
١٠١٨	الرقم القياسي
٤٥٦	الركب العالمى
١٠٢٠	الركلة
٢١٤	الرماد، الترميد
٥٥٦	الرمال المتحرّكة

٨٦٢	الخيّالة
٧٧٦	الدائرة الهاقية
٤٩	الدحن
٢٠٦	الدردشة
١٠١٥	الدراجة الناريّة
٨٦٤	الدرك
٢٠٧	الدرن
٣٤٣	الدعم
٤٦٩	دقيقة صمت
٨٦٨	الدكّ
٤٥٢	الدماغ الإلكتروني
٢٠٨	الدمية
٩٥٢	الدورة الدموية
٨٧١	الدورية
٦٤٦	ديوان المحاسبة
٧٧٨	الذاكرة
٧٧٧	الذرة
٥٦	الذعر
٣٥٠	الرأسمال
٦٥٧	الراتب
٣٩٨	راتب الإعالة
٣٤٤	الراتب المتمدّن
٢١٥	الراهن
٩٥٣	الربو
٥٩	الريبة

٥٤٢	حلحلة الأمور
٥٤٣	الحوار
٩٤٥	الحوجلة
٧٧٩	الحياة الذكيّة
٤٣	الحيطة
٧٧٣	الحيويّ
٢٠٢	الخاطبة
٤٤٨	الخافية
٤٦	الخافية
٥٤٦	خبر كان
٢٠١	الخرسانة
٨٥٨	الخرق
٥٤٧	الخروف
٨٥٩	خزانة طلاقات
٣٣٨	الخشوف
٥٤٨	الخصمّ
٤٠٢	خطّ الفقر
٣٣٩	الخطّة
٢٠٣	الخطوبة
٤٤٧	الخطورة
٧٧٤	الخفض
٢٠٤	الخلخلة
٦٥٤	الخلل
٥٤٩	الخناق
٥٥٠	الخوصنة



٨٨٣	الشرطة العسكرية
٨٣	الشرنقة
٢٢٩	الشريحة
٤٦٦	الشظية
٧٢٤	الشعر المستعار
٥٧٣	شعرة معاوية
٨٨٤	الشغب
٧٢٥	الشغور
٩٦٣	الشلل
٩٦٤	شلل الاطفال
٧٢٧	الشمع الأحمر
٧٩٣	الشهادات
	الدراسية
٥٧٢	الشیطان
٣٧١	الشيك
٢٣٥	الصب
٩٦٥	الصداع
٣٧٢	الصدع
٩٦٦	الصدمة
٩٦٧	الصدمة الكهربائية
٨٩	الصفعة
٢٣٧	الصف
٨٨٧	الصفارة
٣٧٤	الصفقة
٨٧٥	الصفوف المتراصة

٦٩٩	السجن المؤبد
٧٨٩	السحابة
	المغناطيسية
٩٥٧	السريـر
٥٦٨	السلة
٨٨٠	السفور
٧٤	السكة
٢٢٤	السلسلة المعدنية
٣٦١	السلعة
٣٦٣	السلفة
٧٥	السلم
٨٣٥	السماد
٥٦٩	السمـن
٥٦٤	سوق المثل
٩٠٧	السيارة المفخخة
٢٢٨	الشاحنة
٤٦٨	الشاشة الصغيرة
٧٩	شبر من الأرض
٨٣٦	الشتلة
٢٢٧	الشجب
٦٦٨	الشحن
٣٦٦	الشحنة
٤٦٥	الشراسة
٢٣٠	الشراهرة
٣٦٧	الشرح

١٠٢١	الرماية
٨٣٣	الروزنامة
	(فارسية)
٤٥٨	الرومنسية
٦٩	الزخم
٧٨٦	الزّر
٩٥٥	زراع الشعر
٧٠	الزعزعة
٥٥٩	الزفرة
٥٦٠	الزكزكة
٢١٨	الزلاية
٧١	الزلمة
٢١٩	الزموـر
٨٧٩	الزناد
٥٦١	الزنبرك
٤٥٩	الزهو
٥٥٨	الزوبعة
٥٦٣	السامة
٢٢٢	الساخن
١٢٥	ساري المفعول
١٠٢٦	سباق السباحة
٥٦٥	السبق
٥٧٠	الست
٧٣	السجاد
٧٢١	السجال

٩٠٠	العازل
٧٩٩	العاصفة
٢٥٩	العاطل
٥٩٤	العالمثالية
٨٩٨	العبوة الناسفة
٣٨٦	العتبة
٣٨٧	العجز في الموازنة
٢٥٢	عجقة السير
٣٨٨	عدّاد المياه
٣٩	عدم الإنحياز
٢٣	عديم الجدوى
١٠٦	العراقيل
٢٥٤	العربة
٤٧٤	العرافة
٣٨٩	العرض والطلب
٦٨٢	العزو
٥٨٩	العسكرة
٤٧٥	العسكريتاريا
٥٩١	العش
٢٥٦	العصوية
٢٥٧	العصبية
٥٩٢	العَض
١٠٧	عَض الأصابع
٩٧٧	العظم
٤٧٧	العقبى

٣٧٩	الضياح
٥٨١	الضيق
٨٩٥	طائرة التجسس
٨١٨	الطائرة النفّاثة
٧٣٢	الطائلة
٦٨٠	الطابع
٣٨٠	الطابع الاقتصادي
٨٩١	الطابور
٧٩٥	الطاحونة
٧٩٧	الطاقة
٨٩٤	الطاقم
٩٧٣	الطبّ الشرعيّ
١٠٠٤	الطبيب المناوب
٣٨١	الطحن
٢٤٩	الطرد البريدي
٧١٥	طرف الخيط
٦٨١	الطعن
٥٨٥	الطغيان
٩٧٥	طفل الأنبوب
٣٨٣	الطلبة
١٠١	الطمأنة
٥٨٦	الطمس
٢٤٧	الطوارئ
١٠٢	الطيّ
٥٨٧	الطّيح

٥٧٧	الصقر
٣٧٥	الصكّ
٤٧٠	صمام الأمان
٢٤٠	الصمت
٧٢٩	الصمت
٦٧٤	الصورة
٨٣٨	الصومعة
٩٦٩	الصيدليّة المناوبة
٥٧٩	الضباب
٩١	ضبط النفس
٢٤٣	الضحايا
٩٧٠	الضحية
٩٢	الضحّ
٦٧٦	الضرب على الآلة
	الكاتبه
١٠٣٠	ضربة الجزاء
١٠٢٩	الضربة الفتيّة
٤٠٠	الضرر الفادح
٣٧٨	الضريبة
٩٣	الضغط
٩٧١	ضغط الدم
٨٩٠	الضفدع
٦٧٧	الضمان
	الاجتماعيّ
٩٥	الضوء الأخضر



٢٣٣	الفنان التشكيلي
١٠٣٤	الفوز
١٢٧	الفوضى
٦٣٠	في مهبّ الريح
٨٠٥	الفيثامين
١٢٨	الفيثو
٩١٢	القاسي
٧١٠	قاضي التحقيق
٢٧٧	قالب حلوى
٧٣٤	القانون المعجل
	المكرّر
٤٨٧	القديس
٤٨٨	قدّاس الأحد
٤٩٠	القرصنة
٤٩١	القرط
٩١١	قرع الطبل
٤٩٣	القزم
٢٧٦	القسطل
٥٨٠	قسمة ضيزى
٩٨٩	القصر
٤٠٥	القطاع
٨٠٦	قطع التيار
٩٩٠	القفاز
٤٠٦	القفز
٦١٢	الققمم

٨٥	غصع التشكيك
١١٩	الغطرسة
٩٠٣	الغمرة
٤٨٣	الغنج
٩٠٥	الغواصة
٦٥	غير مرغوب فيه
٤٠٤	الفائض
٦٨٨	الفائض عن
	الحاجة
٣٩٩	الفاتورة
١٠٣٣	الفارس
٨٠٤	الفالق
٩٨٤	الفتك
٩٨٥	الفحص
٦٠٢	الفذلكة
٨٠١	الفردنة
٦٠٤	الفرفرة
٩٨٦	الفرك
٦٠٣	الفرنسة
١٠٣١	الفريق المضيف
٧٣٨	فسخ العقد
٨٠٢	الفضلة
٢٦٨	الفطر
٢٧٠	الفعاليات
٢٦٩	الفعل

٢٧٥	عقد القران
٤٧٨	العقلانوية
٧٣٦	العكوف
٣٩١	العلامة
١٥٨	العلم المنكس
٨٤٥	أهبة على
	الاستعداد
١٣٤	على المكشوف
٤٨٩	على قدم وساق
١١٤	العملاق
٢٦٠	العملاني
٣٩٦	العملة
٥٩٧	العملية القيصرية
٢٦١	العمولة
١١٦	العناء
٢٦٢	العناية
٩٨٢	العناية الفائقة
٥٩٥	العولمة
٢٦٤	الغاب
٨٣٢	الغابة المحمية
٩٠٤	الغارة
٢٦٦	الغالي
١١٨	الغبار
٦٠٠	الغربة
٨٣٩	الغرس

١٠٠٩	المباراة
٦٤١	المباغطة
١٢	المبالاة
٢٠	المتاهات
١٠١١	المتحف
٩٤٩	المتخلف
٧٧٥	المتدليات
٧٣٧	المتفرغ
٤٩٦	المتكلس
٧٤٤	المثول
١٨٧	المجارير
٧٦٨	المجاز
٢٦	المجاملة
٢٥	المجلس
٧٠٣	محمل الاقتراح
١٩١	المحاذاة
٤٠	المحاولة
١٩٠	المحدلة
١٩٢	المحرقة
٣٣٤	المحروقات
١٩٤	المحسوبة
٧٠٦	المحضر
٧١٢	المحكمة
١٠٠٧	المخبر
٦٥٥	المختار

٧٩٠	اللاسلكي
٦٦٥	اللامركزية
٧٤٣	اللجنة
٤٩٨	اللحمة
٤٩٩	اللحية
٥٨٢	لطاخونة
٩١٦	اللغم
٢٩١	اللف
١٠٣٧	اللفة
٢٩٠	اللفلفة
١٤١	اللقاء
١٧	اللقاء المتلفز
٥٠٠	اللقطات
١٠٣٨	اللكمة
١٤٢	اللمسات
٨١٢	اللمعان
٦٩٦	لوائح الشطب
٢٩٢	اللوحة الزيتية
٢٩٤	اللوم
١٠٤٠	اللياقة البدنية
١	المؤامرة
٣٢٥	المؤشر
١٦٦	ماء الوجه
٤١١	الماس
٥	المبادرة

٦١٣	القوس
٦١٤	القومية
٧٤٢	قيد التنفيذ
٦١٥	القيصر
١٠٣٥	كأس العالم
١٣٥	الكالوس
١٣٧	الكاميرا
٢٨٧	الكاهل
٤٠٧	كبح التضخم
٦١٦	الكبش
١١٣	كتاب الاعتماد
٨٠٧	الكتلة
٩٩٢	كريات الدم
	الحمراء
٥٣٤	كسر الجليد
٩٩٣	كسر العظم
٨٠٨	كشف الكذب
٦١٧	الكفكفة
٩٩٥	الكلي
١٠٣٦	كمال الاجسام
٤٩٧	الكماليات
٨١٠	الكهف
١٠٢٧	لإصابة
٢٩٣	اللائمة
١٤٠	اللاجئين



٦٧٨	المضمون
٢٤٦	مطأطأ الرأس
٧٥٦	المطالبة
٩٧	المطبة
٥٠٢	المطران
٣٨٢	المطروح للبع
١٤٦	المطل
٨٩٦	المطلّين
٦٨٦	المعاش التقاعديّ
٩٠٢	المعتقل
٢٥٥	المعسول
١٠٩	المعقوف
١١١	المعكوف
٢٦٥	المعّبة
٨٠٣	المفاعل
٤٠١	المفرّق
٩١٤	المقلّاع
٦٩١	المقلد
٢٨٥	مكافحة البطالة
٢٨٣	المكّبل
٧٣٥	مكتب الكاتب
	العدل
١٣٣	مكتوف اليدين
٩٩٤	المكفوف
٨٠٩	المكفول

	المرضيّة
٩٥٩	المسالك
٧٨٨	المسبار
٤٤٦	المستحيل
١٠٤	المستعجل
٨٤١	المستلزمات
٦٦٧	المستندات
	المطلوبة
٩٣١	المستقع
٧٧	المستوى
٤٦٣	المسرح
٧٢٣	المشادّة الصحفية
٢٣٢	المشاغب
٣٦٥	المشبه
٣٦٨	المشروع
٧٩١	المشعّ
٩٦٢	المشفي
٧٢٨	المصادقة
٥٧٦	المصحّ
٨٦	المصادقية
٨٧	مصراع الباب
٣٧٣	المصرف
٢٣٩	المصلحة
٦٧٢	مصلحة المياه
٢٤٥	المضاهاة

٦٤٩	المختبر
٨٦٠	المخفر
٧١٦	المداخلة
٩٥١	المدخّن بالسجاير
٣٤١	المدخول
٣٤٩	المدّخر
٧١٧	المدعوّ عليه
٨٦٧	المدفع
٨٩٧	مديرية التعبئة
٣٤٧	المدبونية
٣٤٨	المدبونية
٧٨٠	المدنّب
٨٣٤	المرأة الريفية
٢١٦	المراهنة
٢١٧	المراوغة
٦٦٢	المرسوم
٧٨٣	المرصد
٧٨٤	المركبة
١٠٢٣	المرمي
٤٥٧	المربع
٣٥٧	المزاد
٢٩٥	المزحة
٧٨	المسار
٧٤٦	المساس بالقانون
٩٩٦	المساعدات

٥٠٧	نصب الأمومة
٨٤٤	نظام التنقيط
٢٠٩	النظرة الدوتية
٦٢٥	نعم
٦٢٦	نعومة الأظافر
٣٠٣	النعي
٨١٩	النفائات
٨٢٠	النفاية
١٠٠٢	النقاء
٣٠٥	النقابة
٦٢٧	النقاش
١٠٠١	نقالة الإسعاف
٤١٦	النقد المتداول
١٠٠٠	نقص المناعة
١٠٤٦	النقطة
٨٨	نقطة الصفر
٣٠٦	نقطة الصفر
١٠٠٣	نقى العظم
٣٠٧	النكته
١٥٧	النكسة
٣٠٩	النمو
٦٢٩	نهي
٥١١	النوايا
٩٣٣	النوعية
٩٣٤	النووية

٧٢٦	المنشق
٧٥٠	المنصة
٥٠٩	المنهجية
٤٣٠	الموازنة العامة
٦٩٨	المواصلات
٥٢٠	الموافاة
٥١٧	الموشك
١٧١	الموقف
٧٦٩	المياه الجوفية
٧٥٩	المياه المبتذلة
١٠٤١	الميدال
١٠٤٤	النادي
٩٢١	النادي العسكري
٦٢٤	الناطور
١٥١	النبد
٥٠٣	النبراس
٢٩٨	النبد
٥٠٤	النجومية
٥٠٥	النحيب
٥٠٦	الترجسية
٩٩٩	النزيف
٩٢٥	النسف
٩٢٧	النشال
٨١٧	النشوء
٩٢٦	نشوب الحرب

٨٤٢	المكننة
١٤٨	المكوك
١٣٨	المكيال
٢٩٦	ملء الفراغ
١٠٣٩	الملاكمة
١٣٩	الملبد
١٤٩	الملكية الدستورية
٦٢٢	المليان
٦٢٣	الملّي
١٤٥	الممارسة
٧٤٥	الممثل
١٥٠	المميز
١٦٠	مناخ الانفتاح
١٠٤٥	المنازعة
٣٠٢	المناشدة
١٥٥	المناقشة
٤١٧	المناقصة
٥١٠	مناهج التعليم
٣١٠	المناهرة
٩٣٢	المناورات
٨٤٧	المناورات
	البرمائية
٢٩٧	منح الفرصة
٦٩٧	مندوب مبيعات
٨٤٣	المنشار الآلى



٦٣٥	الوردة
٤٢٩	الورشة
٣٢٠	الوسام
٥١٨	الوشم
٦٣٦	الوشوشة
٤٣٢	الوضع المعيشي
٤٣١	وضع اليد
٦٣٧	الوعود
١٠٠٦	الوعي
٦٣٨	الوفضة
٦٣٩	الوهج
٤١٤	اليانصيب

١٦٣	الهضبة
٣١٥	الهلح
٨٢٦	الهندسة الوراثية
٣١٤	الهواتف
	الضرورية
١٠٤٨	الهواية المفضلة
٣١٦	الهوة
١٦٤	الهستيرية
٣١٧	الهياب
٦٣٣	الواد
٣١٨	الواجهة
٥١٥	واجهة الصحف
٤٢٨	الواردات
١٦٥	الوثيقة

٨٢١	النيزك
٩٢٨	النیشان
٤٢١	الهاتف
٨٦١	الهاتف الخليوي
٣١٣	الهبوط
٨٢٢	هبوط الحرارة
١٠٠٥	هبوط الدورة
	الدموية
٩٣٥	الهجوم المضاد
١٠٤٧	الهداف
٦٣١	الهددة
٨٢٤	الهزة
٨٢٥	الهزة الارتدادية
١٦٢	الهش

٧٣٧		الأرملة	١٢٦٦	الإبر المخدرة	١٧٢
٤٩٤	الأضرحة	الإرهاب	١٢٢	الإبرة	٢٠٥٥
٩٧٢	الأطباء بلا حدود	الإرهابيين	٢٣٢	الأبرشية	٤٨٨
٢١٨	الأطباق	إزاحة الستار	٥٠٧	الإتحاد العمالي	١٢٦
٥١٧	الأطروحات	الإزاز	٢٨٢٨	الأتوستراد	٦٥٣
٤٩٩	إطلاق اللحي	الأزلام	٧١	الآتية	٧٦
٤٤٢	الإطالة	الأسد	١٥٤٧	الإجرام البيئي	٩٣٨
٧٥	الإعادة	أسطوانة الغاز	٩٠٧	الأجل غير المسمى	٧١٨
١١٧	الإعاقة	الإسعاف	٣١٤	الأجهزة القضائية	٧١٥
٩٩٤	الإعاقة السمعية والبصرية	الأسلحة الرشاشة	٨٧١	الأجواء	١٣٩-
٣٩٨	الإعالة	الأسلوب	٣٠٧		٢٢٢
١٣٥٧	الأعرج	الأسنان المرهقة	١٨٧	الأحداث	٤٣٦
١٣٥٨	الأعزب	الإسواره	٢٤٥٩	الأحمر	٧٣
٧٣٤	الإعفاء	الأسى	٣٠٣	الأخرس	١٣٠٣
٣٥٠	الإعفاء الضريبي	الإشراف العلمي	٥٢١	الأخصائي	٨٧٦-
٤٧٩	الإعلام المرئى والمسموع	الأشعة الشمسية	٧٦٢		٩٦٢
١١٩	الإعمار	فوق البنفسجية		الأخضر	٢٢٢٢
١٣٣٨	الأعمى	الأشغال	٤١٨	الإخلاء	٧١٠
١٩٠٩	الأعوج	الأشغال الشاقة	٦٩٩	الأخوت	١٣٠٧
٢٨١	الإعوجاجات	الإصابة	١٠٢٢	الأدراج	٢٤٢
١٣٢٠	الأعور	أصابع الفتنة	٥٧٥	الأذان الصاغية	٥٠٥
٤٣٨	الأفعل	الإصدار	٦٨	الأذى	٢٢١٤
٦٧٢	الإفلاس	إصدار الشيكات	٣٧١	الإرسال التلفزيوني	٧٩٤
		إصلاح الأعطال	٦٨٣	الإرشاد الزراعي	٨٣٤
		الإضراب	٢٤٤-	الإرفاق	٦٧٠



٢٥١	الانتهاكات	٢٦٦	الاحتفال التأبيني	٦١٨	الأقرع
	الروتينية	٢	الاحتواء المزدوج	٥١٢	الإقلاع
١٢٧	الانزلاق	٢٩٨	الاحتياط	١٣٩	الإقليم
٨١٠	انسان الكهف	١٥١٩	الارتواء	٤٥٢	الأقمار الصناعية
٥١٧	الانعدام	٦٩	الاستئناف	٦٧٦	آلة الكتابة
٨١	الانهيار	٧٢٦	الاستخباراتي	١٧٥	آلية
٤٨٦-	الانهيار	٣٨٧	الاستدانة	٨٧٣	آلية الرادعة
٣١٥		٩	الاستسلام	٧٣١	الأمانة
٢٦٨٢	البابج	٣٢	الاستعادة	١٠٠٣	أمراض الدم والورم
٢٢٥٠	البار	٧٢٧	الاستفتاء	٧١٥	الإمساك بطرف
٢٧٣٢	البارود	٤٧	الاستقرار		الخيوط
٢٢٨	الباص	٤٩٢	الاستسار البشري	٤١٨-	الأمن الداخلي
٢٧٩	الباص الصغير	٢٢٧	الاستهتار	٣٠٤	
٢٥٨٩	الباط	١٠٣٧	الاصطدام	٨٣٥	الإشارة
٣٦٩	الباهر	٢٤٨	الاطراد	٨٢٣	الأنبوب
٣١٩	الباهظ	٤٤	الاعتداءات	٥٦	الأنفاق
١٧٨	البتير	٦٥٨	الاعتصام	٥٠٨	الأنملة
٨٣٤	البحوث الميدانية	٨٧٥	الاقترام	٨٣	الأوان
١٥٦٢	البدوي	١٠٥	الاقتراح	١٧	الأوضاع الراهنة
٨٣٥	البدار	٩٧٧	الالتهاب	٩٧	الإيجاب
٣٨٢	البراد	٩٦١	الالتهام	٣٥٩	الإيقاف
١٨٠٣	البردان	٨٢٣	الامتصاص	٦٠٦	الابتسامات
٧٦٠	البركاني	٧٩٩	الانبعاث	٣١٢	الاتجاهات
٨٤٧	البرمائية	١٩٧	الانتحار	١٢٣	الاتفاق
١٩٨	البرمة	٢٥٦	الانتماء	٦٥٨	الاحتجاج

١٤	التخطيط
٣٩٢	التخفيض
١٦٦	التخلص
٤٨	التدبير
٨٨٠	التدخل
٨٦٧	التدريج
٨٩٨	تدريج وسائل النقل
٣٨٤	التدهور
١٢٦٤	التراب
٣٩	الترابط
٣٢١	التراتب
٣٢٨	التراجع
٦٤١	التراوح
٥٨٢	التربص
٧٧	التردى
٤٥٥	الترس
٢١٤	الترديد
٧٨٥	الترميز
٧٢٠	التركية
١٠٤٨	التزلج
٢١٩	التزمير
١٥٦	تسجيل النقاط
١٠٤٢	التسديد الرأسى
٤١٥	التسعير
١٧	تسليط الأضواء

٢٧٦	البنية التحتية
١٧٤٩	بوزهرة
٦٧٨	البوالص
٢٤٥٣	البومة
٧٦٤	البويضة
٨٢٩	البيت البلاستيكي
٢١٣٠	البير
٥٦٨	البيضة
١٧٢٢	البيطرة
١٥٢	التأخر
٣٣	التأشيرة
٤١١	التألق
٢٥٩٨	التبصير
٢٦١٧	التبن
١٠٤٧	توزيع اللاعب
٨٨٣	التجنيد القسرى
٧٣٢	تحت طائلة
	المسئولية
١١٧	التحذير
٤٨١	التحرش الجنسى
١٤٦	التحسين
٩٤٦	التحنيط
٩٤٧	التخدير الموضعى
٨٣٨	التخزين
٧٧١	التخصيب

٦٥١	البرمجة
١٤٥٤	البرق
١٦٨٠	البرقة
٢٥٦٣	البس
١٦٨٣	البيين
١٤٠٣	البصلة
٧٨٥	بصمة الأصبع
١٤٢٦	البضاعة
٨٠٩	البطارية
٢٠٩٨	البطال
٢١٦٧	البطة
٩١٨	بعيد المدى
١٦٩٩	البعير
٢٣٨٠	البغل
٢٢٨	البقرة
٢١٨	البقلاوة
٧٩٣	البيكالوريوس
٢٧٤٩	بكير
٢١٩٢	بلاش
٣٦١	البلبلة
١٩٥٦	البلة
٢٠٤	البلدية
٢٩٣	بلدية الحارة
١٥٠	البناءة
٣٧٢	البنيان



٢٢٧١	التم
١٠٧	التمحور
٨١٥	التمخض
٢٠١	التمديد
٢٧٦	التمديدات
	الصحية
٢٧٦	التمديدات
	الكهربائية
٧٦٨	التمريض
٣١٤	التموين
٣٧٢	التنبؤ
٦٤٣	التبأك
٨٦١	التنصت
٤٥٩	التنصيب
١٠٠٦	التنفس الإصطناعي
٤٢٥	التنفيذ
٨٤٥	التنقيط
٤١٢	التموية
٨٣٧	التمية
٣٩٨	التمية الإجتماعية
٤٩١	التنورة
٦٠٦	التهجم
٩٧٥	التوأم
٥٣٤	التوتر
٨٢٨	التوثيق المكتبي

	الجامعي
١١٥	التعنت
١٨٨	التغريب
٦٧	التفاؤل
٧٨٣	التفادي
٢٨	التفاهم
٧٨	التفاوض
٣٤	التفجير
٢	التفعيل
٣٠	التقاسم
٦٠٧	التقانة
٧١٦	التقرير
١٣٨٥	التقشير
٤٦٧	التقصي
٢٣٣	التقنيات
٨١٩	التقنيات الحديثة
٤٥٧	التقهقر
٩٥١	التكون
٧٢	التلافي
١٧٠١	التلج
١٨١	التلقى
٧٧٢	التلقيح
٩٦٤	التلقيح ضد شلل
	الأطفال
٨١٩	تلوث المياه

٦٩٧	التسويق
٦٧	التشاؤم
٣٩٢	التشجيع
٨٢٧	التشقق
٨٥	التشكيك
٤٦٤	تشجيع السنة
٣١٥	التصدع
٦٣	التصدي
٨٢٧	التصديق
١٦٤	التصرف
٥٣	التصريح
٢٧٦	تصريف المياه
١٠٣٥	التصفية
٧٥٦	التصويت
٢٣٣	التصوير
٩٤٨	التصوير الشعاعي
٤٠٧	التضخيم
٤٩١	تظفير الشعور
١٠٣٤	التعادل
٤٣	التعاطي
٣٥٥	التعيد
٨٩٩	التعيم الإعلامي
١١٤	التعسف
١١٦	التعليق
٥١٠	التعليم العام ما قبل

٩٩٨	الحاضنة	٢٠٧٢	الجربان	٩٢٧	التوخي
٢١٠٤	حافة القبر	١٤٨٨	جرة الحبل	٣٤	التورط
٢٠٤١	الحافر	١٨٧	الجرذان	٣٤٩	التوظيف
٢٧٩٩	الحافى	٢٢٢٧	الجرسة	٣٢٢	التوفير
١٥٢٦	الحامض	١٨٦٧	الجرو	٨٤٠	التوفير الإجمالي
١٢٦٨	الحايك	٢٣٢١	الجزدان	٧٦٨	التوليد
٩٧٠	الحبل	٢٧٦٤	الجمر	١٤٠٣	التوم
١٣	الحث	١٤١٦	الجمرة	٣٩٨	الثري
١٥٣٤	الحجر	١٨٤٢	الجمرك	٣٨٢	الثريا
١٢٨٠	الحجل	١٤٧١	الجمال	٨٦٢	الثعالب
١٨٩٢	الحديد	٣٧٩	الجملة	٤١٨	الثكنة
٨٠٥	حديقة الحيوانات	١٤٢٣	الجمال	٧٢٤	الثوب التقليدي
٤٣	الحذر	٩٤٣	الجنين الأثني	١٣٢٧	الثور
١٨٠٧	الحرامي	٥٩١	الجهلوت	٣٩٥	الحاد
٩٢٣	حرب الاستنزاف	١٣٦٧	الجورة	٧٨٨	الحاذية
٩٠٣	الحرب النفسية	٨٠٥	الجوز	١٨٢٤	الجار
٨٠	الحرية	٢١٣٨	الجوع	٤٣٧	الجارف
٢٨٥	الحرية النقاية	١٦٥٥	الجوعان	٣٨٢	الجارور
١٤٣	الحساسية	١٥٠	الجولة	٢٧٥٧	الجارية
٣٤١	الحسان	٩٥١	الجيل	٢٧٥٨	الجب
٤٢٣	الحسم	٨٢٤	الجيوفيزيائية	١٦٩٨	الجة
٨٣٦	الحشيش	١٨٠	الحاجز	٢١٤-	العثمان
١٦٢٥	الحصان	٩٠٨	الحادث الخطر	٩٤٦	
١٣٤٣	الحصرم	٢٠١٢	الحارة	١٧٧١	الجدى
١٨٦٠	الحصيرة	١٠٢٣	الحارس	١٧٨٢	الجرادة



٩٧٣	الخنق
٨٦٢	الخيال
٧١٥	الخيط
٢٩٦	الدقوب
١٩٤	الدائرة الحكومية
١٨٨٣	الدابة
٥٢	الدابر
٤٩	الداحض
٥٦	الدب
٨٦٧	الدبابات
٨٦٣-	الدبابة
٨٩٤	
١٨٨٦	الدبابة
٢٢١٦	الدبر
٢٤٧٨	الدبس
١٦٥٧	الدبور
١٦٣٩	الدجاجة
١٨٧٩	الدخان
٢٤٢	الدرابزين
١٠١٥	الدراجة النارية
١٤٨٥	الدرب
٨١	الدرع
٢٢٦٣	الدف
٧٩٣	الدكتوراة
٦٧٦	الدكتيلو

٤٤	الخدول
٩٣٠	خدمة العلم
٤٥٥	الخراف
٢٨٢٦	الخراميش
٤٣٣	الخرطة الإعلامية
١٩٥٢	الخرج
٢٠١	الخرسانة المسلحة
٣٣٤	الخرطوم
١٣٥١	خرم الإبرة
٢٤٠٢	الخرمشة
١٦٤٣	الخروف
٢٤١	الخريف
٩١٥	الخسارة الفادحة
٢٦٠٥	الخشيش
٦٦٥	الخصخصة
٥٤٨	الخصم
١٠٢٢	خط الوسط
٢٠٢	الخطيب
١٩٠٣	الخل
٧٧٥	الغلاب
٧٤	الغلاص
٨٦٠	الغلسة
٧٢٦	الغلل
٨١٥	الغلية
١٧٣٢	الغنفسة

٨٥٢	حظر التجول
١٤٦٣	الحفرة
٥٨٠	الحفنة
٢٠٧٦	الحلاب
٢٣٠١	الحلو
٢١٨	الحلوى
١٥٠٥	الحمار
١٠٢١	الحمام
١٦٩٨	الحمرا
٧٧٢	الحمل
٩٣٦	الحمى
١٨٤	الحوار المتلفز
٣٥٥	الحي
٢٦٣٢	الحيك
٧٠	حيال
١٧٩٣	الحية
٧٧٣	الحيز
٢٠١	الحيط
٦٣٨	خالي الوفاض
٣٤٧	الخام
٢٥٢	الخائق
١٦٥٤	الخباز
٤٢٩	الخبراء
٣٥٤	الخبز
٢٧٤٢	الخبيزة

٢٢٦	الدماء	٣٧٢	الرأسمالى	٦٣٧	الرف
٣٧٢	الدمج المتلاحق	٤٨٤	الرأى العام	٩٠	الرفض
٦٢-	الدوامه	١٥٤٥	الرائحه	٢٤٥٦	الركض
٤٩٦		٨١١	الرائد	١٠٢٠	الركلة الركنية
١٩٠٣	الدوده	٦٩٠	رابطه المعلمين	١٧٨٨	الرماد
٩٢	الدور	٢١٢٨	الراعى	٢٦٥	الرمال
٦٧٦	الدوره التدريسيه	٥٥	الراعيه	٢٠٣٩	الرمان
١٠٠٥	الدوره الدمويه	١٠٢١	الرامى	٥٧٨	الرمايه
١٨٩٦	الدولاب	١٢٢	الراميه	٩١٠	الرهائن
١٧٥	الدوّار	٨٢	الراهن	١٠٣٦	رياضه كمال
١٢٧٩	الديب	٦٣٦	الرتبيه		الأجسام
٦٠٤	الديباجه	٩٠٧	رجال الإطفاء	١٣٠٦	الريشه
١٣٣٢	الديك	٢٦٠٩	الرخام	٢٨٥	الريف
٢١٣	الذاكره	١٥٦٦	الرخيص	١٩٩٩	الريق
٧٧١	الذاكره البيولوجيه	٢٦٩	رده الفعل	٣٥٥	الزاروب
٢٥٣٠	الذبح	٣١٦	الردم	٢٨٠٤	الزباله
١٤٢١	الذراع	١٤٨٤	الردى	٣٣٩	الزبون
١٨٢٣	الذقن	٢٠٩٠	الرز	٢٠٣٩	الزبيب
٥٥٩	الذكريات	٣٧٦	الرزقه	٢٩٢-	الزجاجه
١٩٠٩	الذنب	٥٢١	الرسائل	٢٩٨	
١٥٧٠	الذهب	١٠٠	الرساله	٨٤٢	الزراعه الممكنه
٨٥٤-	رأس الحره	٢٩٢	الرسم على الفخار	٢٣٥١	الزعرور
٩٣٤		٧٨١	الرسوم المتحركه	٢٥٤٦	الزفه
٢١٢٤	رأس النبع	٢٠١	رش الجدران	٩٠١	زنزانه المعتقل
٣٥٠	الرأسمال	٨٨١	الرصاص	١٣٦	الزهر



٦٦٣	الشاري
٧٨٧	الشاشة الإلكترونية
٤٦٨	الشاشة الكبيرة
١٤٣٠	الشاب
٢٢١٥	الشباب
١٤٢١	الشبر
٤٠٤	الشبكة الكهربائية
٦٨٣	شبكة مجاري المياه
٦٢٠	الشبية
٧٧٠	شتلة التبغ
٢٠٤	الشتى
١٣٠٩	الشحاذة
٥٣٨	الشحاذين
١٦٥٧	الشحرور
١٦١٧	الشحمة
٣٦٦-	الشحنة
٦٦٨	
٢٣٢٣	الشخاخ
١٩٩٤	الشرارة
٢٢٥١	الشرش
٣١٤	شرطة النجدة
٢٤٢-	الشرفة
٣١٥	
٤٦٥	الشرك

٥٦٨	السلة
٢١٩٨	السلطعون
٣٣٥	السلعة
٢٦٤٢	السلف
٤٣٢	السلم
١٥٧٩	السمكة
٣٧٦	سمكة القرش
٣٨٧	سندات الخزينة
١٥٨٥	السنكري
١٩٨٣	السهران
٣٢٥	السهم
١٢٩٩	السوار
٢٣٧	السواق
١٢٧٠	السوق
٣٢٨	سوق الأسهم
٢٤٠٦	السياج
٨١٨	السيارة الشمسية
٨٠٦	سيارة المطافىء
٨١٨	السيارة النفثة
٢٣٠	السيجارة
٢٣٢١	السيقان
٤١٦	السيولة
١٧٥	شؤون السير
٢٤٣٨	الشاة
٨٨٢	الشاحنة

١٩٨	زواريب الحارة
٩١٤	زواريب الحي
١٤٧٩	الزوبعة
٢٥٥٠	الزريق
٢٠٦٧	الزيت
١٤٧٢	الساقية
١٠١٩	السباحة
١٧٢٨	السبع
٢٤١	الستار
١٠٧	السجال
٢٦٠٩	السخام
١٥٧٥	السدان
١٩٠٤	السراج
٣٨٢	السريير
٢٥٧٦	سطل بلا علاقة
٤٩٠	السطو
٣٨٤	السعر
١٥١٤	السفرة
١٢٦٨	السكاف
١٦٨	سكة التوازن
١٩٢٠	السكر
٧٥١	السكرتارية
٦٩٥	السكرتير
٢٥٠	السكين
٨٩٠	السلاح الكيماوي

الشركة المساهمة	٣٤٠-	الشيخ	٢٦٠٤	الضابط المظلي	٨٩٦
٤٠٣		الشيروفرنيا	٩٨٨	الضاحية	٢٥٢
الشريحة	١٢٠	الشيخ	٣٥٠	الضرائب	٣٤١
شريعة الغاب	٢٦٤	الشيوعى	١٤٩	الضرة	٢٦٤٢
الشطارة	١٧٥٣	الصارم	٨١٦	الضريبة	٧٢
الشطب	٦٩٦	الصاروخ	٩٣٤	الضغط	٨٧٩
الشطيح	١٧٥٤	الصبغة	٩٤	الضفادع البشرية	٨٩٠
الشعرة	٢٠٠٠	الصحافي	٣٦٨	الضفدع	٤٣٥
الشعير	٢٠٠١	الصدأ	٢٣٤	الضلوع	٩٠٦
الشفرة	١٧٨	الصدارة	١٠١٦	الضمان	١٠١
الشقراء	٤٨٣	الصداع	٩٧٦	الضمان الصحى	٩٨٣
الشكوى	٧١٣	الصدوع	٣٧٢	الضوء	٨٢
الشلة	٢٧١٣	الصرافة	٣٥٦	الضيضى	٥٨٠
شم الھوا	١٢٩٤	الصرف	٤١٣	الطائرة	٣٤
الشمال	١٩٥٤	الصعيد	٢	الطائرة	٩٣٦
الشمندر السكرى	٤٠٠	الصفار	٥٢٩	الإستكشافية	
الشهادة	٦٤٩	صفارة الإنذار	٨٨٧	الطائرة الحربية	٨٩٥
الشوا	٦٥٩	الصفقة	٣٦٥	الطابع البريدى	٤٤٩
الشواذ	٢٣١٦	الصك	٣٢٨	الطابع الدعائى	٣٠٧
الشوب	١٤٢٧	الصنوبر	٨٢٣	الطابق الفوقانى	٢٤٧٤
الشوربا	٢١٨٣	الصهر	٩٩٨	الطاحون	٢٢٨٦
الشوط الأول	١٠٢٢	الصورة الشمسية	٦٦٠	الطاسة	٢١٠٨
الشوك	١٤٦٨	الصورة الوردية	٦٣٥	الطاقة الذرية	٧٧٧
الشوكة	٢٥٣٠	الصوف	١٦٤٣	الطاقة النووية	٧٩٧
الشيخ	٢٦٧٤	الصيانة	٧٩٢	الطاقم	٦٥٧



١٤٥٠	العصى
٢٤٠٢	العض
٢٢٧٣	العضاض
٩٦	العطلة
٣٩٥	العطية
٩٥٤	العظم
٦٥٣	العقار
٥٨	العقب
٤١٥	العقبات
٧٧	العقد
١٧٨٤	العكاز
١٧٤٤	العكر
٥١٩	العلاقات
٢	العلاقات الشائبة
٨٤٩	العلم الخفاق
٨٥٥	العلو
١٧٤٧	العليل
٢٠٨-	العملاق
٧٧٨	
٣٦١	العملة
٣٦٩	العملة الواحدة
٩٩٩	عملية الوضع
٢١٣٥	العمى
١٧٧١	العنزة
٥٣٧	العولمة

٤٦١	الطيلة
١٢٥٨	الطين
٢٢٥	الظاهرة
٦٢٦	الظفر
٢٢٠	عارضه الأزياء
٤٢٧	العاصمة
٢٣٤	عاكسة للنور
٧٦٣	عالي الجودة
٧٨٧	عامل المقسم
٢٧٩	عتبة الباب
١٣٢٧	العجل
٩٢٧	العجلة
١٥٣	العدة
٢٠٨١	العدس
١٣	عدم الانحياز
٦٣	العدوان
٢٦٠٦	العرس
٩٣٢-	عرض العضلات
١٠٣٦	
٣٨	العرقلة
١٧٦٣	العريشة
٢٥٨٣	العسكر
٥٩٧	العسير
٨٦٦	العصابة
١٩٦٢	العصفور

٣٨٢	الطاولة
٥٣٣	طاولة المفاوضات
٩٦١	الطبق
٦٧٤	طبق الأصل
٢٦٠٥	الطحين
٦١٨	الطربوش
٥٤٣	الطرشان
٢٨٩	الطرق
	والمواصلات
٢٥٠	الطعنة
٦٦٦	الطعون النيابية
٧٨٩	الطفرة الشمسية
٩٨٣	الطفل المعاق
٦٩٤-	الطفيف
٩٥٨	
٣٨٢	طقم الكنايات
٢٠٥٧	الطلطميس
١٢٩٣	الطلعة
٨٥٩	الطلقة
٧٦٩	الطمر
٣١٤	طوارئ الكهرباء
١٩٧	الطوعي
٣٤-	الطيران
٨٥٥	
٥٧٨	الطيش

٨٠٥	الفسق	٤٠٤	الفائت	٢١٦٧	العوام
١٤٨٥	الفشحة	٣٢٩	الفائدة	٤٥٥	العيارات النارية
٢١٧٦	الفشط والهشط	١٠٠٢	فاتق النقاء	٨٥٦	الغارات الجوية
١٤	الفشل	٣٩٩	الفاتورة	١٩٠	غاز البترول
٢١٧٧	الفص	٢٤٦١	الفاخورة	١٢٨٠	الغراب
٨٦٢	الفصيل	١٤١٣	الفار	٢٣٣	الغرافيك
٨٦٤	فصيلة الدرك	١٨٦١	الفارغ	٦٦١	الغرامة
١٥٧٠	الفضة	١٣١	الفاشية	١٥٥٩	الغربال
٢٩٠	الفضيحة	١٦٦١	الفاضي	٨١١	الغربة
٢٢٦٠	الظطن	٦٦٨	الفحص	٨٣٧	الغرسة
٢١٦٥	الفم	٩٨٥	الفحص الطبي	٧٩٧	الغرض السلمي
١٣٨٨	الفول	١٠٠٧	الفحص المخبري	٩٧٩	الغرفة المعقمة
٢١٨٨	الفولة	٩٥٠	الفحم	٢١٤٥	الغرقان
٧٦٥	الفوهة البركانية	١٩٣٦	الفحمة	١٩٧٠	الغزال
٢٤٢	الفيلا	٢٥٧	الفخ	٢١٤٩	غسالة البطن
١٦٥٢	القبة	١١٣	الفخامة	٢٠٩	الغطاء
٣٨٣	القبضة الحديدية	٢٥٨٤	الفراشة	٨٧٠	غطاء السيارة
١٠٣٨	القبضة اليسرى	٢٥٤	الفرامل	٦٩٠	غلاء المعيشة
٢٢٢٠	القدرة	٢١٦٨	الفرخة	٢٧٦	الغلاف
٣٩٢	القدرة الشرائية	٧٨٧	الفرع	٢٧٤	الغلط
١٥٦١	القرد	٣٨٢	القرن	٧١٧	الغيابي
١٥٢٨	القرش	٦٥٩	الفروج	١٢٥٥	الغيرة
٤٩٠	القرصنة الثقافية	١٠٢٣	الفريق	١٧٤	الغيمة
١٧٨٠	القرعة	٢٦٧٠	الفريك	١٩٦	الفئة
٢٦٠٥	القرقة	١٨٠٣	الفرعان	٨٤٣	الفأس



٢٥٨٧	الكلب الكلبان
٣١٩	الكلفة
٥٩٣	الكليشيات
٢٦٥٢	الكم
١٨٢٣	الكنة
٨١٢	الكهف
١٨٥٦	الكوار
٨٢٣	الكوب
٨١٢	الكوم
٣٨٢	الكومودينة
١٩٤٣	الكويس
١٣٠١	الكي
١٣٨	الكيل
١٢	الكيل بمكيالين
٣٤٦	اللائق
٧١١	اللاغي
٣٥	اللافت
٨١٢	اللامع
١٨٨٦	اللبان
٢٣٨٠	اللبطة
٣٦٠	اللجنة
٦٩٨	اللجنة الإستشارية
١٧٥	لجنة الطوارئ
١٧٥٥	اللحم المشوي
٢٧٥٦	اللطم

٢٦٦١	القماط
٢٠٠١	القمح
٤٨	القمع
٥٦	القنبلة
٩٠٧	القنبلة اليدوية
١٨٩١	القنطار
٣٢٤	القنبلة الموقوتة
٤٢٧	قوالب الحديد
٤٨٢	القوقعة
٨٢٣	الكأس
٧٧٦	الكابل الضوئي
٧٣٥	الكاتب العدل
٤٦٦	الكارثة
٩١٦	كاسحة الغام
٤١٣	الكاسد
١٣٥	الكالوس
٧٩٢	الكتالوج
١٦٠	الكتلة
١٥٩٦	الكديش
٢١٧٧	الكر
١٠٤٧	كرة القدم
١٩٧٤	الكمكة
٣٢١	الكفاءة
٧١٠	الكفالة
٨٦٢	الكلاب البوليسية

١٤٠٢	القرن
٨٣٥	القرويين
١٦٨٥	القرية
١٢٠	القصر
١٨٧	القسطل
١٥٣١	القسم
١٧٨٦	القشة
٨٢٧	القشرة الأرضية
٧٦٠	القشرة الجليدية
١٩٥٩	قشرة الموز
٢٣٨	القصات
٥٦٥	القصبة
٩٨٩	قصر النظر
٢٦٨٠	القصعة
٨٩٠	القصف
٨٤٦	القصوى
١٦٤	القصير النظر
١٤١٣	القط
٦٨٨	القطاع العام
١٢٨٠	القعق
١٤٣	القفز
١٩٠٠	القلاب
١٠	القلق
٧٢٢	القلم
١٤٤١	القماش

٥٩٧	المخاض	للهايات	٥٣٥	اللعاب
٧١٦	المخير	المبهر	٢٤	اللعبة
٢٣٠	المدخن	المتاح	٩٠٥	اللغم البحري
٦٩٧	المدخول	المتحدّر	١٢٧٤	اللفت
٢٧٩	المدرسة التمهيدية	المتزايد	٢٠٣	اللفيف
٨٦٧	المدرعة	متطلبات الحياة	١٧٣	اللقاء التأينيّ
٦٩٩	المدعى عليه	المتطور	٥٠٠	اللقطات
٤٠٤	المدفوعات	١٥٣-		اللاأخلاقية
١٩٨٩	المدلح	٧٦٣	٧٨٠	اللمعان
٩٤	المدني	٧٢٣	٦٦٧	لوحة الإعلانات
٩٠٠	المدنيين العزل	٢٢١	٨٠٥	اللويز
٨٨٦	المدى المنظور	٣٧٠	١٨٧١	اللولو
٤١٨	المديرية العامة	٤١٩	٦٩٩	المؤبد
٢٩٢	المرآة	٤٣٩	٢٧١٠	المثذنة
٢٠٦	مراسل الجريدة	١٣٤٩	١٩٣	المأزق
٧٤٨	المربوطات	١٣٢١	٣٠٣	المأسوف على
٢٦١	مرتبوا الزيجات	٧١٧		شبابه
١٧٠١	المرج	٢٦٦	٣٤٠	المؤشر
٢٢٣١	المرسة	٣٣١	٧٩٣	الماجستير
٦٧٣	المرشح	٣٣٥	٥٧	الماكينة
٤٢٦	مرض البقرة	٢١٧	١٠٢٤	المباراة
	المجنونة	٧٣٩	٤٥	المباشر
٩٨٧	المرض المعدي	٨٨٥	٦	المبرر
٢٢٢٠	المرغفة	٣٢	١٠٣٧	المبكر
١٥٦٧	المرق	٨٦	٧٧٤	المني المضاد
		٢٢		



٨٥٥	المعادي
١٦٠	المعارض
١١	المعانة
٤٦	المعتاد
٧٣٤	المعتقل
٢٣٣	المعرض
١٥٦	المعركة
٥٩٠	المعشش
١٩٦٦	المعصار
٨٢	المعطي
٣٥٣	المعفي
٢١٦	المعقد
٩٨٩	المعقم
٢٦٥٩	المعقوص
٥٩٣	المعلب
١٢٨	المعلق
٨٣٩	المعلم الترتيني
٦٠٧	المعمعان
١٧٨	المعمل
٣١٩	المغامرة
١٦٩٤	المقتسل
٩٧٣	المغدور
١٩٣٢	المغربل
١٦٤	المغزى
١٠٣٥	المفاجأة

	التلفزيوني
٢٠٤١	المسمار
٩٦٠	المسمر
٦٥٩	المشاد
٩٤	المشاريع
٢٤٥٧	المشاط
٥٧	المشبه
٥٣٣	المشتي
٨٩	المشروع
٣٧٠	المشلول
٢٣٧٨	المشوق
٨٩٣	المصدر الموثوق
٢٦٥١	المصران
٩٢٠	المصرع
٣٨٨	المصلحة
٤١٧	مصلحة المياه
٢٤١	مصمم الأزياء
٥٣٣	المصيف
٤١	المضاعفات
٣٣٤	المضخة
٩٦	المضي
٣٨١	المطحون
٥١٤	المطرقة
١٤٦	المطل
٧٤٣	مطلق الصلاحية

٧٦٥	المركبة الفضائية
٨٩٠	المروحية
٣٩٢	المرونة
٤٩-	المزاعم
٢٧٢	
٦٦٠	مزاولة المهنة
٢٤٢٥	المزيلة
٣٨٢	المزدوج
٩٢٧	المزيج
٩٥٩	المسالك البولية
٥٨٧	المسيرة
٧٨٨	المسبار
٢٢٧	المستشري
٤٧	المستعصي
١٢١	المستमित
١٣١	المستنقع
٦٤٦	المستوصف
٩٥٠	المستوعب
٧٧-	المستوى
١٤٤	
٤٦١	المسحراتي
٨٨١	المسدس
٤٦٣	المسرحية
٢٠٥٥	المسلة
٥٠٠	المسلسل

٦٩٨	المواصلات	٣٤٥	الملخص	٨٠٣	المفاعل النووي
	السلكية	٢٦٧٣	الملدوغ	٦٠٦	المفتعل
٨٨٢	المواطن	١٩١٢	الملمع	٢١٩	مفرزة السير
٩٥٧	الموت السريري	٦٢٢	المليانة	١٧٥-	المفرق
٧٩٠	الموجه لاسلكيا	١٥٧١	المليح	٣٧٩	
٦١٤	الموزائيك	٩٣	الممارسة	٣٧٩	المفرق
٣٤٤	موظف الدولة	٣٢٢	المناخ	١٤٠-	المفوض
٨٦٨	الموقع	٤٢٤	المنافسة	٧٤٣	
٢٠٨	الموهير	٢٢١٣	المنام	٥٢٥	المقص
٣٠٠	الميزة	٤٣٩	المنتدى الثقافي	٦٩٢	مقلاد الرئاسة
٧٥٩-	الميناء	١٩١٩	المنتوف	٢٨٥	مكافحة البطالة
٩١٦		١٧٥٤	المنجل	٨٧٥-	مكافحة الشغب
٢٢٦٥	الناب	١٠٢٥	المنحدر	٨٨٤	
٣٤٧	الناج الداخلي	٨٥٥	المنخفض	٣٠٤	المكب
١٠٢٥	النادي	٨٦٦	المندرس	١٣٤	المكشوف
١٨٤٥	الناشف	٤٢١	المنشار	٨٠٩	مكفول
١٠١٧	الناشيء	٩٨-	المنصرم	١٠٥	المكمن
٢١٨	الناصية	١٠٠٢		٢٨	المكوك
١٩٨٣	النايم	٥١٢	المنظمات الطلابية	١٩٣٣	مكوك الحايك
٢٠١٥	نبح الكلب	٦٣٠	المهب	٢٩٦	الملء
١٨٧	نبريش الماء	٦٣٣	المهد	٨٦٤	الملابسة
٢٩٨	النيد	٢٧٥	المهيب	٦٨٧	الملاك
٣٦٩	النجاح	٣٥٨	الموارد البشرية	١٠٢٩	الملاك
٤٥٤	النجومية	١٠٧	الموازنة	٥٧٧	الملامح
٢٣٣	النحت	٢٢٦	المواشي	١٨٦١	الملانة



٢١	الهيمنة
٩٩٢	الهيموغلوبين
٨٧٤	الوايل
٢٢٧٨	الواوي
٢٠٨	وبر المعزة
١٥٤٧	الوتد
٧٢٠	الوتيرة
٧١٧	الوجاهي
٨٠٥	الوجبة
٨٦٨	وحدة الإسناد
	الناري
٣٢٥	الوحدة النقدية
٢١٤٢	الوحلة
٢٠١-	ورشة العمل
٤٢٩	
١٠٣٣	الوزة
٢٢١	الوطأة
٢٥٥	الوعد المعسولة
٢٣٣٩	الولف
٢٤٧٨	الويس
١٩٥٤	اليمين

٧٦	النكسة
٢٨٠١	النملة
٢٣٨٠	النهيق
٥٩٢	النواجد
٥١١	النوايا
١٥٤٦	النوري
٥٤٨	النومة
٧٧٩	النيزك
٦٠٧	الهائل
٥٠٦	الهالة
١٣٧٧	الهايج
١٩١	الهدم
٨٥٨	الهدنة
٢٣٣٢	الهرولة
٣١٥	الهزة الأرضية
٣١٥	الهلح
٣٥٤	هنا العيش
٧٩٦	الهندسة الوراثية
٤٢٤	الهوادة
٢٠٨٨	الهوان
١٣٠	الهوة
٦٦٣	الهوية
١٢٥	الهيكل

١٤٢٢	النحل
٩٢١	النخب
١٦٠٥	الندم
٢٧١٢	الندل
١٢٩٣	النزلة
٢٥٧	النزوة
٧٦٤	نسخة طبق الأصل
٤٢١	النشر
٢٧٧	النشيد
٥٣١	النصاب
١٣٦	النصب
٤٣٤	النظرة الماضوية
٩٠	النظرية
٧٦٤	النحجة
١٩٢	النفايات
٧٦٩	النفاية
٩٩	النقاب
٢٤٤	نقابة الصحافة
٣٠٥	نقابة العمال
٢٠٥-	النقاش
٧٤١	
٧٨٦	النقر
١٠٤٣	النقلة التاسعة

## فهرس المصادر

— روزنامه ها ومجلات وبرنامه های رادیو تلویزیونی عربی لبنان (مورد استفاده در بخش الفاظ وجملات عربی فرهنگ)

— معجم "درر الکلام فی أمثال أهل الشام" — منیر کیال — مكتبة لبنان ناشرون — بیروت — ۱۹۹۳ (مورد استفاده در بخش امثال عامیانه)

— معجم الأمثال اللبنانية الحديثة — أنیس فريحة — مكتبة لبنان — ۱۹۹۵ (مورد استفاده در بخش امثال عامیانه)

— معجم الألفاظ الفارسية

المعربة — السيد ادى شیر — مكتبة لبنان — ۱۹۹۰ (مورد استفاده در بخش واژه های فارسی معرب)

— مقالة "تشويه الفصحى بالعبارات الاجنبية والأمية" — الأب کميل هشيمة اليسوعي — سال هفتاد — جز اول — ۱۹۹۶ (مورد استفاده در بخش غلطهای شایع در رسانه های عربی)

— "الحافظ الشيرازي، شاعر الغناء والغزل في إيران" — دکتر ابراهيم أمين الشواربي — دار الروضة — لبنان.

— المشكلة اللغوية العربية — سمر روهي فيصل — دار جروس برس — طرابلس — لبنان — ۱۹۹۲.

— لغات عربية — دکتر أمين البرت الريحاني — دار الجديد — بيروت — ۱۹۹۴.

— الإتيقان — السيوطي — عالم الكتب — بيروت.

— نحو بلاغة جديدة — دکتر خليل كفوري — منشورات نداف — لبنان — ۱۹۹۴.

— مقالات مجلة "الدراسات الأدبية" — لبنان.

— قطاع تيار التفاعل بين الأدبين الفارسي والعربي — د. صلاح الصاوي — مؤسسة الهدى — بيروت — ۱۹۹۰.

— التشيع بين جبل عامل وإيران — علي مروّة — رياض الريس للكتب والنشر — بيروت.

— تيارات ثقافية بين العرب والفرس.

— ضحي الإسلام — د. أحمد أمين — لجنة التأليف والترجمة والنشر — ناث هفتم — قاهره — البصاير والنظائر — ابو حيان التو



